

رجال عصر پهلوی

سید حسن زاده تقی

به روایت اسناد ساواک



بیستمین سال تأسیس وزارت اطلاعات
را گرامی می‌داریم



مرکز بررسی اسناد تاریخی

www.historydocument.org

ISBN 964-8145-00-8

شابک ۸-۰۰-۸۱۴۵-۹۶۴

قیمت : ۱۴۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رجال عصر پهلوی
به روایت اسناد ساواک
سیدحسن تقی زاده

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

زمستان ۱۳۸۳

رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک: سیدحسین تقی‌زاده
[تدوین بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات] - تهران:
وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۳.

۲۸۵ ص. - مصور
۱۴۰۰۰ ریال 8 - 00 - 8145 - 964 ISBN

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. تقی‌زاده، حسن، ۱۲۵۶ - ۱۳۴۸.

۲. سیاستمداران ایرانی - قرن ۱۴ - اسناد و مدارک.

۳. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - اسناد

و مدارک. الف. ایران. وزارت اطلاعات. مرکز بررسی اسناد تاریخی

۹۵۵/۰۸۲۰۹۲

DSR ۱۴۸۶ / ۷ ر ۳

۳۴۸۵۱ - ۸۲ م

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه

رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک

سیدحسین تقی‌زاده

ناشر: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۸ - ۰۰ - ۸۱۴۵ - ۹۶۴

8 - 00 - 8145 - 964 ISBN

<http://WWW.historydocument.Org>

e-mail: Cihd@.historydocument

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
پنج	سخن ناشر
هفت	مقدمه
۱	اسناد
۱۹۶	فهرست اعلام
۲۱۷	ضمائم
۲۵۵	عکس‌ها

سخن ناشر

مرکز بررسی اسناد تاریخی در راستای هدف محوری خود که روشن نمودن زوایای تاریک تاریخ معاصر می‌باشد، در جهت آگاهی رساندن به پژوهشگران، محققان مسائل تاریخی، سیاسی، اجتماعی اسناد سید حسن تقی‌زاده که گویای بخشی ناچیز از واقعیت‌های نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ تا اواسط دهه ۱۳۴۰ از عمر نود ساله وی می‌باشد به دست چاپ و انتشار سپرده است.

گسترده‌گی فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تقی‌زاده افزون از دهها کتاب اسنادی می‌باشد که بخشی از آن را باید از مجموعه اسناد دوران مشروطیت، اقامت در برلین، ارتباط با ادوارد برون انگلیسی و ... حضور در آمریکا و نهایتاً در اسناد دربار (۱۳۰۰ - ۱۳۲۰) و در وزارت اقتصاد و دارائی وزارت امور خارجه «جُست» آن چه در بایگانی «انگلستان»، «آلمان»، «آمریکا» می‌باشد. بعید است منتشر و در دسترس مورخان قرار گیرد! خاصه دولت بریتانیا به دلیل خدمات مستمر تقی‌زاده به لندن و تشکیلات فراماسونری که مدتها «استاد اعظم» بودن را، عهده‌دار بوده نشر دهد. و این مشکلی جدی برای مورخان معاصر است که با فقر سند مواجه هستند. به هر صورت آن چه تاکنون به عنوان «پرونده تقی‌زاده» در «ساواک» موجود بود، منتشر می‌شود. امید است این مجموعه ناچیز دستمایه‌ای برای محققان ژرف اندیش باشد تا بخشی از کارنامه «رجال» عصر پهلوی را روشن نماید. بعید نیست که در آینده اسنادی از وی در مجموعه‌های:

دولت‌های عصر پهلوی، مجلس شورای ملی، مجلس سنا، فراماسونری، خاصه اسناد درباره ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ انتشار یابد و در مورد کارنامه و شخصیت تقی‌زاده و زوایایی را روشن کند.

امید آن که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در سری اسناد دیپلماتیک، اسناد دوران تصدی سفارت ایران در لندن (اوائل دهه ۱۳۲۰) و ... منتشر نماید.

بسمه تعالی

سیدحسن تقی‌زاده در ۲۹ رمضان ۱۲۹۵ ق در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. پدرش سیدتقی اردوبادی، امام جماعت یکی از مساجد تبریز بود. در کودکی خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را آموخت و پس از فراگیری مقدمات و علوم متداول حوزوی، به تحصیل علوم عقلی، ریاضیات، نجوم و هیأت پرداخت و در کنار آن زبان فرانسه و علوم جدید را نیز آموخت. چنانکه خود گفته از حدود شانزده سالگی از نظام آموزشی متداول حوزوی دلسرد شد و بتدریج از آن روی برتافت.^۱

در اوایل بیست سالگی با مطالعه آثار میرزا عبدالرحیم طالبوف، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و روزنامه‌های تجددخواه فارسی خارج از کشور و نیز کتاب‌های جدید عربی و ترکی که در مصر و عثمانی منتشر می‌شد با اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی نوین اروپایی آشنا شد و تمایلات ضداستبدادی و آزادیخواهی در او شعله‌ور گردید.^۲

در ۱۳۱۹ ق به منظور ترویج معارف جدید اروپایی در کشور، با تلاش تنی چند از دوستان همفکرش به تأسیس «مدرسه تربیت» در تبریز اقدام کرد، اما بر اثر مخالفت برخی از روحانیون، ناکام ماند و همگی پراکنده شدند. این گروه کتاب‌ها و نشریاتی را که عموماً از مصر و عثمانی می‌رسید مطالعه نموده و پیرامون مباحث جدید آن بحث و گفت‌وگو می‌کردند و به دنبال آن کتابفروشی تربیت را در تبریز دایر نمودند که محل تجمع روشنفکران آن روز تبریز بود.^۳ در ۱۳۲۰ ق تقی‌زاده با همکاری چند تن از دوستان همفکرش مجله گنجینه فنون را انتشار داد که پس از گذشت هیجده ماه از انتشار آن و به دنبال سفرش به خارج از کشور تعطیل شد و از ۱۳۲۲ تا شعبان ۱۳۲۳ ق در قفقاز، عثمانی و مصر به سیر و سفر پرداخت و با برخی از تجددخواهان معروف آن سرزمین‌ها گفت‌وگو کرد. رساله انتقادی تاریخ احوال کنونی ایران یا

محاکات تاریخی، محصول سفر او به مصر بود که در همان کشور به چاپ رسید.^۴ بازگشت او به ایران (شعبان ۱۳۲۳ ق)، مقارن با رشد و گسترش جنبش مشروطه‌خواهی در کشور بود و آذربایجان نیز از کانون‌های اصلی و گرم جنبش به شمار می‌رفت. وی چنانکه انتظار می‌رفت، به زودی به جنبش پیوست و از رهبران بسیار پرشور و مدافع مشروطه در آذربایجان گردید و در نخستین انتخابات مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده تبریز (از سوی صنف تجار) انتخاب شد و روانه تهران گردید.^۵ به گفته کسروی، نمایندگان آذربایجان، به رهبری تقی‌زاده، گروه تندرو مجلس را تشکیل می‌دادند.^۶ تقی‌زاده بی‌پروا از شاه و نظام استبدادی قاجار انتقاد می‌کرد، «امین‌السلطان»، صدراعظم را «خائن‌السلطان» و وطن‌فروش می‌نامید.^۷ از اصلاحات وسیع و عمیق در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در حمایت از محرومان حمایت می‌کرد، از تمایز میان شرع و عرف سخن می‌گفت و از مبانی عرفی قانون اساسی به شدت دفاع می‌کرد^۸ و سخت کوشش داشت تا نظام مجلس ایران را همانند مجلس فرانسه و انگلیس سازد.^۹

وی از سوی مجلس به عنوان یکی از اعضای کمیسیون «تدوین متمم قانون اساسی» انتخاب شد.^{۱۰} این کمیسیون مأموریت داشت تا با تدوین متمم، کمبودهای قانون اساسی را برطرف کند. ریاست این کمیسیون با میرزا جوادخان سعدالدوله بود که در بلژیک به عضویت لژ فراماسونی درآمد بود و سه نفر دیگر، از جمله تقی‌زاده، نیز فراماسون و جزو «لژ بیداری ایران» بودند.^{۱۱} پس از تدوین متمم - که ترجمه‌ای از قانون‌های اساسی فرانسه و بلژیک بود - مجلس کمیسیون مکاتبه‌ای مرکب از علما، از جمله حاج شیخ فضل‌الله نوری تشکیل داد تا متمم را با موازین اسلامی تطبیق دهند تا بدین ترتیب انتقاد و بدگمانی علما نیز برطرف شود.^{۱۲} اقلیت تندرو مجلس به رهبری تقی‌زاده، مخالف هرگونه دخل و تصرفی توسط علما در متمم بود. از همین رو بود که وی و دیگر نمایندگان آذربایجان با اصل دوم پیشنهادی حاج شیخ فضل‌الله شدیداً مخالفت نمودند.^{۱۳} گرچه او بارها می‌کوشید تا با دفاع از اسلام و مشروطیت، منظور اصلی خود را پنهان سازد،^{۱۴} اما بسیاری از نمایندگان و مردم او را به خاطر مخالفتش با نظارت علما، بی‌دین می‌دانستند.^{۱۵} تقی‌زاده با ارسال تلگراف و نامه‌های رمزی به تبریز، انجمن آذربایجان را در جریان کار مجلس قرار می‌داد و آنها را به بستن بازار و دکانین و تحصن در تلگرافخانه و... دعوت می‌نمود و از سوی دیگر وانمود می‌کرد که در برابر موکلین خود که خواهان تصویب فوری متمم قانون هستند کاری نمی‌تواند انجام دهد. وی گرچه یک بار آشوب مردم تبریز را محکوم کرد،^{۱۶} اما بعدها اعتراف نمود اغتشاشی که یک هفته در تبریز به طول انجامید، به تحریک او بوده است.^{۱۷}

وی و دیگر نمایندگان آذربایجان، کمیسیون مطابقه را حیلہ دربار و به نفع محمدعلی شاه می‌دانستند و

از این رو اهالی آذربایجان را به مطالبه و یا تصویب فوری متمم - بدون دخل و تصرف کمیسیون مطابقه - تحریک می‌کردند.^{۱۸} به نوشته کسروی، نمایندگان آذربایجان قانون اساسی مشروطه‌ای را که در تمام دولت‌های مشروطه اروپایی جاری بود می‌خواستند و این خواست خود را آشکارا بر زبان می‌راندند.^{۱۹} همین گونه سخنان بود که بدگمانی و خشم علمای مؤثر در جنبش را بر ضد تقی‌زاده و نمایندگان و دولتمردان تجددخواه لائیک کشور برمی‌انگیخت. در جریان قتل اتابک هم تقی‌زاده و انجمن آذربایجان، متهم به دخالت در قتل شدند، گرچه او این اتهام را قبول نداشت.^{۲۰}

تعارض و درگیری میان اقلیت مجلس با دولت و دربار سبب شد تا شاه و دربار تصمیم گرفتند تا با از میان برداشتن مجلس، بساط مشروطه را برای همیشه از میان بردارند؛ به ویژه آنکه پس از قرارداد ۳۱ اوت ۱۹۰۷ / ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ق، میان روسیه و انگلستان - که به موجب مفادی از آن، دو کشور به اختلافات خود در ایران پایان داده و کشور را به دو منطقه نفوذ خویش تقسیم می‌کردند - دیگر انگلستان برخلاف گذشته، خود را ملزم به حمایت از مشروطه در ایران که تهدیدی علیه روسیه بود، نمی‌دید و از شاه در برابر مجلس حمایت کرد. پس از این واقعه، هنگامی که در مجلس، از قانون‌شکنی‌های شاه سخن به میان می‌آمد، تقی‌زاده برخلاف انتظار و رویه گذشته‌اش، از سخنان تند و انتقادی نمایندگان جلوگیری می‌کرد.^{۲۱} سرانجام محمدعلی شاه با پشتیبانی روسیه و موافقت انگلستان، تصمیم به نابودی مجلس گرفت.

گرچه تقی‌زاده، دیگران را به مقاومت و جنگ در برابر شاه تشویق می‌کرد اما در روز نبرد به سفارت انگلستان در تهران پناهنده شد^{۲۲} و از همین رو مورد شماتت بسیاری از آزادیخواهان واقع شد. احمد کسروی با اشاره به این واقعه، او را «افزار کار بیگانگان» می‌نامد که با دستور سفارت انگلستان کار می‌کرد.^{۲۳} تقی‌زاده، دهخدا و جمعی دیگر سرانجام با وساطت سفارت انگلستان از مرگ نجات یافتند و تبعید شدند. تقی‌زاده و همراهانش را تحت‌الحفظ تا بندر انزلی بردند و از آنجا روانه باکو کردند.^{۲۴} علاوه بر حمایت سفارت انگلستان، عوامل فراماسون (لژ بیداری ایران) نیز در رهایی تقی‌زاده و برخی دیگر از پناهندگان و سپس همراهی با آنان در ایام تبعید، نقش بسزایی ایفا کردند.^{۲۵}

به نظر می‌رسد که در نخستین دوره مجلس و به دنبال نطق‌های تند و مدافعات پرشور او از آزادی که سبب شهرت وی گردید، نظر مأموران سفارتخانه‌های خارجی به سوی وی جلب شد^{۲۶} و در همان ایام نیز وارد لژهای فراماسونری شد. قدیمی‌ترین سندی که حاکی از عضویت او در «لژ بیداری ایران» است، مورخ ماه مه ۱۹۰۷ م / ربیع‌الاول - ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق است.^{۲۷} در سند دیگری به تاریخ ۱۰/۱/۱۹۰۸ (۶ ذیحجه ۱۳۲۵ ق)، از اعضای لژ بیداری ایران درخواست ارتقا به «مرتبه رفاقت» می‌کند. تقی‌زاده از اعضای مهم و مؤثر در تشکلات فراماسونری بود و بتدریج به بالاترین مقام، یعنی «استاد اعظم»ی ارتقا یافت.^{۲۸}

بسیاری از دوستان و یاران او در عرصه سیاسی سال‌های بعد، چه در داخل و چه خارج از کشور، همگی از فراماسون‌های برجسته بودند. به هر روی او پس از تبعید از ایران، نخست به فرانسه و سپس به انگلستان رفت و در این کشور با همفکری و همکاری ادوارد براون، ایرانشناس انگلیسی به کار در کتابخانه مشغول شد.

با اوج‌گیری قیام مردم تبریز به رهبری ستارخان و امکان قریب‌الوقوع پیروزی او و فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، وی در ذیحجه ۱۳۲۶ ق وارد تبریز شد و در انجمن ایالتی سخنرانی کرد. اما این بار برخلاف گذشته، وی مبارزان آذربایجانی (مجاهدان) را از هرگونه تندروی و تعدی بازداشت.^{۲۹} البته دقیقاً روشن نیست که آیا مشی جدید او، حاصل تجربیات تلخ گذشته اوست و یا در راستای منافع انگلستان بوده است؟ قدر مسلم آنست که در آن ایام، انگلستان و روسیه به دنبال قرارداد ۱۹۰۷، از رژیم محمدعلی شاه حمایت می‌کردند و حاضر نبودند قیام مردمی تبریز به رهبری ستارخان، که قویاً مورد حمایت مراجع مشروطه‌خواه نجف قرار داشت، فراگیر شده و منجر به سرنگونی محمدعلی شاه و پیروزی هواداران مراجع مذکور شود. چنانکه در تواریخ معتبر مشروطه مضبوط است، سیاست انگلستان و روسیه در این دوره محصور کردن و سرکوب قیام تبریز توسط محمدعلی شاه بود و چون شاه موفق به سرکوبی قیام مردمی تبریز نگردید و احتمال شعله‌ور شدن قیام در دیگر شهرها می‌رفت، انگلستان و روسیه درصدد برآمدند تا عوامل سرسپرده خود (سردار اسعد بختیاری عامل انگلیس‌ها و محمد ولیخان تنکابنی، عامل روسیه) را وادار کنند تا علم مشروطه‌خواهی را برافرازند و بر موج مخالفت ضد شاه سوار شده، تهران را فتح کرده و کرسی‌های قدرت را میان عوامل خود تقسیم کنند. چنین نیز شد.

پس از فتح تهران در ۱۳۲۷ ق، تقی‌زاده به عضویت «هیأت مدیره موقت» درآمد.^{۳۰} وی از اعضای مؤثر این هیأت بود. وظیفه هیأت، اداره امور کشور تا تشکیل دولت جدید بود. به دستور همین هیأت بود که حاج شیخ فضل‌الله نوری، از رهبران روحانی مشروطه، در دادگاهی فرمایشی به ریاست یپریم خان ارمنی محاکمه و محکوم گردید و به دار آویخته شد^{۳۱} و در عوض مستبدینی مانند عین‌الدوله، که از مخالفان قسم‌خورده مشروطه بود و تا مدتی پیش از آن جزو محاصره‌کنندگان تبریز بود، مورد عفو هیأت قرار گرفت.^{۳۲} تقی‌زاده در دومین دور انتخابات مجلس شورای ملی به عنوان نماینده مردم تبریز به مجلس راه یافت. در این دوره وی رهبری جناح تندرو (دموکرات) در برابر جناح محافظه‌کار (اعتدالیون) را بر عهده داشت. اختلاف دموکرات‌ها با اعتدالیون تنها بر سر شیوه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نبود، بلکه آنان آشکارتر از دوره گذشته به عرفی بودن قوانین تأکید می‌ورزیدند. مطلب اخیر که به تفکیک قوانین شرعی از قوانین عرفی می‌انجامید و نیز عدم مداخله علما و روحانیون را در امور سیاسی به دنبال داشت، طبعاً موجب رنجیدگی و اعتراض علمای مشروطه‌خواهی مانند سیدعبدالله بهبهانی بود. همین عامل، موجب

نوعی نزدیکی و اشتراک نظر میان اعتدالیون و بهبهانی در انتقاد از دموکرات‌ها گردید.

در جریان این کشمکش، بهبهانی ترور شد و به شهادت رسید. با توجه به انتقادات تند دموکرات‌ها از بهبهانی و نیز تهدیدات قبلی انجمن‌های مخفی وابسته به آنها، تقی‌زاده که از رهبران دموکرات‌ها و گرداننده اصلی این انجمن‌ها بود، به آمریت و یا شرکت در قتل متهم گردید. بسیاری او را مسبب اصلی این قتل دانستند.^{۳۳} مراجع مشروطه‌خواه نجف (آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی) طی تلگرافی که به مجلس شورای ملی و کابینه مخابره کردند، اظهار داشتند که: «چون ضدیت مسلک سیدحسن تقی‌زاده که جداً تعقیب نموده است با اسلامیت مملکت و قوانین شریعت مقدسه، بر خود داعیان ثابت، و از مکنونات فاسده‌اش علناً پرده برداشته است، لذا از عضویت مجلس مقدس ملی و قابلیت امانت نوعیه لازمه آن مقام منیع، بالکلیه خارج و قانوناً و شرعاً منعزل است. منعی از دخول در مجلس [شورای] ملی و مداخله در امور مملکت و ملت بر عموم آقایان علماء اعلام و اولیاء امور و امناء دارالشورای کبری و قاطبه امرا و سرداران عظام و آحاد عساکر معظمه ملیه و طبقات ملت ایران آیدهم الله بنصره العزیز، واجب و تبعیدش از مملکت ایران، فوراً لازم و اندک مسامحه و تهاون، حرام و دشمنی با صاحب شریعت (ع) [است].»^{۳۴}

به دنبال جوّ مخالفی که بر ضد تقی‌زاده به راه افتاده بود، چنین شایع شد که علمای مذکور، او را «تکفیر» کرده‌اند، اما آنها طی اعلامیه مشترکی که صادر کردند، اعلام داشتند که حکم آنان تکفیر نبوده، «بلکه حکم به فساد مسلک سیاسی و منافات مسلکش با اسلامیت مملکت بود.»^{۳۵}

تقی‌زاده ناگزیر، ایران را ترک کرد و عازم استانبول شد (ذیحجه ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰) و حدود هجده ماه در آن شهر اقامت نمود و با متجددان عثمانی دیدار و گفت‌وگو کرد، سپس به دعوت سردار اسعد بختیاری به پاریس رفت و حدود دوالی سه هفته در آن شهر به سر برد.^{۳۶} طی همین سفر، مسافرتی نیز به لندن کرد و بار دیگر به پاریس برگشت. در همین ایام که تقی‌زاده در اروپا به سر می‌برد، دولت روسیه در ۷ ذیحجه ۱۳۲۹ ق طی اولتیماتوم دو روزه‌ای به دولت ایران، خواستار خروج مستشاران خارجی (مورگان شوستر امریکایی و سرهنگ یالمارسن سوئدی) از ایران شد و به دولت ایران هشدار داد که از آن پس بدون اطلاع روسیه و انگلستان، مستشاران خارجی را به کار نگیرد.

این اولتیماتوم که توهین بزرگی به ملت ایران و نقض آشکار استقلال سیاسی ایران به شمار می‌رفت، موجی از خشم و نفرت در سراسر کشور پدید آورد. در مجلس و بیرون از آن، شیخ محمد خیابانی که از دوستان و همفکران نزدیک تقی‌زاده و از اعضای مؤثر حزب دموکرات بود، با شجاعت بی‌نظیری به مخالفت با آن برخاست، اما تقی‌زاده که رهبری حزب را بر عهده داشت، طی نامه‌ای که از اروپا برای وثوق‌الدوله (وزیر خارجه و مغز متفکر دولت) نوشت، از او خواست تا دولت و مجلس، اولتیماتوم را قبول

کرده و از روس‌ها عذرخواهی نمایند.^{۳۷}

در مدت اقامت تقی‌زاده در پاریس، وی دو بار با عباس افندی (عبدالبهاء)، رهبر بهائیان دیدار و گفت‌وگو کرد. در یکی از همین دیدارها، تقی‌زاده از عباس افندی خواست که چون وی آزادیخواه است، لذا به پیروان خود دستور دهد که در مواقع ضروری، از جمله در جریان انتخابات مجلس، با آزادیخواهان مسلمان همکاری نمایند.^{۳۸} او از پاریس به استانبول بازگشت. در آنجا بود که خبر ورود قوای روسیه به ایران و کشتار مردم تبریز و بر دار زدن ثقة‌الاسلام تبریزی را در روز عاشورا شنید (۱۰ محرم ۱۳۳۰ ق / ۳۱ دسامبر ۱۹۱۱).

معلوم نیست که چرا تقی‌زاده در این زمان با وجود شور و وطن پرستی که از خود نشان می‌داد و با این که به دور از فشار و تعقیب دربار ایران و سفارت روسیه به سر می‌برد و با بسیاری از تجددخواهان و روزنامه‌نگاران عثمانی از نزدیک دوستی داشت، مطلبی در محکومیت اقدام تکان‌دهنده روس‌ها در تبریز - که دو دوره نمایندگی آنجا را در مجلس داشت - در جراید عثمانی نوشت و منتشر نکرد و یا با ایراد سخنانی، در محافل «ترکان جوان» و دیگر محافل روشنفکری، جنایت روس‌ها را محکوم ننمود؟

تقی‌زاده در سومین دور انتخابات مجلس، از طرف مردم تبریز غیاباً به عنوان نماینده انتخاب شد، اما او نمایندگی را نپذیرفت و در جمادی‌الآخر ۱۳۳۱ ق / مه ۱۹۱۳ از انگلستان عازم آمریکا شد و حدود دو سال در آنجا اقامت کرد.^{۳۹}

با آغاز جنگ جهانی اول، تقی‌زاده آمریکا را - که به دور از جنگ خانمانسوز اروپا بود - به قصد آلمان (کانون اصلی جنگ) ترک کرد و در ۲۹ دسامبر ۱۹۱۴ / ۱۱ صفر ۱۳۳۳ ق وارد برلین شد و حدود نه سال در آن کشور اقامت کرد. پیرامون انگیزه واقعی تقی‌زاده در این دوره بحرانی دو روایت متفاوت وجود دارد. به روایت اول، «دولت آلمان که می‌خواست سیاست‌های روسیه و انگلستان را خنثی کند و نقشه‌های نظامی خود را در همه نواحی محاربه و از جمله در خاورمیانه و ایران، به اجرا گذارد، برقراری تماس گسترده‌ای را با همه کسانی که می‌توانستند با این سیاست همراه باشند آغاز کرد. تلاش در راه احراز هویتی ملی برای ایرانیان، بخشی از همان سیاست کلی آلمان بود. در میان ایرانیانی که در دوره استبداد صغیر و نیز از وحشت روس‌ها در ایران از کشور گریخته بودند، ظاهراً از نظر دولت آلمان، تقی‌زاده مؤثر و مفیدتر از همه بود [...] مقامات آلمانی در آمریکا محرمانه با تقی‌زاده تماس گرفتند [...]». تقی‌زاده با گذرنامه جعلی و نوشته‌ای رمزی خطاب به سفیر آلمان در هلند و با کشتی هلندی در ۱۱ صفر ۱۳۳۳ ق / ۲۹ دسامبر ۱۹۱۴ از آمریکا خارج و پس از دو هفته سفر دریایی و از راه هلند وارد برلین شد.^{۴۰}

به روایت دوم «با شروع جنگ جهانی اول، استعمار انگلیس به تجدید سازمان سرویس اطلاعاتی خود دست زد و «اداره ششم اطلاعات نظامی» (MI-6)، شبکه‌های جاسوسی گسترده‌ی ماوراء بحار بریتانیا

را تحت پوشش گرفت. ایران به دلیل اهمیت استراتژیک آن و نیز به دلیل تقوُّد وسیعی که آلمان به سرعت در آن کسب می‌کرد و عامل اصلی آن، نفرت مردم از روسیه و انگلیس بود، طبعاً یکی از مهمترین عرصه‌های فعالیت اینتلیجنس سرویس انگلستان در مرحله جدید فعالیت آن به شمار می‌رفت. یکی از مهمترین ابعاد این فعالیت، نفوذ پنهان شبکه جاسوسی انگلیس در حرکت‌های ملیون ایرانی و نهادهای دولتی و نظامی آلمان (و سایر سفارتخانه‌های خارجی) در ایران بود. به همین دلیل است که در دوران جنگ اول جهانی از سوئی شاهد حضور افرادی چون حسینقلی خان نواب و سیدحسن تقی‌زاده در برلین و «ملی» و آلمانوفیل شدن این چهره‌های سرشناس بریتانیا هستیم و از سوی دیگر عناصری چون احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله) را در سمت منشی اول سفارت آلمان در تهران می‌یابیم. بعدها در سال‌های ۱۳۲۰ [ش]، نقش سپهر به عنوان عامل اینتلیجنس سرویس روشن شد...»^{۴۱}

به نظر می‌رسد به دلایل زیر روایت دوم درست باشد:

۱. گذری سریع به سوابق سیاسی نواب و تقی‌زاده نشان می‌دهد که آن دو از انگلوفیل‌های شناخته شده بودند. «اعقاب حسینقلی خان (۱۲۸۶ - ۱۳۲۴ ش) همگی در خدمت سفارت انگلستان بودند. او تحصیلات خود را در هند، لندن و پاریس به پایان رسانید و در سال ۱۸۸۲ م / ۱۳۰۰ ق به تهران آمد و در مشاغل وابسته به دستگاه انگلیسی‌ها خدمت نمود. مدتی مدیر ایرانی بانک شرقی انگلیس بود و مدتی عضو اداره انحصار دخانیات (رزی). او از عوامل مؤثر در انعقاد قرارداد رزی بود. حسینقلی نواب از سال ۱۳۰۸ ق تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه، نایب و مترجم اول سفارت ایران در لندن بود. او در حوادث مشروطه، نقش فعالی ایفا کرد و در مجلس اول (۱۳۲۴ ق) نماینده تهران شد.

نواب در سال ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ ق از بنیانگذاران «لزبیداری ایران» بود. او در دوره دوم (۱۳۲۷ ق) نیز از تهران نماینده بود و در مبارزه با محمدعلی شاه نقش مؤثر داشت. در زمان فتح تهران و خلع محمدعلی شاه در کنار افرادی چون محمد ولیخان تنکابنی، سردار اسعد بختیاری، مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله، سیدحسن تقی‌زاده، حسن وثوق‌الدوله، ابراهیم حکیم‌الملک، سردار محیی و غیره، عضو کمیته هیأت مدیره تهران شد و به گفته مهدی بامداد، تقریباً «مدیر تهران» بود [...] او در کابینه مستوفی (۱۳۲۸ ق)، وزیر امور خارجه شد ولی پس از چندی به علت فشار روس‌ها کناره گرفت. در سال ۱۹۱۱ / ۱۳۳۰ ق به اروپا سفر کرد و در پاریس بود. با آغاز جنگ جهانی اول، وزیر مختار دولت ایران در برلین شد... نواب و تقی‌زاده به عنوان رهبران «ملیون» ایرانی با آلمانی‌ها از سویی و با بلشویک‌های روس و قفقاز (از جمله حیدر عمواغلی) از سوی دیگر روابط نزدیک برقرار کردند.»^{۴۲}

تقی‌زاده نیز از هواداران جدی سیاست انگلیس در ایران بود. گروهی از مورخان نامدار ایرانی مانند

احمد کسروی، اسماعیل رائین و فریدون آدمیت تمایلات و حتی سرسپردگی او را به انگلیس در دوران طولانی فعالیت‌های سیاسی‌اش در داخل و خارج از کشور سخت نکوهش کرده‌اند. تقی‌زاده نیز گرچه بعدها این اتهام را در مجامع و محافل سیاسی عمومی رد کرد، اما در محافل خصوصی و خودی بدان مطلب اعتراف داشت. در حدود سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ ش و چند سال پس از تثبیت سلطه و نفوذ سیاسی امریکا در ایران، وی در یک گفت‌وگوی دوستانه در جمع انوشیروان سیهبدی، معاون‌الدوله غفاری و اسفندیار بزرگمهر در اتریش، آشکارا گفت: «... در زمان قاجاریه و بعد، تا جنگ بین‌الملل دوم که پای امریکا هنوز به ایران باز نشده بود، تنها دو سیاست در ایران حکومت داشت: روس و انگلیس. ما از ازدها به مار پناه برده بودیم. چاره‌ای هم نداشتیم، زیرا روس‌ها را برای خود دشمن قوی‌تری می‌دانستیم و لاجرم به طرف انگلیسی‌ها متمایل بودیم و راست است که انگلیسی‌ها در این موقع حساس، زاید بر اندازه از این موقعیت سوءاستفاده کردند و دامنه نفوذ خود را گسترش دادند، اما به هر حال اغلب رجال آنوقت، به خاطر مصالح مملکت با انگلیسی‌ها همکاری می‌کردند.»^{۴۳}

تقی‌زاده وابستگی و بلکه سرسپردگی خود را به انگلیس، به بهانه خطر روس‌ها ادامه داد و پس از سرنگونی حکومت تزارها در روسیه و لغو همه قراردادهای استعماری گذشته آن کشور با ایران توسط دولت نوین شوروی، بار دیگر به بهانه خطر «شوروی»، سرسپردگی خویش را به انگلستان همچنان حفظ کرد و حال آنکه مرام و مسلک به ظاهر انقلابی او که دارای گرایش‌های سوسیالیستی بود^{۴۴} و خواستار اصلاحات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور به نفع طبقات محروم و نفی مداخلات خارجی و پاسداری از استقلال ملی بود، وجوه اشتراک فراوانی با آرمان‌های انقلابی دولت جدید شوروی داشت و اقتضا می‌کرد که دموکرات‌ها به رهبری وی خواهان روابط گسترده و همه‌جانبه‌ای با آن دولت باشند. مراتب وابستگی و انگلوفیلی او به اندازه‌ای بارز و آشکار بود و اشتهار داشت که نه تنها خشم منتقدان سیاسی جدی او همچون دکتر مصدق را برانگیخت، بلکه حتی موجب طعن و ریشخند رضاخان نیز واقع شد. تقی‌زاده در یکی از خاطرات خود، می‌گوید: «... روزی رضاشاه به من گفت: تو از انگلیسی‌ها چه دیده‌ای که اینقدر از آنها طرفداری می‌کنی؟ گفتم: قربان، من از آنها طرفداری نمی‌کنم، ولی آیا باید به دامن شوروی بیاویزیم؟ من مواظب انگلیسی‌ها هستم [!]. از آنها باید برای رفع مشکلات کمک بخواهیم ولی در عین حال باید مراقبت کرد که آنها منافع ما را زیر پا نگذارند [...] رضاشاه خنده‌ای کرد و گفت: درس خودت را خوب بلد هستی.»^{۴۵}

از آن گذشته در طول نه سال اقامت تقی‌زاده در آلمان (از ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۴ م / ۱۳۰۳ ش) به ویژه در طول جنگ و پس از آن، قیام‌های سیاسی - نظامی مردمی ضد انگلیسی در جنوب و شمال ایران به رهبری

رئیس علی دلواری و میرزا کوچک جنگلی و نیز در عراق به رهبری میرزا محمدتقی شیرازی جریان داشت. در همه شماره‌های روزنامه «کاوه» (به مدیریت وی) که در آن سال‌ها در آلمان منتشر می‌شد، کمترین اشاره‌ای به این حرکت‌های مردمی نشده است و حال آنکه وی در آن زمان در رأس «کمیته ملیون ایرانی» قرار داشت و جمعی از ایرانیان ملی‌گرا را از نقاط مختلف به برلین جمع کرده بود و «هدف اصلی آن بسیج کردن نیروهای سیاسی موجود در ایران به کمک آلمان و آزاد کردن ایران از اشغال نیروهای اشغالگر [؟] بود.»^{۴۶}

در طول سال‌های جنگ او به عنوان مبارزه سیاسی و آزادی کشور از اشغال نیروهای بیگانه، سفرهای متعددی به کشورهای اروپایی کرد و با برخی شخصیت‌های سیاسی دیدار و گفت‌وگو داشت. پس از پایان جنگ که به شکست آلمان انجامید، تقی‌زاده مشی جدید روزنامه کاوه را صرفاً فرهنگی و ترویج فرهنگ و آداب و رسوم اروپایی اعلام کرد:

«روزنامه کاوه زاینده از جنگ بود و لهذا روش این روزنامه نیز با موقع جنگ متناسب بود و حالا که جنگ ختم شده و صلح بین‌المللی در رسید، کاوه نیز دوره جنگی خود را ختم شده می‌داند و یک دوره صلحی شروع می‌کند [...] در واقع روزنامه تازه‌ای می‌شود که مندرجات آن بیشتر مقالات علمی و ادبی و تاریخی خواهد بود [...]».

به عقیده نویسنده این سطور، امروز چیزی که به حد اعلاء برای ایران لازم است و هم وطن‌دوستان ایران با تمام قوی (تحت‌الحفظ) باید در راه آن بکوشند و آن را بر هر چیز مقدم دارند، سه چیز است که هرچه درباره شدت لزوم آن مبالغه شود، کمتر از حقیقت گفته شده: نخست، قبول و ترویج تمدن اروپا بلا شرط و قید، و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا (جز از زبان) و کنار گذاشتن هر نوع خودپسندی و ایرادات بی‌معنی که از معنی غلط وطن‌پرستی ناشی می‌شود و آن را وطن‌پرستی کاذب می‌توان خواند؛ دوم، اهتمام بلیغ در حفظ زبان و ادبیات فارسی و ترقی و توسعه و تعمیم آن؛ سوم، نشر علوم فرنگ و اقبال عمومی به تأسیس مدارس و تعمیم تعلیم حِرَف [و تقدیم] تمام منابع قوای مادی و معنوی [برای رسیدن به آن]. این است عقیده نگارنده این سطور در خط خدمت به ایران و همچنین رأی آنان که به واسطه تجارب علمی و سیاسی زیر با نویسنده هم عقیده‌اند:

ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و پس...^{۴۷}

پس از استبداد صغیر، تقی‌زاده به مأموریت‌های سیاسی متعددی رفت که از جمله آنها مأموریت به مسکو پیرامون انعقاد معاهده تجاری میان ایران و روسیه بود. این سفر هیجده ماه به طول انجامید. وی همچنین در چهارمین دوره انتخابات مجلس که پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ ش برگزار شد، غیاباً به

عنوان نماینده مردم تبریز انتخاب شد، اما نپذیرفت و به ایران نیامد و در همان آلمان ماند و در آنجا با زنی آلمانی ازدواج کرد.

تقی زاده در پنجمین دوره انتخابات مجلس - که به انقراض سلسله قاجاریه و تغییر سلطنت به رضاخان انجامید - از سوی مردم تبریز به نمایندگی انتخاب شد. به همین منظور وی در تابستان ۱۳۰۳ ش به ایران آمد. در طول چند سال پیش از آن تحولات سیاسی مهمی در کشور رخ داده بود که از همه مهمتر کودتای رضاخان و صعود گام به گام او به نردبان قدرت و از میان بردن رقبا و منتقدان سیاسی در داخل و خارج از مجلس و اعمال نفوذ در مجلس از طریق نمایندگان تحمیلی و تطمیع، یا تهدید و یا منافع ساختن نمایندگان مستقل در برابر قدرت طلبی های خود بود.

به نوشته دولت آبادی، وی پس از ورود به کشور، جزو مشاوران مخصوص رضاخان درآمد که در جلساتی که هفته ای یک و یا دو بار تشکیل می شد، در تصمیم گیری های مهم سیاسی به رضاخان رهنمودهای لازم را ارائه می دادند.^{۴۸} در مجلس پنجم، تقی زاده برخلاف ادوار گذشته که نماینده ای سخنور، پر شور، دلیر و ضد استبداد بود، مواضعی کاملاً محافظه کارانه داشت.^{۴۹}

مهمترین موضوع مجلس پنجم، تصمیم گیری بر سر الغای سلطنت قاجار و انتقال سلطنت به رضاخان پهلوی بود. تقی زاده از جمله نمایندگان اقلیت مجلس (مدرس، دکتر مصدق، علا و دولت آبادی) بود که در سخنان معتدلی ضمن برشمردن خدمات رضاخان به کشور، تغییر سلطنت را به مصلحت ندانست و با آن مخالفت کرد.^{۵۰} پس از آن به عنوان قهر تا دو ماه بعد به مجلس نرفت و ظاهراً بیکار ماند و سپس به آلمان رفت.^{۵۱} به گفته تقی زاده، در همین ایام دکتر مصدق به او پیشنهاد کمک مادی بلاعوض کرد،^{۵۲} اما او نپذیرفت و با وجود آنکه به حکومت رضاخان رأی نداده بود، حاضر به همکاری با آن شد.

دوره ششم مجلس شورای ملی که پس از تثبیت سلطنت رضاخان و زیر نظر کامل مأموران نظامی انجام شد، سبب گردید تا برخی از نمایندگان مستقل از نامزدی نمایندگی منصرف شوند و افرادی نیز چون مدرس - که در ادوار گذشته مجلس، به ویژه دوره پنجم که شدیدترین انتقادهای او را از به سلطنت رسیدن رضاخان کرده بود - حتی یک رأی او نیز خوانده نشود؛ همین امر سبب طنز مشهور او گردید که «لا اقل یک رأیی را که به خودم دادم اعلام می کردید!». در چنین شرایطی، این بار نام تقی زاده به عنوان نماینده منتخب مردم تهران از صندوق های رأی اعلام شد.^{۵۳} پس از پایان نمایندگی در ۱۳۰۷ ش او استاندار خراسان و سال بعد سفیر ایران در انگلستان گردید.^{۵۴} البته جای این سؤال باقی است که اگر - چنانکه خود تقی زاده و حامیان او می گویند - وی در طول جنگ اول جهانی از طرف دولت آلمان، برای هماهنگی میان نیروهای ملی و سازماندهی مبارزات ضد انگلیسی به آن کشور رفته بود و به عنوان چهره ای آلمانوفیل شهرت

داشت، چگونه دولت انگلستان وزیر مختاری او در لندن را بدون هیچگونه قید و شرط سیاسی پذیرفت؟ مأموریت او در لندن چندان به طول نینجامید و پس از گذشت چهار ماه، وزیر دارایی (مالیه) گردید. چنانکه از اسناد برمی آید، او در پذیرش این سمت اکره داشت. در نامه‌ای که در ۲۶ مرداد ۱۳۰۹ ش به رضاشاه نوشت پذیرش آن را منوط به داشتن اختیارات تام و حمایت کامل شاه از خود نمود. در نامه او چنین آمده است:

«قربان خاکپای مبارکت کردم. چون از جان‌نثاری بی‌آلایش و اخلاص صادقانه که نسبت به شخص و ذات ملوکانه دارم، به تفرس باطنی که خداوند در وجود مبارک شاهانه ودیعت گذاشته کمابینی آگاهید، حاجت بدان نمی‌بیند که مراتب جان‌نثاری صمیمانه خود را شرح دهم. از روزی که در شش سال قبل وارد طهران شدم، اعتقاد راسخ خود را به اینکه خداوند شخص همایونی را برای نجات این مملکت برانگیخته، در هر مورد علناً اظهار نمودم. پس از پایان حوزه خدمتم در قوه مقننه و کناره‌گیری از سیاست نیز همواره خود را حاضر خدمت به مملکت در تحت قیادت اعلیحضرت نمودم [...] لکن قبول این مأموریت مهم و پر مسئولیت و پراشکال آخری که وزارت مالیه باشد در این موقع بر چاکر آسان نبود [...] چون کار اصلاحات مالیه در این موقع به قدری با اشکالات فوق‌العاده و گوناگون احاطه شده که برای چاکر شکی نمانده که جز به اتکاء قدرت تامه شخص اعلیحضرت و تقویت بی‌حدود ذات ملوکانه، اصلاح غیرممکن است و شخصی که متصدی کار اصلاح باشد و این وظیفه را به عهده بگیرد حتماً باید دارای اختیارات وسیعه و اقتداری کافی در کار خود باشد [...]».^{۵۵}

وی تا سال ۱۳۱۲ این سمت را بر عهده داشت. البته دقیقاً معلوم نیست که به چه دلایلی وی نامزد این سمت گردید؛ اما مسلم آنست که بحران مالی بی‌سابقه ۱۹۲۹ که امریکا و اروپا را فراگرفت، اثرات مستقیمی بر اقتصاد ایران بر جای گذارد و از سوی دیگر با وجود افزایش سالانه تولید نفت کشور توسط شرکت نفت ایران و انگلیس، درآمد ایران از آن، که یک سوم کل درآمدهای کشور را تشکیل می‌داد.^{۵۶} به نحو چشمگیری کاهش می‌یافت، چنانکه در نخستین سال دارایی تقی‌زاده، با آنکه تولید ایران نسبت به سال پیش از آن حدود ۴۷۰/۰۰۰ تن افزایش داشت اما درآمد ایران ۱۵۰/۰۰۰ لیره کاهش پیدا کرد. سال بعد (۱۳۱۰ ش) نیز فاجعه‌انگیز بود، زیرا اگرچه تولید به نسبت سال‌های قبل به میزان حدود ۱۸۰/۰۰۰ تن کاهش داشت، اما درآمد ایران به کمتر از یک چهارم سال گذشته رسید.^{۵۷} این نوسانات چشمگیر بهای نفت، همه برنامه‌های توسعه بلندپروازانه رضاشاه را عملاً مختل می‌کرد. از همین رو بود که به گفته مصطفی فاتح (برجسته‌ترین مدیر ایرانی شرکت نفت تا پیش از ملی شدن صنعت نفت کشور)، مذاکره پیرامون افزایش درآمد ایران از نفت و لزوم تجدیدنظر در قرارداد داری از همان سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ ش

(یک سال پیش از وزارت دارایی تقی‌زاده) آغاز شد.^{۵۸} این مذاکرات حدود پنج سال به طول انجامید.^{۵۹} این وضعیت، خشم رضاشاه را برانگیخت و موجب شد تا وی از تقی‌زاده که به لحاظ اداری مسئولیت مستقیم داشت، بازخواست کند. گفته خود تقی‌زاده، گویای نگرانی رضاشاه و لاپوشانی و توجیه عملکرد شرکت نفت ایران در آن ایام توسط اوست: «روزی رضاشاه مرا خواست و به من گفت: این انگلیسی‌ها و شرکت نفت، خیلی سر من کلاه گذاشته‌اند. نفت را خودشان استخراج می‌کنند، خودشان تصفیه می‌کنند و خودشان می‌فروشند و ما از هیچ چیز آنان اطلاعی نداریم. آخر سال هم یک صورت حساب ساختگی به ما می‌دهند و تو و کمیسر ما در لندن [عیسی فیض] می‌گویید درست است.»^{۶۰}

به هر روی رضاشاه به دلیل کسر بودجه شدید و احتیاج مبرم به پول بیشتر برای هزینه‌های جاری و نیز - به گفته تقی‌زاده - چون ضمناً میل داشت که انگلیسی‌ها را بترساند و به آنها بفهماند که دیگر مأمور آنها نیست،^{۶۱} و نیز به راه انداختن تبلیغات وسیع به سود خود، با یک صحنه‌سازی قبلی،^{۶۲} در شب ۶ آذر ۱۳۱۱ در جلسه هیأت دولت شرکت کرد و ضمن اعتراض شدید به آنان، به نشانه مخالفت نسبت به قرارداد داری، پرونده نفت را در بخاری انداخت و سوزاند و پیش از ترک جلسه با تشدد به هیأت دولت گفت که امشب نمی‌روید مگر اینکه فسخ قرارداد را اعلام کنید.^{۶۳} تقی‌زاده داستان سوزاندن پرونده نفت را در خاطرات خود دو گونه نقل کرده است: او گاه مانند دیگران می‌گوید که رضاشاه پرونده نفت را در داخل بخاری انداخت و سوزاند^{۶۴} و گاهی نیز اظهار داشته که شاه «یک مشت کاغذ را توی بخاری دیواری انداخت و رفت [و] همه خیال کردند که: پرونده نفت را آتش زده است در صورتی که آنچه در بخاری انداخته بود جز چند نامه متبادله بین شرکت نفت و وزارت مالیه، چیز دیگری نبود که البته رونوشت آنها را داشتیم.»^{۶۵} شاید به دلیل همین تناقضات است که مورخانی مانند جواد شیخ‌الاسلامی بر این باورند که: «خاطرات تقی‌زاده (که در بعضی جاها بسیار مغشوش و مشوش است) به زبان بی‌زبانی گواهی می‌دهد که او اطلاعات بیشتری در این قضیه [نفت] داشته است که آنها را به "علل و دلایلی" که بر ما مجهول است در خاطراتش نیاورده است.»^{۶۶}

در روز ۶ آذر ۱۳۱۱ ش / ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲، تقی‌زاده، وزیر دارایی وقت نامه‌ای به شرکت نفت ایران و انگلیس نوشت و رسماً لغو یکطرفه قرارداد داری را اعلام کرد.^{۶۷} به دنبال اعتراضات، تهدیدات و پیگیری‌های حقوقی شرکت نفت، هیأتی از کشور، مسئول مذاکره با شرکت و عقد قرارداد جدید شد. اعضای این هیأت عبارت بودند از: محمدعلی فروغی (وزیر خارجه)، علی اکبر داور (وزیر دادگستری)، سیدحسن تقی‌زاده (وزیر دارایی) و حسین علاء (رئیس بانک ملی).^{۶۸} پس از چندین بار گفت‌وگو میان دو طرف و پس از گذشت شش ماه، سرانجام قرارداد جدید در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۱۲ به امضا رسید.^{۶۹}

مدت قرارداد جدید ۶۰ سال بود و حال آنکه تا پایان قرارداد داری ۲۸ سال بیشتر باقی نمانده بود. از همه مهمتر آنکه مالکیت حقوقی و منافع مادی ایران در قرارداد داری به مراتب بهتر از قرارداد جدید پیش‌بینی شده بود و از ابهامات حقوقی کمتری برخوردار بود. پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان، نویسندگان و سیاستمداران متعددی در انتقاد از قرارداد جدید سخن گفتند که سخنرانی مشروح و مستدل دکتر مصدق در جلسه ۷ آبان ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی از آن جمله است.^{۷۰}

تقی‌زاده نیز بعدها، در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، لغو قرارداد را از «اشتباهات بزرگ» رضاشاه برشمرد و نحوه الغای آن را «ناگهانی و بی‌مطالعه» دانست که نتیجه آن، «مواد نامطلوب» امتیاز جدید بود و خود را «مسلوب‌الاختیار» و «آلت فعل» دانست و تبرئه نمود.^{۷۱} این برداشت هیچگاه از نظر فعالان سیاسی مقبول واقع نشد و به قول مهدی بامداد، پس از انعقاد قرارداد جدید، وجه او به صفر تنزل کرد و در محافل سیاسی از او به «آلت فعل» یاد کردند.^{۷۲}

برخی از نویسندگان بر این نظرند که تقی‌زاده در زمان تصدی وزارت مالیه، «از اسراف و تبذیر جلوگیری کرد، حدّ‌اعلای صرفه‌جویی تا سرحد امساک در مخارج دولتی را به کار بست [...] و همه چیز را تحت حساب و کتاب بسیار دقیق درآورد».^{۷۳} واقعیت آنست که در طول دوران وزارت او هر سال به طور متوسط بیش از ۴۲٪ از بودجه عمومی دولت به وزارت جنگ اختصاص می‌یافت و کاهش درآمد نفت نیز تأثیری در کاهش اعتبار آن وزارتخانه (به جز سال ۱۳۱۱، به میزان ۱۰٪) نداشت.^{۷۴} بودجه فلاح (وزارت کشاورزی) طی این مدت به طور متوسط سالانه ۰/۳۵٪ بود^{۷۵} و حال آنکه ایران در آن زمان و تا چند دهه پس از آن، کشوری کشاورزی بود و اکثریت جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کردند و تخصیص اعتبار بیشتر به این بخش، به طور طبیعی به تولید بیشتر، پیشگیری از مهاجرت و رفاه عمومی می‌انجامید. با یک مقایسه سریع می‌توان گفت که طی دوران تصدی تقی‌زاده بر وزارت مالیه، بودجه وزارت جنگ، ۱۲۰ برابر بودجه وزارت کشاورزی بود. البته بودجه سایر وزارتخانه‌ها وضع مشابهی داشت.

ناگفته نباید گذاشت که با وجود تخصیص ۳٪ بودجه سالانه دربار، هزینه بسیاری از کاخ‌ها و بناهای خاندان سلطنتی در تهران و شمال کشور و... از اعتبارات شهرداری‌ها و دیگر ارگان‌ها تأمین می‌شد که پس از خروج رضاخان از کشور، تا مدت‌ها موضوع سخنان افشاگرانه نمایندگان مجلس و مطبوعات بود.^{۷۶}

در سال ۱۳۱۳ ش تقی‌زاده از وزارت دارایی عزل و به وزیر مختاری ایران در فرانسه منصوب شد. برخی از نویسندگان برای اینکه بار اتهام وی را در جریان تمدید قرارداد داری، از دوش او برداشته یا سبک کنند، کوشیده‌اند تا این تغییر پست را به «برکناری» تعبیر کرده و دلیل آن را برخورد میان رضاشاه با

او، بر سر کاهش بودجه ارتش مربوط کنند^{۷۷} که البته هیچکدام صحت ندارد؛ زیرا با توجه به سوابق سیاسی نامبرده، به نظر می‌رسد که با انعقاد قرارداد جدید، وی «وظیفه» خود را در سمت عالی‌ترین شخصیت دولتی، به انگلستان به انجام رسانده بود و دیگر حضورش در سمت وزارت دارایی، موضوعیتی نداشت. از آن گذشته، بودجه ارتش نیز در سال ۱۳۱۲ به نسبت سال پیش از آن به میزان ۳/۶٪ رشد داشت.^{۷۸}

در مدت اقامت او در پاریس، یکی از مطبوعات فرانسوی مطالب تندى درباره رضاشاه منتشر کرد که موجب خشم او شد. چون به دلیل فضای باز و آزاد سیاسی فرانسه، تقی‌زاده نمی‌توانست محدودیتی برای انتشار آن قبیل نوشته‌ها ایجاد کند لذا - بنابر مشهور - وی از کار برکنار شد و به برلین رفت و پس از گذشت یک سال، عازم لندن شد و به کمک دوست دیرینش، حسین علا (سفیر ایران در لندن) به تدریس و تحقیق زبان و ادبیات و تاریخ ایران در دانشگاه مشغول شد.

برخی، برکناری تقی‌زاده را به دلیل نگارش مقاله‌ای در مجله تعلیم و تربیت دانسته‌اند که در آن از مداخله دولت در امور زبانی انتقاد کرده بود.^{۷۹} این استدلال چندان درست و صائب به نظر نمی‌رسد، زیرا در همان ایام، محمدعلی فروغی، طی مقاله‌ای با نام «پیام من به فرهنگستان»، آشکارا از واژه‌سازی‌های بی‌ضابطه و سیاست‌شونویسم زبانی و عربی‌زدایی از زبان فارسی توسط فرهنگستان به شدت انتقاد نمود^{۸۰} و با وجود آنکه در داخل کشور زندگی می‌کرد هیچ خطری او را تهدید نکرد.

پس از جنگ جهانی دوم و سقوط رضاشاه، فضای سیاسی کشور دگرگون شد. مطبوعات آزادانه به انتقاد از خفقان و دیکتاتوری رژیم رضاشاه پرداختند و احزاب و جمعیت‌های سیاسی متعددی در عرصه سیاست ظاهر شدند. بسیاری از رجال و شخصیت‌های سیاسی دوران دیکتاتوری از جمله نمایندگان مجلس که تا پیش از آن برکشیده رژیم دیکتاتوری و سر به فرمان آن بودند، برای کسب حیثیت، لب به انتقاد گشودند که بارزترین چهره سیاسی این ایام علی دشتی است که طی نطق‌هایی در مجلس به افشاگری علیه غارت و چپاول رضاشاه پرداخت.

با وجودی که تقی‌زاده به عنوان وزیر اسبق مالیه و از دولتمردان ارشد و نزدیک رضاشاه و از آگاهان سیاسی کشور به شمار می‌رفت، و از حیف و میل شاه و دربار و مقامات لشکری و کشوری آگاهی داشت، حتی پس از عزل رضاشاه و در فضای باز سیاسی ایجاد شده در آن سال‌ها، اقدام به نگارش یک مقاله و یا ایراد یک سخنرانی افشاگرانه علیه رژیم رضاشاه در داخل و خارج از کشور نکرد.

در فضای سیاسی جدید، انگلستان و شوروی - و بعدها آمریکا - می‌کوشیدند تا با ایجاد احزاب و جمعیت‌های سیاسی دست‌نشانده، به طرح شعارهای آزادیخواهانه و به ظاهر ملی، رقیب راز از صحنه سیاست ایران بیرون کرده و یا منافعی برای خود دست‌وپا کنند. در چنین شرایطی، تقی‌زاده که به گفته

خویش پس از مجلس ششم، صحنه سیاست را ترک کرده بود^{۸۱} بار دیگر از عرصه تحقیق و پژوهش به صحنه سیاست بازگشت و در ۵ آبان ۱۳۲۰ ش به سمت سفیر ایران در لندن منصوب شد. فریدون آدمیت که در این زمان با او در سفارت، از نزدیک همکاری داشت و از کارمندان محسوب می‌شد، راجع به گرایش سیاسی و مدیریت او در این سمت می‌نویسد: «[وی] طرفدار فاعلیت سیاست انگلیس بود، اعتقادی که حکایت می‌کرد اولاً از کج‌فهمی او در سیاست، ثانیاً از مزاج انگلیسی‌پرست او [...] تقی‌زاده به عنوان سفیر ابداً مأمور قابل و کاردانی نبود.»^{۸۲} به نوشته او، تقی‌زاده با وجود آنکه خود محقق بود اما اخلاق و آداب لازم پژوهش را رعایت نمی‌کرد و هر سندی را که به نقش نبود می‌سوزاند و از بین می‌برد و فقط آنهایی را که مفید به حال خود بود، نگاه می‌داشت.^{۸۳}

تقی‌زاده تا سال ۱۳۲۶، و حدود چهارده سال در خارج از کشور به سر برد و مأموریت‌های سیاسی انجام داد و در ۱۳۲۳ ش به مقام «سفارت کبری» رسید. در سال ۱۳۲۶ ش در پانزدهمین دوره مجلس شورا (۲۵ تیر ۱۳۲۶ - ۶ مرداد ۱۳۲۸ ش) به نمایندگی مردم تبریز وارد مجلس شد.

انتخابات دوره پانزدهم مجلس در زیر فشار اختناق و سانسور شدید مطبوعات و حمله به سازمان‌های سیاسی و مداخله آشکار دولت به نفع نامزدهای خود آغاز شد. از همین رو برخی از شخصیت‌های سیاسی برجسته، شدیداً به فقدان آزادی و خفقان موجود اعتراض کردند. دکتر مصدق، پس از نگارش نامه اعتراض آمیزی به نخست‌وزیر و سخنرانی مهیجی که در مسجد شاه تهران ایراد کرد، به نشانه انزجار نسبت به عدم آزادی انتخابات در دربار تحصن شد.^{۸۴} انتخابات آذربایجان نیز با رشوه و تطمیع از سوی نامزدان برگزار شد. روزنامه شاهین تبریز در رد انتخابات آذربایجان نوشت: «در بورس وکالت، نرخ رأی تا ۵۰ ریال بالا رفته و با عرضه کم و تقاضای زیاد که اینک حکمفرماست، ترقی بیشتری پیش‌بینی می‌شود. کسانی که سرکیسه را شل نموده و به تفاوت از ۱۰ الی ۱۰۰ هزار تومان برای کرسی‌های بهارستان وقف نموده‌اند، چگونه می‌توانند صالح باشند؟...»^{۸۵}

در آغاز این دوره، تصویب اعتبارنامه تقی‌زاده، با جنجال توأم بود. عباس اسکندری، نماینده تهران، درباره صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره وزارت دارایی‌اش به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست.^{۸۶}

مهمترین موضوعی که مجلس پانزدهم در دستور کار خود داشت، حل و فصل نهایی مسأله نفت براساس پیشنهاد جدید انگلستان بود. بدین منظور، مجلس رأی تمایل به دولت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) داد که از دوستان بسیار نزدیک تقی‌زاده محسوب می‌شد و هر دو از اعضای اصلی «لژ بیداری ایران» بودند و استاد اعظم فراماسونری به شمار می‌رفت و با تقی‌زاده در «هیأت مدیره موقت» که

پس از عزل محمدعلی شاه از سلطنت تشکیل شد، همکاری داشت.^{۸۷}

طی گزارش‌های محرمانه شهربانی، کوشش‌ها و دسته‌بندی‌هایی در مجلس در جریان بود تا تقی‌زاده، رئیس مجلس شورای ملی شود.^{۸۸} در طول دوره پانزدهم مجلس که با چهار دولت مقارن بود، مذاکره پیرامون نفت ادامه داشت و سرانجام قرارداد معروف به گس - گلشاییان که بین نماینده کمپانی نفت ایران و انگلیس و دولت ایران در ۲۶ تیر ۱۳۲۸ منعقد گردید در آخرین روزهای عمر مجلس پانزدهم، جهت تصویب تقدیم مجلس شد که با پافشاری و مخالفت سرسخت نمایندگان اقلیت، تصمیم قطعی درباره آن به مجلس شانزدهم موکول گردید. براساس گزارش‌های شهربانی، اقلیت مجلس، هنگام تقدیم گزارش نفت به مجلس با تقی‌زاده مذاکره و مشاوره داشتند و تقی‌زاده مخالف تاکتیک‌های آنان در ایجاد فشار و از رسمیت انداختن جلسات بوده است.^{۸۹}

مجلس پانزدهم گرچه موفق به تصویب قرارداد نشد اما اقدامات مهمی انجام داد که در تثبیت سلطنت محمدرضا شاه و تقویت دربار - که در جهت اهداف ضدملی گام برمی‌داشت و نیز منافع انگلستان - کاملاً مؤثر بود، از جمله تصویب لایحه غیرقانونی بودن حزب توده، تصویب قانون بازگشت املاک غصبی رضاشاه به محمدرضا پهلوی و تصویب تشکیل دومین مجلس مؤسسان به منظور تجدیدنظر در اصل ۴۸ قانون اساسی.

در این دوره تقی‌زاده «نه نماینده موفق بود و نه دیگر خارج از جمع و محفل یاران و دوستان، نفوذ و تأثیر گذشته‌اش را داشت».^{۹۰} او مجبور شد که در پاسخ انتقادات دکتر مصدق که در آخرین روزهای دوره چهاردهم ایراد کرد و نیز دیگر منتقدان و مخالفان خود در مجلس پانزدهم، از جمله عباس اسکندری، سرانجام لب به سخن گشاید و جریان لغو قرارداد داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ را بازگو کند. در همین سخنرانی بود که وی رضاشاه را مقصر اصلی دانست و خود را «مسلوب‌الاختیار» و «آلت فعل» شمرد.

انتقاد دکتر مصدق از تقی‌زاده، ناشی از اغراض شخصی نبود بلکه بیانگر انتقاد نسلی بود که از استقلال و منافع ملی خود دفاع می‌کرد و از همه کسانی که در سالهای دیکتاتوری و خفقان رضاخانی، منافع ملی را فدای مطامع بیگانگان و عوامل استبداد کردند ابراز انزجار می‌نمود. سخنان دکتر مصدق که در جلسه ۲۳ بهمن ۱۳۲۴ ش مجلس شورای ملی ایراد شد، توصیف دقیقی از شخصیت سیاسی تقی‌زاده از آغاز مشروطه تا پایان حکومت رضاخان و پس از آن است:

«آقای تقی‌زاده از ابتدای مشروطیت تاکنون وارد هر معرکه‌ای شده‌اند، تحت تأثیر عوامل خارجی بوده‌اند. توسل و تحسن ایشان در انقلاب مشروطیت به یک سفارتخانه‌ای که در آن روزگار مصلحت سیاسی خود را در آن می‌دید که از مشروطه‌طلبان حمایت و با محمدعلی شاه قاجار -

پادشاهی که موازنه را فراموش کرده بود - مخالفت بکند، کسی فراموش نکرده است و [رضا] شاه هم بر اثر همین خبط سیاسی تاج و تخت خود را به باد داد. آقای تقی‌زاده در مجلس پنجم، تغییر سلطنت را خلاف قانون اساسی اعلام کرد، ولی پس از انقضای مجلس ششم که دولت در انتخابات تهران مداخله نمود و انتخابات [آزاد برگزار] نشد، طوق بندگی همان سلطنتی را که خلاف قانون اساسی می‌دانست، به گردن نهاد.

به مأموریت‌های استانداری، سفارت و وزارت مفتخر گردید و از لوایح مالی آن دستگاه که در موقع نمایندگی مورد مخالفت او بود، در موقع وزارتش با تعصب دفاع می‌کرد. وقتی که وزیر مالیه بود و اعلامیه‌ای دائر به الغای امتیاز نفت جنوب را منتشر کرد، به خاطر دارم روزی مرحوم مشیرالدوله به دیدن من آمدند و صحبت از الغای آن امتیاز به میان آمد. از عمل آقای تقی‌زاده انتقاد می‌نمودند و نظرشان این بود که الغای امتیاز، قانوناً صحیح نبوده و مخالفت با دولت انگلیس، صلاح مملکت نیست. ولی چندی بعد که امتیاز جدید به امضای آقای تقی‌زاده رسید، روزی من به منزل مشیرالدوله رفته بودم، دیدم ایشان از تمدید مدت امتیاز بسیار ناراضی بودند و با آنکه تا آن تاریخ، اغلب از آقای تقی‌زاده دفاع می‌کردند، تجدید امتیاز سبب شده بود که آن مرحوم، سلب عقیده کنند و می‌گفتند با امتیاز داری که ما فقط صدی شانزده از عایدات نفت را حق داشتیم، یک میلیون لیره در سال به ما می‌رسید و بعد از انقضای امتیاز، تمام عایدات، یعنی صد درصد مال ایران می‌شد و آن روز که حساب کردیم به این نتیجه رسیدیم که در اثر تمدید ۳۲ سال، ۱۶۰ میلیون لیره به مملکت ضرر رسیده است و مرحوم مشیرالدوله با کمال تأسف می‌فرمود: گمان نمی‌کنم هیچکس حاضر باشد این اندازه ضرر به وطن خود بزند...»^{۹۱}

تقی‌زاده، پس از جنگ دوم جهانی، مانند بسیاری از سیاستمداران ایرانی با تحلیل اوضاع سیاسی جهان، ایالات متحده را که فاتح اصلی جنگ به شمار می‌رفت و دارای قدرت غول‌آسای اقتصادی و نظامی بود و داعیه مبارزه جهانی با کمونیسم و دفاع از مبارزات ملی و ضداستعماری ملل استعمارزده به منظور بیرون راندن استعمارگران - که رقبای او محسوب می‌شدند - را داشت، متمایل گردید، به ویژه آنکه تهدیدات سیاسی - نظامی شوروی و عمال ایرانی آنها (حزب توده)، استقلال ملی را سخت به مخاطره افکنده بود و لذا این تمایل شدت یافته بود.

وقتی که سیاست خارجی امریکا نسبت به مسأله نفت ایران و سرنوشت دولت مصدق در راستای سیاست انگلستان قرار گرفت که در نهایت منجر به سرنگونی دولت مصدق شد، تمایل سنتی به انگلیس در کنار تمایل سیاسی به امریکا - به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر - خط‌مشی همه انگلوفیل‌های قدیمی شد.

شاید یکی از دلایل عدم مخالفت جدی تقی‌زاده در دوران نهضت ملی با دکتر مصدق ناشی از همان تعارض اولیه میان سیاست‌های آمریکا و انگلستان بر سر ایران ناشی شده باشد. به هر روی، تقی‌زاده در سال‌های پس از کودتای امریکایی ۱۳۳۲ از مدافعان جدی سیاست آمریکا در منطقه و ایران بود. در سال ۱۳۳۶ در سفری که به آمریکا کرد، طی نطقی اظهار داشت که: «در ایران فقط کمونیست‌ها از دوستی ایران و آمریکا ناراضی‌اند.»^{۹۲} مطبوعات آمریکا نیز از قول او نوشتند که: «دوستی ایران و آمریکا بر پایه محکمی استوار است... مردم ایران از اینکه آمریکا را نیروی تازه‌ای یافتند، خوشحالند. نیرویی که از هر نوع شائبه، عاری و جز خیر و صلاح ایران، چیز دیگری نمی‌خواهد.»^{۹۳} وی در همین سفر با ریچارد نیکسون، معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دیدار و توسط وی به سنای آمریکا معرفی شد.^{۹۴}

در سال ۱۳۳۸، اختلاف شدیدی میان تقی‌زاده و دکتر اقبال، نخست‌وزیر وقت، به وجود آمد. گفته شده است که علت اختلاف از آن رو بوده که چون دولت دکتر اقبال از سوی هواداران انگلیس حمایت می‌شد، لذا تقی‌زاده کوشش نمود تا به کمک هواداران آمریکا، توازنی به نفع آمریکا در سیاست داخلی و خارجی کشور ایجاد نماید.^{۹۵}

تقی‌زاده در نخستین انتخابات مجلس سنا که در ۱۳۲۸ ش برگزار و در بهمن ماه همان سال افتتاح شد، به عنوان نماینده مردم تهران انتخاب گردید و تا پایان دوره چهارم که در مهرماه ۱۳۴۶ ش به اتمام رسید، همچنان سناتور بود و چند سال نیز ریاست آن را برعهده داشت.

وی در ۸ بهمن ۱۳۴۸ در ۹۲ سالگی درگذشت و در تهران در مقبره ظهیرالدوله دفن شد. یکی از محققان معاصر توصیف جامعی از شخصیت سیاسی و علمی تقی‌زاده ارائه داده است: «او بدون تردید از بازیگران سیاسی تأثیرگذار عصر خود بود و در عرصه علمی - فرهنگی کشور نفوذ و ریشه داشت. اما به رغم اینها، در هیچیک از زمینه‌های فعالیتش نمی‌توان تصویری کامل یا بی‌نقص از او ترسیم کرد. نه انقلابی و آزادیخواهی بود که تا به آخر به اصول نخستین خود پایدار بماند، نه مشروطه‌خواهی راسخ و حقیقتاً وفادار به قانون اساسی، نه سلطنت‌طلبی تمام عیار، نه غرب‌ستا و غرب‌گرایی پایدار، نه سنت‌ستیزی استوار، نه نوآور و بدعت‌گری جسور، نه محقق و مؤلفی که عمر خود را یکسره وقف تحقیق و تألیف کند، نه صاحب نظر و اندیشه‌ای که از خود، مکتب، مشی یا طریقه خاصی باقی بگذارد، نه سازمانده و مدیری که توانایی‌هایش را صرف تثبیت امور جامعه کند. او آمیزه‌ای بود از همه اینها، اما آمیزه‌ای ناقص و ناتمام.»^{۹۶}

پانویس‌ها:

- ۱ و ۲. سیدحسین تقی‌زاده، زندگی طوفانی: خاطرات سیدحسین تقی‌زاده. تهران: ۱۳۷۲، ص ۱۲، ۱۸ و ۱۹.
۳. همان، ص ۲۷.
۴. سیدحسین تقی‌زاده، «سرگذشت». یادنامه تقی‌زاده، تهران: ۱۳۴۹، ص ۲۹۳؛ همو، مقالات، قسمت ۱، تهران: ۱۳۲۲، ص ۶۸-۱۱۹.
۵. یادنامه تقی‌زاده، ص ۲۹۳؛ مقالات تقی‌زاده، تهران: ۱۳۴۹، ص ۱۲۷۳.
۶. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۳، مقدمه ناشر، ص ۱۷.
۷. اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، جلد ۲، ص ۲۸۶.
۸. مقالات تقی‌زاده، ج ۱، ص ۲۷۴.
۹. منصوره اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۱، ص ۸۶.
۱۰. کسروی، پیشین، ص ۲۲۴.
۱۱. همانجا؛ رائین، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۵؛ ج ۳، ص ۵۳۱.
۱۲. اتحادیه، همانجا.
۱۳. کسروی، پیشین، مقدمه ناشر، ص ۱۸.
۱۴. اتحادیه، پیشین، ص ۹۳.
۱۵. کسروی، پیشین، ص ۳۲۴.
۱۶. همان، ص ۲۱۱.
۱۷. اتحادیه، پیشین، ص ۱۹۶.

۱۸. کسروی، پیشین، مقدمه ناشر، ص ۱۸.
۱۹. همان، ص ۳۰۹.
۲۰. به گفته کسروی، تقی‌زاده و سفارت انگلستان از جریان قتل اتابک خبر داشتند. تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۴۹.
۲۱. همان، ص ۴۶۱ و ۵۲۱.
- ۲۲ و ۲۳. همان، ص ۵۷۱ و ۶۱۳.
۲۴. عبدالحسین آذرنگ، «سیدحسن تقی‌زاده»، بخارا، ش ۲۵، مرداد و شهریور ۸۱، ص ۳۳-۵۱.
۲۵. در نامه‌ای که علی‌اکبر دهخدا یک روز پیش از خروج از سفارت و تبعید به اروپا به مسیو مورل (استاد اعظم لژ بیداری ایران) می‌نویسد از او و دیگر «برادران» فراماسون می‌خواهد تا در ایام تبعید در اروپا به کمک آنان بشتابند. در بخشی از این نامه آمده است: «فردا را عازم هستیم و به یک حالت نگفتنی تبعید شده‌ایم. اگر ممکن باشد کاغذی به برادرهای خودتان که در فرانسه و انگلیسند بنویسید که بنده و آقا سیدحسن تقی‌زاده و معاضدالسلطنه را به برادری شما شناخته و در آن جاهای غریب از معاونت به قدری که لازمه برادری است دریغ نفرمایند...»؛ تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، پرونده شماره ۲۵-تقی‌زاده، ص ۳۲۳.
۲۶. عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۳۶.
۲۷. تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، ص ۳۱۹-۳۲۱؛ اسماعیل رائین، پیشین، ج ۳، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.
۲۸. تاریخ آغازین ...، ص ۳۲۱؛ اسماعیل رائین، پیشین، ص ۵۳۱.
۲۹. اسماعیل امیرخیزی، قیام آذربایجان و ستارخان، تبریز: ۱۳۳۹، ص ۵۰۶-۵۰۸.
۳۰. مقالات تقی‌زاده، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.
۳۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷ (زیرنویس).
۳۲. باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار؛ نشر علم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۴۶.
۳۳. احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵، ص ۱۳۱. تندروی‌ها و تکروری‌های تقی‌زاده و نیز ترورهای سیاسی در کشور، مورد انتقاد حتی دوستان نزدیک تقی‌زاده مانند شیخ محمد خیابانی بود. برای اطلاع ر.ک. به: عبدالحسین ناهیدی آذر، جنبش آزادستان شیخ محمد خیابانی، تهران: نشر اختر، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷.

۳۴. اوراق تازه یاب مشروطیت، مربوط به سال‌های ۱۳۲ - ۱۳۳۰ قمری، تهران: ۱۳۵۹، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.
۳۵. همان، ص ۲۱۱.
۳۶. سیدحسین تقی‌زاده، «تفصیل ملاقات آقای تقی‌زاده با عبدالبهاء»، مجله یادگار، شماره ششم و هفتم، ص ۱۲۹.
۳۷. عبدالحسین ناهیدی آذر، پیشین، ص ۱۳۶.
۳۸. همان، ص ۱۳۰.
۳۹. زندگی طوفانی، ...، ص ۱۵۷ - ۱۸۰.
۴۰. عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۳۹.
۴۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۷۲.
۴۲. همان، ص ۱۵۶ و ۱۵۷ (زیرنویس).
۴۳. «مسئله نفت و تقی‌زاده و رضاشاه و...»، روزگار نو، اردیبهشت ۱۳۷۱، ص ۸۳.
۴۴. همان، ص ۸۵.
۴۵. منصوره اتحادیه، پیشین (چاپ جدید)، ص ۴۱.
۴۶. عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۴۰.
۴۷. روزنامه کاوه، مورخ ۱۴ شهریور ۱۲۹۸ یزدگردی، ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰، غره جمادی‌الآخر ۱۳۳۸ ق، ص ۱.
۴۸. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۳۲۵ و ۳۲۶. به نوشته او گروه مشاوران از این قرار بود: مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مخبرالسلطنه، مصدق‌السلطنه، فروغی (ذکاء‌الملک)، علاء، تقی‌زاده و دولت‌آبادی.
۴۹. عباس زریاب خویی، «تقی‌زاده آنچنان که من شناختم»، یادنامه تقی‌زاده، تهران: ۱۳۴۴، ص ۱۶۸.
۵۰. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۵، ص ۶۷.
۵۱. حسن مرسلوند، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۲۸۰.
۵۲. سیدحسین تقی‌زاده، زندگی طوفانی، ...، ص ۶۶۱ - ۶۶۲.
- ۵۳ و ۵۴. مرسلوند، پیشین، همانجا.
۵۵. سند پیوست.
۵۶. محمدعلی (همايون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضاشاه، ج ۱، ترجمه محمدرضا نفیسی. تهران: پاپيروس، ۱۳۶۶، ص ۱۵۹.

۵۷. همان، ص ۱۶۰.
۵۸. مصطفی فاتح، «داستان واقعی لغو امتیاز داری»، خواندنی‌های قرن، ص ۱۵۴.
۵۹. همان، ص ۱۵۶.
۶۰. «مسئله نفت و تقی‌زاده و رضا شاه...»، پیشین، ص ۸۴.
۶۱. همان، ص ۸۴.
۶۲. تقی‌زاده داستان این نمایش سیاسی را که خود از زبان فروغی شنیده نقل کرده است. برای اطلاع ر.ک. به: مصطفی فاتح، پیشین، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.
۶۳. همانجا؛ «مسئله نفت و تقی‌زاده و رضاشاه»، پیشین، ص ۸۵؛ مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، تهران: ابن‌سینا، ص ۵۰۳.
۶۴. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۱۶۷.
۶۵. «مسئله نفت و تقی‌زاده و رضاشاه...»، پیشین، ص ۸۵.
۶۶. همان، ص ۱۷۴.
۶۷. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۱۵۵. برای اطلاع از قرارداد داری، ر.ک. به: ایرج ذوقی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران: پازنگ، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۶۳-۶۶.
۶۸. همان، ص ۱۶۳.
۶۹. همان، ص ۱۵۶.
۷۰. برای اطلاع از آن سخنرانی ر.ک. به: ن. جامی، گذشته چراغ راه آینده است؛ تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۳۳۲ - ۱۲۹۹، تهران: ققنوس، چاپ دوم، پاییز ۱۳۶۲، ص ۳۷-۴۲؛ به نقل از سیاست موازنه منفی، ص ۱۶۷-۱۷۸.
۷۱. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۱۵۸.
۷۲. مهدی بامداد، پیشین، ص ۶۷.
۷۳. عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۴۳.
۷۴. محمدعلی کاتوزیان، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۱.
۷۵. همانجا.
۷۶. گذشته چراغ راه آینده است، تهران: ققنوس، ۱۳۶۲، ص ۱۱۷.
۷۷. ر.ک. به: عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۴۴.
۷۸. محمدعلی کاتوزیان، پیشین، ص ۱۶۱.

۷۹. کریم طاهرزاده بهزاد، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، تهران: ۱۳۴۴، ص ۴۱۹.
۸۰. ر.ک. به: محمدعلی فروغی، «پیام من به فرهنگستان»، مقالات فروغی، تهران: طوس، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص: ۱۰۱-۱۷۰.
۸۱. رجوع شود به نامه مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۰۹ وی به رضاشاه.
۸۲. فریدون آدمیت، مجموعه مقالات تاریخی، ص ۱۳۲-۱۳۴.
۸۳. همان، ص ۱۳۸-۱۳۹.
۸۴. گذشته چراغ راه آینده است...، ص ۵۰۱-۵۰۲.
۸۵. همان، ص ۵۰۳.
۸۶. اسماعیل رائین، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۳.
۸۷. باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: گفتار، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۰۸؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۵۷ (پانویس).
۸۸. گزارش‌های محرمانه شهربانی (۱۳۲۶-۱۳۲۴ شمسی)، جلد اول، به کوشش مجید تفرشی - محمود طاهر احمدی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱، ص ۳۷۸، ۴۵۹.
۸۹. همان، ص ۴۲۰.
۹۰. عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۴۵.
۹۱. به نقل از: حسن مرسلوند، پیشین، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.
۹۲. «رجال‌شناسی»، گزارش تاریخ، ش ۲، ص ۴۴.
۹۳. همانجا.
۹۴. همان، ص ۴۵.
۹۵. همانجا.
۹۶. عبدالحسین آذرنگ، پیشین، ص ۴۹.

اسناد

مورخ ۱۰ تیرماه ۲۶

گزارش

از طرف اعضاء حزب عامیون مجدداً برای تهیه زمینه نخست وزیری سناتور تقی زاده فعالیت می شود.

در پاره ای از محافل گفته می شود استنکاف تقی زاده از قبول ریاست مجلس سنا و مخالفت او با تشکیل کنگره مجلسین برای این بود که تقی زاده افکار عمومی را

به طرف خود جلب نموده و

مردم وی را عنصری آزادیخواه و دموکرات و

مخالفت دیکتاتوری

بشناسند و تاکنون هم در این

مورد نسبتاً موفقیتی حاصل

و بعضاً با نظر خوشبینی به او

می نگرند.

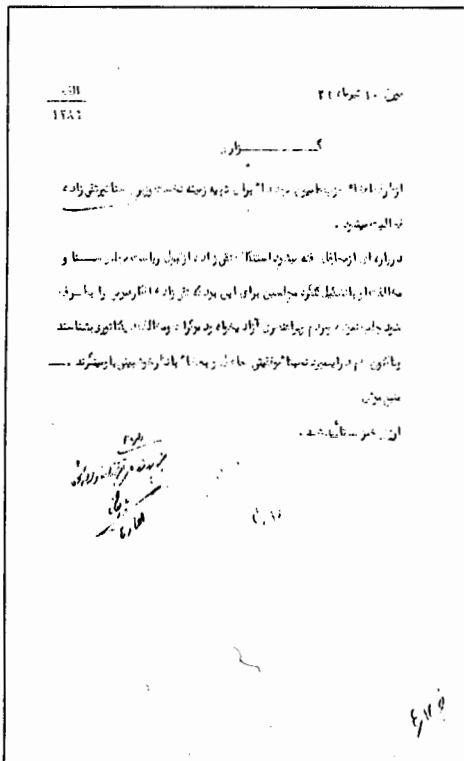
منبع موثق

ارزش خبر - تأیید شده

دایره ۳

ضمیمه پرونده آقای تقی زاده و

ارائه شود. بایگانی ۴/۱۱



گزارش

[تاریخ]: ۱ مرداد ماه ۱۳۲۶

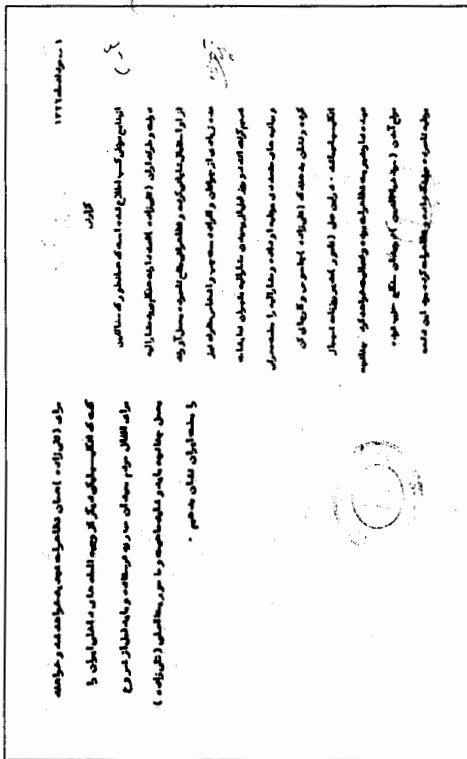
۱- نمایشات = تظاهرات

۲- رحیم نامور :

وی از یهودیان بهایی شده همدان بود که به حزب توده پیوست و در سال ۱۳۲۲ نشریه شهباز ارگان غیر رسمی حزب توده شد. او یکی از اعضای هیأت سیاسی سه نفره جمعیت ملی مبارز با استعمار بود و در سازماندهی اقلیت یهودی وابسته به حزب توده نقش به سزایی داشت.

پس از بهمن ۱۳۲۷ و غیر قانونی شدن فعالیت حزب توده، برای مدتی دستگیر شد و بعد از آزادی از راه کویت و عراق به شوروی گریخت و در پلنوم چهارم حزب توده (۱۳۳۶) حضور یافت و پس از آن نیز به لایسبزیک رفت و با محمد عاصمی در انتشار نشریه «کاوه» همکاری کرد. با تأسیس رادیوی «بیک ایران» در سال ۱۳۳۹ او یکی از اعضای هیأت تحریریه آن به شمار می‌رفت. بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تنها حزب توده دربارهٔ قیام امام خمینی را رحیم نامور نوشت و با عنوان «اسلام و نهضت جهانی بخش میهن ما» در نشریه دنیا منتشر کرد (تیرماه ۱۳۴۴). وی پس از انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و در پلنوم هفدهم (۱۳۶۰) به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد، اما با دستگیری سران حزب توده (۱۳۶۲) دوباره به شوروی گریخت و مسئولیت واحد حزبی در افغانستان را بر عهده گرفت و پس از تشکیل کنفرانس ملی در کابل (۱۳۶۵) با انتشار نامه افشاگرانه‌ای به کمیته مرکزی (مهر ۱۳۶۵) زمینه ساز گسترش اختلافها و تقویت «جنبش ۳۳»

از منابع موثقی کسب اطلاع شده است که همانطور که مخالفین دولت و طرفداران (تقی‌زاده) قصد دارند هنگام ورود مشارالیه از او استقبال شایانی کرده و تظاهراتی به نفع نامبرده به عمل آورند عده زیادی از جوانان و افراد دست چپ و اشخاص متفرقه نیز تصمیم گرفته‌اند دو روز قبل از رسیدن مشارالیه به تهران



نمایشات^۱ و بیانیه‌های متعددی بر علیه او داده و مشارالیه را به ملت معرفی کرده و نشان بدهند که (تقی‌زاده) جاسوس و کارچاق کن انگلیسیها می‌باشد. در این عمل (نامور)^۲ مدیر روزنامه شهباز عهده‌دار مدیریت تظاهرات بوده و فعالیت خواهد کرد. چنانچه موقع آن (سید ضیاءالدین)^۳ در میدان سنگلج حزب توده بر علیه نامبرده میتینگ داده و تظاهرات کرده بود این دفعه برای (تقی‌زاده) همان

تظاهرات تجدید خواهد شد و خواهند گفت که انگلیسیها یکی دیگر از وجیه‌الملله‌های داخلی ایران را برای اغفال مردم به میدان مبارزه فرستاده و باید قبل از شروع به عمل چنانچه باید و شاید ماهیت و مأموریت اصلی (تقی‌زاده) را به ملت ایران نشان بدهیم.

[تاریخ]: ۲ مرداد ماه ۱۳۲۶

گزارش

اخیراً روشنفکران تهران و اغلب اهالی مرکز اظهار می دارند که دولت انگلیس و کارکنان آن در ایران به عناوین مختلف برای تضعیف دولت فعلی می کوشند و از تمام وسائل ممکنه برای منظور فوق استفاده می نمایند و اشخاص و عناصری را که انگلستان در سالهای قبل برای چنین روزی تربیت نموده یکی

بعد از دیگری به میدان مبارزه می فرستند و اکنون نوبت (تقی زاده) رسیده است ولی (تقی زاده) آن وجه کاملاً ملی را امروز انگلستان بدان نیازمند است ندارد و قریباً مشت او نیز مانند (سید ضیاءالدین) باز خواهد شد. در این صورت باید یک وجیه المله تازه نفس را تعیین نماید. بعد از ارجاع به دربار شاهنشاهی صحبت کرده و می گویند مبلغین انگلیسی می خواهند در بین دولت و دربار اختلاف تولید کرده و آن را خیلی مهم

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۲۶

گزارش

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...

جلوه گر سازند بدین معنی که دولت انگلیس می خواهد در آخرین وهله از مقام منبع دربار استفاده نماید ولی خوشبختانه تاکنون با این همه تشبثات نتوانسته است نیرنگ خود را در دربار شاهنشاهی به کار ببرد بر عکس تمام شایعاتی که برای افتتاح مجلس و یا بعد از مراجعت اعلیحضرت همایونی از شدت اختلاف حاکی بوده و می گفتند شخصاً اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر علیه دولت اقدام خواهند فرمود نقش بر آب گشته و بالاخره نتوانستند در دربار شاهنشاهی نفوذ نمایند.

۳- سید ضیاءالدین طباطبائی به روایت اسناد ساواک، تهران، ۱۳۸۱

[تاریخ]: ۲۰ مرداد ماه ۱۳۲۶

گزارش

روز بیستم ماه جاری در یک مجلس خصوصی اظهار می شد که (تقی زاده) تلگرافاً به دوستان خود در تهران اطلاع داده است که به (سویس) عزیمت خواهد نمود و فعلاً خیال حرکت به تهران را ندارد.

بعضی از محافل عدم حضور (تقی زاده) را در مجلس طبق نقشه مخصوصی

می دانند و عقیده دارند عملیاتی در پس پرده در شرف انجام است و در این موقع صلاح نیست مشارالیه در تهران باشد. خبر بالا روز بیستم در محافل و مجالس شهر منتشر و درباره آن عقاید مختلفی ابراز می گردد.

- مرداد ماه ۱۳۲۶

گزارش

روز بیستم ماه جاری در یک مجلس خصوصی اظهار می شد که

(تقی زاده) تلگرافاً به دوستان خود در تهران اطلاع داده است که

به (سویس) عزیمت خواهد نمود و فعلاً خیال حرکت به تهران

را ندارد.

بعضی از محافل عدم حضور (تقی زاده) را در مجلس طبق نقشه

مخصوصی می دانند و عقیده دارند عملیاتی در پس پرده در شرف

انجام است و در این موقع صلاح نیست مشارالیه در تهران باشد.

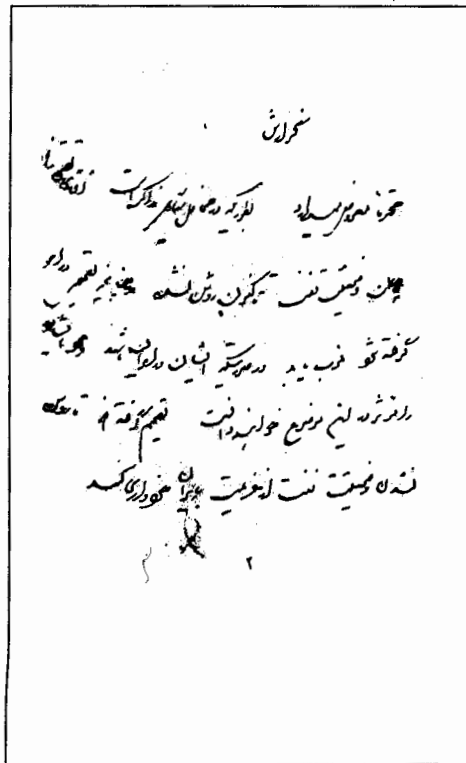
خبر بالا روز بیستم در محافل و مجالس شهر منتشر و درباره

آن عقاید مختلفی ابراز می گردد.

تاریخ: ۲۶/۷/۸۱

گزارش

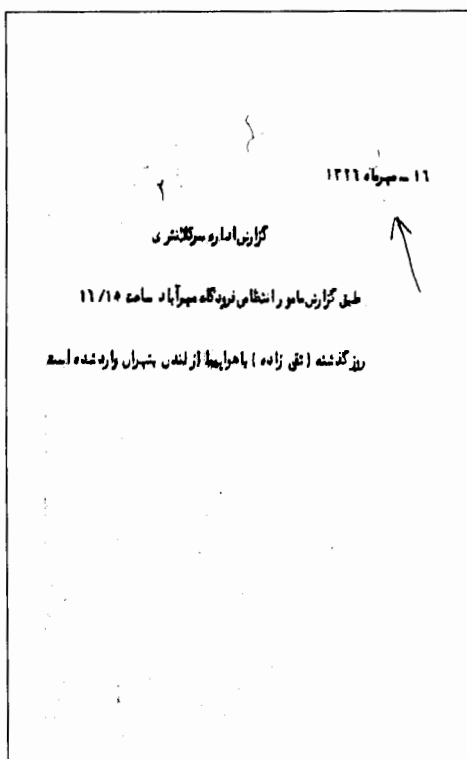
محترماً معروض می‌دارد به طوری که در محافل سیاسی مذاکره است آقای تقی‌زاده چون وضعیت نفت تاکنون روشن نشده و چنانچه تصمیمی در این مورد گرفته شود خوب یا بد در صورتی که ایشان در ایران باشند وجود ایشان را مؤثر در این موضوع خواهند دانست تصمیم گرفته‌اند تا روشن نشدن وضعیت نفت از عزیمت به ایران خودداری کنند.



[تاریخ]: ۱۶ مهر ماه ۱۳۲۶

گزارش اداره سرکلانتری

طبق گزارش مأمور انتظامی فرودگاه مهرآباد ساعت ۱۶/۱۵ روز گذشته
(تقی زاده) با هواپیما از لندن به تهران وارد شده است.

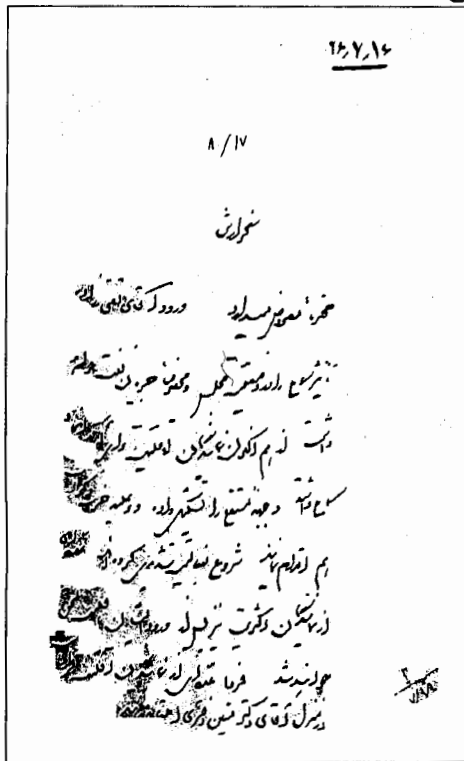


تاریخ: ۲۶/۷/۱۶

گزارش

محترماً معروض می‌دارد ورود آقای تقی‌زاده تأثیر کاملی را در وضعیت مجلس و مخصوصاً جریان نفت خواهد داشت از هم اکنون نمایندگان اقلیت برای آنکه اتحاد کاملی داشته و جبهه مستقلی را تشکیل داده و بر علیه حزب دمکرات^۱ هم اقدام نمایند شروع به فعالیت شدیدی کرده‌اند عده‌ای از نمایندگان

اکثریت نیز پس از ورود ایشان به اقلیت ملحق خواهند شد فردا عده‌ای از نمایندگان اقلیت قرار است در منزل آقای دکتر متین‌دفتری اجتماع نمایند.

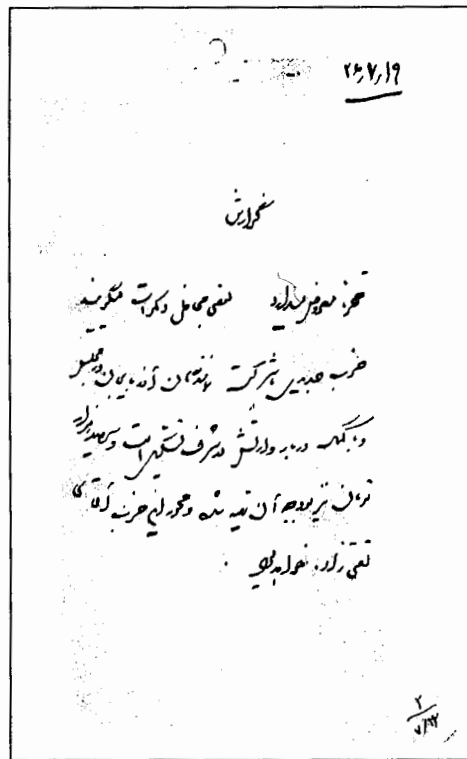


۱- حزب دمکرات ایران
 (قوام‌السلطنه)
 حزبی است که در هشتم تیر
 ۱۳۲۵ ش از سوی قوام‌السلطنه
 نخست‌وزیر وقت تأسیس شد و
 طی یک نطق رادیویی تشکیل
 آن را اعلام کرد، البته برخی
 معتقدند که فکر تشکیل این
 حزب توسط مظفر فیروز بوده
 است. قوام رهبر کل و مظفر
 فیروز هم معاونت را عهده‌دار
 شدند و اهداف مبارزه با دربار
 و نیروهای هوادار انگلیس و
 مبارزه با نفوذ روز افزون حزب
 توده را مقصود خود قرار دادند.
 محمدولی فرمانفرما، ابوالقاسم
 امینی، سردار فاضل حکمت،
 ملک‌الشعراى بهار، محمود و
 حسن آرسنجانی از جمله
 اعضای این حزب بودند. این
 حزب تا اواسط سال ۱۳۲۷ ش
 برقرار بود و به فعالیت
 می‌پرداخت و عقاید و فعالیت‌های
 خود را از طریق روزنامه
 دمکرات ایران به صاحب
 امتیازی دکتر هاشم افراشته
 اظهار می‌داشت. (اسناد احزاب
 سیاسی ایران، به کوشش بهروز
 طیرانی، جلد اول، تهران،
 سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶
 ش، صص ۵۰۶-۵۰۱)

تاریخ: ۲۶/۷/۱۹

گزارش

محترماً معروض می‌دارد بعضی محافل دمکرات می‌گویند حزب جدیدی با شرکت نمایندگان آذربایجان در مجلس و با کمک دربار و ارتش در شرف تشکیل است و سیصد هزار تومان نیز بودجه آن تهیه شده و محور این حزب آقای تقی‌زاده خواهد بود.



تاریخ: ۲۶/۷/۱۹

گزارش

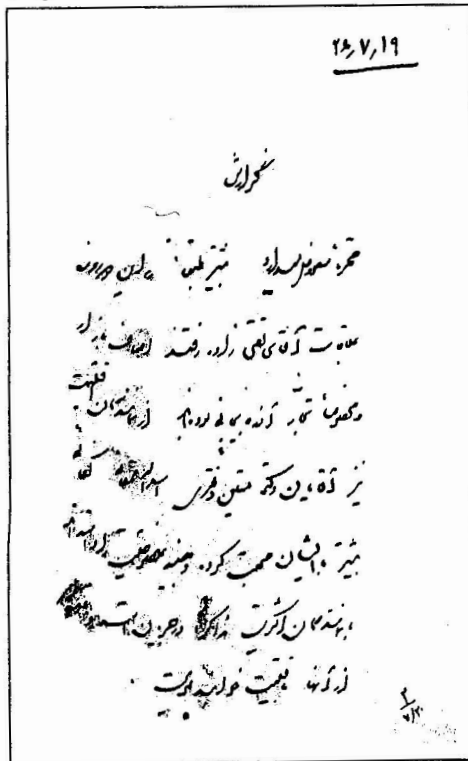
۱- شیخ اسدالله مقانی در سال ۱۲۴۰ در ممقان متولد شد. تحصیلات را در رشته ادبیات فارسی و عرب و معارف اسلامی در تبریز به پایان رساند. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و در حوزه درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حاضر شد در انقلاب مشروطیت به عنوان مدافع وارد مبارزه گردید. مدتی در اسلامبول رفت و انجمن سعادت را تأسیس نمود. پس از جنگ جهانی اول به ایران آمد. مدتی امامت مسجد را در تبریز عهده‌دار بود. در تحولات دادگستری وارد کار دولتی شد. به عضویت دیوانعالی در آمد. سپس بار دیگر به اسلامبول و از آن جا به فرانسه رفت به تحصیل و مطالعه و تحقیق پرداخت. در سال ۱۳۰۶ منصوب در سال ۱۳۲۵ ریاست شعبه دیوان عالی کشور را عهده دار شد. در انتخابات دوره به مجلس شورای ملی راه یافت. دوره اول مجلس سنا از تبریز سناتور شد. از سال‌های بعد ۱۳۲۲ در منزوی و در سال ۱۳۵۰ در تهران درگذشت.

زندگی مقانی سراسر در هاله‌ای ابهام و اسرار بود. ارتباطات وی با عوامل انگلیس و چند چهره بودنش نیاز به تحقیقات جدیدی دارد.

خاصه در دوران انقلاب مشروطیت که از نفوذ و موقعیت خود استفاده می‌نمود.

زندگی سیاسی شیخ اسدالله مقانی، حجة‌الاسلام رسول جعفریان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲

محترماً معروض می‌دارد بیشتر طبقاتی که در این دو روزه به ملاقات آقای تقی‌زاده رفتند اصناف بازار و مخصوصاً تجار آذربایجان بوده‌اند از نمایندگان اقلیت نیز آقایان دکتر متین دفتری، اسدالله مقانی، کفایی بیشتر با ایشان صحبت کرده و جنبه خصوصیت را داشته‌اند با نمایندگان اکثریت مذاکراتی در جریان است و عده‌ای از آنها به اقلیت خواهند پیوست.



گزارش

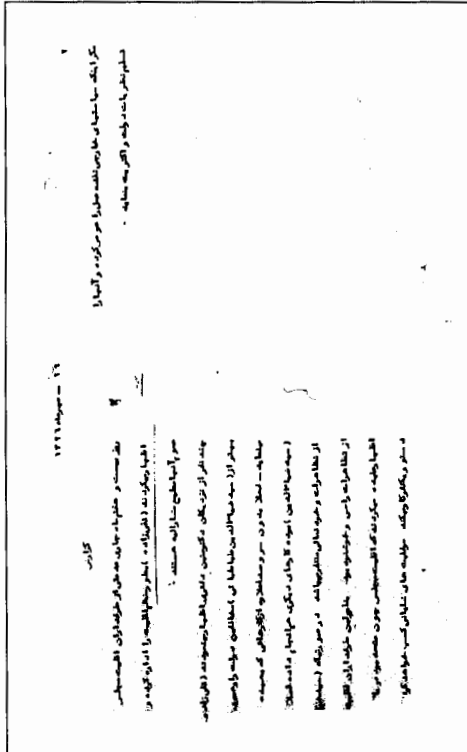
[تاریخ]: ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶

۱- سید ضیاءالدین طباطبائی
فرزند سید علی آقا یزدی -
روحانی شناخته شده زمان خود
- در سال ۱۳۱۰ قمری حدود

روز بیست و هفتم ماه جاری عده‌ای از طرفداران اقلیت مجلس اظهار می‌کردند (تقی‌زاده) به طور منظم اقلیت را اداره کرده و عموم آنها مطیع مشارالیه هستند.

چند نفر از نزدیکان دکتر متین دفتری اظهار می‌نمودند (تقی‌زاده) بهتر از (سید

ضیاءالدین طباطبائی^۱) مخالفین دولت را رهبری می‌نماید - فعلاً بدون سر و صدا علاوه از کارهایی که به عهده (سید ضیاءالدین) بوده کارهای دیگری هم انجام داده اصلاً از تظاهرات و خودنمایی متنفر می‌باشد در صورتی که (سید ضیاء) از تظاهرات راضی و خشنود بود بنابراین طرفداران اقلیت اظهار عقیده می‌کردند که اقلیت مجلس چون متحد بوده و ما دستور یک نفر کار می‌کند موفقیت‌های شایانی کسب خواهد کرد مگر اینکه



سیاستهای خارجی نقشه عمل را عوض کرده و آنها را تسلیم نظریات دولت و اکثریت بنماید.

۱۲۷۰ خورشیدی در شیراز زاده شد در کودکی و نوجوانی دروس دینی را فرا گرفت و به لباس روحانیت درآمد. دوران کودکی و نوجوانی را در سه شهر بزرگ ایران یعنی تهران - شیراز - تبریز گذارند بهنگام خیزش مشروطه طلبی در ایران به جنبش پیوست و در شیراز وارد انجمنهای مشروطه خواه شد روزنامه‌ی بنام «روزنامه سلام» منتشر کرد و در آن به مستبدین و خودکامگان تاخت و پس از توقیف روزنامه‌اش در شیراز به تهران آمد و یکی از کوشندگان راه مشروطیت شد در ابتدای سلطنت محمد علی شاه به فرانسه رفت و دو سال ماند پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۸۸ خورشیدی روزنامه شرق را راه‌اندازی کرد سید ضیاء در اروپا به افکار سوسیالیستی آشنا شد و پس از مراجعت به ایران در روزنامه شرق گاهگاهی مروج این افکار بود و پس از مدتی روزنامه شرق تعطیل شد و ضیاء پس از توقیف شرق روزنامه برق را منتشر کرد که چندان طول نکشید و این نیز توقیف شد او سپس برای خرید چاپخانه به روسیه رفت و شش ماه در آنجا ماند اقامت او در روسیه همزمان شد با پیروزی انقلاب کبیر، او سخت تحت تأثیر انقلاب مردم روسیه قرار گرفت و به گفته خودش از این زمان خیال زمامداری ایران را در سر پروا نداشت.

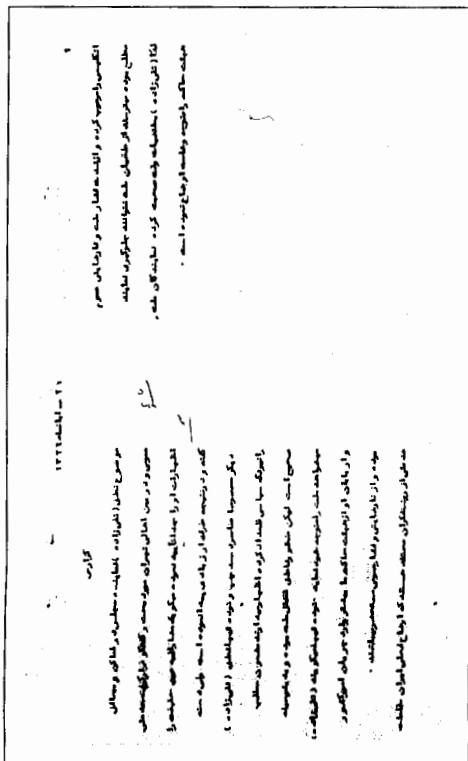
پس از بازگشت از روسیه

[تاریخ]: ۲۶ آبان ماه ۱۳۲۶

گزارش

موضوع نطق (تقی زاده) نماینده مجلس در اماکن و محافل عمومی و در بین اهالی تهران مورد بحث و گفتگو قرار گرفته عده‌ای اظهارات او را جدا تأیید نموده می‌گویند مشارالیه عین حقیقت را گفته و در نتیجه طرفدار زیادی پیدا نموده است ولی دسته دیگر مخصوصاً عناصر دست چپ و توده‌ایها^۱ نطق

(تقی زاده) را نیرنگ سیاست قلمداد کرده اظهار می‌دارند مضمون مطلب صحیح است لیکن منظور ناطق اغفال ملت بوده و بدینوسیله می‌خواهد ملت را متوجه خود نماید. توده‌ایها می‌گویند (تقی زاده) و اربابان او از هیئت حاکمه ما بیشتر وارد جریان امور کشور بوده و از نارضایتی و فشار عمومی مستحضر می‌باشند. عده‌ای از روشنفکران معتقد هستند که اوضاع فعلی ایران مقامات انگلیسی را مرعوب کرده و از شدت فشار ملت و



نارضایتی عموم مطلع بوده می‌ترسند از طغیان ملت نتوانند جلوگیری نمایند لذا (تقی زاده) به مقتضیات وقت صحبت کرده نمایندگان ملت و هیئت حاکمه را متوجه وخامت اوضاع نموده است.

با دومین دختر قوام ازدواج نمود و از وی دارای دو دختر شد او در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ در ۵۸ سالگی بر اثر ابتلا به بیماری سرطان درگذشت وی در سالهای ۱۳۴۰ مدتی نخست و از ۱۳۵۶ مقتدرترین چهره دربار پهلوی بشمار می‌رفت. یاران امام به روایت اسناد ساواک شهید صدوقی - ص ۲ ۱- چپ به روایت اسناد ساواک، ۲ جلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی

[تاریخ]: ۸ دیماه ۱۳۲۶ ۱- حکیم‌السلک، ابراهیم

(حکیمی)

ابراهیم حکیمی فرزند میرزا ابوالحسن حکیم باشی در سال ۱۲۴۸ هـ ش در تبریز متولد شد.

پدرش طبیب دربار مظفالدین میرزا ولیعهد قاجار و حاکم تبریز بود. پس از فوت پدر تحت سرپرستی برادر بزرگ خود نصرت‌الحکما قرار گرفت بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی

و فراگرفتن زبان فرانسه برای تحصیل طب عازم پاریس شد و پس از اخذ درجه دکترا به دستور شاه به ایران بازگشت و در دربار مظفالدین شاه شغل پدر را که حکیم‌باشی دربار بود به عهده گرفت و از اعضای خلوت شاه بود. و در سفرهای مظفالدین شاه به اروپا جزء همراهان وی بود. به علت

دسیسه‌های درباری و همچنین اشتباهی که در مقدار دارو به شاه مرتکب گردید ناگزیر از سمت خود بکلی برکنار شد. او در زمان مشروطیت در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف مردم تهران به مجلس راه یافت و در مدت نمایندگی تحت تأثیر تقی‌زاده قرار گرفت و مرید او شد. در جریان به توپ بستن مجلس به سفارت فرانسه پناهنده شد و با گرفتن تأمین جانی بوسیله سفیر فرانسه از تحصن خارج شد. بعد از فتح

تهران بدست مجاهدین به عضویت مجلس عالی که جانشین مجلس شورای ملی بود انتخاب شد. او در انتخابات دوره دوم مجلس از آذربایجان به وکالت انتخاب شد. در اولین کابینه مستوفی‌الممالک در سال ۱۲۸۹ هـ ش بیه وزارت مالیه برگزیده شد و در دوره سوم

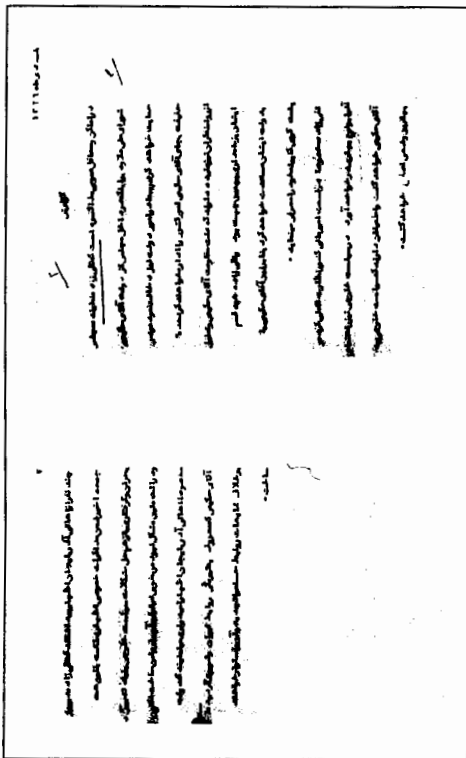
گزارش

در اماکن و محافل عمومی مذاکره است که تقی‌زاده نماینده مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه در داخل مجلس از دولت آقای حکیمی^۱ حمایت خواهد کرد رسماً در امور دولت نیز دخالت نموده و در حقیقت بجای آقای حکیمی امور کشور را اداره خواهند کرد عده از روشنفکران نیز عقیده دارند که علت مقاومت

آقای حکیمی و تمایل ایشان به زمامداری به همین جهت بود و تقی‌زاده همه قسم به دولت ایشان مساعدت خواهد کرد بنابراین آقای حکیمی با پشت گرمی کابینه خود را معرفی می‌نماید.

تقی‌زاده مخصوصاً در قسمت امور مالی کشور نظارت کاملی کرده و آن را به وضع بهتری در خواهد آورد. در سیاست خارجی نیز راهنمای آقای حکیمی خواهد گشت و اطمینان دارند که سیاست خارجی به بهترین وضعی اصلاح خواهد گشت.

چند نفر از اهالی آذربایجان اظهار می‌داشتند که تقی‌زاده در روز جمعه اخیر ضمن مذاکرات خصوصی اظهار داشت با این همه بحران و گرفتاری باز هم حل مشکلات سیاست خارجی با یک تدبیر و درایت متین مشکل نبود و به خوبی می‌توان آن را روشن ساخت اکنون مخصوصاً اهالی آذربایجان اظهار امیدواری می‌نمایند که دولت آقای حکیمی که معروف به تیرگی روابط ایران و شوروی گردیده است بر خلاف شایعات روابط حسنه را تجدید و آن را استوار خواهند ساخت.



[تاریخ]: ۲۷ دیماه ۱۳۲۶

گزارش

ساعت ۱۲ روز جمعه ۲۵ ماه جاری در منزل دکتر متین دفتری عده‌ای طبقات مختلف جمع بودند (انوری پور) یکی از دانشجویان دانشکده اظهار نمود (تقی‌زاده) از طرف اربابان خود مأموریت دارد کشور ایران را مبدل به مستعمره نماید و از این جهت است که پیشنهاد می‌نماید درهای دانشکده‌های کشور را

ببندند و آنها را مبدل به آهنگری و نجاری کنند و مملکت را از ترقی و تعالی باز دارند تا از این راه بتوانند کشور را مبدل به مستعمره نمایند و از دکتر متین دفتری خواستار شدند که با این روش مبارزه نموده نگذارند خائنین میهن فروش کشور ما را به صورت افریقا در آورند.

۱۳۲۶ - دیماه ۱۳۲۶

گزارش

ساعت ۱۱ و نیمه ۲۵ ماه جاری در منزل دکتر متین دفتری

ده نفر از طبقات مختلف جمع بودند (انوری پور) یکی از دانشجویان دانشکده اظهار نمود (تقی‌زاده) از طرف اربابان خود مأموریت دارد کشور ایران را مبدل به مستعمره نماید و از این جهت است که پیشنهاد می‌نماید درهای دانشکده‌های کشور را ببندند و آنها را مبدل به آهنگری و نجاری کنند و مملکت را از ترقی و تعالی باز دارند تا از این راه بتوانند کشور را مبدل به مستعمره نمایند و از دکتر متین دفتری خواستار شدند که با این روش مبارزه نموده نگذارند خائنین میهن فروش کشور ما را به صورت افریقا در آورند.

و پنجم مجلس شورای ملی از تبریز و دوره چهارم از تهران به وکالت مجلس شورای ملی رسید. در دوره اول انتخابات سنا وکیل انتخابی تهران بود و در دوره دوم سنا وکیل انتصابی بود، که در دوره دوم به ریاست مجلس سنا انتخاب شد ولی بعد از انتخاب تقی‌زاده از تبریز استعفا داد و تقی‌زاده به ریاست مجلس سنا انتخاب شد.

حکیمی در سال ۱۳۲۰ در کابینه قوام به عنوان وزیر مشاور معرفی گردید و در اردیبهشت ۱۳۲۴ به عنوان نخست‌وزیر معرفی گردید اما موفق به رای اعتماد از مجلس نشد و کناره گیری کرد. کابینه دوم او در آبان ۱۳۲۴ تا بهمن ۱۳۲۴ دوام آورد و در دی ماه ۱۳۲۶ به دلیل وابستگی شدید به انگلستان داشت با حمایت آنها دوباره به نخست‌وزیری رسد تا فروردین ۱۳۲۷ کابینه او سر کار بود. ابراهیم حکیمی از فراماسونری‌های قدیمی ایران بود که ۵۳ سال فراماسیون بود او استاد اعظم لژ بیداری ایران تابع لژ گرانداوریان فرانسه بود در زمان کهولت کلیه اسناد و مدارک محرمانه را که مدت زیادی نگه داشته بود به مسعود فروغی که در لژ مولوی بود تحویل داد.

گزارش

[تاریخ: ۲۸ دیماه ۱۳۲۶]

۱- این روزنامه در دو محل بسندر بوشهر و مکه انتشار می‌یافت. مسلک سیاسی روزنامه «مظفری» دموکرات بود و اداره آن را علی آقا شیرازی به عهده داشت در بندر بوشهر ابتدا هر ماه دو شماره و بعد به صورت هفتگی با چاپ سنگی و سپس سری می‌منتشر می‌شد. شماره دوم آن به تاریخ ۱۵ شوال ۱۳۱۹ می‌باشد در مکه این روزنامه در تاریخ ذیحجه ۱۳۲۴ چاپ و منتشر گردید. مدیر روزنامه آقا میرزا عبدالحمید خان متین السلطنه بود.

۲- روزنامه سعادت به مدیریت محمد تقی نراقی در سال ۱۳۲۵ قمری در همدان تأسیس شده و با چاپ سنگی به صورت هفتگی منتشر می‌گردید.

این روزنامه منسوب به انجمن سعادت و از مذاکرات اعضای انجمن و نتایج اقدامات آن‌ها - مقالات علمی، ادبی، تاریخی، سیاسی و مطالبی راجع به مدارس و مکاتب حقوق و وظائف ملت درج می‌شد. شماره ۴۳ مورخ ۱۰ صفر ۱۳۲۶ سیاست و خط مشی روزنامه را به تفصیل آورده‌اند.

۳- کاشانی، ابوالقاسم آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، فرزند آیت‌الله سید مصطفی، در سال ۱۳۰۳ هـ ق در خانواده‌های مذهبی و اهل علم در تهران پا به عرصه وجود نهاد. وی تحصیلات ابتدائی را در تهران به پایان رساند و در شانزده سالگی، همراه پدرش برای ادامه تحصیل، به عراق عزیمت کرد. وی در نجف اشرف، از محضر پدرش، آیت‌الله حاج میرزا حسن خلیلی تهرانی و

در اداره تبلیغات کل کشور از مدیران روزنامه‌های مظفر^۱ و بهمن و مدیر داخلی روزنامه سعادت بشر شنیده شد که (تقی‌زاده) شبانه سید ابوالقاسم کاشانی را ملاقات نموده و این ملاقات در دو هفته قبل صورت گرفته و (تقی‌زاده) به کاشانی اظهار داشته که حزب طرفداران اعراب فلسطین را وادار نموده جار و

جنگال راه بیندازند و از آن روز فعالیت سید ابوالقاسم کاشانی^۲ زیادتر شده است. این اظهار را مدیر روزنامه مظفر نموده گفت اینها همه بر علیه امریکائیا و از دار و دسته انگلیسها بوده و عضو فراماسیون سابق هستند و مقصود آنها عقب زدن سیاست آمریکا و شوروی در ایران است.

۲۸ دیماه ۱۳۲۶

گزارش

به اداره تبلیغات کل کشور از مدیران روزنامه های مظفر و بهمن و مدیر داخلی روزنامه سعادت بشر شنیده شد که (تقی‌زاده) شبانه سید ابوالقاسم کاشانی را ملاقات نموده و این ملاقات در دو هفته قبل صورت گرفته و (تقی‌زاده) به کاشانی اظهار داشته که حزب طرفداران اعراب فلسطین راه بیندازند و از آن روز فعالیت سید ابوالقاسم کاشانی زیادتر شده است. این اظهار را مدیر روزنامه مظفر نموده گفت اینها همه بر علیه امریکائیا و از دار و دسته انگلیسها بوده و مقصود آنها عقب زدن سیاست آمریکا و شوروی در ایران است.

و شوروی در ایران است.

آیت‌الله آخوند ملاکاظم خراسانی تلمذ نموده و در ۲۵ سالگی، به درجه اجتهاد نایل شده است. مبارزات ضد استعماری آیت‌الله کاشانی، با شروع جنگ جهانی اول آغاز شد. در جنگ جهانی اول، انگلستان به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان به عراق و با حمله به آن کشور، بصره و اطراف آن را به تصرف خود در آورد. آیت‌الله در سالهای جنگ جهانی اول و پس از آن، از رهبران نهضت‌های ضد انگلیسی در عراق محسوب می‌شد و از چهره‌های فعال قیام اسلامی و شیعیان عراق، علیه انگلستان بود. ایشان در سی‌ام بهمن ۱۲۹۹ - به دلیل آنکه در عراق، تحت تعقیب قوای انگلیسی بود - مخفیانه و با لباس میدل، وارد ایران شد و به مدت چهارده ماه در تهران، به طور مخفی زندگی نمود. ولی سرانجام مأموران رضاخان، وی را در خرداد ۱۳۲۳، در باغی واقع در امامزاده قاسم شمیران دستگیر و به پایگاه ارتش انگلستان در اراک، تبعید کردند. او، پس از پایان جنگ و در پی اعتراض شدید مردم، در پائیز ۱۳۲۴، آزادی خود را به دست

آورد و وارد قم شد. وی، دیگر بار به دستور نخست‌وزیر وقت (قوام‌السلطنه) به مدت یک سال به قزوین تبعید شد. همچنین آیت‌الله کاشانی، با دولتهای هژیر و ساعد، مخالف بود و آنها را نسوگر دربار می‌نامید. مشارالیه، چندی بعد به مدت شانزده ماه، به لبنان تبعید گردید. وی - که در هر وضعیت، ارتباط محکمی با مردم داشت - در انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، موضوع ملی شدن نفت در سراسر ایران مطرح شد و سرانجام در بیست و نهم اسفند ۱۳۲۹، قانونی ملی شدن صنعت نفت، مورد تصویب نهایی مجلس شورای ملی قرار گرفت. در زمان حکومت دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی، ضمن حمایت از مصدق، رهبری مبارزات ملت را بر عهده گرفت و چون انگلیسیها دولت مصدق را به مداخله نظامی تهدید کردند. آیت‌الله کاشانی مسئله جهاد را پیش کشید و از ملل مسلمان خواست که در صورت بروز چنین مسئله‌ای، مسلمانان ایران را یاری دهند؛ ولی در پی بروز اختلاف بین دکتر مصدق و

آیت‌الله کاشانی پس از قیام سی‌ام تیر، سرانجام در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کودتای آمریکایی علیه دولت مصدق به وقوع پیوست. از آن پس کاشانی، با محکوم کردن تجدید ارتباط ایران با انگلیس، مبارزاتش را از سر گرفت و با صدور اعلامیه‌ای، قرار داد نفت با کنسرسیوم را بی اعتبار خواند و دولت زاهدی را، دست نشانده بیگانه شمرد. در مقابل اقدامات حق طلبانه آیت‌الله کاشانی، دولت وابسته، مشارالیه را دستگیر و محاکمه و به اعدام محکوم نمود. اما اعتراضات یکپارچه روحانیت به ویژه آیت‌الله بروجردی، باعث شد که اعدام وی منتفی شود. سرانجام آیت‌الله کاشانی، در حالی که از شکست نهضت و گرفتاریهای مردم به دست خود فروختگان، رنج می‌برد - در ۲۳ اسفند سال ۱۳۴۰ وفات یافت. آیت‌الله کاشانی چندین سال اداره بزرگترین حوزه علمیه را در تهران بر عهده داشت. (مشاهیر سیاسی قرن بیستم) آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد ساواک، ۲ جلد، تهران، ۱۳۸۰

[تاریخ]: ۲ فروردین ماه ۱۳۲۷
گزارش رمز شهربانی آبادان مورخه ۱۳۲۶/۱۲/۲۹

۱- عطیه تقی‌زاده همسر
سیدحسن تقی‌زاده متولد شه
ماگه‌بورگ آلمان.
در ۲۶ ماه سپتامبر سال ۱۸۹۵
میلادی متولد شد.

۲- مصطفی فاتح پسر سرتیپ
احمدخان فاتح‌الملک در اسفند
۱۲۷۷ شمسی در اصفهان متولد
شد. تحصیلات اولیه را در
زادگاه سپس به تهران آمد و در
مدرسه عالی امریکائی
تحصیلات را ادامه داد. سپس
عازم امریکا شد. در رشته
اقتصاد فارغ‌التحصیل گردید.
پس از مراجعت به ایران، در
شرکت نفت ایران و انگلیس
مشغول کار شد. در سال ۱۳۰۸
مسئول توزیع مواد نفتی شد. در
جریان قرارداد ذلت‌باز ۱۹۳۳
در هیئت قرارداد بود. پس از
شهریور ۱۳۲۰ به حزب توده
نزدیک شد و روزنامه مردم را
منتشر کرد. و خود را به عنوان
«مدافع جمعیت ضدفاشیست»
معرفی نمود. در سال ۱۳۲۱
روزنامه رهبر را در اختیار
حزب گذاشت. در همان سال
حزب «همهان» را با برنامه‌های
سوسیالیستی تأسیس نمود و از
منتقدان حزب توده شد.

در سال ۱۳۲۶ معاونت کل
شرکت نفت را عهده‌دار شد. در
۱۸ آذر ۱۳۳۲ دستگیر و پس از
چندی آزاد شد. کتاب پنجاه سال
نفت را در اوایل ۱۳۳۵ انتشار
داد. در سال ۱۳۳۷ بار دیگر
بازداشت شد و پس از مدت
کوتاهی از وی رفع توقیف شد.
فاتح در سال ۱۳۳۲ بانک تهران
را تأسیس نمود و در چند بانک
خارجی در توسعه سود بسیاری
بود. در فروردین ۱۳۵۷ عازم
لندن شد و در شهریور همان
سال در لندن درگذشت. ❦

روز ۲۷ اسفند ماه (تقی‌زاده) نماینده مجلس شورای ملی با خانم^۱ خود به
خرمشهر وارد و به منزل کریمی بازرگان رفته بعداً به آبادان آمده و به منزل فاتح^۲
معاون شرکت نفت رفته است.

۱- فروردین ماه ۱۳۲۷

گزارش رمز شهربانی آبادان مورخه ۱۳۱۱/۱۲/۲۹

روز ۲۷ اسفند ماه (تقی‌زاده) نماینده مجلس شورای ملی با

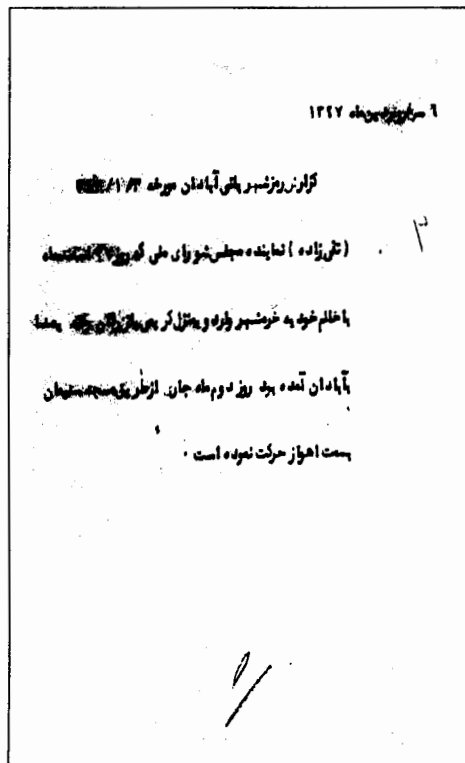
خانم خود به خرمشهر وارد و منزل کریمی بازرگان رفته بعداً

آبادان آمده و منزل فاتح معاون شرکت نفت رفته است.

[تاریخ]: ۶ فروردین ماه ۱۳۲۷

گزارش رمز شهربانی آبادان مورخه ۱۳۲۷/۱/۳

(تقی‌زاده) نماینده مجلس شورای ملی که روز ۲۷ اسفند ماه با خانم خود به خرمشهر وارد و به منزل کریمی بازرگان رفته بعداً به آبادان آمده بود روز دوم ماه جاری از طریق مسجد سلیمان به سمت اهواز حرکت نموده است.



فاتح همواره به عنوان مدافع
سیاست انگلیس در ایران مطرح
و حتی ورود وی به درون حزب
توده بر اساس سیاست انگلیس
بود. و از سوی ساواک به عنوان
طرفدار لندن مشهور بود.

[تاریخ]: ۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۷

گزارش

طبق اطلاع واصله تقی زاده قصد دارد حزب جدیدی با رعایت اصول سوسیالیستی تشکیل دهد و برای این کار زیاد فعالیت می نماید. نامبرده اظهار نموده است پس از تشکیل این حزب بساط و اوضاع فعلی را اصلاح و تحولی روی اصل سوسیالیستی به دست این حزب ایجاد خواهیم کرد.

پرونده تقی زاده

۳۰ - شهریور ماه ۱۳۲۷

گزارش

طبق اطلاع واصله تقی زاده قصد دارد حزب جدیدی با رعایت اصول سوسیالیستی تشکیل دهد و برای این کار زیاد فعالیت می نماید. نامبرده اظهار نموده است پس از تشکیل این حزب بساط و اوضاع فعلی را اصلاح و تحولی روی اصل سوسیالیستی به دست این حزب ایجاد خواهیم کرد.

۲
رئیس قلم زاده

۳

گزارش

۱- عبدالله معظمی در سال

۱۲۸۸ ش در گلپایگان بدنیا

آمد. پدرش محمد

معظم السلطان بود که در

دوره‌های پنجم و ششم وکیل

مجلس شد. تحصیلات را در

مکتب خانهای در گلپایگان آغاز

کرد و سپس برای ادامه به تهران

آمد و در مدرسه آلیانس اسم

نوشت و پس از آن به مدرسه

سن لویی رفت، اما توقفش در

مدرسه سن لویی چندان دوامی

نیافت و از آنجا به دارالفنون

رفت و در سال ۱۳۰۸ در

مسابقه محصلین اعزامی به

اروپا شرکت کرد و رتبه ششم را

بدست آورده به فرانسه رفت.

وی پس از سه سال، با

کارشناسی حقوق از دانشگاه

«اکس مارلی» فارغ‌التحصیل

گردید. پس از چندی در رشته

علوم سیاسی اقتصادی دکترا

گرفت. و در سال ۱۳۱۶ به ایران

بازگشت و کار خود را در

وزارت کشور شروع کرد اما

پس از ۲۰ روز خود را به

دانشکده افسری معرفی کرد و

در سال ۱۳۱۷ درجه افسری

گسرفت. وی در اواسط سال

۱۳۱۸ به وسیله دکتر شایگان که

معاون دانشکده حقوق بود،

کرسی دانشیاری آن دانشکده را

اختیار کرد و در سال ۱۳۲۲ به

استادی دانشکده حقوق رسید و

سپس به معاونت و ریاست آن

دانشکده ارتقاء یافت.

وی در دوره‌های ۱۴/۱۶/۱۵/۱۷

نماینده مجلس شورای ملی بود

و در دوره ۱۷ مجلس را به

عهده گرفت اما ریاست وی

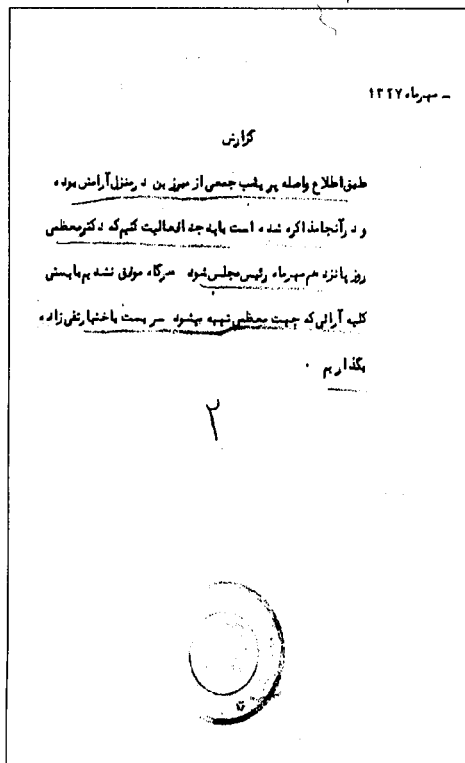
چندی بیشتر طول نکشید.

در چهارمین دوره مجلس سنا

وی از نامزدهای جبهه ملی بود

اما پس از مدتی در اعتراض

طبق اطلاع واصله پریشب جمعی از مبارزین در منزل آرامش بوده و در آنجا مذاکره شده است باید جدا فعالیت کنیم که دکتر معظمی روز پانزدهم مهر ماه رئیس مجلس شود. هرگاه موفق نشدیم بایستی کلیه آرائی که جهت معظمی تهیه می شود سربست به اختیار تقی زاده بگذاریم.



[تاریخ]: ۲ مهر ماه ۱۳۲۷

گزارش

طبق اطلاع واصله تقی زاده اظهار کرده است ما تشکیلاتهایی به طور مختلف داریم که پس از اعلان کردن حزب خود آنها بلافاصله به ما ملحق می شوند. من رئیس مجلس می شوم قدرت کاملاً در دست حزبی که در نظر داریم اعلام کنیم خواهد بود به این مسخره بازیها خاتمه می دهیم اعلیحضرت همایونی باید

در قصور خود بدون مداخله به اوضاع جاری کشور استراحت فرمایند - ارتش به هیچوجه نبایستی در امورات داخله کشور مداخله کند مگر در موقع بروز جنگ که بایستی از وجود آن استفاده شود البته یک قسمت از سران فعلی ارتش را برکنار خواهیم کرد و از این قبیل مذاکرات حزب تقی زاده

۲ - مهرماه ۱۳۲۷

گزارش

طبق اطلاع واصله تقی زاده اظهار کرده است ما تشکیلاتهایی به طور مختلف داریم که پس از اعلان کردن حزب خود آنها بلافاصله به ما ملحق می شوند.
من رئیس مجلس می شوم قدرت کاملاً در دست حزبی که در نظر داریم اعلام کنیم خواهد بود به این مسخره بازیها خاتمه می دهیم اعلیحضرت همایونی باید در قصور خود بدون مداخله به اوضاع جاری کشور استراحت فرمایند - ارتش به هیچوجه نبایستی در امورات داخله کشور مداخله کند مگر در موقع بروز جنگ که بایستی از وجود آن استفاده شود البته یک قسمت از سران فعلی ارتش را برکنار خواهیم کرد و از این قبیل مذاکرات حزب تقی زاده

تقی زاده

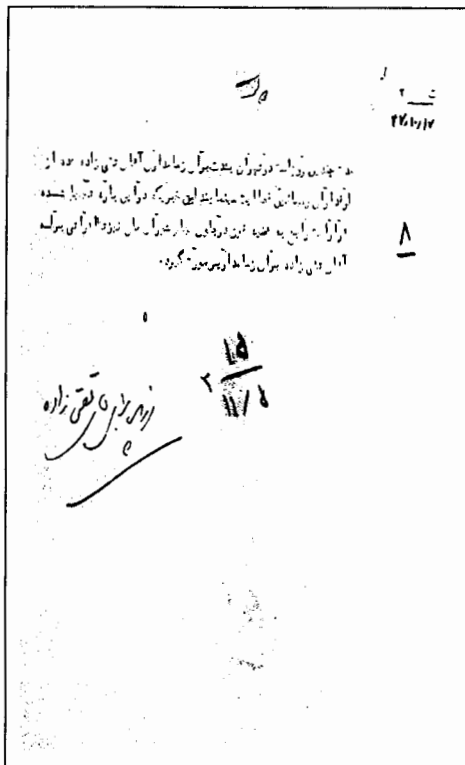
به فرمایشی بودن انتخابات، آن را رد کرد. او برادر زن شریف امامی بود. این نزدیکی سببی باعث شد در پی کودتای ۲۸ مرداد به درخواست اعضای متواری دولت به مخفی گاه آنان رفت و ترتیب معرفی مصدق و سایرین را به زاهدی داد. عبدالله معظمی سرانجام در روز دهم آذر ۱۳۵۰ درگذشت.

[تاریخ]: ۲۷/۱۰/۷

مدت چندین روز است در تهران بشدت برای زمامداری آقای تقی‌زاده عده‌ای از طرفداران و مبلغین فعالیت می‌نمایند این خبری که در این باره تحصیل شده قرار است راجع به قضیه فوق در جلوی مجلس شورای ملی نیز تظاهراتی بر له آقای تقی‌زاده برای زمامداریش صورت گیرد.

پرونده برای آقای تقی‌زاده

۲-۱۵-۱۱/۵



[تاریخ]: ۲۷/۱۰/۲۱ -۱ محمد ساعد مراغه‌ای

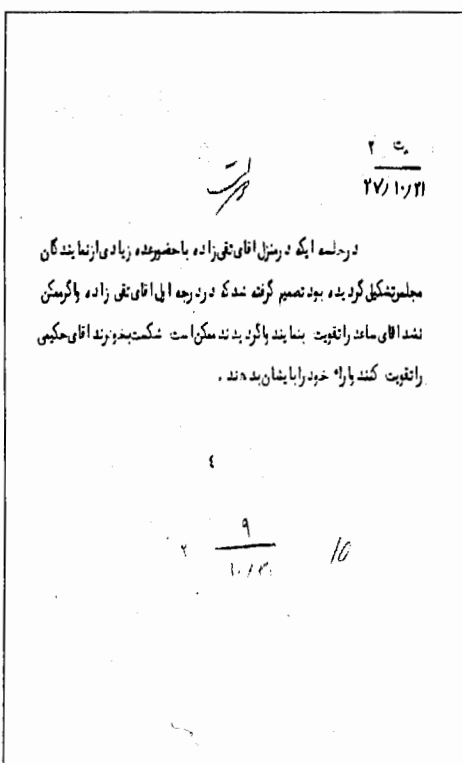
در سال ۱۲۶۰ در دهات اطراف مراغه متولد شد. تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در مدارس و دانشگاه‌های تفلیس و لنینگراد و سوئیس به پایان رسانیده و فارغ‌التحصیل در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی بود. در سن ۲۱ سالگی با سمت منشی‌گری از کنسولگری ایران

در بادکوبه به خدمت در وزارت امور خارجه وارد و مشاغل بعدی وی عبارتند از: ویس کنسول و کنسول دولت ایران در شهرهای تفلیس و بادکوبه، فرماندار رضائیه، کاردار وزیر امور مختار ایران در آنکارا -

مسکو و رُم سفیر کبیر ایران در شوروی و پس از شهریور ۱۳۲۰ در کسائیه اول سهیلی وزیر امور خارجه، در سال ۱۳۲۳ نخست‌وزیر و سپس در سال ۱۳۲۴ برای مدتی در حدود یکسال از کار کناره‌گیری کرده و در دوره پانزدهم نماینده مجلس شورای ملی از رضائیه شد. وی در سال ۱۳۲۷ مجدداً نخست‌وزیر و بعد از آن به مقام سناتور و سفیر ایران در واتیکان منصوب گردید. در زمان نخست‌وزیری در سال ۱۳۲۳ مواجه با ماجرای آمدن کافتارادزه به تهران و تقاضای نفت و تحریکات شدید حزب توده شده و پس از رد تقاضای روسها و جلب موافقت و تایید مجلس شورای ملی با این امر از کار کناره گرفت. همچنین در زمان نخست‌وزیری وی در سال ۱۳۲۷ با بحران ۱۵ بهمن و حادثه سوء قصد به جان شاه روبرو گردید و با اهتمام وی و دکتر اقبال (وزیر کشور) حزب توده منحل گردید و مجلس

در جلسه‌ای که در منزل آقای تقی‌زاده با حضور عده زیادی از نمایندگان مجلس تشکیل گردیده بود تصمیم گرفته شد که در درجه اول آقای تقی‌زاده و اگر ممکن نشد آقای ساعد^۱ را تقویت بنمایند و اگر دیدند ممکن است شکست بخورند آقای حکیمی را تقویت کنند و آراء خود را به ایشان بدهند.

۹-۱۰/۲۱

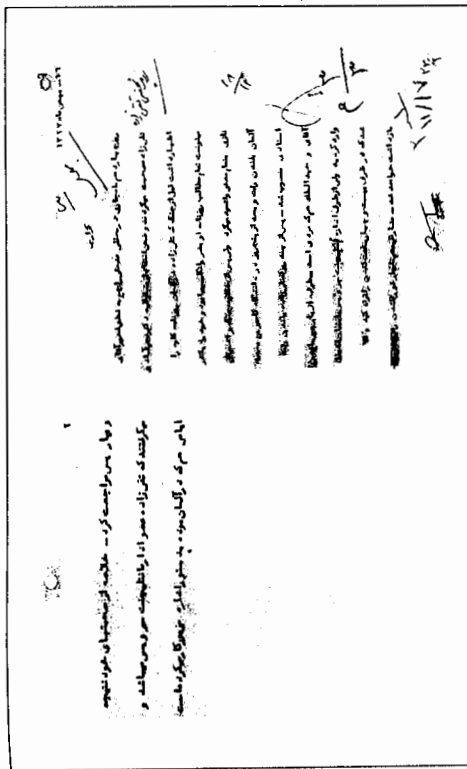


[تاریخ]: ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷

گزارش

روز چهاردهم ماه جاری در محفلی عده‌ای راجع به نطق اخیر آقای تقی‌زاده صحبت می‌کردند و ضمن انتقاد از مشارالیه دکتر نجم‌آبادی اظهار داشت قبل از جنگ که تقی‌زاده در آلمان روزنامه کاوه را می‌نوشت تمام مطالب روزنامه او به ضرر انگلیسها بود و خود را یک نفر نازی به تمام معنی وانمود می‌کرد ولی پس از

خاتمه جنگ و اشغال آلمان به لندن رفت و بعد از پنج روز در دانشگاه کامبریج به سمت استادی منصوب شد - پس از چند روز که تقی‌زاده به لندن رفت آقای وحیدالملک هم که مردی است بی طرف از پاریس به لندن وارد گردید ولی از طرف اداره اینتلیجنت^۱ سرویس به ایشان اخطار شد که در ظرف بیست و چهار ساعت لندن را ترک کند والا بازداشت خواهد شد - مشارالیه هم ناچار فوراً لندن را ترک نمود و به



پاریس مراجعت کرد - خلاصه از صحبت‌های خود نتیجه می‌گرفتند که تقی‌زاده عضو اداره اینتلیجنت سرویس می‌باشد و ایامی هم که در آلمان بوده به دستور اداره مزبور کار می‌کرده است.

پرونده شخصی تقی‌زاده

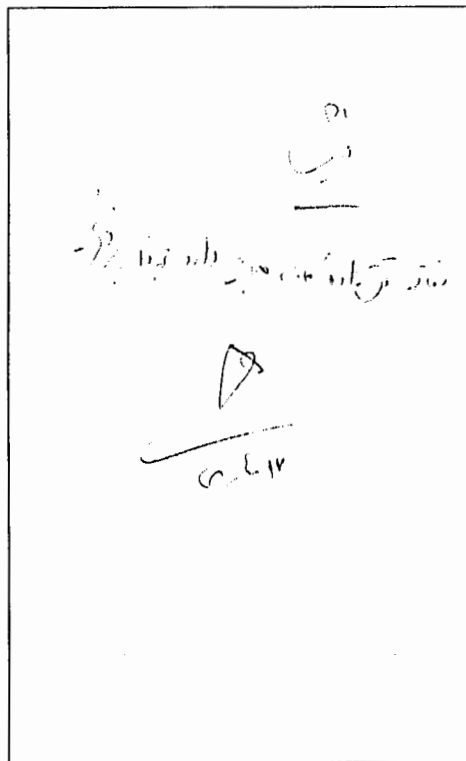
مؤسان نیز در دوران حکومت او تشکیل شد. وی معروف به طرفداری از سیاست کشورهای غربی بود. ساعد فردی لاجوج و یک دنده و از لحاظ سیاسی محافظه کار بود. او به زبانهای فرانسه - روسی - آلمانی - ترکی و اسپانیولی آشنایی داشت. در سال ۱۹۱۳ با خانمی از اهالی لیتوانی ازدواج کرد و حاصل آن دو دختر بود. در پرونده وی در ساواک از او به عنوان یکی از بنیانگذاران فراماسونری در ایران و بزرگ استاد پیشین لژ بزرگ ایران نام برده‌اند. وی در سال ۱۳۵۲ در گذشت. [ر.ک. استاد ساواک - پرونده انفرادی]

۱- سازمان جاسوسی اینتلیجنت سرویس رجوع شود به سازمان‌های جاسوسی جهان، احمد ساجدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

[تاریخ]: ۲۸/۴/۱۷

فیش

سناتور تقی‌زاده کلاسه جدید دارد مجدداً بررسی فرمائید.



گزارش

[تاریخ: ۱۴ مرداد ماه ۱۳۲۸]

۱- مکی، حسین

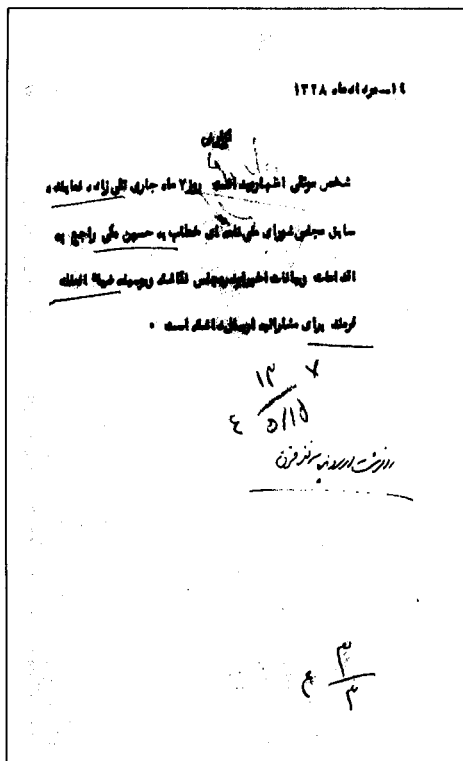
فرزند سید باقر، در سال ۱۲۹۰ هـ ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در دبیرستان دارالفنون با پایان رسانید. پس از اتمام تحصیلات، کارمند فنی راه آهن گردید، سپس بازرگ و ویژه وزارت راه و عضو هیئت عالی بازرسی نخست‌وزیری بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مقالاتی تحت عنوان «تاریخ بیست ساله ایران» در روزنامه «مهر ایران» منتشر ساخت. در پنجمین دوره نخست‌وزیری احمد قوام در بهمن ۱۳۲۴ به سمت معاونت شهرداری تهران منصوب و پس از تشکیل حزب دمکرات قوام، از گردانندگان آن حزب شد و به عنوان وکیل ارک وارد مجلس شورای ملی گردید. در زمان حکومت دکتر مصدق جزو هیأت خلع ید از شرکت انگلیسی نفت جنوب، به آبادان رفت. پس از اختلاف نظر با دکتر مصدق در دسته مخالفین جدی وی از جمله دکتر مظفر بقایی، ابوالحسن حائری‌زاده، سید مهدی میر اشراقی و... در آمد. وی سه دوره نماینده مجلس شورای ملی و عضو فعال حزب زحمتکشان و مسؤول شورای عالی سازمان نگهبانان آزادی (به ریاست دکتر بقایی) بود. نامبرده از نزدیکان و دوستان دکتر مظفر بقایی بوده و در مقاطع مختلف از وی حمایت می‌کرده است. یاد شده در سال ۵۲ بیان داشته: «دکتر بقایی مهره اصلی در کشور بوده که برای روز مبادا ذخیره شده است.» مکی از مخالفان دکتر مصدق و طرفدار شاه و حکومت مشروطه بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

شخص موثقی اظهار می‌داشت روز ۷ ماه جاری تقی‌زاده نماینده سابق مجلس شورای ملی نامه‌ای خطاب به حسین مکی^۱ راجع به اقدامات و بیانات اخیراً و در مجلس نگاشته و بوسیله ضیاءالملک فرمند^۲ برای مشارالیه ارسال داشته است.

رونوشت در پرونده سه نفر فوق

۴-۱۳-۵/۱۵



[تاریخ]: ۲۸/۵/۲۵ ۲- ضیاءالملک - حسنعلی فرمند

حسنعلی فرمند مشهور به

ضیاءالملک در سال ۱۲۶۷ در

دیروز غروب عده از اعضاء حزب اتحاد ملی که در مقابل درب ورودی کلوپ اجتماع داشتند این اشخاص را از طرف دربار کانديد اعلام می داشتند. حکیم الملک. جم. ^۱ تقی زاده. عباس اقبال. ^۲ سرلشگر ضرغامی. ^۳ دکتر شفق. سید محمد صادق طباطبائی. حسین سمعی. ^۴ نصرالملک هدایت.

تقی زاده $\frac{۴۳}{۳}$

چهارم از همدان به مجلس راه

یافت و در دوره های متوالی تا

ششم ادامه یافت. ولی در دوره

ششم راهی اروپا شد. در دوره

چهاردهم بار دیگر به مجلس

رفت و علیه سید ضیاءالدین

طباطبائی منطقی نمود و به

سلطه و دخالت انگلیس اشاره

نمود. در کابینه حسین علاء

وزیر کشاورزی شد. در دوران

مصدق نیز در این شغل مدتی

باقی ماند.

فرمند ملقب ضیاءالملک را از

احمد شاه به احترام پدرش گرفته

بود.

۱- جم. فریدون

فرزند محمود جم (مدیرالملک)،

که بعداً به درجه ارتشبدی رسید

در حال ۱۳۱۷ با دختر رضاخان

بنام شمس ازدواج نمود.

خانواده جم با سران ایل قشقائی

خویشاندوی داشت و به همین

دلیل سران قشقائی با فریدون

روابط حسنه داشتند. در موقعی

که رضاخان تصمیم گرفت شمس

را شوهر دهد، فریدون

دانشجوی دانشکده افسری

(سن سیر) بود. فریدون به

دانشکده افسری اعزام شد. جم

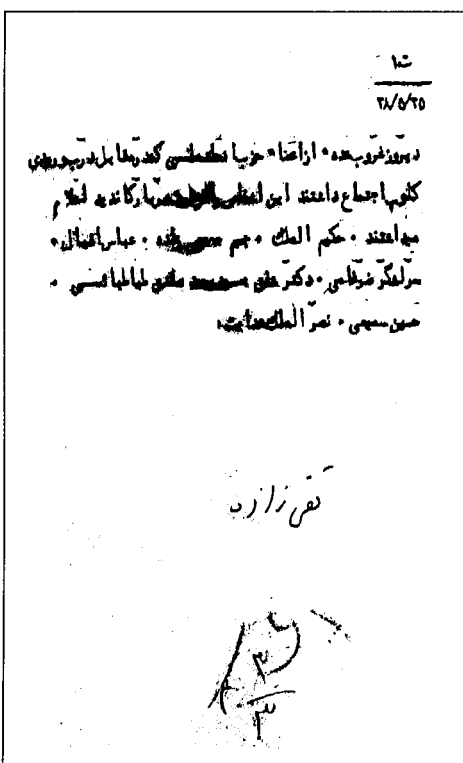
به سال رم رفت، چون قبلاً یک

سال در سن سیر بود، و همکلاس

حسین فردوست و محمدرضا

پهلوی شد. او فردی طلاق را

بزند، تا سرگ رضاخان با



۱۳۰۰ به ارتش مستقل شد. ۱۳۰۹ بار دیگر به ریاست ژاندارمری کل منصوب گردید. به سال ۱۳۱۳ ریاست ارکان حزب کل قشون که بعدها به ستاد ارتش نام گرفت. تا پایان دیکتاتوری رضاخان در کنار وی وفادار ماند. در سال ۱۳۲۸ به عنوان سناتور انتصابی بود. وی پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منزوی بود. وی به زبان انگلیسی مسلط بود و ۹۴ سال عمر کرد و در سال ۱۳۵۷ در تهران درگذشت.

۴- سمیعی، حسین (ادیب‌السلطنه) قهرزند میرزا حسن‌خان ادیب‌السلطنه در سال ۱۲۵۳ ش در رشت متولد شد. در کرمانشاه نزد ابوالقراء اصفهانی و میرزا سالک و در تهران در مدرسه دارالفنون تحصیلات خود را گذارند. مشاغل دولتی را از وزارت امور خارجه آغاز کرد و در سال ۱۳۱۴ قمری (۱۲۵۷ شمسی) معاون دوم اداره عثمانی و در محرم ۱۳۲۶ قمری (۱۲۷۸ شمسی) مدیر اداره تحریرات دول غیر همجوار بود و در سال ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۰ شمسی) مدیریت کل وزارت داخله را بر عهده داشت. ادیب‌السلطنه سمیعی در سال ۱۲۹۳ ش به مجلس شورای ملی راه یافت. در دوره سوم نماینده دوم رشت بود. هنگام ورود قوای متجاوز روسیه به ایران در محرم ۱۳۳۴ قمری (۱۲۹۸ شمسی) و خروج آزادیخواهان و دموکراتها از تهران او نیز که از سران حزب دمکرات رشت بود، به همراه مهاجرین تهران را ترک گفت. هنگامی که مهاجرین در کرمانشاه حکومت مستقل موقتی خود را به ریاست نظام‌السلطنه

۱۳۲۸ ق به تهران آمد و به مدرسه دارالفنون وارد شد. پس از پایان تحصیل در کتابخانه عمومی معارف به کار اشتغال یافت. در دارالفنون تدریس فارسی را آغاز نمود. در مدرسه نظام علوم جغرافیا و ادبیات تدریس می‌کرد.

در سال ۱۳۰۴ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در سوربن به تحصیل پرداخت. با تأسیس دانشگاه تهران، به سمت استادی در دانشگاه ادبیات انتخاب گردید. مدتی عضو فرهنگستان بود. در سال ۱۳۲۳ مجله یادگار را با سیاست «تاریخ نگاری» تأسیس نمود و انتشار آن تا سال ۱۳۲۸ ادامه یافت.

وی در اواخر عمر به عنوان رایزن فرهنگی به ایتالیا رفت و در سن ۵۷ سالگی به سال ۱۳۳۴ درگذشت.

از اقبال پیش از ۳۸ کتاب و دهها مقاله تاریخی ادبی بجای مانده است.

از آثار او :

- تاریخ عمومی ایران
- تاریخ علوم در قرون معاصر
- ایران از صدر اسلام تا استیلای مغول
- تاریخ مفصل ایران
- کلیات تمدن جدید
- ناپلئون و اسلام
- تاریخ مختصر عالم
۳- سرلشکر عزیزالله ضرغامی سرلشکر عزیزالله ضرغامی از امراء عصر رضاخان بود. مدت‌ها رئیس ستاد ارتش در سال ۱۲۶۳ متولد شد. پدرش حسین پاشاخان از سران ایل قشقایی بود. وی در دوران جوانی وارد مدرسه قزاقخانه شد. سپس به ژاندارمری منتقل و چند سمت در ایسن دوران داشت. در سال

وی زندگی کرد و پس از فوت او طلاق گرفت و فریدون هم با فیروزه (رفیقه سابق شاه) ازدواج کرد. او این ازدواج را با دانستن سابقه فیروزه انجام داد و همیشه وجود فیروزه به نفع فریدون بود، چون محمدرضا هر چه جسم می‌خواست انجام می‌داد، ولی نه برای جم، بلکه به خاطر فیروزه! مشاغل فریدون در ارتش همیشه مهتمتر از درجه‌اش بود. نظام و مطالعات نظامی را دوست داشت و اهمیتی به رده افسران نمی‌داد... فریدون زندگی خصوصی خود را بر هر چیز ترجیح می‌داد و در کارهای خطرناک و ریسک دار وارد نمی‌شد... در سال ۱۳۴۰ محمدرضا او را به عنوان فرمانده لشکر به مهاباد اعزام داشت و یک سال بعد وی را جانشین رئیس ستاد ارتش کرد. در آن موقع رئیس ستاد بهرام آریانا بود که پس از قلع و قمع عشایر جنوب (به عنوان فرمانده نیروهای حزب) رئیس ستاد ارتش شده بود. پس از مدتی جم به جای آریانا رئیس ستاد ارتش گردید و وی پس از برکناری از ریاست ارتش به عنوان سفیر به اسپانیا رفت. قبل از انقلاب مدتی برای شرکت در دولت شاهپور بختیار به تهران آمد و چون اهل ریسک نبود لذا حاضر به پذیرش پست وزارت جنگ در کابینه بختیار نشد.

(ر. ک : خاطرات حسین فردوست، ج ۱) صص ۶۳، ۶۵، ۲۴۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۲- عباس اقبال آشتیانی

در سال ۱۲۷۷ شمسی در آشتیان متولد شد. دروس اولیه را در زادگاه به پایان رساند. در سال

مافی تشکیل دادند وزیر داخله این حکومت در تبعید بود. پس از تصرف غرب کشور توسط ارتش روسیه به استانبول و حلب رفت و تا سال ۱۳۲۸ قمری (۱۲۹۸ شمسی) به کشور بازنگشت. سمیعی در کابینه فتح‌الله اکبر سپهدار رشتی که در پنجم آبان ماه ۱۲۹۹ ش تشکیل شد معاون رئیس‌الوزراء بود و در همین سمت بود که از طرف دولت و دربار مأمور شد تا جلوی حرکت کودتاچیان سوم اسفند ۱۲۹۹ ش را بگیرد ولی موفق نشد و توسط کودتاچیان مدتی بازداشت شد. پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ ش

ادیب‌السلطنه سمیعی به مناصب بالاتر ترقی کرد در کابینه اول قوام‌السلطنه که در ۱۴ خرداد ۱۳۰۰ ش تشکیل شد وزیر فوآند عامه و تجارت شد و همین سمت را در کابینه مشیرالدوله که در سوم بهمن ماه ۱۳۰۰ ش تشکیل شد حفظ کرد. در اسفند ماه ۱۳۰۱ ش در کابینه مستوفی‌الممالک به کفالت وزارت داخله منصوب شد که در اثر فشار مخالفین دولت در مجلس و کشور که بی ارتباط با تحریکات سردار سپه نبود در اردیبهشت ماه ۱۳۰۲ ش مجبور به استعفا شد. در سال ۱۳۰۴ ش

هنگامی که مجلس مؤسسان به منظور تفویض سلطنت به خاندان پهلوی و تغییر پاره‌ای از مواد قانون اساسی تشکیل شد او نیز به نمایندگی این مجلس برگزیده شد و به سلطنت پهلوی رأی داد. در هفتم شهریور ماه ۱۳۰۳ ش به عنوان وزیر عدلیه وارد کابینه سردار سپه شد.

[تاریخ]: ۲۸/۵/۲۸ ۱- حسین فرهودی فرزند سید

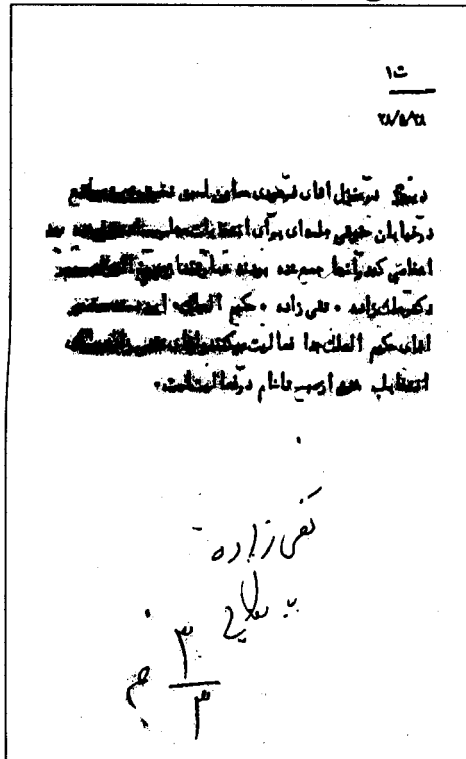
مرتضی، در سال ۱۲۸۵ هـ ش در تهران متولد گردید.

دیروز در منزل آقای فرهودی^۱ معاون اسبق نخست‌وزیری واقع در خیابان حقوقی جلسه‌ای برای انتخابات مجلس سنا تشکیل شده بود اشخاصی که در آنجا جمع شده بودند عبارتند از مورخ الدوله سپهر^۲ دکتر ملک زاده. تقی زاده. حکیم الملک. این دسته مخصوص آقای حکیم الملک جداً فعالیت می‌کنند و آقای تقی زاده برای انتخابات فوق از صبح تا شام در فعالیت است.

تقی زاده بایگانی ۴۳/۳

حزب ملیون، رئیس شورای مسائل شهری حزب ایران نوین، عضو انجمن ایران و آمریکا و... بوده است. همچنین وی عضو لژهای مختلف فراماسونری از جمله لژ مزدا، سعدی و فارابی بوده است. فرهودی پست‌های متعددی در مراکز مختلف کشور داشته، از جمله رئیس دفتر وزارتی و وزارت فرهنگ، مدیر کل و رئیس دانشکده کشاورزی کرج، نماینده ادوار ۱۴ و ۱۶ مجلس شورا، عضو مجلس مؤسسان، معاون نخست‌وزیر، رئیس انجمن شهر و...

پرونده‌های انفرادی ساواک
۲- احمدعلی سپهر مشهور به مورخ السلطنه و نوه میرزا تقی خان سپهر مورخ نامی دوره ناصری، در سال ۱۲۶۹ در تهران متولد شد. تحصیلات قدیم و جدید را فرا گرفت. مدتی در سفارت آلمان مشغول کار شد. در جنگ جهانی اول پس از شکست آلمان، مدتی بیکار شد. سپس در تشکیلات عدلیه مشغول کار شد. زمانی در اداره ثبت بکار پرداخت. پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد فعالیت سیاسی شد. در کسبینه قوام‌السلطنه معاون وزارت پیشه و هنر و بازرگانی را داشت. در بهمن ۱۳۲۴ در کابینه دوم قوام وزیر پیشه و هنر و بازرگانی و در تیر ۱۳۲۵ به



[تاریخ]: ۱۳۲۸/۵/۳۱ بهانه کارشکنی در دولت قوام دستگیر و تبعید شد.

پس از سقوط دولت قوام به مرکز بازگشت و به کار نگارش مقالاتی با نام مستعار «به قلم یکی از رجال» در مطبوعات فعال گردید.

در دولت سوم قوام، تیر ۱۳۳۱ بار دیگر قوام او را به همکاری دعوت نمود. و حتی آن اعلامیه تند قوام که باعث سقوط اوست با عنوان «کشتیان را سیاسی دگر آمد» به قلم مورخ الدوله بود. شاید هم برای انتقام‌گیری از قوام!

پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد بکار تألیف، ترجمه، تحقیق مشغول و ترجمه نهج البلاغه به زبان فرانسه را آغاز نمود. وی در سال ۱۳۵۵ در سن ۸۶ سالگی در تهران درگذشت.

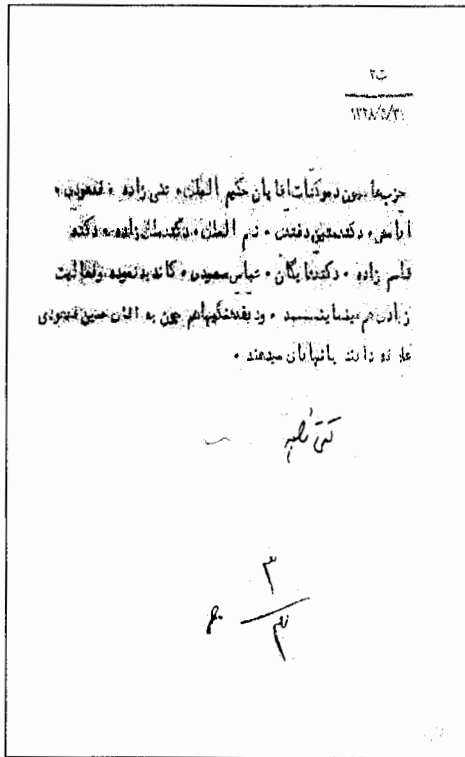
۱- احمد آرامش فرزند محمدعلی در سال ۱۲۸۷ هـ ش در یزد به دنیا آمد. نام خانوادگی وی، شعله اشتری بود که بعدها به آرامش تغییر داد و در برخی مدارک تاریخ تولد وی ۱۲۸۳ ذکر شده است.

مشارالیه در شهر محل تولد شروع به تحصیل کرد و پس از گذراندن مقدمات آن، در سال ۱۳۰۶ به استخدام اداره فرهنگ یزد درآمد و تا سال ۱۳۱۰ که به تهران آمد، به شغل معلمی اشتغال داشت.

آرامش در سال ۱۳۱۰ به تهران آمد و در وزارت راه - سازمان راه آهن و اداره محاسبات اداره طرق و شوارع - شروع به کار کرد. او که در حین اشتغال در کالج امریکائی تهران به ادامه تحصیل پرداخته بود، در سال ۱۳۱۴ دیپلم گرفت و بعدها

حزب عامیون دموکرات آقایان حکیم‌الملک، تقی‌زاده، فرهودی، آرامش^۱، دکتر متین‌دفتری، نجم‌الملک، دکتر ملک‌زاده، دکتر قاسم‌زاده، دکتر شایگان^۲، عباس مسعودی^۳ کاندید نموده و فعالیت زیادی هم می‌نمایند. و در فرهنگیه هم چون به آقای فرهودی علاقه دارند به آنها رای می‌دهند.

تقی‌زاده ۴۳
۳



از مدرسه سیاسی، لیسانس اقتصاد سیاسی اخذ کرد. و در این دوران، به انتشار دو کتاب، حاوی اسناد خرابکاری حزب توده دست زد.

آرامش در سال ۱۳۱۸ به وزارت دارایی منتقل شد و پس از چندی به وزارت پیشه و هنر رفت و در آنجا تا مقام مدیرکلی و معاونت وزارتخانه ارتقاء یافت.

احمد آرامش که در راه‌اندازی حزب دمکرات قوام‌السلطنه، نقش مؤثری داشت و مدتی دبیرکل آن حزب بود، در کابینه او به وزارت کار و تبلیغات رسید و با اخذ امتیاز روزنامه دیپلمات در سال ۱۳۲۵، از این روزنامه به عنوان ارگان حزب دمکرات، استفاده می‌کرد.

با سقوط کابینه قوام‌السلطنه، احمد آرامش نیز تا سال ۱۳۲۸ به مشاغل آزاد و انتشار دیپلمات مشغول بود. تا اینکه در این سال به همکاری با هیئت مستشاری وزارت کار، دعوت شد. به عنوان ناظر سازمان برنامه، انتخاب گردید که در عین حال مشاورت وزارت کار را نیز به عهده داشت. احمد آرامش که از شخصیت‌های مرموز تاریخ ایران به شمار می‌رود در سال ۱۳۲۴ با همکاری افرادی چون، دکتر اسدی و دکتر نیاسی و... گروه ترقیخواهان ایران را شکل داده بود. در این سمت با ابوالحسن ابتهاج به مخالفت برخاست و ضمن نوشتن کتابی تحت عنوان «چه سرباهی که بر سرفتن رفت» در سال ۱۳۲۶ به اجبار کار کنار گذاشته شد.

وی در سال‌های ۸-۱۳۳۷، انتشار مقالاتی تحت عنوان «چهارراه خاورمیانه» را شروع کرد و با مخالفت شدید سفارت

امریکا در تهران مواجه گردید. مشارالیه که در سال ۱۳۳۸ از خدمت دولت مستعفی گردیده بود، در سال ۱۳۳۹ بنابر ارتباط سببی که با شریف امامی داشت - همسر آرامش، خواهر شریف امامی بود- در کابینه وی به عنوان وزیر مشاور و قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه، منصوب گردید.

احمد آرامش که با سقوط کابینه شریف امامی، از کار برکنار شده بود و در پیرونده خود سابقه رهبری جوانان حزب دمکرات ایران، دبیرکلی آن حزب، ریاست انجمن روزنامه‌نگاران و رهبری گروه ترقیخواهان را داشت، به تشکیل حزبی تحت عنوان «حزب جمهوری خواهان» دست زد و مکاتباتی را با سران کشور امریکا شروع کرد که از جمله آن، نامه‌ای بود که خطاب به جانسون نوشت و در آن به انتقاد شدید از منصور، حزب ایران نوین و هویدا پرداخت و به همین مناسبت در سال ۱۳۴۴ دستگیر و به ده سال حبس محکوم شد که البته این مدت به ۶ سال تقلیل یافت و وی در سال ۱۳۵۰ از زندان آزاد گردید.

احمد آرامش که قبل از این زندان طویل‌المدت، چند بار دیگر نیز برای مدت‌های کوتاهی دستگیر شده بود، برده‌ای از چهره مرموز خود را در بازجویی مورخه ۴۲/۱/۳۱، چنین برگرفت:

«برای اولین بار است که فاش می‌کنم طرح کودتا علیه حکومت مصدق در منزل من صورت پذیرفت به این معنی که ۳ نفر سرهنگ امریکایی وابسته به «سیا» در اوایل تیر ماه ۳۲ به تهران آمدند و چندین بار در

منزل من جمع شده و نقشه کار را پی‌ریزی کردیم. در ابتدا قرار بود کودتا در ۲۵/۵/۳۲ انجام گیرد و موفق نشدیم و بالاخره در ۲۸ مرداد ماه به نتیجه مطلوب رسید. فلسفه اقدام ساقط کردن حکومت مصدق آن بود که می‌ترسیدم دکتر مصدق کریستکی ایران بشود. همین که کار کودتا خاتمه یافت و شاه به وطن بازگشت من فراموش شدم. و خدمات من به حساب لیاقت خودشان عنوان شد.»

احمد آرامش پس از آزادی از زندان، شرح حالی از چگونگی و علت دستگیری خود، به همراه سختی‌ها و مرارت‌های داخل زندان و شکنجه‌های صورت گرفته را تحت عنوان «یادداشت‌های زندان» منتشر کرد.

وی در ۲۴ مهر ماه ۱۳۵۲ در پارک لاله تهران به دست افراد ناشناسی کشته شد که برخی معتقدند این قتل به دست مأموران ساواک صورت گرفته است.

۲- سید علی شایگان :

فرزند حاج سید هاشم مولی از معاریف شیراز در ۱۲۸۱ ش در شیراز به دنیا آمد و علوم قدیمه و فقه اسلامی و دوره دبیرستان را در آن شهر آموخت. سپس به تهران آمد و در رشته علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۰۷ جزء نخستین گروه دانشجویان برگزیده به اروپا رفت و در رشته حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس درجه دکترا گرفت. در سال ۱۳۱۲ در دانشکده حقوق به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۱۹ به سمت استاد دانشگاه حقوق و سپس معاون آن دانشکده

محافظه کار، حقه‌باز، هنرهای هزار رنگ، جاسوس صفت، علاقه‌مند به افزایش ثروت، غیرقابل اعتماد و مورد تنفر عامه مردم می‌باشد.

نامبرده با تمام حوادث بعد از دهه ۲۰ سازش داشته، نوکر رضاشاه بود و با مخالفین او نیز نزدیک بود. در سال ۱۳۲۰ پس از حادثه سوم شهریور سلسله مقالاتی بر علیه رضاشاه نوشت. در سال ۱۳۲۱ در ماجرای ۱۷ آذر بر علیه قوام السلطنه شرکت کرد و پس از ۱۷ سال برای اولین بار روزنامه او توقیف شد و به زندان افتاد. از اواسط سال ۱۳۲۰ روزنامه او طرفدار مصدق شد و در ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲، شدیدترین حملات بر علیه شاه و حکومت را انجام داد. با حزب توده، حزب اراده ملی و هر سیاست و گروهی نزدیک بود و سازش می‌کرد. بعد از وارد شدن به امور روزنامه نگاری به سیاست انگلستان نزدیک شد و ترقی کرد و با عامیون نزدیک شد مسعودی عضو جمعیت فراماسونری لژ ایران و از افراد مؤثر در تشکیل کلوپ روتاری و عضو کلوپ تهران بود.

مسعودی که بنیانگذار و مدیر مؤسسه اطلاعات بود. سرانجام در سن ۷۳ سالگی در دفتر کار خود، درگذشت.

«اسناد ساواک، پرونده‌های انفرادی».

۹۶۳۳۷ سوم ۸۵۱۲ / م
پ. ۱. ۷۴۵۲۸ سوم

از جهت زندگی و معاش در زحمت بود ابتدا به شغل حرفه‌چینی و کارگر ساده مطبعه در مطابع تهران مشغول بکار شد. پس از چهار سال بتدریج مصحح روزنامه «اقدام» و «شفق» و خبرنگار روزنامه‌های «ایران» و «کوشش» گردید. در سال ۱۳۰۰ ش ابتدا مرکز کوچکی که فقط یک اطاق داشت در تهران دایر کرد که مرکز اطلاعات نامیده می‌شد و اخبار خبرگزاری‌های «رویتر» و «هاواس» را از دوایر مطبوعاتی این دو سفارتخانه مسی گرفت و بسا دادن مبلغ مختصری اجازه ترجمه و نشر آن را در تهران گرفت.

مسعودی در تیرماه - ۱۳۰۴ امتیاز روزنامه اطلاعات را گرفت و در واقع امتیاز روزنامه را که متعلق به فردی به نام علی اکبر سلیمی بود با نیرنگ و فشار پلیس وقت اخذ کرد. بعدها اطلاعات دارای مؤسسات فنی و نشریات دیگری مانند: اطلاعات کودکان، مجله اطلاعات هفتگی، مجله اطلاعات ماهانه، مجله بانوان، جوانان، تهران ژورنال و اطلاعات هوایی شد.

مشاغل دولتی مسعودی از سال ۱۳۱۴ شروع شد و در آن حال به وکالت دوره دهم مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه تهران رسید و تا پایان دوره پانزدهم، شش دوره متوالی همچنان وکیل بود. در سال ۱۳۲۸ به سمت سناتوری تهران انتخاب گردید و تا سال ۱۳۵۱ در این سمت باقی ماند. وی به زبان انگلیسی و فرانسه آشنا بود. ساواک در سند بیوگرافی او آورده است: او فردی متخصص در فن، اهل زدوبستند، خوش مشرب،

منسوب شد. از شهریور ۱۳۲۰ وارد جهان سیاست گردید و در سال ۱۳۲۴ معاون وزیر فرهنگ شده و سپس به وزارت فرهنگ رسید. در سال ۱۳۲۷ پس از تیر اندازی به سوی شاه و اتهام شرکت حزب توده در این سوء قصد، وکالت سران بازداشتی حزب توده را به عهده گرفت. با اوج گرفتن نهضت ملی، دکتر شایگان از سوی مردم تهران کاندیدای نمایندگی دوره شانزدهم گردید. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وی مانند دیگر یاران دکتر مصدق همچون دکتر حسین فاطمی، مهندس حبیبی و دکتر صدیقی به دادگاه نظامی برده شد. وی در دادگاه بدوی محکوم به زندان ابد و در دادگاه تجدید نظر به ۱۰ سال زندان محکوم گردید که پس از سه سال به علت کسالت شدید آزاد شد و به آمریکا رفت. وی در سالهای آخر عمر خود رهبری نهضت ملی ایران علیه رژیم را در آمریکا بر عهده داشت و نشریاتی در خارج زیر نظر وی چاپ می‌شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوبار به ایران آمد و با اعضای جبهه ملی تماسهایی برقرار نمود. تا اینکه سرانجام در نیمه اردیبهشت سال ۱۳۶۰ در آمریکا در سن ۷۹ سالگی از دنیا رفت و در هفته آخر اردیبهشت ماه، جنازه وی به ایران آورده شد و در کنار آرامگاه اللهیار صالح به خاک سپرده شد.

۳- عباس مسعودی:

فرزند حاج محمدعلی، در سال ۱۲۸۰ ش در تهران به دنیا آمد. پس از خاتمه تحصیلات مقدماتی و متوسطه در تهران، چون قادر به ادامه تحصیل نبود و

[تاریخ]: ۳ شهریور ماه ۱۳۲۸

گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه شب گذشته جلسه‌ای مرکب از ۱۸ نفر از کاندیدهای نمایندگی مجلس سنا در منزل سهام السلطان بیات تشکیل شده و بعد از مذاکرات مفصل چون از کمک آقایان حکیمی - تقی‌زاده و چند نفر دیگر از این قبیل اشخاص مأیوس می‌کردند قرار می‌شود اسامی آنها را از لیست خودشان

حذف نمایند روی این تصمیم صبح امروز بیات بوشهری و تهرانچی با حضور نیکپور در اطاق بازرگانی تشکیل جلسه داده و در روی اسامی ۴۵ نفر توافق نموده و قرار شد عصر امروز ضمن آگهی رسمی این اسامی را به اطلاع عموم برسانند.

سرگرد ابراهیمی

سهام السلطان بیات

رونوشت تقی‌زاده - حکیمی

بایگانی - تقی‌زاده

۳ شهریور ماه ۱۳۲۸

گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه شب گذشته جلسه‌ای مرکب از ۱۸ نفر از کاندیدهای نمایندگی مجلس سنا در منزل سهام السلطان بیات تشکیل شده و بعد از مذاکرات مفصل چون از کمک آقایان حکیمی - تقی‌زاده و چند نفر دیگر از این قبیل اشخاص مأیوس می‌کردند قرار می‌شود اسامی آنها را از لیست خودشان حذف نمایند

این تصمیم صبح امروز بیات بوشهری و تهرانچی با حضور نیکپور در اطاق بازرگانی تشکیل جلسه داده و در روی اسامی ۴۵ نفر توافق نموده و قرار شد عصر امروز ضمن آگهی رسمی این اسامی را به اطلاع عموم برسانند.

آگهی رسمی این اسامی را با اطلاع عموم برسانند.

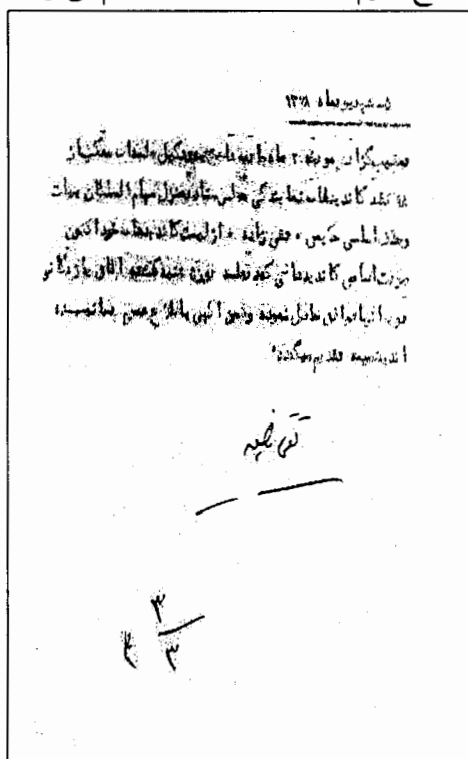
سرگرد ابراهیمی
سهام السلطان بیات
رونوشت تقی‌زاده - حکیمی

تقی‌زاده
۴/۳

[تاریخ]: ۵ شهریور ماه ۱۳۲۸

تعقیب گزارش مورخه ۳ ماه جاریه راجع به تشکیل جلسه‌ای مرکب از ۱۸ نفر کاندیدهای نمایندگی مجلس سنا در منزل سهام السلطان بیات و حذف اسامی حکیمی، تقی‌زاده. از لیست کاندیدهای خود اکنون صورت اسامی کاندیدهای که در جلسه روز ۵ شنبه گذشته اطاق بازرگانی بوده آنها توافق حاصل نموده و ضمن آگهی به اطلاع عموم رسانیده‌اند به ضمیمه تقدیم می‌گردد.

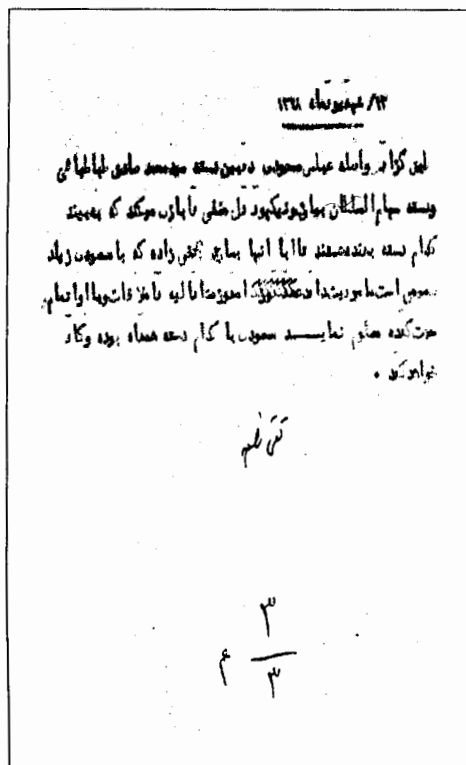
تقی‌زاده



[تاریخ: ۱۳ شهریور ماه ۱۳۲۸]

طبق گزارش واصله عباس محمودی در بین دسته سید محمدصادق طباطبائی و دسته سهام‌السلطان^۱ بیات و نیکپور رل منفی را بازی می‌کند که به‌بیند کدام دسته هستند تا با آنها بسازد؟ تقی‌زاده که با محمودی زیاد صمیمی است مأموریت دارد امروز مشارالیه را ملاقات و با او اتمام حجت کرده معلوم نماید محمودی با کدام دسته همراه بوده و کار خواهد کرد.

تقی‌زاده



۱- ارتشبد حسین فردوست در
خاطرات خود مرتضی قلی‌بیات،
ابراهیم حکیمی، محسن صدر
(صدرالاشراف) را از مهره‌های
مهم و پرورش‌یافته انگلیسی‌ها
می‌داند.
خاطرات فردوست، جلد اول،
تهران، مؤسسه مطالعات و
پژوهش‌های سیاسی، ص ۲۵۰

۱- سید محمد صادق طباطبائی

فرزند آیت‌الله سید محمد

طباطبائی در سال ۱۲۶۰ در

تهران متولد شد. پدرش در آن

هنگام در نجف و سامره مشغول

تحصیل بود. پس از تحصیلات

اولیه در تهران و در سال ۱۳۱۷

مدرسه اسلامی را تأسیس به

شیوه مدارس اروپایی شروع

بکار کرد. در سال ۱۳۲۳ همراه

پدر برای تحصن به حضرت

عبدالعظیم (س) رفت. پس از

تأسیس مجله شورای ملی،

روزنامه «مجلس» را مدیریت

کرد. هر هفته ۴ شماره منتشر

می‌شد. پس از به توپ بستن

مجلس وی دستگیر و در باغشاه

مورد اذیت و آزار قرار گرفت.

سپس به اروپا تبعید و یک سال

در آنجا بود. پس از بازگشت به

مشهد نزد پدر رفت. پس از فتح

تهران به پایتخت بازگشت. در

انتخابات دوره دوم به مجلس

شورای ملی وارد شد. در دوره

سوم نیز به مجلس راه یافت. با

شروع جنگ جهانی اول برای

تشکیل دولت در تبعید راهی

کرمانشاه شد. در انتخابات دوره

چهارم از تهران به مجلس راه

یافت. در سال ۱۳۰۰ به همراه

سلیمان میرزا اسکندری حزب

سوسیالیست را تأسیس و به

دفاع از رضاخان پرداخت. در

سال ۱۳۰۳ به عنوان سفیر ایران

راهی ترکیه شد. و روابط خود

را با رضاخان نزدیکتر نمود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ در دوره

چهاردهم به ریاست هیئت

نظارت انتخابات تهران برگزیده

شد.

در این دوران (۱۳۲۰ - ۱۳۲۸)

به فعالیت سیاسی به تأسیس

حزب سوسیالیست، حزب مردم

پرداخت اما کاری از پیش

نکرد.

[تاریخ]: ۱۳ شهریور ماه ۱۳۲۸

طبق اطلاع حاصله دکتر ظاهری محرمانه با حکیم‌الملک و تقی‌زاده ائتلاف

کرده ولی در صورت ظاهر برای خودش مستقلاً کار می‌کند و عده‌ای از

منتظرالوکاله‌ها را دیده و پس از انتخاب از یزد او را به ریاست مجلس انتخاب

نمایند و سید محمد صادق طباطبائی^۱ هم از این موضوع مطلع شده علیه او

مشغول اقدام و فعالیت

گردیده است.

تقی‌زاده

۱۳ شهریورماه ۱۳۲۸

لیکن الحزب الحکیم الملک و تقی‌زاده ائتلاف
کرده ولی در صورت ظاهر برای خودش
مستقلاً کار می‌کند و عده‌ای از
منتظرالوکاله‌ها را دیده و پس از انتخاب
از یزد او را به ریاست مجلس
انتخاب نمایند و سید محمد صادق
طباطبائی هم از این موضوع مطلع شده
علیه او مشغول اقدام و فعالیت گردیده است.

تقی‌زاده

۴
۳

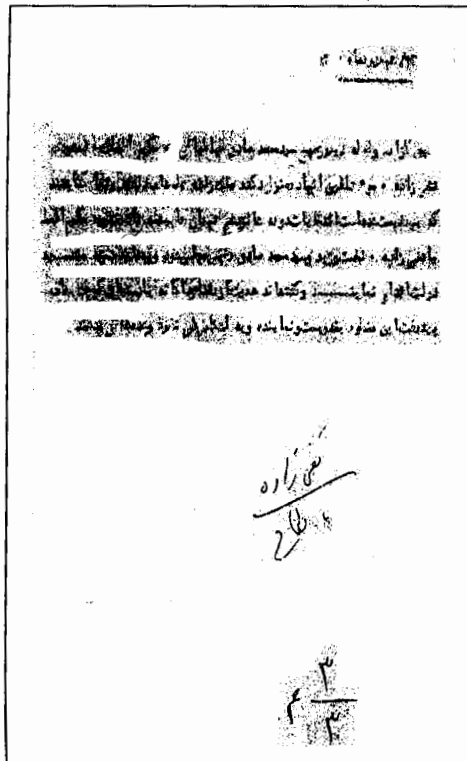
[تاریخ: ۱۳ شهریور ماه ۱۳۲۸]

طبق گزارش واصله دیروز صبح سید محمدصادق طباطبائی. حکیم‌الملک. فرهودی. تقی‌زاده. مؤلفین آنها در منزل دکتر ملک‌زاده جلسه‌ای داشته و قرار گذاشتند که به هر قیمت شده است انتخابات دوره شانزدهم تهران را ببندند تا در نتیجه حکیم‌الملک یا تقی‌زاده نخست‌وزیر و سید محمد صادق رئیس مجلس شود و به علیه کمیته منتسب به دولت اقدام نمایند و گفته‌اند هیئت از رفقا جداگانه

با دستجات کوچک برای پیشرفت این منظور بند و بست و نماینده و به اشخاص ذی نفوذ وعده‌هایی بدهند.

تقی‌زاده با یگانی

$\frac{۴۳}{۳}$



نبرد.

در مجلس مؤسسان سال ۱۳۲۸
ریاست مجلس به او واگذار شد.
پس از کودتای امریکایی ۲۸
مرداد ۱۳۳۲ وارد مجلس سنا
شد. و در سال ۱۳۴۰ در تهران
درگذشت.

تاریخ: ۱۳۲۸/۶/۱۳

ریاست ستاد ارتش

محترماً برابر اطلاع واصله آقای تقی زاده به همدان وارد و مهمان نراقیها

می باشند.

۱۳۲۳ - ۲۸/۶/۱۲ سرهنگ محوی

بایگانی ۴۳/۳

بسم کف کت	کف تلگراف
تاریخ وصول	شماره وارده
۱۳۲۸ - ۶ - ۱۳	۱۹۳۷
تاریخ کف	مناظرش
ماه د ۱۳۲۸	
دفتر موزان	
ریاست ستاد ارتش	
همدان نراقیها میباشند - ۱۳۲۳ - ۲۸/۶/۱۲	
سرگشته	
۱۸.۵۶	
۴/۴	
۴/۳	

[تاریخ: ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۸]

طبق اظهار شخص مطلعی برای اختلافی که چند روز پیش سید محمد صادق طباطبائی از طرف حزب اتحاد یا حزب عامیون تقی‌زاده نموده بود اختلاف بسیار شدیدی در کمیته مرکزی حزب اتحاد ایجاد گردیده و در نتیجه این اختلاف ۷ نفر از اعضاء کمیته مرکزی حزب مذکور تصمیم گرفته‌اند در جلسه امشب اعتراض خود را تجدید کرده و اعلان انحلال حزب مزبور را صادر نمایند.

تقی‌زاده $\frac{۳}{۳}$

۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۸

ابوالمهاجر محمد تقی زاده و سایر اختلافی که چند روز پیش در سید محمد صادق طباطبائی از اعضاء حزب اتحاد یا حزب عامیون تقی‌زاده نموده بود اختلاف بسیار شدیدی در کمیته مرکزی حزب اتحاد ایجاد گردیده بود نتیجه این اختلاف ۷ نفر از اعضاء کمیته مرکزی حزب مذکور تصمیم گرفته‌اند در جلسه امشب اعتراض خود را تجدید کرده و اعلان انحلال حزب مزبور را صادر نمایند.

تقی‌زاده

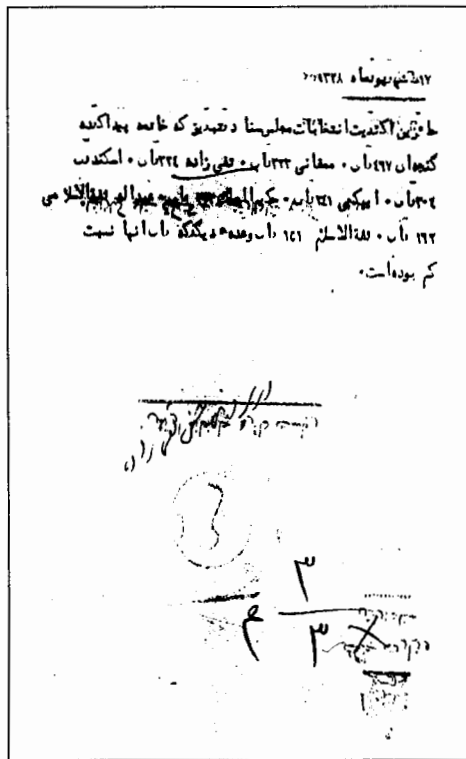
 $\frac{۳}{۳}$

[تاریخ]: ۱۷ شهریور ۱۳۲۸

حائزین اکثریت انتخابات مجلس سنا در تبریز که خاتمه پیدا کرده گنجه‌ای
 ۴۶۷ رای. ممقانی ۳۲۳ رای. تقی‌زاده ۳۲۴ رای. اسکندری ۳۰۴ رای. اییکچی
 ۳۴۱ رای. حکیم‌الملک ۳۳۷ رای. عبدالله ثقة‌الاسلامی ۱۶۲ رای. ثقة‌الاسلام
 ۱۵۱ رای و عده‌ی دیگر که رای آنها نسبت کم بوده است.

در پرونده حسن تقی‌زاده

$\frac{43}{3}$

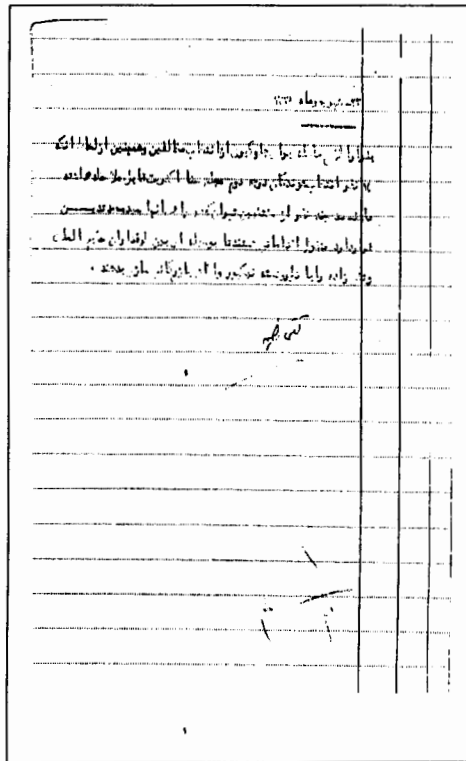


[تاریخ]: ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۸

به قرار اطلاع حاصله برای جلوگیری از انتخاب مخالفین و همچنین از لحاظ آنکه ۱۴ نفر انتخاب شوندگان درجه دوم مجلس سنا اکثریت قابل ملاحظه داشته باشند چند نفر از منتخبین تهران که در راس آنها سید محمد تدین^۱ قرار دارد..... اقداماتی هستند تا بوسیله ای بین طرفداران حکیم الملک و تقی زاده را با دار و دسته نیکپور و اطاق بازرگانی سازش بدهند.

۱- سید محمد تدین

فرزند سید محمد تقی بیرجندی در سال ۱۲۶۰ در یکی از دهات بیرجند متولد شد. تحصیلات اولیه را در زادگاه به پایان رساند. سپس وارد حوزه علمیه مشهد شد. در ۱۳ سالگی وارد تهران شد. مدتی بعد به نجف اشرف. ولی بار دیگر به تهران مراجعت کرد. در اوایل انقلاب مشروطیت وارد فعالیت سیاسی شد. با تأسیس حزب دمکرات قرارداد نسکین و ذلت بار و توثق الدوله از طرفداران جدی آن به شمار می رفت. در انتخابات دوره چهارم از سوی حزب دمکرات به مجلس راه یافت. در دوره پنجم از بیرجند به مجلس وارد و جزو هیئت رئیسه و سپس به نیابت ریاست مجلس تعیین گردید. وی از مدافعان سرسخت رضاخان بود. به همین دلیل با دسیسه مدافعان سردار سپه به ریاست مجلس رسید. در سال ۱۳۰۵ به عنوان وزیر معارف وارد کابینه شد. در سال ۱۳۰۹ وزیر فرهنگ و در سال ۱۳۲۸ با تأسیس مجلس سنا، به مجلس راه یافت. در سال ۱۳۳۰ به دلیل مرض سرطان در سن ۷۰ سالگی درگذشت. وی در دوران رضاخان از مخالفان سرسخت شهید آیت الله سید حسن مدرس بود.



[تاریخ]: ۲۹ شهریور ماه ۱۳۲۸

۱- دکتر محمد مصدق در

۱۲۶۱/۲/۲۹ ش. در تهران

متولد شد. پدرش میرزا هدایت،

وزیر دفتر و مادرش

نجم السلطنه، خواهر فرمانفرما.

از شاهزادگان قاجار بود. در سن

۱۴ سالگی، به جای پدر،

مستوفی خراسان شد و لقب

مصدق السلطنه گرفت. در دوره

اول مشروطه (۱۲۸۶ ش) در

۲۵ سالگی از اصفهان به مجلس

راه یافت. در سال ۱۲۸۸، زاهی

سوئیس و فرانسه، برای ادامه

تحصیل شد. در سال ۱۲۹۲ با

دکترای حقوق به ایران بازگشت.

مدتی والی فارس، بعد از کودتا

زمانی وزیر مالیه، عدلیه و

خارجه بود و اندک مدتی، والی

آذربایجان شد. در دوره‌های

پنجم و ششم مجلس راه یافت.

در ابتدا مدافع رضا خان، سپس

مورد غضب قرار گرفت. در سال

۱۳۲۰، بار دیگر به صحنه

سیاست راه یافت. در مجلس،

علیه سید ضیاء به مخالفت

برخواست. در سال ۱۳۲۸، به

همراه جمعی از سیاسیون و

ملیون جبهه ملی را بنا نهاد. با

کمک مردم به نخست‌وزیری

رسید. در دوران تصدی وی، با

یاری و هدایت علما، نهضت

نفت به پیروزی رسید. پس از

کودتای ۲۸ مرداد، دستگیر و

پس از مدتی بازداشت تبعید شد

و در سال ۱۳۴۵، درگذشت.

مصدق، با تفکر لیبرالیستی و

ملی‌گرایی، همواره مدافع

جدایی دین از سیاست بود. به

همین دلیل، در دوره حکومتش،

فدائیان اسلام دستگیر شدند و با

روحانیت نتوانست همکاری

کند. نگرشهای غربگرایانه وی،

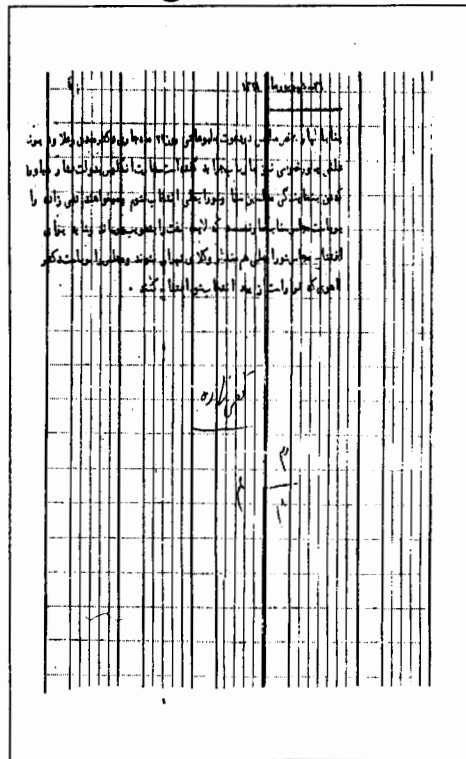
باعث سلطه آمریکا بر ایران شد.

در صورتی که مردم، علیه

بنا به اظهار شخص مطلعی در دعوت مطبوعاتی روز ۲۲ ماه جاری دکتر مصدق^۱ و علاوه بر علنی به طور خصوصی نیز به ارباب جراید گفته است سفارت انگلیس به دولت فشار می‌آورد که من به نمایندگی مجلسین سنا و شورای ملی انتخاب نشوم و می‌خواهند تقی‌زاده را به ریاست مجلس سنا بگمارند که لایحه نفت را به تصویب برساند و شاید برای افتتاح مجلس شورای

ملی هم منتظر وکلای تهران نشوند و مجلس را به ریاست دکتر طاهری که قرار است از یزد انتخاب شود افتتاح کنند.

تقی‌زاده $\frac{۲۳}{۳}$



[تاریخ]: ۱۱ مهر ۱۳۲۸

گزارش

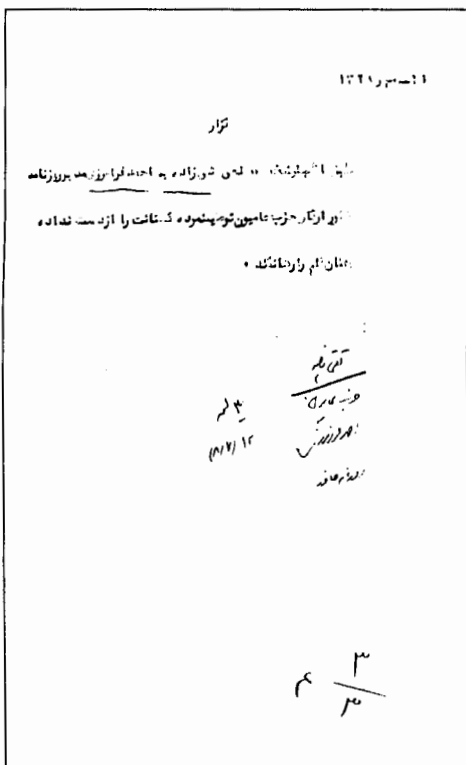
استعمار انگلیس مبارزه کرده بودند.

۱- احمد فرامرزی
فرزند شیخ عبدالواحد لاری در سال ۱۲۶۵ در گجوبه لارستان متولد شد. ادبیات فارسی و عربی را فرا گرفت. در نوجوانی از مدافعان مشروطه بود. پس از انقلاب مشروطه همراه برادر خود عبدالرحمن راهی بحرین شد. و کار معلمی را پیشه خود ساخت. پس از مدتی دوباره به ایران آمد و در وزارت امور خارجه به عنوان مترجم عربی استخدام شد. مدتی در وزارت راه، چندی در دادگستری دارای مشاغل بود.

در سال ۱۳۰۸ در تهران مجله علمی و ادبی «تقدم» را منتشر نمود و با همکاری تقی‌زاده، محمد علی جمال‌زاده،... مجله را نشر می‌داد. در سال ۱۳۲۰ نامه هفتگی سیاسی اجتماعی «خاور» را منتشر نمود. مدتی روزنامه آینده ایران را انتشار می‌داد. در دوره پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد. در دوره هفدهم و هجدهم نیز وکیل بوشهر بود. فرامرزی در ادبیات و تاریخ صاحب نظر و پیرامون تاریخ و جغرافیای خلیج فارس مقالاتی منتشر کرد. وی در اسفند ۱۳۴۰ در سن ۷۳ سالگی درگذشت.

۲- مجله خاور

نوع و روش: مجله علمی، تاریخی، ادبی، مدیر: محمد عرفان، تاریخ انتشار ۱۳۲۸ ق. محل انتشار شیراز، فاصله انتشار ماهانه راهنمای مطبوعات ایران، سید فرید قاسمی ص ۱۲۹



حزب عامیون

احمد فرامرزی

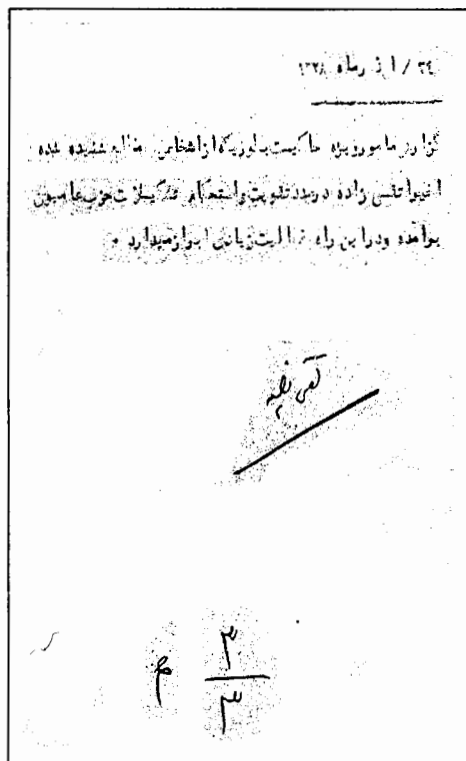
روزنامه خاور

۲۸/۷/۱۲

[تاریخ]: ۲۴ آذرماه ۱۳۲۸

گزارش مأمور ویژه حاکمیت به طوری که از اشخاص مطلع شنیده شده
 اخیراً تقی زاده در صدد تقویت و استحکام تشکیلات حزب عامیون بر آمده و در
 این راه فعالیت زیادی ابراز می دارد.

تقی زاده $\frac{۴۳}{۳}$



تاریخ: ۲۸/۱۰/۱۴

روز پنجشنبه گذشته آقای تقی زاده در سالون [سالن] فرهنگستان در حضور عده زیادی از دانشجویان سخنرانی علمی کردند در میان صحبت ایشان چراغها خاموش شد و چراغ نفتی را گرفته به روی میز گذاشتند و ناطق به نطق خود ادامه داد در همان موقع چراغ نفتش کم بود و فتیله آنرا پائین می داد و آقای تقی زاده فتیله را بالا آوردند دانشجویی به نام صاحب زمانی فریاد کرد آقای تقی زاده شما

همه نفت را پیش فروش کرده اید که دیگر نفت وجود ندارد که چراغ روشن شود و همه حاضرین دست زدند و خندیدند.

تقی زاده $\frac{۴۳}{۳}$

۴۳
۲۸/۱۰/۱۴

روز پنجشنبه گذشته آقای تقی زاده در سالون فرهنگستان در حضور عده زیادی از دانشجویان سخنرانی علمی کردند در میان صحبت ایشان چراغها خاموش شد و چراغ نفتی را گرفته به روی میز گذاشتند و ناطق به نطق خود ادامه داد در همان موقع چراغ نفتش کم بود و فتیله آنرا پائین می داد و آقای تقی زاده فتیله را بالا آوردند دانشجویی به نام صاحب زمانی فریاد کرد آقای تقی زاده شما همه نفت را پیش فروش کرده اید که دیگر نفت وجود ندارد که چراغ روشن شود و همه حاضرین دست زدند و خندیدند.

۴۳
۲۸/۱۰/۱۴

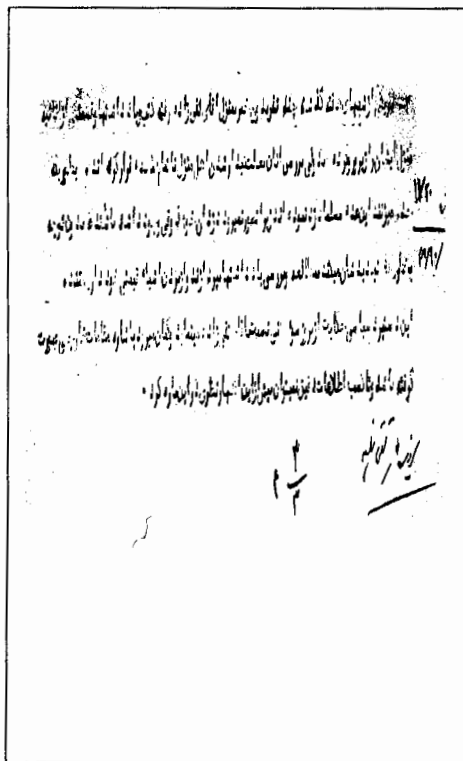
[تاریخ]: ۲۸/۱۰

۳- در یکی از شبهای هفته گذشته چند نفر بدون خیر به منزل آقای تقی زاده رفته کتب و یادداشتهای و قسمتی از اثاثیه منزل ایشان را زیر و رو کرده اند ولی بررسی از آن به علت بیدار شدن اهل منزل ناتمام مانده فرار کرده اند. به طوری که حس می زنند این عده مسلماً دزد نبوده اند زیرا تصور نمی رود دزدان خوش ذوقی وجود داشته باشند که بدون توجه به... تهدیدشان می کند مطالعه و بررسی

یادداشتهای پیردازند و از بردن اشیاء قیمتی خودداری کنند. این دستبرد سیاسی حکایت از بروز سوءظنی نسبت به آقای تقی زاده می نماید و گمان می رود به اشاره مقامات خارجی صورت گرفته باشد و تا کسب اطلاعات دقیق نمی توان بیش از این اظهار نظری در این باره کرد.

پرونده آقای تقی زاده

۴۳
۳



[تاریخ: ۲۹ مرداد ۱۳۲۹]

گزارش رمز شهربانی رامسر مورخه ۲۹/۵/۲۷

ساعت ۱۶ آقای تقی زاده به رامسر وارد وسائل استراحت ایشان فراهم و

توقف دارند.

آقای تقی زاده رئیس مجلس سنا

۲۹ - مرداد ۱۳۲۹

گزارش رمز شهربانی رامسر مورخه ۲۹/۵/۲۷

ساعت ۱۶ آقای تقی زاده به رامسر وارد وسائل استراحت
ایشان فراهم و توقف دارند.

آقای تقی زاده، رئیس مجلس سنا

۳۱ مرداد ۱۳۲۹

گزارش رمز شهربانی رامسر

مورخه ۲۹/۵/۲۹

آقای تقی زاده که برای استراحت

به رامسر آمده بود به تهران

مراجعت نموده است.

رئیس مجلس سنا

[تاریخ]: ۶/۱۴

گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکیست که در محافل نزدیک به نمایندگان مجلس شورای ملی اظهار می‌دارند تقی‌زاده و اطرافیان مشارالیه کاملاً طرفدار اجرای تصمیمات هیئت تصفیه می‌باشند و می‌خواهند این موضوع را مانند (اتو) برای گذراندن لایحه نفت بکار برند.

۴۹

۶/۱۴

گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکیست که در محافل نزدیک به نمایندگان مجلس شورای ملی اظهار می‌دارند تقی‌زاده و اطرافیان مشارالیه کاملاً طرفدار اجرای تصمیمات هیئت تصفیه می‌باشند و می‌خواهند این موضوع را مانند (اتو) برای گذراندن لایحه نفت بکار برند.

۴۳
۳
تقی‌زاده

۴
۳
۲

تقی‌زاده

[تاریخ: ۲۹/۷/۸]

مورخ الدوله سپهر سعی دارد دسته تقی‌زاده سناتور را با آقای نخست‌وزیر صلح بدهد و در میان آنها صمیمیت برقرار سازد. تقی‌زاده به منزل مورخ الدوله رفته و مدت یک ساعت هم با او مذاکره کرده است.

۳۷/۸

مورخ الدوله سپهر سعی دارد دسته تقی‌زاده سناتور را با آقای نخست‌وزیر صلح بدهد و در میان آنها صمیمیت برقرار سازد. تقی‌زاده به منزل مورخ الدوله رفته و مدت یک ساعت هم با او مذاکره کرده است.

۳۷/۸

گزارش

[تاریخ]: ۶ دی ۱۳۲۹

۱- جمال امامی وی از دودمان امام جمعه خوبی محسوب می‌گردد، سه برادر بودند: نورالدین، نظام‌الدین و جمال.

جمال امامی از افراد متمایل به سیاست انگلستان به ویژه از مقطع مجلس چهاردهم بوده است. وی که نماینده‌ای جناحی و گستاخ بود، به همراه دیگر دوستان خود، از جمله سید کاظم

جلیلی‌یزدی نماینده مردم یزد و حسام دولت‌آبادی جزو کارگردانهای اصلی اکثریت در این مجلس بودند و همواره از طرفداران پر و پا قرص انگلیس محسوب می‌شدند. وی همراه سید ضیاء از مخالفان دکتر مصدق بوده است. دوران فعالیت جمال امامی تا سالهای آغازین دهه ۳۰ بود، بعد از روی کار آمدن مصدق با مخالفان دولت همکاری سختی داشته است. مدتی به اتفاق علی دشتی، ابراهیم خواجه‌نوری، مجید موقر و دکتر هومن، حزبی به نام «عدالت» را تشکیل دادند و روزنامه ارگان آن «عدالت» نام داشته است.

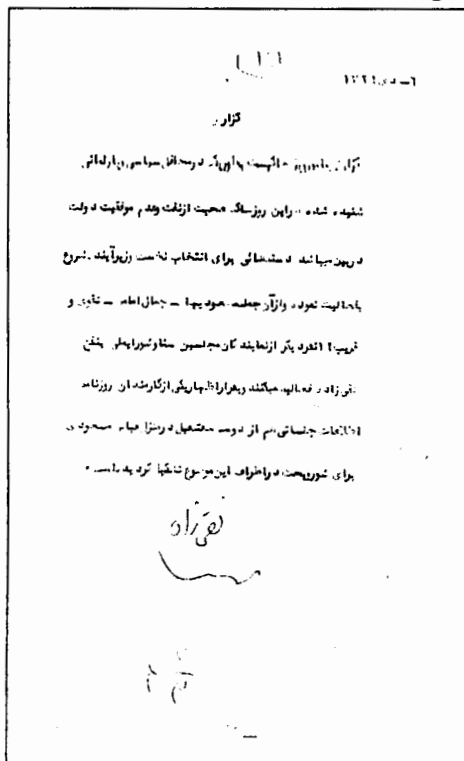
۲- مجلس سنا

دولت حکیمی که پس از اقدام سرکار آمده بود در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۷ هـ ش لایحه تشکیل مجلس سنا را تقدیم داشت یکی از نمایندگان گفت ملتی که نمایندگان مجلسش را دیگران انتخاب می‌کنند، چه اسمش سنا باشد چه شورا، نمایندگان وابسته به قوام هم در این تاریخ با این لایحه مخالفت داشتند اما انگلیس بعد از مسافرت شاه به لندن نسبت به مجلس سنا که راهی به تأیید قدرت استبداد شاه بود نظر خوش نشان داد.

گزارش مأمور ویژه حاکمیت به طوری که در محافل سیاسی و پارلمانی شنیده شده در این روزها که صحبت از نفت و عدم موفقیت دولت در بین می‌باشند دست‌هایی برای انتخاب نخست‌وزیر آینده شروع به فعالیت نموده و از آن جمله مسعودیها - جمال امامی^۱ - تقوی و قریب ۱۲ نفر دیگر از نمایندگان

مجلسین سنا^۲ و شورای ملی به نفع تقی‌زاده فعالیت می‌کنند و به قرار اظهار یکی از کارمندان روزنامه اطلاعات جلساتی هم از دو سه هفته قبل در منزل عباس مسعودی برای شور و بحث در اطراف این موضوع تشکیل گردیده است.

تقی‌زاده



قطع رابطه سیاسی با انگلیس اعلام شد با اکثریت، انحلال مجلس سنا را اعلام داشتند و آیت‌الله کاشانی به خبرنگاران خارجی در این مورد گفت که: دولت مجلس سنا را تعطیل نکرده ملت آن را تعطیل کرده است، یعنی نمایندگان ملت به پیروی از افکار عمومی مردم سنا را تعطیل کرده‌اند زیرا اولاً نمایندگان سنا صالح نبودند و روش سیاسی آنها بر خلاف مصالح کشور و منافع وطن ما بود ثانیاً دوره کار قوه مقننه طبق قانون اساسی دو سال است مجلس سنا هم بیش از دو سال نمی‌تواند باشد و دو سال آن هم به پایان رسیده مجلس در مقام تفسیر قانون اساسی بر آمد که چون در قانون اساسی دوره معینی برای سنا تصریح نشده و ضمناً گفته شده اجلاسات و چون دوره آن مقتضی شده باید تعطیل گردد و روز ۳ آبان از ورود سناتورها جلوگیری شد ولی آنها در منزل یکی از سناتورها جمع شدند و گفتند چون دوره مجلس سنا طبق قانون ۱۳۲۸ شش سال است و تغییر قانون مستلزم تصویب سنا هم هست و مجلس سنا تصویب نکرده، تا آخر دوره مشغول کار خواهد بود اما ماده واحده انحلال به امضاء شاه رسید و قطعیّت یافت و فقط بعد از کسودتای ۲۸ مرداد است که سناتورها جمع می‌شوند و مجلس سنا را تشکیل می‌دهند.

(ر.ک: تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، ج (۱) صص ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۶۰...

جلسه مشترک مجلسین سنا و شورا گذاشت. مساله تغییر قانون اساسی در جهت تحکیم قدرت شاه با تشکیل مجلس مؤسسان، تشکیل سنا، تقویت سپهد رزم‌آرا در ستاد ارتش، ایجاد حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ه.ش، تبعید آیت‌الله کاشانی از آن جهت پیش آمد که مبارزه ضد استعماری ملت ایران متوقف گردد.

در دوران مصدق (مصدق کاشانی) بر ضد مجلس سنا بودند زیرا مصدق می‌خواست هر دو مجلس در زیر حکمش باشند و در آخر هم حق وضع قوانین را برای خود گرفت. مصدق و کاشانی برای بر هم زدن مجلس سنا نقشه کشیده بودند. روز ۲۹ تیر عملاً دو گروه در مقابل هم قرار گرفته بودند جبهه‌ای که می‌خواست قوام را به هر ترتیب نگه دارد و جبهه‌ای که با رهبری کاشانی متمرکز شده بود و ادامه نهضت ملی ایران را به هر قیمت طلب می‌کرد. برای جلوگیری از قیام ۳۰ تیر قوام گفت که اعلی حضرت با پیشنهاد صدور فرمان انحلال مجلس موافقت کرده‌اند اما روز بعد آیت‌الله کاشانی دستگیر شد ولی قبل از دستگیری خبرگزارها مصاحبه آن را پخش کردند و او مصاحبه مطبوعاتی ۲۹ تیر را در موضع قدرت انجام داد و این موجبات قیام عمومی ۳۰ تیر را فراهم ساخت (مجلس سنا) در جریان ۳۰ تیر رو به ضدیت با مصدق را نشان داد و بعد از این، سخنرانیهایی، از جانب نمایندگان مجلس شورا انجام گرفت و فردای آن روز که

مشروطه‌طلبها وکلای مجلس شورای ملی با [تشکیل] مجلس سنا مخالف بودند و نمی‌خواستند یک روزی سنا تشکیل شود. مدت زیادی گذشت و نگذاشتند تشکیل شود، به نظر مشروطه طلبها سنا مؤسسه بر ضد مجلس شورای ملی حساب می‌شد. جهش از اول این بود که در روز اول در قانون اساسی نوشتند. هر وقت بین مجلس و شاه اختلاف افتاد و شاه خواست مجلس شورای ملی را منحل بکنند اگر مجلس سنا موافقت کرد، می‌شود این مطلب باعث وحشت مجلسها بود و آن را حکم قتل مجلس می‌شمردند. پس سعی می‌کردند هر چه ممکن است سنا بوجود نیاید، در واقع آنجا گفته شده بود مجلس منحل و تجدید انتخابات بشود. وقتی سنا باز شد، حکیم‌الملک وزیر دربار شده بود، او سید حسن تقی‌زاده را به عنوان ریاست مجلس انتخاب کرد.

شاه به علت عدم مسئولیت که در قانون اساسی برای او قید شده بود، فرماندهی کل قوا و عزل و نصب وزرا و اعلان جنگ و صلح از جانب وی می‌بایستی جنبه تشریفاتی داشته باشد. با انتخابات مجلس مؤسسان در شرایط حکومت نظامی، و بر طبق اصل چهل و هشت اصلاح شده، شاه حق یافت که هر یک از دو مجلس شورای ملی و سنا را جداگانه و یا با هم در آن واحد منحل نماید و البته اصل دیگری هم مربوط به ترتیب اصلاح قانون اساسی تصویب کرد و تعداد تغییرات را هم به عهده

[تاریخ]: ۳ اسفند ۱۳۲۹

گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکی است در بعضی محافل سیاسی شهرت دارد که تقی‌زاده رئیس مجلس سنا مجدداً به لندن رفته به سمت سفارت کبرای ایران مشغول کار خواهد شد.

پرونده مربوطه - شنبه ۴

آقای تقی‌زاده

۱۳۲۹ اسفند ۳

تقریب

گزارش مأمور ویژه حاکی است در بعضی محافل سیاسی شهرت دارد که تقی‌زاده رئیس مجلس سنا مجدداً به لندن رفته به سمت سفارت کبرای ایران مشغول کار خواهد شد.

تقریب
بزرگ دروغ

۱۳۲۹

تاریخ: ۱۳۳۲/۴/۳۱

ستاد ارتش

آقای تقی‌زاده رئیس مجلس سنای سابق چند روز است به تبریز وارد و در منزل آقای نخجوانی منزل کرده‌اند ملاقاتهای خصوصی دید و بازدید معمول از اشخاص به عمل می‌آورند و هیچگونه فعالیت سیاسی دیده نشده است.

۱۳۳۲/۴/۳۱ - ۲۳۲۹ سرتیپ ریاحی^۱

بایگانی روی پرونده تقی‌زاده
گذاشته شود.

بایگانی ریال - ۲۵۲

پرونده تقی‌زاده از سال ۲۶

بایگانی ضمیمه و ارائه گردید.

کند، نگرانی	اسم کند شده
از	تاریخ و مورد
شماره ولده	تاریخ کند
وزارت جنگ	ستاد ارتش
مأمور	مأمور

۱۳۳۲/۴/۳۱

۲۳۲۹
۳۲،۶۳۱

پرونده تقی‌زاده از سال ۲۶ بایگانی

۱- تقی ریاحی فرزند صادق به سال ۱۲۸۸ متولد شد تحصیلاتش را در مدرسه پلی تکنیک پاریس و دانشکده عالی توپخانه فرانسه گذراند. در سال ۱۳۱۴ به عنوان فرماندهی آتشبار در تیپ مورتوریزه توپخانه مشغول به کار بود و تا سال ۱۳۱۸ که به عنوان وابسته نظامی ایران در سوئد انتخاب شد به این کار اشتغال داشت سپس از سال ۱۳۲۳ تا ۲۵ معاون و فرمانده رشته در دانشکده افسری بود و سپس برای انجام مأموریت‌هایی تا سال ۱۳۲۸ در کشورهای اروپایی به سربرد. ریاحی پس از بازگشت از اروپا سه سال ریاست کارخانجات مهمات سازی ارتش را بر عهده داشت و سپس رئیس پالایشگاه آبادان شد. با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق وی از دهم اسفند ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رئیس ستاد ارتش بود. وی بعد از کودتا به جرم ارتکاب سوء قصد به منظور برهم زدن اساس حکومت و تحریک مردم مسلح شدن بر ضد سلطنت به سه سال زندان محکوم شد. ریاحی پس از آزادی از زندان با درجه سرتیپی از ارتش اخراج شد و به کارهای تجاری پرداخت. با پیروزی انقلاب اسلامی مهندس بازرگان در فروردین ماه ۱۳۵۸ به سمت وزیر دفاع برگزیده شد وی در تیر ماه همین سال به علت بیماری از این سمت استعفا داد.

بیوگرافی آقای سید حسن تقی زاده

اسم - سید حسن
شهرت - تقی زاده
تاریخ تولد - ۱۲۹۵ هجری قمری
محل اقامت دائمی - تهران
شغل - رئیس مجلس سنا

اسم پدر - سید تقی
اسم مادر -

تعداد اولاد ذکور و اناث -
ندارد

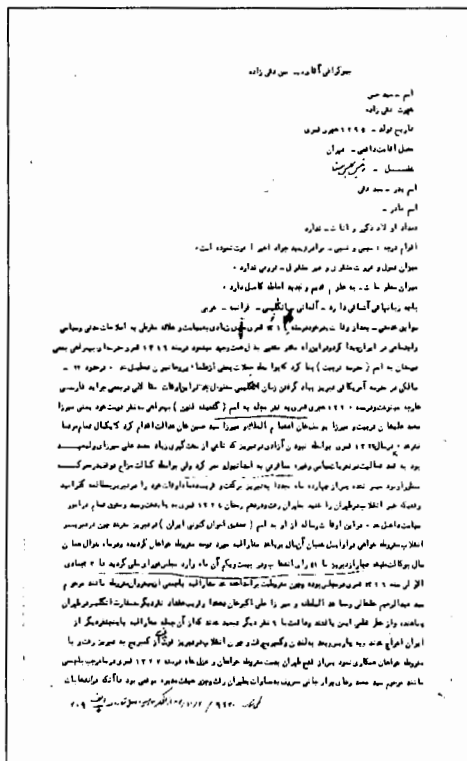
اقوام درجه ۱ سببی و نسبی -
برادرش سید جواد اخیراً فوت نموده است.

میزان تحول و ثروت منقول و غیر منقول - ثروتی ندارد.

میزان معلومات - به علوم قدیم و جدید احاطه کامل دارد.

با چه زبانهایی آشنائی دارد - آلمانی - انگلیسی - فرانسه -

عربی
سوابق خدمت - بعد از وفات



پدر خود در سنه ۱۳۱۴ قمری میل زیادی به سیاست و علاقه مفروطی به اصلاحات مدنی و سیاسی و اجتماعی در ایران پیدا کرده و در این راه به قدر مقدور بذل همت و جهد نموده در سنه ۱۳۱۶ قمری مدرسه‌ای به همراهی بعضی دوستان به اسم (مدرسه تربیت) بنا کرد که بواسطه حملات بعضی از علماء و روحانیون تعطیل شد. در حدود ۲۲ سالگی در مدرسه آمریکائی تبریز^۱ به یاد گرفتن زبان انگلیسی مشغول شد در این اوقات مقالاتی در بعضی جراید فارسی خارجه می نوشت و در سنه ۱۳۲۰ هجری قمری به نشر مجله به اسم (گنجینه

۱- مدرسه آمریکائی تبریز،
صمد سردارنیا، تبریز

فنون)^۱ به همراهی سه نفر دوست خود یعنی میرزا محمد علیخان تربیت^۲ و میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک^۳ و میرزا حسین خان عدالت اقدام کرد که یکسال تمام مرتباً نشر شد. در سال ۱۳۲۲ قمری به واسطه نبودن آزادی در تبریز که ناشی از سخت‌گیری زیاد محمدعلی میرزای ولیعهد بود به قصد فعالیت در نشریات سیاسی و غیره مسافرتی به استانبول و مصر کرد ولی به واسطه کسالت مزاج توقف در مصر که منظور او بود میسر نشده پس از چهارده ماه مجدداً به تبریز برگشت و قریب ده ماه اوقات خود را در تبریز مطالعه گذرانید وقتی که خیر

۲۲۰
۲- محمدعلی خان تربیت
میرزا محمدعلی خان تربیت

فرزند میرزا صادق خان در سال ۱۲۵۶ شمسی در تبریز متولد شد. پدرش از رجال درباری ناصرالدین میرزای قاجار بود. وی از دوران کسودگی در همسایگی و همبازی تقی‌زاده بود. این دوستی تا پایان عمر تربیت ادامه داشت. وی پس از تحصیل علم به زبان‌های فرانسه و انگلیس مسلط شد. و در فن طبابت در دوران خود پیشرفت نمود. در سال ۱۲۷۲ آموزشگاه ملی را در تبریز بنا نهاد. در سال ۱۲۷۷ برای تدریس هیئت و جغرافیا و ادبیات به مدرسه نعمانیه دعوت شد. وی در دوران انقلاب مشروطه از مدافعان خط مشی تقی‌زاده بود. در سال ۱۳۰۰ کتابخانه تربیت را در تبریز تأسیس نمود. در زمینه آموزش و پرورش فعالیت می‌نمود. به سال ۱۳۰۰ به ریاست آموزش و پرورش منصوب شد. در سال ۱۳۰۷

شهرداری تبریز را عهده‌دار گردید. تربیت از میدان ادوارد برون بود. مشهور است که کتب خطی را برای وی خریداری و از تبریز ارسال می‌داشت. تاریخ مطبوعات ایران را با مشارکت ادوارد برون منتشر نمود. از دیگر آثار وی دانشمندان آذربایجان، تصحیح دره تا دره است. در دوره‌های ۱۳۱۱

انقلاب در طهران را شنید به تهران رفت و در دهم رمضان ۱۳۲۴ قمری به پایتخت رسید و به شوق تمام در امور سیاست داخل شد. در این اوقات رساله‌ی از او به اسم (تحقیق احوال کنونی ایران) در تبریز نشر شد چون در تبریز انقلاب مشروطه خواهی در اوایل شعبان آن سال بر پا شد مشارالیه مورد توجه مشروطه خواهان گردیده و در ماه شوال همان سال به وکالت طبقه تجار از تبریز با ۵۱ رای انتخاب و در بیست و یکم آن ماه وارد

مجلس شورای ملی گردید تا ۲۲ جمادی‌الاولی سنه ۱۳۲۶ قمری در مجلس بوده و چون مشروطیت برانداخته شد مشارالیه با جمعی از پیشروان مشروطه مانند مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی^۴ و معاضدالسلطنه و میرزا علی اکبرخان دهخدا^۵ و قریب هفتاد نفر دیگر به سفارت انگلیس در طهران پناهنده و از خطر قطعی ایمن یافتند و عاقبت با ۹ نفر دیگر تبعید شدند که از آن جمله مشارالیه با پنج نفر دیگر از ایران اخراج شدند و به پاریس و بعد به لندن و کمبریج رفت و چون انقلاب در تبریز قوت یافت از کمبریج به تبریز رفت و با مشروطه خواهان

۱- در این مورد از میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک که در تبریز متولد شد و در سال ۱۲۵۶ شمسی در تبریز متولد شد. پدرش از رجال درباری ناصرالدین میرزای قاجار بود. وی از دوران کسودگی در همسایگی و همبازی تقی‌زاده بود. این دوستی تا پایان عمر تربیت ادامه داشت. وی پس از تحصیل علم به زبان‌های فرانسه و انگلیس مسلط شد. و در فن طبابت در دوران خود پیشرفت نمود. در سال ۱۲۷۲ آموزشگاه ملی را در تبریز بنا نهاد. در سال ۱۲۷۷ برای تدریس هیئت و جغرافیا و ادبیات به مدرسه نعمانیه دعوت شد. وی در دوران انقلاب مشروطه از مدافعان خط مشی تقی‌زاده بود. در سال ۱۳۰۰ کتابخانه تربیت را در تبریز تأسیس نمود. در زمینه آموزش و پرورش فعالیت می‌نمود. به سال ۱۳۰۰ به ریاست آموزش و پرورش منصوب شد. در سال ۱۳۰۷

و با بعضی رجال مهم حزب کارگر که به حکومت رسیده بودند گفتگوهائی برای مساعد نمودن سیاست آنها با ایران و مراعات بیشتری از حقوق و منافع مملکت بنماید چند ماه در انگلستان بسر برد و بر برلین برگشت و در تابستان آن سال به ایران مراجعت و چون عضویت مجلس شورای ملی را داشت به مجلس رفت در این مجلس موضوع تبدیل سلطنت و خلع قاجار به پیش آمد و وی یکی از مخالفین نقض قانون اساسی به ترتیبی که به عمل آمده بود. پس از انقضای دوره مجلس برای ریاست شعبه ایران در نمایشگاه فیلادلفی عازم آمریکا شد و پس از اندکی اقامت در برلین رهسپار آمریکا گردید. در موقعی که به همراهی مرحوم میرزا محمد علیخان فرزین (سفیر ایران در برلین) از طهران به برلین رسید مرحوم مستوفی الممالک مأمور تشکیل حکومت جدیدی شده و تقی‌زاده را به وزارت خارجه انتخاب نمود و تلگرافاً تقاضا کرد از برلین به طهران برگردد مشارالیه نپذیرفت و عاقبت به آمریکا رفت و قریب پنج ماه و نیم در نیویورک و فیلادلفی بود و در ماه نوامبر به برلین برگشت تا اواخر زمستان ۱۹۲۷ در برلین بود سپس مجدداً عازم طهران شد و در نوروز ۱۳۰۶ شمسی وارد طهران گردید و باز چون مجدداً به وکالت طهران در مجلس انتخاب شده بود در مجلس حضور بهم رسانید و پس از خاتمه دوره مجلس در بهار ۱۳۰۷ شمسی قریب هفت هشت ماه خانه نشین و چندی بواسطه مخالفت با نسخ انتخابات آزاد تحت نظر پلیس بود در ماه بهمن همان سال فرمانفرمائی ایالت خراسان به او تکلیف شد و با طیاره به آنجا رفت و تا تیر ماه ۱۳۰۸ شمسی در مشهد بود در آن وقت به سفارت ایران در لندن مأمور شده به طهران آمد و پس از یک هفته توقف به لندن رفت و تا فروردین ۱۳۰۹ شمسی آنجا بود آنوقت به طهران احضار شده به وزارت راه منصوب و پس از چند ماه در چهاردهم مرداد به وزارت مالیه منصوب گردید و هر دو وزارت را تا مدتی داشت و پس از چندی از وزارت راه مستعفی شد تا اواخر تابستان ۱۳۱۲ شمسی وزیر دارائی در کابینه مخبرالسلطنه بود و تا تغییر کابینه و سرکار آمدن مرحوم ذکاءالملک فروغی^۶ مستعفی و پس از چند ماه مأمور سفارت پاریس گردید. در اواخر آذرماه آن سال از طهران حرکت و از راه بغداد و استانبول به پاریس رفت و تا اواسط تابستان ۱۳۱۲ در آن مأموریت بود و در آن تاریخ به واسطه انتشار بعضی مقالات در جراید فرانسه که از اعلیحضرت فقید به بدی یاد کرده بودند معزول شد.

در مدت مأموریت در پاریس نمایندگی اول ایران را در کنفرانس بین‌المللی تقلیل

طالبوف بود سپس به عشق‌آباد رفت.

در سال ۱۳۲۷ قمری به رشت بازگشت. پس از سقوط محمدعلی شاه به تهران آمد در وزارت دارائی مشغول کار شد. در جنگ بین‌المللی اول به کرمانشاه و از آنجا به اسلامبول رفت. در سال ۱۳۰۶ وارد عدلیه شد و در کنار کار اجرائی به ادبیات و تصحیح دیوان حافظ پرداخت. از آثار تولستوی چند اثر را ترجمه نمود.

خلخالی در سال ۱۳۲۱ در تهران درگذشت.

۵۷ علی‌اکبر دهخدا

فرزند خاناباخان، از مالکین متوسط قزوین، در حدود سال ۱۲۹۷ قمری در تهران متولد شد. او ده ساله بود که پدرش درگذشت. زبان فارسی و عربی و علوم ادبی و دینی را نزد آموزگاران وقت، از جمله شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و از محضر آقا شیخ هادی نجم‌آبادی استفاده کرد و چون مدرسه علوم سیاسی در تهران گشایش یافت، چندی در آن مدرسه به تحصیل پرداخت و بعد در سال ۱۳۲۱ قمری به اروپا رفت و پس از دو سال و نیم به ایران بازگشت و در انقلاب مشروطه ایران شرکت کرد و چون مشروطه ریشه گرفت و روزنامه‌های آزاد پدید آمد، به همکاران روزنامه صوراسرافیل پیوست.

لبه تیز مقالات دخو (دهخدا) متوجه رژیم استبدادی و ملوک الطوایفی است. نویسنده هر حادثه و پیشامدی را دستاویز قرار داده بر فساد دستگاه سلطنت، بیشرمی و خیانت رجال دولت، ظلم و ستم اغنیاء

اسلحه در ژنو را هم داشت پس از عزل قریب دو ماه در فرانسه بود آنگاه به برلین رفت و به مطالعه اشتغال داشت. در تابستان ۱۳۱۴ شمسی به نمایندگی ایران در

بیستمین انجمن بین‌المللی مستشرقین در رم مأمور شد. پس از دعوت به برلین و چند ماه توقف در آخر سال ۱۹۳۵ میلادی مدرسه السنه شرقیه لندن برای تدریس زبان فارسی به لندن دعوت نمود. دو سال اول جنگ جهانی دوم را در

کمبریج گذراند و به مطالعه و نوشتن بعضی رسائل و مقالات به انگلیسی مشغول بود در مدت توقف در انگلستان یک کتاب فارسی به اسم (گاه شماری در ایران قدیم) در طهران و یک کتاب انگلیسی در آن موضوع در لندن طرح و نشر کرد و هفت کتابچه هم به شکل مقاله به انگلیسی و آلمانی در موضوعات مختلفه مربوط به تاریخ و معرفت تواریخ غیره نشر کرد از آبان سال ۱۳۲۰ شمسی مأمور سفارت لندن شد و سال بعد به سفارت کبرای در آنجا منصوب شد و در سپتامبر

۱۹۴۴ یکبار سفری با طیاره به طهران نموده و پس از پنج هفته اقامت در طهران باز به لندن برگشت. در انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی به نمایندگی مجلس از تبریز انتخاب و پس از انقضاء دوره مزبور در انتخابات مجلس سنا از طهران به سناتوری انتخاب گردیده است و اکنون ریاست مجلس سنا است.

عقاید و افکار سیاسی - مجاهدت در حفظ استقلال ایران و سربلندی و عظمت آن و آزادی ملت - طرفداری طبقه پائین و زحمتکش و فقیر و جهاد بر ضد تمام طبقات ممتاز و وقف وجود برای اصلاح حال و رفاه طبقات محروم از نعمات حیات شایسته خدمت به ترقی و بهبود حال اقتصادی و فرهنگ و بهداشت.

نقاط ضعف زندگی - غرور زیاد
دوستان مؤثر - رجال مهم کشور از قبیل ساعد - حکیمی و از طبقه تجار حاجی محمد نخجوانی - حاج محمدعلی حیدرزاده
دشمنان مهم توده‌ای‌ها %

امیال و آرزوهای شخصی - فقط در ترقی و عظمت ایران دور می‌زند
اعتیادات - ندارد

طرز گذراندن زندگی - در مواقع فراغت از کار غیر از مطالعه و نویسندگی مشغله دیگری ندارد.

اقوام و منسوبات در خارجه - ندارد

معاشرتها - با رجال مهم کشور معاشر و در اغلب موارد مشاور آنها می‌باشد.
به کدام یک از احزاب و جمعیت‌ها بستگی دارد - فعلاً هیچکدام

درجه نفوذ معنوی او در فامیل و اشخاص - خیلی زیاد است

مسافرت‌هایی که به خارجه نموده - اروپا - آمریکا - ترکیه - مصر - عراق
رئیس رکن دوم ستاد لشکر ۲ تبریز - سرهنگ و خشوری

شازدهم، ص ۳۵ - ۴۷

و مالکین، ریاکاری روحانی می‌تازد و آنها را بدون عنف و اغماض به باد تمسخر و استهزا می‌گیرد.

این طنزها با عشق و علاقه و دلسوزی به حال مردم خرده پا، ممتاز است. وضع رقت‌بار روستائیان و کشاورزان، فقر و بدبختی شهرنشینان، ناهانی و بیچارگی زنان ایرانی همه مسائلی است که در نوشته‌های دخی مکرر مطرح شده است.

دهخدا و یاران او به درستی و حقانیت راهی که برگزیده بودند ایمان داشتند. از این رو در تمامی ادوار مبارزه، حتی در سخت‌ترین مراحل ارتجاع، خط سیر درونی و معنوی آنان

خوش‌بینی و امیدواری بود. دهخدا با نمایاندن جهات تاریک و مظلم زندگی، جهت روشن و امیدبخش آن را هرگز فراموش نمی‌کرد. کندن و برانداختن ریشه خرافات دینی، صبر و تسلیم به قضا و قدر، ترک دنیا و گوشه‌گیری و موهومات و تعصبات از وظایف عمده‌ای بود که نویسنده توانای

صوراسرافیل به عهده گرفته بود. او به بطالت و تنبلی و بی‌شعوری می‌تاخت و مردم ایران را بیدار و هشیار و زنده و «آقا» می‌خواست.

کتاب «از صبا تا نیما» تألیف یحیی آرین‌پور تهران ۱۳۵۷ چاپ دوم

۶- رجوع شود به: خاطرات ارتشید حسین فردوست، جلد ۲، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ

شازدهم، ص ۳۵ - ۴۷

[تاریخ: ۳۵/۱/۹]

ستاد ارتش

رکن ۲

گزارش مرزبان خرمشهر حاکی است جناب آقای سید حسن تقی زاده رئیس مجلس سنا با گذرنامه سیاسی شماره ۳۶۱۳-۳۹۱-۳۴/۱۲/۱۶ تهران به اتفاق همسر خود و جناب آقای ابراهیم حکیمی سناتور دارای گذرنامه سیاسی

۴۱۶/۳۶۳۱ - ۳۴/۱۲/۲۴

تهران از تاریخ ۳۵/۱/۳ به عزم زیارت عتبات عالیات از مرز خرمشهر خارج و به کشور عراق عزیمت نمودند.

از طرف رئیس اداره

مرزبانی سرهنگ ستاد

خواجه نوری

۴۱۰-۳۵/۱/۱۲

درد و معزولان	درد و معزولان
داره اطلاعات	داره اطلاعات
میدان	میدان
۱۸۲	۱۸۲
۳۵/۱/۹	۳۵/۱/۹
ستاد ارتش	ستاد ارتش
رکن ۲	رکن ۲
گزارش مرزبان خرمشهر حاکی است جناب آقای سید حسن تقی زاده رئیس مجلس سنا با گذرنامه سیاسی شماره ۳۶۱۳-۳۹۱-۳۴/۱۲/۱۶ تهران به اتفاق همسر خود و جناب آقای ابراهیم حکیمی سناتور دارای گذرنامه سیاسی شماره ۴۱۶/۳۶۳۱-۳۴/۱۲/۲۴ تهران از تاریخ ۳۵/۱/۳ به عزم زیارت عتبات عالیات از مرز خرمشهر خارج و به عراق عزیمت نمودند.	گزارش مرزبان خرمشهر حاکی است جناب آقای سید حسن تقی زاده رئیس مجلس سنا با گذرنامه سیاسی شماره ۳۶۱۳-۳۹۱-۳۴/۱۲/۱۶ تهران به اتفاق همسر خود و جناب آقای ابراهیم حکیمی سناتور دارای گذرنامه سیاسی شماره ۴۱۶/۳۶۳۱-۳۴/۱۲/۲۴ تهران از تاریخ ۳۵/۱/۳ به عزم زیارت عتبات عالیات از مرز خرمشهر خارج و به عراق عزیمت نمودند.
از طرف راجع به اداره مرزبانی سرهنگ ستاد خواجه نوری	از طرف راجع به اداره مرزبانی سرهنگ ستاد خواجه نوری
۳۵/۱/۴	۳۵/۱/۴
۱۲۳۵/۱/۱۴	۱۲۳۵/۱/۱۴

شماره: ۲۱۵۵۲/۸

تاریخ: ۱۳۳۵/۶/۲۶

فهرست عرض وزارت فرهنگ


نظر به اینکه به موجب مواد دوم و چهارم و پنجم و دهم قانون شورای عالی فرهنگ جناب سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا به عنوان «دانشمند عالی‌مقام» به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ منصوب شده‌اند از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعای صدور فرمان همایون سمت

معروض را درباره ایشان می‌نماید.

از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خواهد گذشت.

چاکر

۲۰۵۶-۳۵/۷/۸



وزارت فرهنگ

شماره پرونده: ۱۳۳۵/۶/۲۶
تاریخ: ۲۱/۵/۳۵

فهرست عرض وزارت فرهنگ

نظر باینکه به موجب مواد دوم و چهارم و پنجم و دهم قانون شورای عالی فرهنگ جناب سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا به عنوان «دانشمند عالی‌مقام» به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ منصوب شده‌اند از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعای صدور فرمان همایون سمت معروض را درباره ایشان می‌نماید.

از طرف منیر پاشا به مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خواهد گذشت.

چاکر

۲۰۵۶
۳۵/۷/۸

شماره: ۱۱۷۸۲ ک/۸۵۶


تاریخ: ۳۵/۷/۱

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا به عنوان «دانشمند عالی‌مقام» به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ برای تقدیم به پیشگاه مبارک ملوکانه تلوا ارسال می‌گردد. نخست‌وزیر

۳۵/۷/۳

۲۰۵۵-۳۵/۷/۸


 تاریخ ۳۵/۷/۱
 شماره ۱۱۷۸۲ ک/۸۵۶
 بیوست

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا بعنوان ((دانشمند عالی‌مقام)) به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ برای تقدیم به پیشگاه مبارک ملوکانه تلوا ارسال می‌گردد - سید حسن تقی‌زاده
 نخست‌وزیر

۳۵/۷/۳
 ۲۰۵۵


شماره: ۲۰۵۵

تاریخ: ۲۵/۷/۸

جناب آقای نخست‌وزیر

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا به عنوان دانشمند عالیمقام به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ مورد تصویب پیشگاه مبارک ملوکانه واقع گردید قدغن فرمائید فرمان ایشان را بر او توشیح به صحنه مبارک ملوکانه به دفتر مخصوص ارسال دارند.

رئیس دفتر مخصوص
شاهنشاهی


 دفتر مخصوص شاهنشاهی
 شماره ۲۰۵۵
 تاریخ ۲۵/۷/۸
 ورنه تکلیفی
 تاریخ
 ماه ۱۳۳۰

جناب آقای نخست‌وزیر

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا به عنوان دانشمند عالیمقام به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ مورد تصویب پیشگاه مبارک ملوکانه واقع گردید قدغن فرمائید فرمان ایشان را بر او توشیح به صحنه مبارک ملوکانه به دفتر مخصوص ارسال دارند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

با تأییدات خداوند متعال

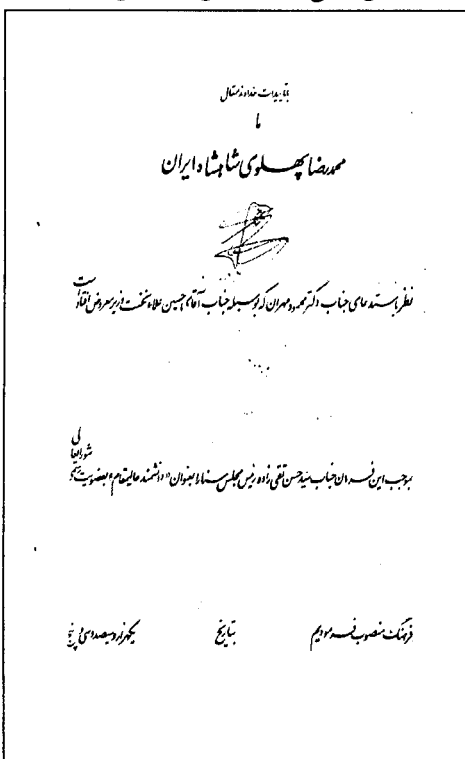
ما

محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به استدعای جناب دکتر محمود مهران که بوسیله جناب آقای حسین علاء^۱ نخست‌وزیر معروض افتاده است.

به موجب این فرمان جناب سید حسن تقی‌زاده رئیس مجلس سنا را به

عنوان «دانشمند عالی‌مقام»
به عضویت رسمی شورای
عالی فرهنگ منصوب
فرمودیم.
به تاریخ یک هزار و سیصد و
سی و پنج



۱- علاء، حسین (معین‌الوزاره)
حسین علاء فرزند میرزا محمد
علیخان علاء‌السلطنه، در سال
۱۲۶۲ شمسی (۱۳۰۱ ق) در
شهر تفلیس بدینا آمد، در آن
هنگام پدرش کنسول ایران در
تفلیس بود و لقب معین‌الوزاره
داشت. در شب ۱۱ محرم ۱۳۰۷
ق که ناصرالدین شاه از سفر
سوم اروپا برمی‌گشت در تفلیس
به خانه معین‌الوزاره رفت و
هنگام ورود او علاء به پیشواز
شاه رفت و به زبان فرانسه به
شاه خوشامد گفت. در ۱۳۰۷ ق
معین‌الوزاره لقب علاء‌السلطنه
گرفت و از طرف ناصرالدین شاه
به وزیر مختاری ایران در لندن
منصب شد. علاء هم به اتفاق
پدر عازم انگلستان گردید و
تحصیلات متوسطه را در آنجا به
پایان برد و در ۱۳۲۱ ق به
پیشنهادهای پدرش از طرف
وزارت خارجه به عنوان
کارمند، مأمور خدمت سفارت
ایران در لندن شد. در سال
۱۳۳۰ که علاء‌السلطنه برای
چندمین بار وزیر خارجه شد،
علاء به ریاست کابینه وزارت
خارجه ارتقاء جست و لقب،
«معین‌الوزاره» گرفت. او چون
به زبان انگلیسی تسلط داشت
بیشتر اوقات در مشکلات
سیاسی که بین وزارت خارجه و
سفارت انگلستان روی می‌داد
واسطه ملاقات و مذاکره با وزیر
مختار بود و اولیاء سفارت
انگلستان با توجه به سوابق
مأموریت علاء‌السلطنه در لندن
به فرزندش نیز اعتماد داشتند.
علاء در دوران جنگ اول
جهانی به مناسبت داشتن شغل
ریاست کابینه وزارت امور
خارجه و چیرگی بر دو زبان
انگلیسی و فرانسه در مذاکرات

ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۶ بار دیگر به وزارت دربار منصوب و تا شهریور ۱۳۴۲ در این مقام بود. وی هم چنین ریاست شورای جشن‌های شاهنشاهی، ریاست هیئت امنای دانشگاه پهلوی - ریاست هیئت مؤسسين دانشگاه ملی - و ریاست انجمن برادری جهانی و لاینز بین‌المللی و استاد اعظم فراماسونری را به عهده داشت. وی سرانجام در ۲۱ تیر ۱۳۴۳ فوت و در مجاورت حضرت عبدالعظیم دفن گردید.

حسین فردوست در خصوص وی چنین می‌گوید: «... این شخص طرفدار سیاست انگلیس و علاقمند شدید به محمدرضا، از دوره جوانی که هر دو نماینده مجلس بودند، نزدیک‌ترین فرد به مصدق بود. همین فرد، تردیدی نداشته و ندارم که محکم‌ترین رابط بین محمدرضا با سفارت‌های انگلیس و آمریکا و در عین حال محکم‌ترین رابط بین محمدرضا و مصدق بود. اطلاع داشتیم که ملاقات‌های علاء با انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها فقط در رده سفیر بود و محل ملاقات آنها در ساختمان وزارت دربار بود.»

برای اطلاع از نقش علاء در دوران دولت مصدق و حضور وی در عرصه تحولات سیاسی دهه ۱۳۳۰ به کتاب خاطرات فردوست مراجعه کنید.

منبع: نخست‌وزیران - ابراهیم صفایی - ص ۲۵۷

واشنگتن گردید. وی در اواخر ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و در فروردین ۱۳۲۹ در کابینه علی منصور به عنوان وزیر خارجه معرفی گردید. به دنبال ترور رزم‌آرا و مرگ وی در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ توسط فدائیان اسلام، علاء مأمور تشکیل کابینه شد. اما دوران زمامداری وی به دو روز پس از گرفتن رأی اعتماد از مجلس در تاریخ ۱۲ اردیبهشت به طول نینجامید. وی پس از استعفا در نیمه سال ۱۳۳۰ مجدداً وزیر دربار شد. به دنبال برکنار زاهدی از پست نخست‌وزیر در سال ۱۳۳۴، علاء مأمور تشکیل دولت شد. به دنبال الحاق ایران در پیمان بغداد، علاء تصمیم به شرکت در کنفرانس دولت‌های عضو پیمان در بغداد را داشت که به دلیل مخالفت نبردهای ملی و مذهبی با این پیمان، فدائیان اسلام در تاریخ ۲۵ / آبان / ۱۳۳۴ وی را که قصد شرکت در مجلس ترحیم سید مصطفی کاشانی (نماینده مجلس و فرزند ارشد آیه‌الله کاشانی) که در مسجد شاه منعقد گردیده بود، ترور می‌نمایند. اما وی از این حادثه جان سالم بدر برد و در حالی که سر و پیشانی‌اش جراحات سطحی برداشته بود و باند پیچ نموده بود در جلسه‌های پیمان بغداد شرکت کرد (به دنبال این ترور نواب صفوی و برخی از اعضای فدائیان اسلام دستگیر و محاکمه و اعدام شدند و دولت علاء تا اواخر ۱۳۳۵ به کار خود

سیاسی ایران با سفارتخانه‌های خارجی نقش حساسی داشت، او برای شکستن شهرت انگلونیعی خود گاهی به جانب‌داری از آلمان تظاهر می‌کرد. علاء در طول دوران زمامداری و ثوق‌الدوله و مشیرالدوله و حکومت سپهدار رشتی و حکومت کودتا، وزیر مختار ایران در آمریکا بود.

علاء در انتخابات دوره پنجم به وکالت طهران برگزیده شد و در آذر مساء ۱۳۰۲ به طهران بازگشت. علاء همکاری صمیمانه با تقی‌زاده را از مجلس پنجم آغاز کرد و در جلسه نهم آبان ۱۳۰۴ که برای خلع سلطنت از سلسله قاجاریه رأی گرفته شد. علاء هم به بیعت تقی‌زاده رأی مخالف داد.

پس از پایان مجلس پنجم، در مرداد ۱۳۰۶ به وزیر مختاری ایران در پاریس برگزیده شد در سال ۱۳۱۱ به طهران بازگشت به ریاست بانک ملی برگزیده شد. وی در نیمه دوم سال ۱۳۱۲ به وزیر مختاری ایران در لندن منصوب شد و چهار سال نیز در این مقام بود، سپس در سال ۱۳۱۶ به طهران احضار و از طرف جم نخست‌وزیر به ریاست کل تجارت و امور اقتصادی منصوب شد.

در نیمه دوم سال ۱۳۲۱ پس از فوت فرزین، علاء به وزارت دربار منصوب گردید و قریب سه سال در این مقام بود و در سال ۱۳۲۴ به سمت سفیر ایران در آمریکا برگزیده شد و رهسپار

شماره: ۲۳۰۶

تاریخ: ۳۵/۸/۱۶

جناب آقای نخست‌وزیر

پاسخ (۱۳۶۴۴) فرمان انتصاب جناب آقای سید حسن تقی زاده رئیس مجلس سنا به عنوان دانشمند عالی‌مقام که به صحنه مبارک ملوکانه موشح گردیده است لفاً ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

ورقه تکراری	شماره	۳۵
تاریخ	۳۵/۸/۱۶	۲۳۰۶
ماد	۱۳۳	
دفتر مخصوص شاهنشاهی		
جناب آقای نخست‌وزیر		
پاسخ (۱۳۶۴۴) فرمان انتصاب جناب آقای سید حسن تقی زاده	۹	
به عنوان دانشمند عالی‌مقام که به صحنه مبارک ملوکانه موشح گردیده است	۱۶	۴
لفاً ارسال می‌گردد.		
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی		

شماره: ۱/۳۶۸

تاریخ: ۳۶/۱/۱۷

مراجعت آقای تقی‌زاده رئیس مجلس سنا

ریاست ستاد ارتش رکن ۲

طبق گزارش مرزبان خرمشهر جناب آقای تقی‌زاده رئیس مجلس سنا که به اتفاق همسرش روز ۳۶/۱/۸ به کویت رفته بود ساعت ۸/۳۰ صبح روز ۳۶/۱/۱۱ با هواپیمای ایران‌تور از کویت وارد فرودگاه آبادان شده‌اند.

رئیس اداره مرزبانی سرتیپ
پیروز

وزارت جنگ

مهره سرپوش
شماره
مهره سرپوش
شماره

۳۶/۱/۱۷

ریاست ستاد ارتش - رکن ۲
مهره سرپوش
مراجعت آقای تقی‌زاده رئیس مجلس سنا

طبق گزارش مرزبان خرمشهر جناب آقای تقی‌زاده رئیس مجلس سنا که با همسرش روز ۳۶/۱/۸ به کویت رفته بود ساعت ۸/۳۰ صبح روز ۳۶/۱/۱۱ با هواپیمای ایران‌تور از کویت وارد فرودگاه آبادان شده‌اند .

رئیس اداره مرزبانی سرتیپ پیروز

۳۶/۱/۱۷

اندک تکمیل شد
۳۶/۱/۲۰


شماره: الف ۲۰۷۱

تاریخ: ۲۱ فروردین ماه ۳۶

گزارش

در محافل پارلمانی شهرت یافته که علت اصلی کناره گیری سناتور تقی زاده از مجلس سنا و استنکاف از قبول ریاست مجلس مخالفت او با تشکیل کنگره مجلسین می باشد منبع خبر تأیید شده.

اصل در پرونده کنگره

 سازمان مملکت ایران ساواک پیش نویس	
شماره	_____
تاریخ	_____
الف ۳۶	۲۱ فروردین ماه ۳۶
گزارش	
در محافل پارلمانی شهرت یافته که علت اصلی کناره گیری سناتور تقی زاده از مجلس سنا و استنکاف از قبول ریاست مجلس مخالفت او با تشکیل کنگره مجلسین می باشد منبع خبر تأیید شده	
عصر پهلوی کنگره	



گزارش

در محافل پارلمانی گفته می‌شود در صورت استنکاف تقی‌زاده از قبول ریاست مجلس سنا سناتور صدرا لاشراف بیش از دیگران برای انتخاب به ریاست مجلس سنا شانس موفقیت دارد.

منبع کاملاً موثق

ارزش تأیید شده

اصل در پرونده مجلس سنا

 مجلس شورای ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی تهران، ایران پیش نویس	شماره _____ تاریخ _____
گزارش	
در جلسه هیئت‌رئیس مجلس سنا در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۰۳/۱۰/۲۵ در خصوص استنکاف تقی‌زاده از قبول ریاست مجلس سنا سناتور صدرا لاشراف بیش از دیگران برای انتخاب به ریاست مجلس سنا شانس موفقیت دارد.	
منبع کاملاً موثق	
ارزش تأیید شده	
	

[تاریخ]: ۷ اردیبهشت ماه ۳۶


گزارش

امروز آقای سناتور تقی زاده در مجلس سنا حاضر شده و از آقایان رؤسای
اداری خدا حافظی نمودند.
شایع بود که تقی زاده دیگر مجلس نخواهد آمد و ممکن است از نمایندگی مجلس
سنا مستعفی و پستی در خارج به ایشان محول شود.

منبع موثق

ارزیابی خیر - تأیید شده

اداره ۳

۷-سازدیهشت ماه ۳۶	الف
گزارش	۱-۱
<p>امروز آقای سناتور تقی زاده در مجلس سنا حاضر شده و از آقایان رؤسای اداری خدا حافظی نمودند . شایع بود که تقی زاده دیگر مجلس نخواهد آمد و ممکن است از نمایندگی مجلس سنا مستعفی و پستی در خارج به ایشان محول شود .</p> <p>منبع موثق ارزوز خیر سالیانه شده</p>	
	

[تاریخ: ۷ اردیبهشت ماه ۳۶]

گزارش

حمیدیه نماینده مجلس شورای ملی از قول سناتور تقی زاده می گفت چون مشارالیه با تشکیل کنگره و ازدیاد دوره نمایندگی و بالاخص با هر گونه تغییر و تفسیر قانون اساسی مخالفت و با حق و توکله قرار است برای ذات شاهانه در کنگره در نظر گرفته شود موافق نیست لذا از ریاست مجلس سنا استعفاء داده و

در خفا نیز نمایندگان مجلس سنا را به مخالفت با کنگره

تشویق و تشجیع می نماید.

سناتور تقی زاده گفته

حتی المقدور از تشکیل

کنگره و تفسیر و تغییر قانون

اسامی [اساسی] جلوگیری و

در صورت تشکیل نیز در

جلسات شرکت نخواهد کرد

دوستان تقی زاده می گویند

چون مشارالیه مقدار زیادی

از اثاثیه منزل خود را

فروخته و همسر خویش را

نیز به اروپا اعزام داشته لذا

احتمال دارد از نمایندگی

مجلس سنا هم مستعفی و به

اروپا عزیمت کند.

منبع کاملاً موثق

ارزش خیر تأیید شده

اصل در پرونده مجلس سنا

۷ اردیبهشت ۱۳۰۶
گزارش
الف: ۲۲۱

محمد تقی زاده نماینده مجلس شورای ملی از قول سناتور تقی زاده می گفت چون مشارالیه با تشکیل کنگره و ازدیاد دوره نمایندگی و بالاخص با هر گونه تغییر و تفسیر قانون اساسی مخالفت و با حق و توکله قرار است برای ذات شاهانه در کنگره در نظر گرفته شود موافق نیست لذا از ریاست مجلس سنا استعفاء داده و در مجلس نیز نمایندگان مجلس سنا را به مخالفت با کنگره تشویق و تشجیع می نماید.

سناتور تقی زاده گفته حتی المقدور از تشکیل کنگره و تفسیر و تغییر قانون اساسی [اساسی] جلوگیری و در صورت تشکیل نیز در جلسات شرکت نخواهد کرد دوستان تقی زاده می گویند چون مشارالیه مقدار زیادی از اثاثیه منزل خود را فروخته و همسر خویش را نیز به اروپا اعزام داشته لذا احتمال دارد از نمایندگی مجلس سنا هم مستعفی و به اروپا عزیمت کند.

منبع کاملاً موثق
ارزش خیر تأیید شده

اصل در پرونده مجلس سنا

X

مورخ ۲۸ شهریور ماه ۳۶

گزارش

سناتور حکیم‌الملک به چند نفر از دوستان خود اظهار داشته تنها راه ایجاد هماهنگی بین رجال و سیاستمداران معمر کشور زمامداری آقای تقی‌زاده است زیرا علاوه بر اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه نسبت به ایشان نهایت اعتماد را دارند عموم رجال مجرب کشور نیز با کمال میل حاضر به همکاری با مشارالیه می‌باشند.

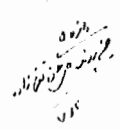
منبع - موثق

ارزش خبر - تأیید شده

دائرة ۵

ضمیمه پرونده آقای حسن

تقی‌زاده ۷/۲

الف	مورخ ۲۸ شهریور ماه ۳۶
۲۳۵۱	
گزارش	
سناتور حکیم‌الملک به چند نفر از دوستان خود اظهار داشته تنها راه ایجاد هماهنگی بین رجال و سیاستمداران معمر کشور زمامداری آقای تقی‌زاده است زیرا علاوه بر اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه نسبت به ایشان نهایت اعتماد را دارند عموم رجال مجرب کشور نیز با کمال میل حاضر به همکاری با مشارالیه می‌باشند.	
منبع - موثق	
ارزش خبر - تأیید شده	
	
۷۵	

شماره: ۲-۳-۴۴۸۸

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۷

موضوع: سیاست خارجی

در محافل سیاسی تهران گفته می شود که آقای تقی زاده از طرف مقامات آمریکائی به واشنگتن دعوت شده تا در آنجا با وی راجع به اوضاع سیاسی ایران مشورت نمایند.

تقی زاده قرار است از آمریکا به آلمان عزیمت و پس از چند روز اقامت در آنجا به

تهران مراجعت و رل حساسی را در سیاست ایران به عهده گیرد.

در محافل سیاسی تهران گفته می شود که دولت های آمریکا - انگلستان و شوروی به بی طرفی تقی زاده اطمینان حاصل نموده اند.

اداره یکم

بایگانی شود. ۱۱/۲۰

دائرة ۵

ضمیمه پرونده آقای تقی زاده
ضمناً سخنرانیهای ایشان در
جراید (اطلاعات و کیهان) روز
پنجشنبه ۱۱/۲۴ نوشته شده از
دایره جراید اخذ و ضمیمه پرونده

بشود ۱۱/۲۵

بخش تعرفه فوری اقدام شود ۱۱/۲۷

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سیاست خارص شماره: ۳۶-۳-۴۴۸۸
بجمل: آمریکا تاریخ جان: -
نقطه بشاره: - تاریخ و منزل خبر: ۳۷/۱۱/۱۷
منبع خبر: ۲ **محرمانه** تاریخ: ۳۷/۱۱/۱۷
تقریب: ۲

در محافل سیاسی تهران گفته میشود که آقای تقی زاده از طرف مقامات آمریکائی به واشنگتن دعوت شده تا در آنجا با وی راجع به اوضاع سیاسی ایران مشورت نماید. تقریباً در فراموش از آمریکا به آلمان عزیمت و پس از چند روز اقامت در آنجا به تهران مراجعت و رل حساسی را در سیاست ایران به عهده گیرد.

در محافل سیاسی تهران گفته میشود که دولت های آمریکا - انگلستان و شوروی به بی طرفی تقی زاده اطمینان حاصل نموده اند.

مهری تقی زاده (اطمینان حاصل شده است)

۱۱/۲۱

تاریخ: ۱۱/۲۱

۲۲۱

۱۱/۲۱

اطلاعات صفحه ۱۱

[تاریخ: ۲۴/۱۱/۳۶]

شماره: ۹۵۴۲

نظر یک سیاستمدار کهنسال درباره دوستی دیرین دو ملت
در ایران فقط کمونیستها از دوستی ایران و آمریکا ناراضی اند

سناتور تقی زاده در واشنگتن گفت در دوره عمر من سه بار روسیه به ایران
حمله کرد - آمریکا برای بیرون راندن قوای شوروی از آذربایجان

فشار وارد آورد

واشنگتن - آقای سناتور

سیدحسن تقی زاده رئیس

سابق مجلس سنای ایران که

تجارب ممتدی از سال

۱۹۰۶ در امور قانونگذاری

ایران دارد دیروز بیاناتی

درباره دوستی صمیمانه و بی

شائبه ایران و آمریکا ایراد

نمود و چندین مورد از این

دوستی بی شائبه و صمیمانه

را به عنوان مثال ذکر کرد.

این سیاستمدار کهنسال طی

یک مصاحبه مطبوعاتی در

واشنگتن گفت که دوستی

بین ایران و آمریکا بر پایه



محکمی قرار دارد. آقای تقی زاده که هشتاد سال از عمرش می گذرد گفت ایران
مانند آمریکا کشوری صلح دوست است و هیچگونه نقشه های تجاوزکارانه
ندارد و نمی خواهد که از خارج کسی در امور وی مداخله کند. ولی در دوره عمر
من سه بار روسیه به ایران حمله کرده و دیگران نیز در امور کشور ما مداخله
کرده اند آقای تقی زاده گفت مردم ایران خوشحال شدند از اینکه آمریکا رانبروی
تازه ای یافتند که عاری از هر نوع شائبه است و جز خیر و سلاح ایران چیز
دیگری نمی خواهد.

اولین تماسی که ایران نو با آمریکا داشت مسافرت میسیون مالی آمریکا در سال ۱۹۱۰ به ایران بود که ریاست میسیون را «مورگان شوستر» به عهده داشت. وی گفت میسیون مزبور بسیار فعال و کاردان و نوع‌پرست و لایق بود. و این میسیون موجد تاریخ شد. زیرا شوروی‌ها در آن موقع قوایی به ایران فرستادند و دولت ایران را مجبور کردند که میسیون مزبور را از کار خود عزل کند. آقای تقی‌زاده سپس اظهار داشت که مثال بارز دیگری در مورد اینکه چرا ایران آمریکا را دوست می‌دارد این است که «لاینسک» وزیر خارجه سابق آمریکا در سال ۱۹۱۹ به یک قراردادی که به نفع ایران نبود اعتراض کرد. سومین دلیل تاریخی دوستی ایران و آمریکا فشاری است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به اتفاق ایران برای بیرون راندن قوای باقیمانده شوروی از خاک آذربایجان به عمل آورد.

وی یادآور شد که «پس از جنگ دوم جهانی آمریکا و انگلیس بر طبق موافقتنامه‌هایی که به دولت ایران منعقد کرده بودند سربازان خود را از خاک ایران خارج کردند ولی شوروی علیرغم امضای خود قوای خود را از ایران بیرون نبرد و من این را هرگز فراموش نمی‌کنم.

جناب آقای تقی‌زاده خاطر نشان کرد که شورویها خاک ایران را ترک نگفتند تا اینکه مسئله آذربایجان به سازمان ملل متحد ارجاع شد.

وی گفت: جای هیچگونه شک و تردیدی نیست که ایرانیان از دوستی صمیمانه آمریکا نسبت به خود خوشحالند شما حتی یک نفر را در ایران نمی‌توانید پیدا کنید که نسبت به این دوستی خوشحال نباشد مگر آنکه آن فرد کمونیست باشد.

آقای تقی‌زاده در دانشگاه تهران کرسی استادی تاریخ را دارد. ایشان پائیز گذشته در مؤسسه خاور نزدیک و میانه دانشگاه کلمبیا تاریخ قرن بیستم ایران را تدریس نمود. آقای تقی‌زاده که در مرکز فرهنگی نیویورک در نوع خود تالی [تعالی] و نظیر ندارد زمانی سفیر کبیر ایران در دربار سنت جیمز بوده و مدتی نیز وزیر دارایی و استاندار خراسان بوده است. وی چندین پیمان و معاهده بین ایران و روسیه شوروی منعقد ساخته است.

آقای تقی‌زاده اولین بار در سال ۱۹۱۳ از آمریکا دیدن کرد و بار دیگر در سال ۱۹۲۶ به آمریکا سفر نمود. آقای تقی‌زاده اظهار داشت مردم آمریکا اکنون بیش از آن دو موردی که وی به این کشور مسافرت کرده نسبت به خاورمیانه ابراز علاقه می‌کنند.

آقای تقی‌زاده گفت که علاقمندی مردم آمریکا به این منطقه ۹۰ درصد افزایش یافته است به طوری که عده قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان فارغ‌التحصیل در رشته‌های مربوط به خاور میانه تخصص پیدا می‌کنند. آقای تقی‌زاده فعلاً طبق برنامه مبادله شخصیت‌های وزارت خارجه برای مدت دو ماه در آمریکا گردش می‌کند.

وی به اتفاق همسرش روز پنجشنبه (امروز) واشنگتن را به قصد میامی ترک می‌کند.

نامبردگان در این مسافرت از دانشگاه‌های هاروارد و «ییل» و «پرنتسن» دیدن خواهند کرد و در آن

دانشگاهها برنامه‌های تحصیلی مربوط به خاور میانه را مشاهده خواهند کرد. در واشنگتن ریچارد نیکسون^۱ معاون ریاست جمهوری که ریاست مجلس سنا را به عهده دارد از آقای تقی‌زاده استقبال گرمی به عمل آورد. آقای تقی‌زاده گفت نیکسون استقبال مجلس سنای ایران را به یاد داشت. نیکسون ترتیباتی داد که سیاستمدار کهنسال ایرانی به مجلس سنای آمریکا معرفی گردد. آقای تقی‌زاده گفت من از این جریان بسیار خوشحال شدم زیرا در این مجلس سناتورهای آمریکا نسبت به من ابراز علاقه کردند و این خاطره خوبی برای من به شمار می‌رود.

آقای تقی‌زاده روز دوشنبه توسط آقای ویلیام نولند رهبر جمهوریخواه سنا در مجلس سنا سناتورها معرفی شد سناتور نولند ضمن معرفی ایشان شمه‌ای از زندگی سیاسی این سیاستمدار کهنسال ایران را بیان کرد. سناتورها و سایر مهمانان نسبت به آقای تقی‌زاده ابراز احساسات کردند آقای تقی‌زاده انتظار می‌رود اواخر ماه مارس یا اوائل آوریل آمریکا را به قصد وطن خود ترک گوید.

آسوشیتدپرس

۱- ریچارد نیکسون متولد ۱۹۱۳ - دوران کودکی خود را با فقر و فلاکت طی کرد. پس از سپری کردن تحصیلات حقوقی از دانشگاه هاروارد وارد نیروی دریایی آمریکا شده و به اقیانوس آرام سفر کرد. در ۱۸۵۰ در انتخابات مجلس سنا پیروز شد. پس از انتخاب آیزنهاور به عنوان ریاست جمهوری در سن ۳۹ سالگی به عنوان معاون وی انتخاب شد. در انتخابات بعدی به رقابت با کندی پرداخت و با اختلاف اندکی شکست را پذیرا شد. پس از شکست به کالیفرنیا بازگشت. در سال ۱۹۴۹ به نیویورک سفر کرد و در یکی از کارخانه‌های مشهور وال استریت مشغول شد. در انتخابات بعدی به ریاست جمهوری آمریکا رسید. از مهمترین کارهای او خارج کردن سربازان آمریکا از ویتنام و تجدید روابط با چین بود. لیکن در ۱۹۴۷ پس از رسوایی ماجرای موسوم به «واترگیت» از سمت خود استعفا داد. وی در سن ۸۱ سالگی در ۱۹۹۴ بدرود حیات گفت.

بزرگان قرن بیستم - تایم - ص

شماره: ۲-۳-۴۸۶۳

تاریخ: ۳۶/۱۲/۱۱

موضوع: مجلس سنا

طی دو روزه اخیر در مجلس شورای ملی تجلیل نمایندگان مجلس سنای آمریکا از سناتور تقی‌زاده مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و معتقدند با توجه به سوابق گذشته مشارالیه و مخالفت شدید ایشان با تشکیل کنگره و تغییر پاره‌ای از مواد قانون اساسی در آتیه نزدیکی پست حساسی از طرف شاهنشاه به ایشان تفویض خواهد گردید.

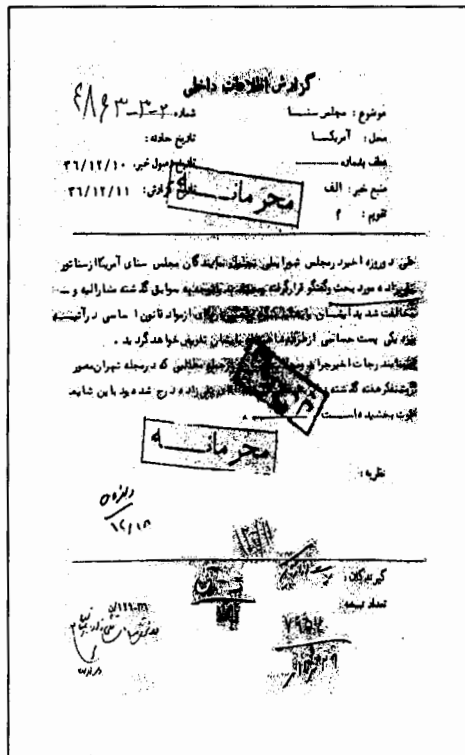
ضمناً مندرجات اخیر جراید و محلات تهران از جمله مطالبی که در مجله تهران مصور^۱ و روشنفکر هفته گذشته دایر به خدمات گذشته آقای تقی‌زاده درج شده بود به این شایعات قوت بخشیده است.

۱۲/۲۸ - دایره ۵

در پرونده آقای تقی‌زاده بایگانی

شود. ۳۷/۱/۶

گیرندگان: ریاست اداره یکم



۱- مجله تهران مصور با منشی سیاسی، اجتماعی به صاحب امتیازی عبدالله والا و مدیریت فتح‌اله والا منتشر می‌شد. به دلیل وابستگی‌های والا به فراماسونری و رژیم پهلوی، فراز و فرود بسیاری داشت. در سال‌های ۱۳۵۷ دوره سوم، به سردبیری مسعود بهنود در جهت معارضة و مخالفت با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی فعال شد.

شماره: ۲-۳-۵۱۱۵

بیوگرافی

تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۸

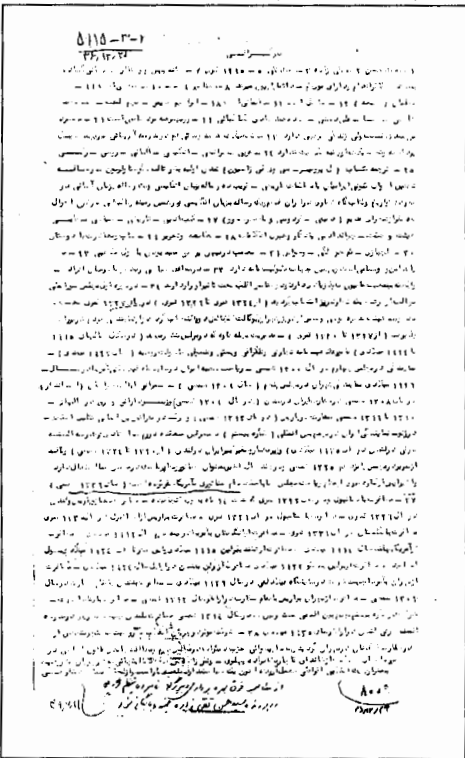
۱- علی دشتی

فرزند عبدالحمین، علی دشتی در سال ۱۲۷۴ شمسی در یک خانواده ایرانی در کربلا بدنیا آمد. تحصیلاتش را در حوزه‌های علمی نجف شروع کرد و در همانجا به پایان رساند. جاذبه آزادی بعد از عزل محمد علیشاه و اوایل سلطنت احمد شاه، او را در سال ۱۲۹۸ به ایران گشاند.

دشتی در ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۰ روزنامه «شفق سرخ» را منتشر کرد. او هدف خود را «تولید انقلاب افکار و تهییج روح و بیداری جامعه» اعلام کرد. اما این هدف خوشایند دولتهای وقت نبود. در نتیجه «شفق سرخ» بارها به سبب چاپ مقالات تندش دچار توقیف شد. در کابینه قوام‌السلطنه یکبار هم تمام روزنامه‌ها توقیف شدند که «شفق سرخ» هم یکی از آنها بود.

دشتی که در سال ۱۳۰۱ پس از شلاق خوردن مدیر روزنامه ستاره ایران از سردار سپه انتقاد کرده بود، کم‌کم به او نزدیک شد. در ماجرای انقراض قاجاریه و تغییر سلطنت هم دشتی و «شفق سرخ» نقش مؤثری داشتند. از این تاریخ، دشتی به صورت یکی از معارم «رضا شاه» در آمد که در سفر و حضر با او بود. دشتی در دوره پنجم شورای ملی به دستور سردار سپه از ساوه و زرنند انتخاب شد. اما مدرس با اعتبار نامه دشتی را در دوره‌های ششم، هفتم، هشتم و نهم از بو شهر به مجلس فرستاد. اما بعداً چون نسبت به او بدبین شده بود، جلوی انتخاب او را در دوره‌های دهم و یازدهم

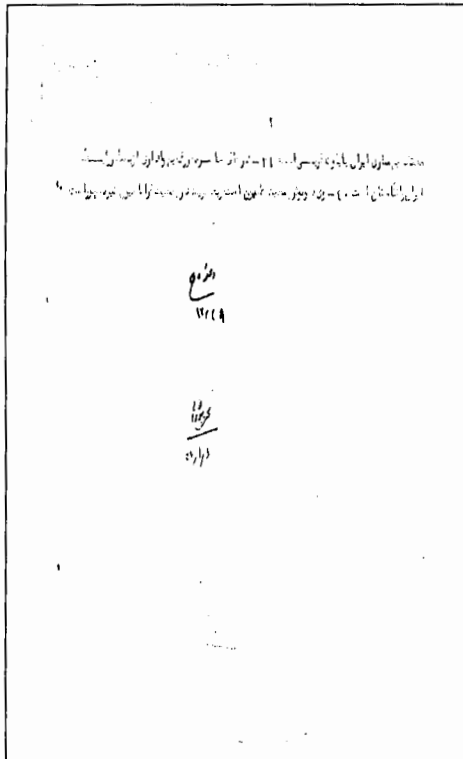
- ۱- سید حسن ۲- تقی زاده ۳- سید تقی ۵- ۱۲۹۵ قمری ۷- چانه پهن و گوستالو - پیشانی گشاده بلند قد - لاغر اندام و دارای موی کم - دائماً پایبون می‌زند ۸- سناتور ۹- ۱۰- شخصی است ۱۱- مسلمان (شیعه) ۱۲- متأهل است ۱۳- آلمانی است ۱۸- ابراهیم حکیمی - نجم‌الملک - سید محمد هاشمی - صبا - علی دشتی ۱- سید محمد صادق طباطبائی ۱۹- رویهمرفته مرد سالمی است ۲۱- مرد ثروتمندی نیست ولی زندگی مرفهی دارد ۲۳- تحصیلات قدیمه و مدتی هم در مدرسه آمریکائی تبریز به تحصیل پرداخته و تحصیلات او جنبه کلاسیک ندارد ۲۴- عربی - فرانسوی [فرانسه] - انگلیسی - آلمانی - روسی - ترکی ۲۵- ترجمه کتاب (ل پرومیر - سی وی لی زاسیون) تمدن اولیه بشر تألیف گوستاولویون - رساله تحقیق



- احوال کنونی ایرانیان یا محاکمات تاریخی - قریب ده رساله به زبان انگلیسی و یک رساله به زبان آلمانی در معرفت تواریخ و کتاب گاه شماری در ایران قدیم و یک رساله به زبان انگلیسی در همین زمینه و تألیفاتی در شرح احوال سه نفر از شعرای قدیم (دقیقی - فردوسی - و ناصر خسرو) ۲۷- کتب ادبی - تاریخی - سیاسی - طبی هیئت و حکمت - جرائد ادبی یادگار و خبری اطلاعات ۲۸- مطالعه و تحریر ۲۹- کتاب و معاشرت با دوستان ۳۰- لجبازی - کم حوصلگی - وسواس ۳۱- تعصب در میهن پرستی مقید بودن به اصول مذهبی ۲۳- مرد پاکدامن و خوشنامی

است و به همین جهات مقبولیت عامه دارد ۳۳- در محافل سیاسی و مخصوصاً در میان افراد وابسته به جمعیت عامیون نفوذ زیادی دارد و دوستانش اغلب تحت تأثیر او قرار دارند ۳۴- در دوره اول مجلس شورای ملی به وکالت از طرف طبقه تجار تبریز انتخاب گردید (از ۱۳۲۴ قمری تا ۱۳۲۶ قمری) در سال ۱۳۲۷ قمری نخست به عضویت هیئت مدیره موقتی و سپس از تبریز به تهران به وکالت مجالس دوم انتخاب گردید و او نمایندگی مردم تبریز را پذیرفت (از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ قمری) مدیریت مجله کاوه که در برلین منتشر می‌شد (در خلال سالهای

۱۹۱۵ تا ۱۹۲۴ میلادی) مأمور عقد عهدنامه تجارتنی و تلگرافی و پستی و قنصلی با دولت روسیه (سال ۱۹۲۲ میلادی) نمایندگی در مجلس چهارم در سال ۱۳۰۰ شمسی - ریاست شعبه ایران در نمایشگاه فیلادلفی آمریکا در سال ۱۹۲۶ میلادی نمایندگی تهران در مجلس پنجم (سال ۱۳۰۶ شمسی) - حکمرانی ایالات خراسان (استاندار) در سال ۱۳۰۸ شمسی در سفارت ایران در لندن (در سال ۱۳۰۹ شمسی) وزیر



دارایی و طرق در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ شمسی سفارت در پاریس (در سال ۱۳۱۳ شمسی) و شرکت در کنفرانس بین‌المللی تقلیل اسلحه در ژنو - نمایندگی در ایران در مجمع بین‌المللی (کنگره بیستم) مستشرقین منتقد در رم - استادی مدرسه السنه شرقی در لندن در سال ۱۹۳۵ (میلادی) وزیر مختار و سفیر کبیر در لندن (از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ شمسی) وکالت از تبریز در مجلس پانزدهم ۱۳۲۵ شمسی و در چند سال اخیر به عنوان سناتور و مقام ریاست در مجلس سنا اشتغال دارد و اخیراً پس از کناره‌گیری از مقام ریاست مجلس سنا با حفظ مقام

گرفت. با آنکه دشتی بعد از شهریور ۲۰ با جبهه‌گیری علیه رضا شاه به شهرت رسید ولی همه راههایی را که به دربار منتهی می‌شد بست. او در همان حال که به شدت به شاه سابق حمله می‌کرد، جسته‌گریخته از بعضی کارهای او تعریف می‌کرد. به این جهت بعد از مدتی جبهه خود را عوض کرد و به شاه جدید نزدیک شد.

فاصله‌ای که شیخ علی (دشتی) عامه به سر و عبا به دوش ریشو از سناتور علی دشتی، شیک پوشی که لباس آخرین مد می‌پوشید، کراوات سولکامی زد و روی کفشهایش «گتر» می‌بست جدا می‌کرد، خیلی سریع طی شد. او از نظر فکری هم همین قدر زود تغییر کرد. او که در آغاز یک روزنامه‌نویس مذهبی بود، ولی به زودی تغییر روش داد و بعدها روحانیون به دفعات درباره مقالات «شفق سرخ» از او شکایت کردند، بطوری که حتی در دوره رضا شاه هم با همه تجدد‌نمایی که داشت، چند بار ناچار شدند دستور توقیف «شفق سرخ» را به سبب مقالات ضد مذهبی صادر کنند. دشتی یکی از بازیگران سیاسی ۱۳۰۰ - ۱۳۵۷ به قول خودش (بیغا و بیخ) بود. فردی که مدافع سیاست انگلیس در ایران، از حامیان سردار سپه، و مرتبط با رجالی که در مسیر اهداف و منافع انگلستان در ایران بود.

به لحاظ فکری نیز مقالات و آثاری علیه اسلام - پیامبر ﷺ

سناتوری به آمریکا سفر کرده است (در سال ۱۳۳۶ شمسی) ۳۷- مسافرت به اسلام (ص) از خود بجای گذاشت.

استانبول و مصر سال ۱۳۲۲ قمری به مدت ۱۴ ماه به طول انجامیده - مسافرت به قفقاز و پاریس و لندن در سال ۱۳۲۶ قمری - مسافرت به استانبول ۱۳۲۹ قمری - مسافرت به پاریس از استانبول ۱۳۳۰ قمری - مسافرت به انگلستان در سال ۱۳۳۱ قمری - مسافرت از انگلستان به آمریکا در نیمه دوم ۱۹۱۲ میلادی - مسافرت از آمریکا به هلند سال ۱۹۱۴ میلادی - مسافرت از هلند به برلین سال ۱۹۱۵ میلادی و این سفر با سال ۱۹۲۴ میلادی به طول انجامید - مسافرت از برلین به مسکو ۱۹۲۲ میلادی - مسافرت از برلین به لندن در سال ۱۹۲۴ میلادی - مسافرت از تهران به آمریکا جهت شرکت در نمایشگاه فیلادلفی در سال ۱۹۲۶ میلادی - مسافرت به لندن با مقام سفارت در سال ۱۳۰۹ شمسی - مسافرت از تهران به پاریس با مقام سفارت در اواخر سال ۱۳۱۲ شمسی - مسافرت به ایتالیا جهت شرکت در کنگره بیستم مجمع بین‌المللی مستشرقین - در سال ۱۳۱۴ شمسی مسافرت به لندن جهت تدریس در مدرسه السنه شرقی لندن در اواخر سال ۱۹۳۵ میلادی ۳۸- شرکت مؤثر در جریان انقلاب مشروطیت که منجر به تحصن او در سفارت انگلستان در تهران گردید و بعداً از پیشوایی حزب دمکرات در مجلس دوم و مخالفت با نقض قانون اساسی در مورد انتقال سلطنت از خاندان قاجار به خانواده پهلوی - و تقی‌زاده بر خلاف فعالیت‌هایی که در جریان مشروطیت به عنوان یک انقلابی افراطی به عمل آورده اکنون یک سیاستمدار محافظه‌کار است و از لحاظ سیاست خارجی معتقد به همکاری ایران با بلوک غربی است ۳۹- در حال حاضر معروف به هواداری از بسط روابط ایران و انگلستان است ۴۰- وی عضو مؤثر جمعیت عاملیون [عامیون] است و به عضویت در جمعیت فراماسیون^۱ نیز مشهور است.

از مطالب فوق بهره‌برداری و بیوگرافی نامبرده تنظیم گردید.

در پرونده سید حسن تقی‌زاده ضمیمه و بایگانی شود. ۳۹/۷/۲۱

۳۶/۱۲/۲۹

بخش بیوگرافی ۳۷/۱/۶

دایره ۱۲/۲۹

اسلام (ص) از خود بجای گذاشت.

پس از انقلاب وی دستگیر و زندانی گردید و نهایتاً در سن ۸۵ سالگی به علت بیماری و کهولت سن درگذشت.

۳۷۱۵۳ سوم - فراماسونری

از کتاب «شبه خاطره» نوشته دکتر علی بهزادی

مشاغل: سفیر کبیر ایران در مصر در سال ۱۳۲۷ - هفت دوره سناتور

۱ فراماسونری Freemasonry

سازمانی کاملاً مخفی و گاه نیمه مخفی که با استفاده از روابط پیچیده و پنهانی میان اعضای خود، از نفوذ و قدرت فراوانی در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای مختلف برخوردار است.

کلمه «فراماسون» کلمه‌ای است با ریشه فرانسوی Franc macon که در زبان انگلیسی Free mason گفته می‌شود.

این عبارت معنای لفظی بتای آزاد دارد و در تشریح بیشتر آن گفته‌اند «افزارمند یا بتایی که آزاد بوده و با ابزارهایی مانند تبر، چکش، گرز و اسکنه روی سنگهای تراش بردار کار می‌کرده. با توجه به این که چنین سنگی در زبان انگلیسی Freestone فرستین نام دارد، فریبسین نامیده می‌شده است.

نیز احتمال داده‌اند که بدین گونه به افزارمندان «آزاد» Free می‌گفتند، زیرا که در روزگار حاکمیت نظامهای فئودالی آنان آزاد بودند که به هر نقطه‌ای از کشور که خدماتشان مورد نیاز بوده سفر کنند و به کار پردازند.»

از آنجا که این افزارمندان از هنری پراهمیت و مورد نیاز

ایران نخستین لژ وسیع و قانونی فراماسونری بود که به شکل مخفیانه در ایران آغاز به کار کرد. این لژ ماهیتی فرانسوی داشت و تحت نظر لژ شرق اعظم (گرانداوریان) فرانسه فعالیت می‌کرد.

بعدها در دوره حکومت پهلوی پدیده فراماسونری در ایران گسترش بسیاری پیدا کرد و لژهای متعددی با هویت‌های فرانسوی، انگلیسی، اسکاتلندی، آلمانی و احتمالاً آمریکایی در شهرهای مختلف تأسیس و فعالیت می‌کردند. از آغاز شکل‌گیری رسمی پدیده فراماسونری در ایران تا پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر دولتمردان و سیاستمداران ایران وابسته به لژهای فراماسونری بودند و به عبارت دیگر بخش مهمی از سیاست و دولت در ایران توسط ماسونها اداره می‌شد.

فراماسونها معمولاً در ظاهر بر موازین اخلاقی و انسانی بسیار تأکید می‌کنند و لژهای خود را انجمن‌هایی علمی - اخلاقی به شمار می‌آورند. لکن در عمل برای دستیابی به اهداف خود که از اهداف لژهای مادر - در کشورهای استعمارگر - جدا نیست، دست به هر عملی می‌زنند. تشکیلات سازمانی فراماسونری در کشورهای پیرامونی به گونه‌ای عمل می‌کنند که اعضای آنها خواسته یا ناخواسته به مهره‌هایی برای پیشبرد اهداف بیگانگان در کشور خود بدل می‌شوند.

پدیده فراماسونری با پدیده صهیونیسم و تفکرات یهودی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و تأثیر این رابطه در قوانین و آداب و سنن فراماسونری به وضوح

همچنین در این گردهمایی مواد مهمی نیز به تصویب رسید. از جمله این که حقوق فراماسونری از این تاریخ به بعد فقط به گروه بنّایان عملی محدود نخواهد بود، بلکه هر فردی که لیاقتش در لژهای قانونی به اثبات برسد می‌تواند به سلک ماسونی در آمده و از حقوق آن استفاده کند. و این اعلام رسمی آغاز دوره‌ای جدید در تاریخ فراماسونری بود که اصطلاحاً فراماسونری نظری یا نمادین خوانده می‌شود.

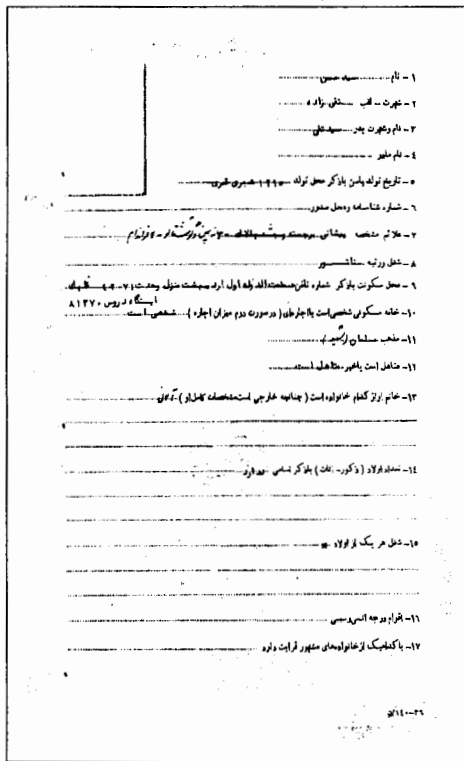
بعدها لژهای اعظم دیگری در کشورهای مختلف اروپا از جمله فرانسه، اسکاتلند، آلمان و اسپانیا تشکیل شد. لژهای فراماسونری که متأثر از افکار دوره رنسانس اروپا و برابر با نیازهای روزگار خود شعار «آزادی، برابری و برادری» را برگزیده بودند، در اروپا قدرت فراوانی یافته و در صدر قوای استعمارگر اروپایی به کشورهای پیرامونی و مستعمره نیز راه یافتند. در کشورهای مستعمره لژهای فراماسونری با جذب اقشار مختلف مردم خصوصاً روشنفکران و نجیبان جامعه از ایشان برای تثبیت نفوذ و قدرت استعماری خود بهره می‌جستند.

در کشور ما نخستین لژ فراماسونری در سال ۱۳۲۴ ق مطابق با ۱۹۰۷ م تحت عنوان «لژ بیداری ایران» در تهران شکل گرفت. پیش از این تاریخ بسیاری از ایرانیان در خارج از کشور به عضویت لژهای فراماسونری در آمده بودند و حتی برخی از ایشان چون میرزا ملکم خان ناظم الدوله به تالشهایی نافرجام برای تشکیل یک لژ فراماسونری در ایران دست زده بودند. اما لژ بیداری

جامعه بهره‌مند بودند، اسرار حرفه و هنر خود را در میان خویش نگاه می‌داشتند و از طسریق نشانه‌ها و علامتهای قراردادی میان خود ارتباط بر قرار می‌کردند. این شرایط خود به خود موجب تشکیل انجمن‌های صنفی مخفی میان ایشان می‌شد. در تاریخ جهانی فراماسونری از این‌گونه انجمنها با لقب «فراماسونری عملی» یاد می‌کنند. این گروه‌های صنفی از آنجا که دارای تخصص‌های ویژه بودند و از این راه درآمدهای خوبی می‌اندوختند، اندک اندک در زمره اقشار مهم و با نفوذ اجتماع درآمدند و هم‌ایشان در پایه‌گذاری تمدن بورژوازی اروپا پس از رنسانس تأثیر بسیار داشتند. قدرت نفوذ جایگاه بنّایان آزاد در جامعه اروپا تا آنجا رسید که بسیاری از ثروتمندان و قدرتمندان اروپا با آن که بنا و معمار نبودند در انجمن‌های این صنف عضو می‌شدند و با ایشان ارتباط بر قرار می‌کردند. رفته رفته انجمن‌های مخفی بنّایی به انجمن‌هایی بدل شد که بنّایان در آن در اقلیت بودند و بیشتر اعضای آن را ثروتمندان و قدرتمندان تشکیل می‌دادند.

با گسترش روز افزون انجمن‌های فراماسونری (که در اصطلاح «لژ»های فراماسونری خوانده می‌شدند) ضرورت ایجاد یک تشکیلات منظم و منسجم که محصول اتحاد لژهای مختلف باشد، احساس شد. از این رو در سال ۱۷۱۷ م (۱۰۹۶ ش) چهار لژ مهم انگلستان طی یک گردهمایی مهم که در لندن برگزار شد با اتحاد خویش لژ اعظم انگلستان را تشکیل دادند.

- ۱- نام - سید حسن
- ۲- شهرت - لقب تقی زاده
- ۳- نام و شهرت پدر سید تقی
- ۴- نام مادر
- ۵- تاریخ تولد یا سن با ذکر محل تولد ۱۲۹۵ هجری قمری
- ۶- شماره شناسنامه و محل صدور
- ۷- علائم مشخصه چانه پهن و گوشه‌تالو - لاغر اندام

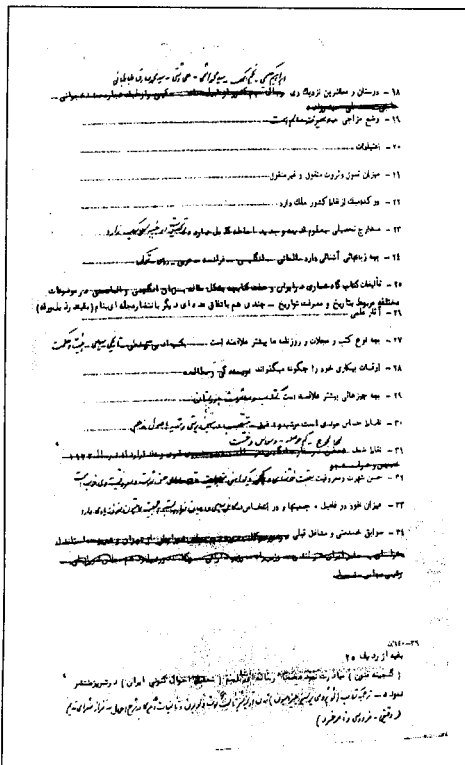


- ۸- شغل و رتبه سناتور
- ۹- محل سکونت با ذکر شماره تلفن حشمت‌الدوله اول اردیبهشت منزل و وحدت ۴۲۰۷۱ - قلهک - ایستگاه دروس ۱۱۳۷۰
- ۱۰- خانه مسکونی شخصی است یا اجاره‌ای (در صورت دوم میزان اجاره) شخصی

مشهود است.
 ر. ک: کتاب شرح احوال رجال، ج ۲، ص ۵۵۴ تا ۵۵۶.
 ر. ک: فراماسونری، ۲ جلد، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۲
 و سنن فراماسونری به وضوح مشهود است.
 ر. ک: کتاب شرح احوال رجال، ج ۲، ص ۵۵۴ تا ۵۵۶.
 ر. ک: فراماسونری، ۲ جلد، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۲
 ۱- رجوع شود به: فصلنامه مطالعات تاریخی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مقاله علی دشتی، نوشته عبدالله شهبازی، بهار ۱۳۸۳

- است
- ۱۱- مذهب مسلمان (شیعه)
- ۱۲- متأهل است یا خیر متأهل است
- ۱۳- خانم او از کدام خانواده است (چنانچه خارجی است مشخصات کامل او) آلمانی
- ۱۴- تعداد اولاد (ذکور - اناث) با ذکر اسامی ندارد
- ۱۵- شغل هر یک از اولاد x
- ۱۶- اقوام درجه انسی و سببی
- ۱۷- با کدامیک از خانواده‌های مشهور قرابت دارد
- ۱۸- دوستان و معاشرین نزدیک وی ابراهیم حکیمی - نجم‌الملک - سید محمد هاشمی - علی دشتی^۱ - سید محمد صادق طباطبائی
- ۱۹- وضع مزاجی رویهمرفته سالم است

- ۲۰- اعتیادات
- ۲۱- میزان تمول و ثروت منقول و غیر منقول
- ۲۲- در کدامیک از نقاط کشور ملک دارد
- ۲۳- مدارج تحصیلی به علوم قدیمه و جدید احاطه کامل دارد ولی تحصیلات او جنبه کلاسیک ندارد
- ۲۴- به چه زبان‌هایی آشنائی دارد آلمانی - انگلیسی - فرانسه - عربی - روسی - ترکی
- ۲۵- تألیفات کتاب گاه شماری در ایران و هفت کتابچه به شکل مقاله به زبان انگلیسی و آلمانی



در موضوعات مختلفه مربوط به تاریخ و معرفت تواریخ - چندی هم به اتفاق عده‌ای دیگر به انتشار مجله‌ای به نام (گنجینه فنون) مبادرت نموده ضمناً رساله‌ای به اسم (تحقیق احوال کنونی ایران) در تبریز منتشر نموده - ترجمه کتاب (لو پسر رومی یرسیولیزاسیون) تمدن اولیه بشر تألیفات گوستاو لوبون و تألیفات دیگری در شرح احوال سه نفر از شعرای قدیم (دقیقی - فردوسی و ناصر خسرو)

- ۲۶- آثار علمی
- ۲۷- بچه نوع کتب و مجلات و روزنامه‌ها بیشتر علاقمند

- است به کتب ادبی و خطی - تاریخی و سیاسی - هیئت و حکمت
- ۲۸- اوقات بیکاری خود را چگونه می‌گذارند نویسندگی و مطالعه
- ۲۹- به چیزهایی بیشتر علاقمند است کتاب و معاشرت با دوستان
- ۳۰- نقاط حساس مردی است مرتب و دقیق - متعصب در مین پرستی و مقید به

اصول مذهبی^۱

- ۳۱- نقاط ضعف لجوج - کم حوصله - وسواس و خست
- ۳۲- حسن شهرت و معروفیت به علت خوشنامی و پاکدامنی حسن شهرت و معروفیت وی خوب است
- ۳۳- میزان نفوذ در فامیل. جمعیتها و در اشخاص در محافل سیاسی و در میان افراد وابسته به جمعیت عامیون نفوذ زیادی دارد
- ۳۴- سوابق خدمتی و مشاغل قبلی (در مورد وکالت دوره دوم مجلس شورای ملی از

تهران و تبریز استاندار خراسان -
 سفیر ایران در لندن - وزیر راه -
 وزیر دارایی - وکالت دوره
 پانزدهم مجلس شورای ملی -
 رئیس مجلس سنا)
 ۳۵- امتیازات
 ۳۶- محکومیت‌های کیفری
 - خلاف - جنحه - جنایت با
 ذکر علت - مدت و نوع
 محکومیت
 ۳۷- مسافرت‌های خارج از
 کشور با ذکر تاریخ - مدت -
 علت و همراهان در اکتبر سال
 ۱۹۱۲ به اسلامبول - پاریس -
 انگلستان - از ژوئن ۱۹۱۳ تا
 دسامبر ۱۹۱۴ در امریکا - از ژانویه

- ۱۹۱۵ تا اوت ۱۹۲۴ در آلمان در فوریه ۱۹۲۲ مأمور عقد عهدنامه تجارتمی و کنسولی پستی و تلگرافمی با دولت روسیه شده و از برلین به مسکو رفته و تا اوت ۱۹۲۳ مشغول این کار بوده است.
- ۳۸- سوابق و تمایلات سیاسی نامبرده در راه کسب مشروطیت زحمات فراوانی کشیده و متمم قانون اساسی در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ بر اثر فشار تقی‌زاده به تصویب رسیده است - در روز ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ وقتی که سربازان لیاخوف مجلس را به توپ می‌بستند و مانع ورود وی به مجلس شدند به اتفاق چند نفر دیگر به سفارت انگلیس پناه بردند - تقی‌زاده در قرارداد ۱۹۳۳ نفت دخالت داشته و در ۷ بهمن سال ۱۳۲۷ در مجلس شورای ملی اظهار داشته است که

۱- تقی‌زاده یکی از مدافعان جدایی دین از سیاست، گسترش فرهنگ غرب در ایران با شعار: «ایرانی باید از ناخن پا تا موی سر غربی شود» و این نگرش او را در مسیر گسترش اندیشه غربی در دو قلمرو علمی و عملی قرار داد.

محمد تقی‌زاده
 ۲۷ اردیبهشت

امضای قرارداد مزبور (سخت آلت فعل) بودم. نامبرده بر خلاف فعالیت‌هایی که در جریان مشروطیت به عنوان یک انقلابی افراطی به عمل آورده اکنون یک سیاستمدار محافظه کار است و از لحاظ سیاست خارجی معتقد به همکاری ایران با بلوک غربی است.

۳۹- در حال حاضر به کدام سیاست بیشتر تمایل دارد معروف به هواداری از بسط روابط ایران و انگلستان است

۴۰- بستگی به احزاب و جمعیتها عضو مؤثر جمعیت عامیون بوده و به عضویت در جمعیت فراماسیون^۱ نیز مشهور است.

۴۱- سایر اطلاعات متفرقه
مجدداً ماشین شود ۳۷/۱/۱۰

۱- رجوع شود به کتاب:

اسناد فراماسونری در ایران، ۲
جلد، تهران، مؤسسه مطالعات و
پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۰

تاریخ: ۳۷/۲/۱۵

موضوع: ورود و خروج از فرودگاه مهرآباد

ساعت ۱۶/۴۵ روز ۳۷/۲/۱۴ آقایان احمد بهادری نماینده مجلس شورای ملی دارای گذرنامه شماره ۴۱۴۵ تهران و آقای سید حسن تقی‌زاده سناتور به اتفاق خانم باگذرنامه شماره ۴۲۸ تهران با هوایمایی سوئدی از طریق فرودگاه مهرآباد وارد تهران شدند.

رونوشت برابر اصل است. اصل در پرونده احمد بهادری نماینده مجلس شورا در پرونده تقی‌زاده ۱۸-ت-ق بایگانی شود.

شماره	۱۳۳
تاریخ	۳۷/۲/۱۵
پوست	

وزارت جنگ
فرمانداری نظامی راه‌آهن

تاریخ: ۳۷/۲/۱۵

موضوع: ورود و خروج از فرودگاه مهرآباد

ساعت ۱۶-۴۵ روز ۳۷/۲/۱۴ آقایان احمد بهادری نماینده مجلس شورای ملی دارای گذرنامه شماره ۴۱۴۵ تهران و آقای سید حسن تقی‌زاده سناتور به اتفاق خانم باگذرنامه شماره ۴۲۸ تهران با هوایمایی سوئدی از طریق فرودگاه مهرآباد وارد تهران شدند.

رونوشت برابر اصل است. اصل در پرونده احمد بهادری نماینده مجلس شورا در پرونده تقی‌زاده ۱۸-ت-ق بایگانی شود.

۱۶۵۰
۳۷/۲/۱۵
۴۱۴۵
۴۲۸

شماره: ۲-۳-۷۸۶

تاریخ: ۳۷/۳/۷

موضوع: فعالیت های خارجی

بهرام میرزا دولتشاهی فرزند ابوالفتح میرزا دولتشاهی نماینده مجلس شورای ملی از قول پدر خود اظهار داشته پس از کناره گیری سناتور تقی زاده از ریاست مجلس سنا احتمال وقوع تحولاتی در کشور پیش بینی می شود و نامبرده ضمن مسافرت به آمریکا پایه این تحولات را بی ریزی کرده و در حال حاضر تنها

تقی زاده از چگونگی این تغییرات اطلاع دارد.

۳/۱۱-بخش ۴

۳۷/۳/۱۴

به پرونده تقی زاده ضمیمه و

بایگانی ۳/۱۴

مزخرف است. ۳/۸

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۳-۲-۷۸۶

موضوع: فعالیت های خارجی

محل: تهران

تاریخ حادته: ۲۷/۳/۷

محل شماره: _____

تاریخ وصول: ۲۷/۳/۷

منبع خبر: نامبرده

تقریب: ۳-۲

محرمانه

بهرام میرزا دولتشاهی فرزند ابوالفتح میرزا دولتشاهی نماینده مجلس شورای ملی از قول پدر خود اظهار داشته پس از کناره گیری سناتور تقی زاده از ریاست مجلس سنا احتمال وقوع تحولاتی در کشور پیش بینی می شود و نامبرده ضمن مسافرت به آمریکا پایه این تحولات را بی ریزی کرده و در حال حاضر تنها تقی زاده از چگونگی این تغییرات اطلاع دارد.

محرمانه

تقریب: ۳-۲

کیرت کلان: _____

تعداد نسخه: ۱۸

شماره: ۲-۳-۲۹۳۲

موضوع: مجلس سنا

تاریخ: ۳۷/۷/۱۵

۱-امینی، علی

از سرشناس ترین چهره‌های تاریخ سلطنت محمدرضا پهلوی است که نام او به ویژه با دوران پرهیاهوی ۱/۵ ساله صدرتش و آغاز رفرمهای آمریکایی در ساختار اقتصادی و فرهنگی ایران در دهه ۱۳۴۰ گره خورده است. پدر امینی، محسن خان امین‌الدوله، پسر میرزا علی خان امین‌الدوله - صدر اعظم قاجار (۱۳۱۶-۱۳۱۶ ق)، بود. علی امینی مجدی در سال ۱۲۸۴ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه رشدیه و تحصیلات متوسطه را در «دارالفنون» به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۵ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. امینی پس از اخذ لیسانس حقوق از دانشگاه گرونوبل، در سال ۱۳۱۰ دکترای اقتصاد را از دانشگاه پاریس دریافت داشت و در بازگشت به ایران توسط داور، وزیر دادگستری وقت، به استخدام وزارت دادگستری درآمد. او در سال ۱۳۱۲ با بتول وثوق، دختر وثوق‌الدوله (برادر احمد قوام)، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک پسر به نام ایرج است. در سال ۱۳۱۴، که داور وزیر دارایی شد، امینی را نیز با خود به وزارت دارایی برد. او پس از ۶ ماه معاون اداره انحصار تریاک گردید که ریاست آن یا اللهیار صالح بود. در این سالها امینی در وزارت دارایی به مشاغل چون ریاست گمرک و مدیرکلی اقتصاد و غیره رسید. بنا سقوط دیکتاتوری رضا شاه، احمد قوام در سال ۱۳۲۱ به نخست‌وزیری رسید و امینی ۳۷ ساله را به معاونت خود برگزید. در سال ۱۳۲۵

آقای حکیم‌الملک اظهار داشته اقدامات آقای سناتور تقی‌زاده در آمریکا و اظهارت مخالفت آمیزشان در آنجا و ملاقات با دکتر علی امینی^۱ که منجر به محاکمه سرلشگر قره‌نی و دستگیری عده‌ای دیگر شده موجب گردید که اعلیحضرت همایون شاهنشاه از مشارالیه بخواهند که به ایران مراجعت نماید و

برای دلجوئی از تقی‌زاده نیز قول داده‌اند که در دوره آینده ریاست مجلس سنا به ایشان محول خواهد شد لیکن تقی‌زاده که از زمان توقیف ظهیرالاسلام^۲ از شاهنشاه رنجیده خاطر شده و با آقای دکتر اقبال^۳ نیز میانه خوبی ندارد در صورت تصدی ریاست مجلس سنا از نظر پارلمانی اشکالاتی برای دولت ایجاد خواهند نمود و ممکن است در مجلس سنا دسته‌بندیهایی علیه دولت صورت گیرد.

کی و در کجا و کمی اظهار

داشته‌اند؟

به عرض رسید ۳۷/۷/۲۲

۳۷/۷/۲۴

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۳۷/۷/۱۵	موضوع: مجلس سنا
تاریخ: ۳۷/۷/۱۵	محل: تهران
تاریخ وصول: ۳۷/۷/۱۵	صفحه شماره: ۱
تاریخ گزارش: ۳۷/۷/۱۵	شرح مختصر: مایوسیزم
	تاریخ: ۲-۳

آقای حکیم‌الملک اظهار داشته اقدامات آقای سناتور تقی‌زاده در آمریکا و اظهارت مخالفت آمیزشان در آنجا و ملاقات با دکتر علی امینی که منجر به محاکمه سرلشگر قره‌نی و دستگیری عده‌ای دیگر شده موجب گردید که اعلیحضرت همایون شاهنشاه از مشارالیه بخواهند که به ایران مراجعت نماید و برای دلجوئی از تقی‌زاده نیز قول داده‌اند که در دوره آینده ریاست مجلس سنا به ایشان محول خواهد شد لیکن تقی‌زاده که از زمان توقیف ظهیرالاسلام از شاهنشاه رنجیده خاطر شده و با آقای دکتر اقبال نیز میانه خوبی ندارد در صورت تصدی ریاست مجلس سنا از نظر پارلمانی اشکالاتی برای دولت ایجاد خواهند نمود و ممکن است در مجلس سنا دسته‌بندیهایی علیه دولت صورت گیرد.

تقریباً

۳۷/۷/۲۲

گزارشگر: [نام نامشخص]

تاریخ: ۳۷/۷/۲۴

آمریکا برای شاه کاملاً شناخته شده بود و لذا او تا سال ۱۳۵۰ با دلهره و وسواس کم‌نظیری زندگی سیاسی و خصوصی امینی را زیر ذره‌بین ساواک قرار داد. در پی‌رونده قسطور امینی دستورات‌العملها و طرحهای عملیاتی متعددی موجود است که طبق دستور مؤکد شاه برای کنترل کامل امینی و کشف ارتباطات وی با مأمورین ویژه آمریکا اجرا می‌گردید و «گوش»‌های ساواک به خصوصی‌ترین زوایای زندگی امینی رسوخ داشتند و تلفن وی تا اوائل سال ۱۳۵۰ به طور دائم کنترل و ضبط می‌شد. با صعود مجدد «دمکرات»‌ها به ریاست جمهوری آمریکا در آبان ۱۳۵۵ و آغاز «فضای باز سیاسی» کارتر، امینی ۷۰ ساله کوشید تا دگربار خود را وارد صحنه سیاست کند. او در اوایل سال ۱۳۵۶ وارد تهران شد و به گفته فردوست در ماههای اوج‌گیری انقلاب به مشاور دائمی محمدرضا پهلوی بدل گردید. این بار شاه مغرور و کینه‌توز حاضر بود که دولت و حتی سلطنت خود را به این رقیب دیرین بسپرد. ولی امینی زیرک‌تر از آن بود که پایان راه را نبیند و لذا از پذیرش کاخی که پایه‌های آن در حال فرو ریختن بود خودداری کرد. او تنها به ارائه تجربیات خود بسنده نمود، ولی این تجارب که در کوران شعبده‌بازیها و افسونگریهای سیاسی آندوخته شده بود، در برابر امواج توفنده اصیل‌ترین و سرمدی‌ترین انقلاب تاریخ کاربُردی نداشت. امینی پیر خردمندتر از بختیار سودا زده بود. او به فرانسه بازگشت تا در آخرین سالهای عمر در محفل

امینی را از پست کلیدی وزارت دارائسی دور کند و او را در مسوقیت نازلتری، در رأس وزارت دادگستری، قرار دهد. دکتر علی امینی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ به قدرت رسید. دوران ۱/۵ ساله صدارت امینی از پرهیاهوترین مقاطع تاریخ ایران است. او در این دوران سه اقدامات نمایشی فسرآوانی دست زد، که شاید جنجالی‌ترین آن بازداشت کوتاه مدت عده‌ای از «رجال» پهلوی به جرم فساد مالی باشد. صدارت امینی دیری نپایید و محمدرضا پهلوی با وساطت اسدالله علم و «دوستان» بسریتانیایی و صهیونیست خود موفق شد موافقت کندی را با عزل امینی جلب کند. در نتیجه مقامات آمریکایی به امینی دستور دادند که استعفا دهد و وی در ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ داوطلبانه از قدرت کناره گرفت. سقوط دولت امینی، هر چند پایان اوج زندگی سیاسی اوست، مسعهاً نقش وی در دیپلماسی آمریکا به پایان نرسید و امینی تا سال ۱۳۴۷ به حیاتی بی‌رمق ادامه داد. در این سالها امینی به عنوان یک چهره ذخیره و یک آلترناتیو برای شرایط اضطراری و متحمل به عنوان محوری برای حفظ نیروهای سیاسی «ملی‌گرا» و لیبرال در مدار سیاست خارجی آمریکا محفوظ ماند.

این نقش امینی با سقوط دولت «دمکرات» لیسندون جانسون و صعود ریچارد نیکسون در آبان ۱۳۴۷ به پایان رسید و از آن پس امینی چهره‌ای «مسرده» و «فراموش شده» تلقی گردید. طی این سالها نقش امینی به عنوان یک مهره ذخیره در دیپلماسی

که آمریکا در چار چوب «دکترین ترومن» وام ۲۵۰ میلیون دلاری خود را به ایران پرداخت کرد تا براساس آن سازمان برنامه ۷ ساله عمرانی تشکیل شود. امینی - رئیس بسانک صنعتی - را مطمئن‌ترین فرد برای اجرای این طرح تشخیص داد. بدین ترتیب، سازمان برنامه به ریاست عالیله عبدالرضا پهلوی و مدیریت مستقیم علی امینی تأسیس شد. امینی در مجلس پانزدهم به کمک قوام نماینده تهران شد، در سال ۱۳۲۹ در کابینه علی منصور وزیر اقتصاد ملی گردید و در سال ۱۳۳۰ در کابینه اول مصدق نیز مجدداً در رأس وزارتخانه فوق قرار گرفت. در زندگینامه سیاسی علی امینی آلوده‌ترین برگی که او را برای همیشه بد نام ساخت و مهر وابستگی به غرب را بر پیشانی‌اش حک نمود، نقش وی در انعقاد قرارداد نفت با کنسرسیوم معروف به قرارداد امینی - بیچ، است. شاید بتوان گفت که اگر این بدنامی وجود نداشت، امینی بعدها، در دهه ۱۳۴۰ می‌توانست بازیکر موفق‌تری از آب درآید. با پیروزی کودتای انگلیسی - آمریکایی و صهیونیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در دولت سپهبد فضل‌الله زاهدی، علی امینی به عنوان کاندید آمریکا بر مسند وزارت دارائی قرار گرفت. او در این سمت حساس و وظیفه داشت که اهداف کودتا را تحقق بخشد و منافع کمپانیهای معظم نفتی رقیب را، که اکنون هر یک بر ویرانه‌های امپراتوری «شرکت نفت انگلیس و ایران» چنگ انداخته و حصه خود را می‌طلبیدند، تأمین کند. در تاریخ ۱۳۴۴/۳/۲۰ شاه موفق شد

شد که انتقال سلطنت از قاجار به رضاخان را تسهیل نمود. هر چند مقبل السلطنه چهره درجه اولی نبود که به حسب رعایت ظواهر، حضور او در مجلس ضروری باشد ولی انتخاب او شاهدهی بر پیوندهایش با دستگاه رضاخان بود و بدین ترتیب خانواده اقبال در ردیف ۴۰ خاندان برجسته ایران قرار گرفته بود. فرزندان حاج مقبل السلطنه شامل علی (نماینده مجلس)، عبدالوهاب (سناتور)، خسرو (سرمایه دار)، محمد (وکیل دادگستری)، احمد (سفیر) و منوچهر می‌شوند. منوچهر در سال ۱۳۰۵ با هزینه شخصی عازم اروپا شد و در سال ۱۳۱۲ به عنوان متخصص امراض عفونی از دانشکده پزشکی پاریس فارغ‌التحصیل گردید. و در همین سال با یک دختر فرانسوی ازدواج کرد. منوچهر اقبال پس از بازگشت به ایران در مهرماه ۱۳۱۲ به خدمت سربازی رفت و در بیمارستان لشکر ۸ شرق (خراسان) به کار پرداخت. در سال ۱۳۱۳، رضاشاه در سفری به خراسان دچار زنبور گزیدگی شد و منوچهر اقبال درد او را التیام بخشید و مورد محبت شاه قرار گرفت. پس از پایان سربازی، در سال ۱۳۱۴ رئیس بهداری شهرداری مشهد شد و مدتی بعد به تهران آمد و در شهریور ۱۳۱۵ ریاست بخش بیماری‌های عفونی بیمارستان رازی را به دست گرفت و در سال ۱۳۱۸ دانشگاه دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و سپس استاد کرسی بیماری‌های عفونی در این دانشگاه شد. ورود اقبال به صحنه سیاست با شهریور ۱۳۲۰ و سقوط

عربستان سعودی بود. در دولت قوام السلطنه، به جرم اتهام اختلاس بازداشت شد. در دوره اول مجلس سنا، سناتور انتصابی شد. در دوران نایب‌التولیتی مدرسه سپهسالار، کاشیکاری ایوان بزرگ مسجد و تعمیر اساسی شبستان مسجد را انجام داد. سیدجواد اماسی، در فروردین ۱۳۴۴ در سن ۸۴ سالگی، در تهران درگذشت. (مشاهیران، مرسولند، ج ۱، ص ۲۶۱)

۳- دکتر منوچهر اقبال

در هفتم مهرماه سال ۱۲۸۸ شمسی برابر با سال ۱۳۲۷ هجری قمری در خراسان متولد گردید و در ۴ آذرماه سسال ۱۳۵۶ درگذشت. او بهنگام مرگ ۶۸ سال داشت و آخرین سمت او رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران بود.

منوچهر اقبال شهرت و پیشرفت را مدیون «قوه ابتکار» خود و پدرش است. در جوانی آن اندازه خوش سیما بود که در شمار دوستان نزدیک اشرف پهلوی درآمد و به قدری مطیع و وفادار که در زمره محرمان شاه قرار گرفت. برخورداری از عناوین دانشگاهی و ارتباطات گسترده خارجی، او را به بهترین نامزد برای اجرای سیاست‌های مورد نظر شاه در آورده و به همین دلیل، دولت منوچهر اقبال قریب چهار سال دوام آورد ولی شاه برای مهار بحران سال ۱۳۳۹ او را قربانی می‌کند. شاه موفق می‌شود در دوران صدارت او ساواک را بینانگذاری نماید.

پسدر منوچهر اقبال، حاج مقبل السلطنه خراسانی، معروف به «اقبال التولیه» در آذرماه ۱۳۰۴ نماینده مجلس مؤسسان

«رجالی» که اکنون به تاریخ تعلق داشتند سرگرمی مطبوعی برای خود تدارک بیند و از خرمن هدایای بزدلانه سرویسهای توطئه گر غرب خوشه‌ای بچینند...

از کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۲۷۳ تا ۳۲۷. ر.ک: علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۲ جلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۰

۲- ظهیرالاسلام، سید جواد

فرزند حاج سیدزین‌العابدین ظهیرالاسلام امام جمعه تهران، در سال ۱۳۰۰ ق. تولد یافت.

مادرش، شاهزاده خانم ضیاءالسلطنه، دختر سوم ناصرالدین شاه قاجار بود. او، به سبب انتساب اهل دربار، همیشه مورد توجه و احترام پادشاهان قاجار بوده است.

بعد از درگذشت پدرش در ذیقعدة سال ۱۳۲۱ ق.، به لقب ظهیرالاسلام ملقب گردید. وی، در ابتدای مشروطه، راه مشاقت پیش گرفت. مذتی مدافع شیخ فضل‌الله نوری بود. پس از پیروزی مشروطه خواهان، راه دیگری در پیش گرفت. در دوم مهر ۱۳۰۰، به جرم سوء قصد به سردار سپه و قوام السلطنه، بازداشت شد.

ظهیرالاسلام در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۳۴ - ۱۳۴۲ ق. و مرداد ۱۳۳۰ و آذر ۱۳۴۲ ش.، نایب‌التولیتی مدرسه عالی سپهسالار بوده و دو بار نیز، در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۸ ق.، نایب‌التولیتی آستان قدس رضوی گردید.

ظهیرالاسلام، در سال ۱۳۱۵ ش. از طرف دولت ایران، برای افتتاح مسجد مسلمانان، به پاریس رفت و به دستور رضاخان، در همان سال از لباس روحانیت خارج شد. در سال ۱۳۱۸، وزیر مختار ایران در

آذربایجان ریاست دانشگاه تبریز را نیز به عهده داشت.

در دوران دولت مصدق، اقبال متصدی شغلی نبود و تنها در دانشگاه تدریس می‌کرد. او مدتی بعد، در سال ۱۳۳۱، عازم اروپا شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منوچهر اقبال به تهران بازگشت و به دستور شاه سناتور شد و در ۱۸ دیماه ۱۳۳۳ ریاست دانشگاه تهران و ریاست دانشکده پزشکی را به دست گرفت و در ۱۲ خرداد ۱۳۳۵ وزیر دربار شد. اوج موفقیت اقبال از این زمان آغاز گردید و از همین زمان است که رقابت شدید و کینه‌توزانه‌ای میان او و اسدالله علم آشکار شد. اقبال در این دوران عالیترین روابط را با محمد رضا و اشرف پهلوی داشت و می‌کوشید تا از خود یک چهره کاملاً خاضع و تابع نشان دهد. دختر بزرگ اقبال، مریم اقبال، پس از جدایی از محمود رضا پهلوی، عروس اشرف (همسر شهریار شفیق) شد. در نتیجه این روابط بود که دکتر منوچهر اقبال در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ به نخست‌وزیری رسید.

دولت اقبال به سرعت به عنوان یک دولت مطیع شاه و وابسته به بریتانیا شهرت یافت و بتدریج ناراضی مقامات آمریکائی از آن مشاهده شد و این عدم رضایت در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ به اوج خود رسید.

دولت اقبال پس از ۳ سال و ۴ ماه مقابله با دشوارترین تنش‌های سیاسی در شهریور ۱۳۳۹ سقوط کرد و مدت کوتاهی بعد، در ۱۶ اسفند ۱۳۳۹، دکتر منوچهر اقبال - رئیس دانشگاه تهران، رهبر حزب ملیون و نماینده مجلس بیستم - در ساختمان

مدارس و دانشگاه‌ها و مصوبه ضد مطبوعات شهریور ۱۳۲۷ بود. طبق این مصوبه دولت هژیر با اعتراض شدید مطبوعات مواجه شد که به توقیف تعدادی از آنها انجامید. منوچهر اقبال در دولت دوم محمد ساعد (آبان ۱۳۲۷ - فروردین ۱۳۲۹) ابتدا وزیر راه شد و مدت کوتاهی بعد (۲۱ آذر ۱۳۲۷) وزیر بهداری و سرپرست وزارت کشور گردید و در ۲۱ اسفند به وزارت کشور رسید. دکتر اقبال در جریان انتخابات این زمان با وساطت دکتر هسادی طاهری (وزیر مشاور) مبلغ ۵۰۰ هزار تومان رشوه دریافت داشت. در این دوران اقبال به عنوان یک چهره وابسته به استعمار بریتانیا و دربار شهرت یافت و اوج آن زمانی بود که وی به بهانه ترور نافرجام شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، اجرای یک سلسله اقدامات سرکوبگرانه، از جمله توقیف و تبعید آیت‌الله کاشانی و انحلال برخی احزاب و توقیف جرائد، را به مجلس پانزدهم اعلام داشت. منوچهر اقبال در دولت رجبعلی منصور (فروردین - تیر ۱۳۲۹) نیز به عنوان وزیر راه حضور داشت.

با صعود رزم‌آرا به صدارت، اقبال به علت شهرت سوئی که اندوخته بود به کابینه راه نیافت و توسط شاه به عنوان استاندار آذربایجان راهی این خطه شد. در مرداد ۱۳۲۹ با اعلام لیست کارمندان مشمول «بندج» توسط دکتر محمد سجادی، رئیس هیئت تصفیه، نام اقبال در این لیست به چشم می‌خورد. مشمولین این لیست صلاحیت خدمت در دستگاه دولتی را نداشته و باید اخراج می‌شدند. اقبال در

دیکتاتوری رضاخان مقارن است.

اقبال در زمره اطرافیان احمد قوام قرار گرفت. در دولت اول قوام (مرداد - بهمن ۱۳۲۱) به معاونت وزارت بهداری رسید و این سرآغاز مشاغل دور و دراز دولتی او بود. در شهریور ۱۳۲۳ در کابینه محمد ساعد کفیل وزارت بهداری شد و در دولت قوام (بهمن ۱۳۲۴ - آذر ۱۳۲۶) به وزارت بهداری و وزارت پست و تلگراف رسید. در زمستان ورود وزرای «توده‌ای» به کابینه قوام (ایرج اسکندری، دکتر فریدون کشاورز و دکتر مرتضی یزدی)، به منظور ایجاد توازن در قبال آنان، اقبال در نقش «جناح راست» کابینه ظاهر شد و به همراه سپهبد احمد امیراحمدی (وزیر جنگ) و ذکاءالدوله (سپهبدالدین غفاری (وزیر پست و تلگراف) به اتخاذ مواضع تند علیه حزب توده و دولت خود مختار پیشه‌وری در آذربایجان دست زد. در این سناریو، قوام می‌بایست نقش «میانه‌رو» ایفاء می‌نمود. منوچهر اقبال در دولت عبدالحسین هژیر (تیر - آبان ۱۳۲۷)، علیرغم رقابت‌هایی که با وی برای تصاحب پست نخست‌وزیری داشت، وزیر فرهنگ شد و به عنوان رئیس «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی» نفوذ خود را گسترده ساخت. اقبال در سمت وزیر فرهنگ دولت هژیر به اقداماتی دست زد که برای وی شهرت گسترده‌ای به عنوان یک «چهره مرتجع» به ارمغان آورد.

مهم‌ترین این اقدامات، پیگیری تز «سیاست را از فرهنگ جدا کنید»، به منظور سیاست زدائی

دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
 مسرود حمله و توهین
 «دانشجویان» قرار گرفت و
 اتومبیل وی به آتش کشیده شد.
 منوچهر اقبال در آبان ۱۳۴۲
 توسط شاه به عنوان مدیر عامل
 «شرکت ملی نفت ایران» منصوب
 شد و در این پست مهار شده تا
 آخر عمر باقی ماند.
 در واپسین دوران زندگی اقبال،

تحقیر مدام و توطئه‌های آشکار
 و نهان علم علیه او تداوم یافت و
 مقابله‌ها و ابراز حسادت‌های
 اقبال وی را در موضعی مطرود و
 حقیر در نزد شاه قرار داد. دکتر
 منوچهر اقبال در سفر سال ۱۳۳۱
 به فرانسه به عضویت
 فراماسونری درآمد. در سالهای
 بعد، در رأس لژهای تابع
 تشکیلات فراماسونری فرانسه

قرار داشت. نام اقبال در زمره
 مؤسسين لژ «خورشید تابان» در
 خرداد ماه ۱۳۴۳ و رئیس هیئت
 مدیره این لژ قرار داشته است.
 ر.ک: دکتر منوچهر اقبال به
 روایت اسناد ساواک، تهران،
 ۱۳۸۰

مستخرجه از اطلاعیه ۲-۳-۴۷۹۰-۳۰/۱۰/۳۷

و سپس تقی‌زاده شروع به صحبت کرده و گفت با تعریفی که درخشش از او کرد وی هرگز خود را لایق این مقام و مرتبت نمی‌داند و علاوه کرد مطالبی که راجع به مشروطیت بیان خواهد نمود عموماً متکی به مشاهدات شخصی می‌باشد و از ادب جرائد انتظار دارد که هرگز مطالب ایشان را در روزنامه منتشر نسازند زیرا از این بیم دارد که نشر آن [ناشران] سهواً دچار اشتباهاتی شوند که

درست مخالف نظر و حتی به زیان وی باشد و اگر لازم بود که آنرا منتشر سازند از درخشش خواهش می‌کند یادداشتها را از خود ایشان دریافت و نسبت به چاپ آن اقدام کند.

بعد تقی‌زاده مطالب خود را از پیدایش زندگی اجتماعی بشر شروع کرده و مفصلاً از تشکیل خانواده و سپس اجتماع در ده و قصبه و شهر و ایل و عشیره سخن گفت و اظهار داشت همیشه در طول زندگی اجتماعی بشر افرادی به نام سلطان بزور و

مستخرجه از اطلاعیه ۲-۳-۴۷۹۰-۳۰/۱۰/۳۷
و سپس تقی‌زاده در خصوص صحبت کرده و گفت با تعریفی که درخشش از او کرد وی هرگز خود را لایق این مقام و مرتبت نمی‌داند و علاوه کرد مطالبی که راجع به مشروطیت بیان خواهد نمود عموماً متکی به مشاهدات شخصی می‌باشد و از ادب جرائد انتظار دارد که هرگز مطالب ایشان را در روزنامه منتشر نسازند زیرا از این بیم دارد که نشر آن [ناشران] سهواً دچار اشتباهاتی شوند که درست مخالف نظر و حتی به زیان وی باشد و اگر لازم بود که آنرا منتشر سازند از درخشش خواهش می‌کند یادداشتها را از خود ایشان دریافت و نسبت به چاپ آن اقدام کند.
بعد تقی‌زاده مطالب خود را از پیدایش زندگی اجتماعی بشر شروع کرده و مفصلاً از تشکیل خانواده و سپس اجتماع در ده و قصبه و شهر و ایل و عشیره سخن گفت و اظهار داشت همیشه در طول زندگی اجتماعی بشر افرادی به نام سلطان بزور و

جبر و حتی ظلم و خودسری بر مردم مسلط بوده‌اند و اگر مردم از گروهی راضی بوده‌اند ناشی از این بوده است که شخص حاکم دارای عاطفه‌ای ناشی از مهر و محبت بوده و اولین کشوری که حکومت دموکراسی تشکیل داد و مردم به نام مشروطیت در تعیین سرنوشت خود دخالت کردند انگلستان بود که برای اولین بار توانست قدرت سلاطین مستبد را که متکی بر روحانیت و یا اشرافی محض بود از بین ببرد و مردم در تعیین سرنوشت حکومت خود مستقیماً دخالت نمودند و بعد از انگلستان اصول دموکراسی در کشورهای امریکا نمودار شد و به تدریج

سراسر اروپا را فراگرفت ولی تا دو قرن گذشته آثار این دمکراسی از غرب به شرق سرایت نکرده بود برای اینکه ارتباط کشورهای شرقی با دنیای غرب کاملاً محدود بود و کشورهائی نظیر هلند و پرتغال که در کشورهای شرقی دارای

متصرفات و یا منافع بودند چون خود دچار حکومتهای استبدادی بودند و وجود آنها در بیداری مردم شرق کوچکترین اثری نداشت ولی آنچه موجب پیدایش افکار آزادیخواهانه در ایران گردید از زمان حکومت فتحعلی شاه آغاز می‌گردد و در آن زمان به دستور عباس میرزا ولیعهد چهار نفر از ایرانیها برای آموختن فن

طب و نقاشی و معماری و علوم روانه انگلستان شدند و سه نفر آنها که به ایران بازگشتند توانستند اولین مطبعه چاپ سنگی را در ایران دائر نمایند و سپس در زمان حکومت میرزا تقی‌خان امیرکبیر که دارالفنون تشکیل گردید دومین آثار بیداری مردم در ایران نمودار شد و این دو موضوع عوامل مثبت پیدایش نهضت آزادیخواهانه در ایران بودند ولی از عوامل منفی که سبب تحریک مردم گردید یکی از

به بن نظریوسا هیچ کاری انجام نمیداد و مرغورد تا به گان در بدینترجی پس وانگس با حکومت ایران هادمان ایران جان‌زنده بود که وفودان موجب شرمندگی کامل میگرد و ایشان شغصا باره‌ها رسد طی میزانشده بود که سلطنت من با روسها چنان رابطه ان دارم که از هندوستان تا چین سخن من فراموشاند داد هر هر که سلطنت رسیده معلوم می‌خورد رانشریشایر خود گرانده چوین نظریوسا کوچکترین کاری انجام نمیداد در ضمن هنگام بود که مردم کم کم بخود اندک که اگر ضعف حکومتی اد اها به بصریح کشیامان نامه کشیهای بزرگ خواهد شد.

عقی زا ده و پاهان سخن خود که همین جارسیده بدجکت چوین وقت در راست در نیاله سمت ابطولان استفاده دلسات در بگری تشکیل گرد تا بخواند بقیه مطالب خود را به اطلاع معارف خرم برساند و وزارتین بقیه باانات خود را بر روز و شبته هفته آینده امراد تا به وزارتین حصار امرا را احسانات بقیه العاده اولی نسبت به عقی زاده انجام کرد به ولسله مظان ساعت ۱۱:۳۰ غایتنامه است.

۳۱
۳۸

روزنامه رسمی قلمرو ایران

۱- امیر کبیر قهرمان ضد استعمار، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، تهران، فراهانی، ۱۳۵۰

۲- کاپیتولاسیون: کاپیتولاسیون گسترش نفوذ و سلطه بیگانگان در ایران یکی دیگر از عوامل مهم و علل عمده انقلاب اسلامی ایران موضوع تصویب کاپیتولاسیون است. این تصویب: برخلاف موازین اسلام و مبانی حقوق ملی صورت پذیرفت و همین باعث نفوذ و سلطه بیشتر استعمار غرب خاصه آمریکا و میدان فعالیت جاسوسان آنان در ایران شد. جاسوسانی که بنام «مستشار» در شئون مختلف لشکر و کشوری رخنه کردند.

کاپیتولاسیون، در لغت، به معنای سازش و تسلیم است و بر قراردادهایی اطلاق می‌شود، که به موجب آن، اتباع یک دولت در قلمرو دولت دیگر مشمول قوانین کشور خود می‌شوند، و آن قوانین توسط کنسول آن دولت در محل اجرا می‌شوند. به همین جهت آن را در فارسی «حق قضاوت کنسولی» نیز گفته‌اند. این قراردادها اغلب میان دولتهای اروپایی با دولتهای آسیایی و آفریقایی بسته می‌شد.

تجاوزات بی در پی دولت عثمانی به ایران بود که افکار عمومی مردم را سخت علیه آن دولت و تجاوزات آن بر آشفته و دیگر دسائس دولت روسیه بود که مرتباً شهرهای شمالی ایران را مورد تجاوز قرار می‌داد و ضعف حکومتها در ایران موجب از دست رفتن شهرهای شمالی ایران و منتزع شدن آنها از ایران گردید و ضمناً تجاوزات دولت انگلستان و ایجاد کاپیتولاسیون^۲ لطمه به حیثیت ملی مردم ایران وارد ساخته و هر یک به صورتی حکومت ایران را در اختیار خود داشتند و روسها برای اینکه به تدریج دامنه خود را به جنوب ایران بکشانند در

زمانی که محمدعلی میرزا ولیعهد در آذربایجان بسر می‌برد برای او معلم روسی که کارمند وزارت خارجه روسیه بود فرستادند و این شخص محمدعلی میرزا را به صورتی که روسها می‌خواستند تربیت کرده بود و این شخص بدون نظر روسها هیچ کاری انجام نمی‌داد و برخورد نمایندگان دو دولت بزرگ روس و انگلیس با حکومت ایران و پادشاهان ایران چنان زننده بود که وقوف آن موجب شرمندگی کامل می‌گردد و ایشان شخصاً بارها از محمدعلی میرزا شنیده بود که می‌گفت من با روسها چنان رابطه‌ای دارم که از هندوستان تا چین را زیر نگین من قرار خواهند داد و روزی که به سلطنت رسید معلم روسی خود را مشیر و مشاور خود گردانید و بدون نظر روسها کوچکترین کاری انجام نمی‌داد در همین هنگام بود که مردم کم کم به خود آمدند که اگر ضعف حکومتها ادامه یابد به تدریج کشور ایران طعمه کشورهای بزرگ خواهد شد.

تقی‌زاده در پایان سخن خود که به همین جا رسیده بود گفت چون وقت دیر است و دنبال صحبت او طولانی است باید جلسات دیگری تشکیل گردد تا بتواند بقیه مطالب خود را به اطلاع حضار محترم برساند و قرار شد بقیه بیانات خود را در روز دوشنبه هفته آینده ایراد نماید و از طرف حضار ابراز احساسات فوق‌العاده‌ای نسبت به تقی‌زاده انجام گردید و جلسه مقارن ساعت ۱۹^۱ خاتمه یافت.

اصل در ۶۸-ج

در پرونده سید حسن تقی‌زاده بایگانی شود.

اتحطاط آور، یکبار به سال ۱۲۴۳ هـ (۱۸۲۸ م)، میان ایران و روس منعقد شد. و به «عهد نامه ترکمان چای» مشهور گشت. در دوره رضاخان، به کوشش وطن‌پرستان غیور و عالمان مجاهد، این قرارداد لغو شد.

لیکن، با کمال تأسف دوباره کابیتولاسیون در ایران، به سال ۴۲-۴۳، در رژیم سابق، در روزگار سیاه دولت اسدالله علم و حسنعلی منصور، به نفع اتباع آمریکا به تصویب رسید، و شخصیت ایرانی و استقلال قضایی و احترام ملی کشور را پایمال کرد. و اینجا بود که امام خمینی، این ننگ را تحمل نکرد و علیه آن به پاخاست.

تفسیر آفتاب، محمدرضا حکیمی، تهران رجوع شود به:

نهضت امام خمینی، جلد اول، سید حمید روحانی، تهران، دفتر نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱

شماره: ۶۸۶ ک ۵۷

تاریخ: ۳۸/۱/۲۲

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ به انضمام یک برگ خلاصه پیشینه خدمت نامبرده برای تقدیم به پیشگاه مبارک ملوکانه تلوا ارسال می‌گردد.

نخست‌وزیر

به دستخط مبارک مرقوم فرمودند

۳۸/۱/۲۳

۲۴۳-۳۸/۱/۲۶

تاریخ: ۳۸/۱/۲۲
شماره: ۶۸۶ ک ۵۷
ریاست دفتر

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ به انضمام یک برگ خلاصه پیشینه خدمت نامبرده برای تقدیم به پیشگاه مبارک ملوکانه تلوا ارسال می‌گردد.

نخست‌وزیر

بازرسی شده
۳۸/۱/۲۳

۴۴۳
۳۸/۱/۲۶

فهرست عرض وزارت فرهنگ


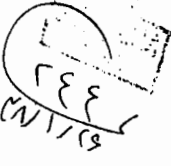
نظر به اینکه آقای سید حسن تقی زاده بر طبق مواد سوم و چهارم و پنجم و دهم و یازدهم قانون شورای عالی فرهنگ به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ منصوب شده است از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعای صدور فرمان سمت معروض را دربارہ ایشان می نماید.

چاکر

از شرف عرض پیشگاه
مبارک ملوکانه خواهد
گذشت

چاکر

۲۴۴ - ۳۸/۱/۲۶

<p>در واقع تیبایع جروف سوره بر افکاره فرماید</p>	 <p>وزارت فرهنگ</p>	<p>اداره کل شماره تاریخ نسب</p>
<p>فهرست عرض وزارت فرهنگ</p> <p>نظریه اینکه آقای سید حسن تقی زاده بر طبق مواد سوم و چهارم و پنجم و دهم و یازدهم قانون شورای عالی فرهنگ به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ منصوب شده است از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعای صدور فرمان سمت معروض را دربارہ ایشان می نماید.</p>		
<p>از پیشگاه عرض پیشگاه مبارک ملوکانه خواهد گذشت</p> <p>چاکر</p>		
		

تاریخ: ۱۳۳۸/۱/۲۶

جناب آقای نخست‌وزیر

در پاسخ نامه شماره ۴۵۷/۶۸۶ تصویب فهرست عرض وزارت فرهنگ در مورد انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ را اعلام می‌دارد دستور فرمائید فرمان ایشان را صادر و ارسال دارند. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

شماره قفس	شماره کتاب
پیرست	جزوه‌دان
نام یا کنیه کاتب	پرورد
دفتر مخصوص شاهنشاهی	تاریخ
تاریخ فراغ	تاریخ

۱۲۴-۸-۱-۳۰

جناب: نخست‌وزیر

دو نامه به شماره ۴۵۷/۶۸۶ تصویب فهرست وزارت
 فرهنگ در مورد انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده
 به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ را اعلام می‌دارد
 دستور فرمائید فرمان ایشان را صادر و ارسال دارند.
 رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

نام و نام خانوادگی : جناب آقای سید حسن تقی زاده

تاریخ تولد _____

شماره شناسنامه _____

تاریخ ورود به خدمت دولت _____

تاریخ ورود به خدمت وزارت فرهنگ _____

معلومات _____

پایه فعلی _____

شغل فعلی _____

خلاصه سوابق خدمت

از ۳۱/۸/۱ به طور پیمانی
در دانشکده علوم معقول و
منقول به تدریس اشتغال
داشته و در ۳۴/۲/۹ رتبه ده
استادی برای ایشان
تشخیص گردیده و در
۳۷/۹/۳ بازنشسته شده اند.

وزارت فرهنگ

نام و نام خانوادگی جناب آقای سید حسن تقی زاده
تاریخ تولد - شماره شناسنامه -
تاریخ ورود به خدمت دولت -
تاریخ ورود به خدمت وزارت فرهنگ -
معلومات -
پایه فعلی -
شغل فعلی -

نام و نام خانوادگی

تاریخ تولد

شماره شناسنامه

تاریخ ورود به خدمت دولت

تاریخ ورود به خدمت وزارت فرهنگ

معلومات

پایه فعلی

شغل فعلی

خلاصه سوابق خدمت

از ۳۱/۸/۱ به طور پیمانی در دانشکده علوم معقول و منقول به تدریس اشتغال داشته و در ۳۴/۲/۹ رتبه ده استادی برای ایشان تشخیص گردیده و در ۳۷/۹/۳ بازنشسته شده اند.

تاریخ: ۱۳۳۸/۱/۲۶

با تأییدات خداوند متعال

ما

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به استدعای جناب دکتر محمود مهران وزیر فرهنگ که بوسیله جناب دکتر آقای نخست وزیر معروض افتاده است به موجب این.... جناب سید حسن

تسقی زاده را به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ

منصوب فرمودیم.

به تاریخ ۱۳۳۸

شماره ثبت	شماره کتب
پست	جزودن
نام یا کنیه کنند	پرودن
دکتر مخصوص شاهنشاهی	تاریخ
تاریخ	تاریخ

۱۳۳۸-۸-۱ / ۴۶-۱۳۳۸-۱۲۲

با تأییدات خداوند متعال

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به استدعای جناب دکتر محمود مهران وزیر فرهنگ که بوسیله جناب دکتر آقای نخست وزیر معروض افتاده است به موجب این.... جناب سید حسن تسقی زاده را به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ منصوب فرمودیم.

به تاریخ ۱۳۳۸

شماره: ۳۹۴۸/۲۱۸

تاریخ: ۳۸/۲/۲۸

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۲۴۳-۳۸/۱/۲۶ فرمان مربوط به انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ برای توشیح به صحنه مبارک ملوکانه تلو ارسال می‌گردد.

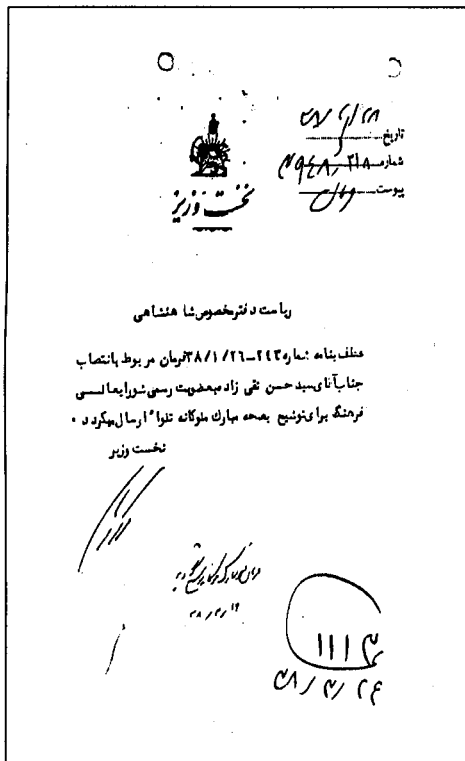
نخست‌وزیر^۱

فرمان مبارک ملوکانه توشیح

گردید.

۳۸/۳/۱۹

۱۱۱۳-۳۸/۳/۲۴

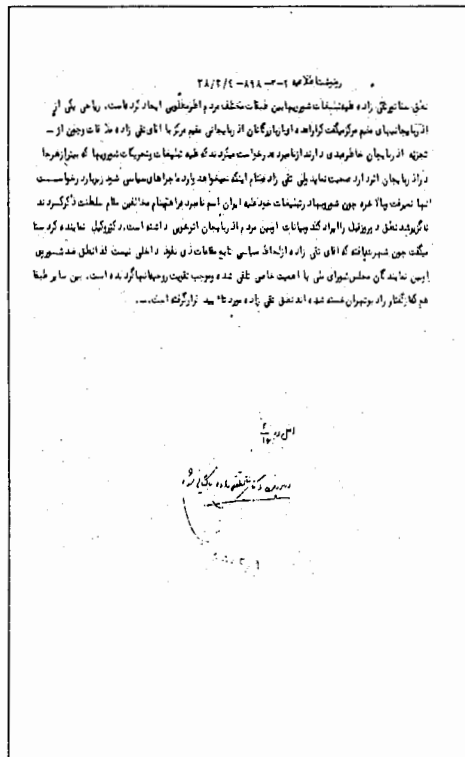


۱- در این زمان دکتر منوچهر اقبال نخست‌وزیر ایران بود. رجوع شود به: دکتر منوچهر اقبال به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۰

رونوشت اطلاعاتی ۲-۳-۸۹۸-۳۸/۳/۴

نطق سناتور تقی‌زاده علیه تبلیغات شورویها بین طبقات مختلف مردم اثر مطلوبی ایجاد کرده است. ریاحی یکی از آذربایجانیهای مقیم مرکز می‌گفت کراراً عده‌ای از بازرگانان آذربایجانی مقیم مرکز با آقای تقی‌زاده ملاقات و چون از تجزیه آذربایجان خاطره بدی دارند از نامبرده درخواست می‌کردند که علیه تبلیغات و تحریکات شورویها که بیش از هر جا در آذربایجان اثر دارد صحبت

نمایند ولی تقی‌زاده به نام اینکه نمی‌خواهد وارد ماجراهای سیاسی شود زیر بار درخواست آنها نمی‌رفت و بالاخره چون شورویها در تبلیغات خود علیه ایران اسم نامبرده را هم به نام مخالفین مقام سلطنت ذکر کردند ناگزیر شد نطق دو روز قبل را ایراد کند و بیانات او بین مردم آذربایجان اثر خوبی داشته است. دکتر وکیل نماینده کردستان می‌گفت چون شهرت یافته که آقای تقی‌زاده از لحاظ سیاسی تابع مقامات ذی‌نفوذ داخلی



نیست لذا نطق ضد شوروی او بین نمایندگان مجلس شورای ملی با اهمیت خاص تلقی شده و موجب تقویت روحیه آنها گردیده است. بین سایر طبقات هم که از گفتار رادیو تهران خسته شده‌اند نطق تقی‌زاده مورد تأیید قرار گرفته است.

اصل در ۱۶-۲

در پرونده آقای سناتور تقی‌زاده بایگانی شود. ۳۸/۳/۹

تاریخ: ۱۳۳۸/۳/۲۴

جناب آقای نخست‌وزیر

در پاسخ نامه شماره ۲۱۸/ک/۳۹۴۸ مورخ ۱۳۳۸/۲/۲۸ بدینوسیله فرمان مربوط به انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ که به صحنه مبارک ملوکانه موشح گردیده است ارسال می‌گردد.

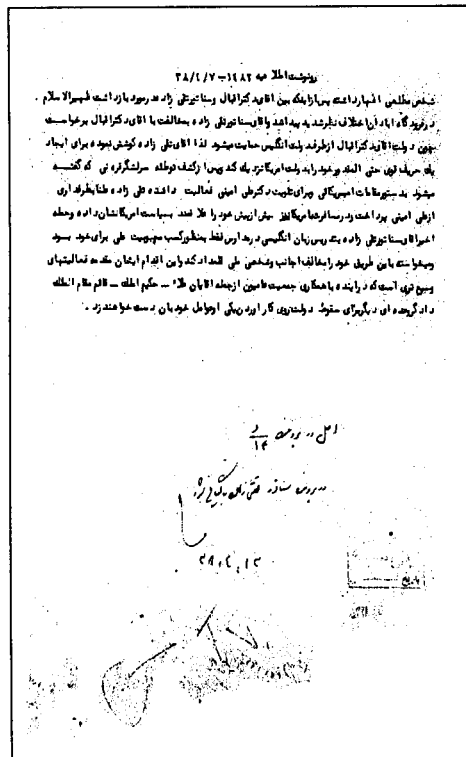
رئیس دفتر مخصوص
شاهنشاهی

۵	۵	۱۱
شماره قفسه ۱۵		شماره کتب ۱۱۱۳
یوست نام یا کتبی کننده	دفتر مخصوص شاهنشاهی تاریخ خروج: ۱۳۳۸/۳/۲۴	جزوه‌دان ۹
		پرونده ۴
جناب آقا نخست‌وزیر		تاریخ ثبت ۱۳۳۸/۳/۲۴
در پاسخ و بابت نامه / ۲۱۸ / ۳۹۴۸ مورخ جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ که به صحنه مبارک ملوکانه موشح گردیده است ارسال می‌گردد.		
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی		

رونوشت اطلاعیه ۱۴۸۲ - ۳۸/۴/۷

شخص مطلعی اظهار داشته پس از اینکه بین آقای دکتر اقبال^۱ و سناتور تقی زده در مورد بازداشت ظهیرالاسلام در فرودگاه آبادان اختلاف نظر شدید پیدا شد و آقای سناتور تقی زاده به مخالفت با آقای دکتر اقبال برخاست چون دولت آقای دکتر اقبال از طرف دولت انگلیس حمایت می شود لذا آقای تقی زاده کوشش نموده برای ایجاد یک حریف قوی حتی المقدور خود را به دولت آمریکا

نزدیک کند و پس از کشف توطئه سرلشگر قره‌نی که گفته می شود به دستور مقامات آمریکایی و برای تقویت دکتر علی امینی^۲ فعالیت داشته تقی زاده علناً به طرفداری از علی امینی پرداخت و در مسافرت آمریکا نیز بیش از پیش خود را علاقمند به سیاست آمریکا نشان داده و حمله اخیر آقای سناتور تقی زاده به تدریس زبان انگلیسی در مدارس فقط به منظور کسب محبوبیت ملی برای خود بود و می خواسته به این طریق



خود را مخالف اجانب و شخصی ملی قلمداد کند و این اقدام ایشان مقدمه فعالیت‌های وسیع‌تری است که در آینده با همکاری جمعیت عامیون از جمله آقایان علاء - حکیم‌الملک - قائم مقام‌الملک دادگر و عده‌ای دیگر برای سقوط دولت روی کار آوردن یکی از عوامل خود به آن دست خواهند زد.

اصل در پرونده ۱۴ - و

در پرونده سناتور تقی زاده با یگانی شود. ۳۸/۴/۱۳

۱- دکتر منوچهر اقبال به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی ۲- رجوع شود به:

دکتر علی امینی به روایت اسناد ساواک، تهران، ۲ جلد، ۱۳۸۰، مرکز بررسی اسناد تاریخی

اداره آذربایجان - شماره ۳۱۱

تاریخ: ۳۸/۴/۱۲

رسالت تاریخی سناتور تقی‌زاده

بیانات جامع و به موقع سناتور تقی‌زاده درباره خطراتی که زبان فارسی را تهدید می‌نماید به وضع بی سابقه مورد توجه محافل مطبوعاتی و سیاسی قرار گرفته به خصوص از طرف قاطبه مدیران جراید موضوع تعقیب و در تایید نظریات جناب آقای تقی‌زاده که از شخصیت‌های برجسته علمی و ادبی و

سیاسی ما بشمار می‌روند مقالات محکم و قاطعی برشته تحریر در آمد.

این هماهنگی عموم مدیران جراید و فضلاء و نویسندگان موید آنست که خوشبختانه هنوز هم ملت ایران سخت پای بند به سنن و سجایای ملی خود می‌باشد و هر وقت احساس کند که لطمه بر استقلال فکری و سیاسی و ادبی وی وارد می‌آید شدیداً متأثر می‌گردد.

صرف نظر از جوابی که آقای وزیر فرهنگ دارند و به نظر من اصولاً بحثی که سناتور



تقی‌زاده پیش کشید نیازمند به جواب گوئی نبود و می‌بایستی آقای وزیر فرهنگ در مقام جواب بر نمی‌آمدند.

زیرا بحث تقی‌زاده، بحث اصولی بوده مخاطب عمر و زید نبود طرف صحبت تنها وزیر فرهنگ و یا وزارت فرهنگ نبود بلکه تقی‌زاده بیشتر مردم ایران را در این غفلت بزرگ، گناهکار می‌داند، البته ما هم قبول داریم که مسئولیت بیشتر متوجه فرهنگ است. متوجه شورای عالی فرهنگ است. متوجه شخص وزیر فرهنگ است.

اما تنها اینها گناهکار نیستند و به علاوه انتظار می‌رفت که آقای وزیر فرهنگ لااقل در این یک مورد، به صف آرائی به جواب‌گویی، به دفاع از خود نمی‌پرداختند.

اگر شجاعت می‌داشتند از پشت تریبون سنا، در برابر احساسات عالیه منطق قوی و تز مقدس سناتور تقی‌زاده سر تعظیم فرود می‌آوردند اقرار به جرم می‌کردند و وعده جبران خطا می‌دادند. زیرا در برابر اجتهاد هر گونه ابراز عقیده دلیل بر جهل است. کسی منکر نمی‌تواند باشد که تقی‌زاده حداقل در رشته ادب درجه اجتهاد دارد صاحب نظر است. در هر حال صرف نظر از جوابی که وزیر فرهنگ دادند مردم ایران تز سناتور تقی‌زاده را تایید و پشتیبانی کردند بلی همانطور که گفتیم و خود سناتور تقی‌زاده نیز در نامه دهم تیرماه خود به روزنامه اطلاعات آن را تایید می‌کنند در بحثی که پیش آمده تقصیر را نسیاستی در بست متوجه فرهنگ ساخت.

بلکه خود مردم، البته منظور ما در اینجا از مردم، بیشتر طبقه متمکن و متنفذ می‌باشد، بیش از همه گناهکارند. زیرا امروز کمتر خانواده متمکنی را سراغ داریم که نور چشمان هفت و هشت ساله آنان اعم از دختر و پسر برای تحصیل در لندن و نیویورک نبوده باشند.

امروز کمتر خانواده را می‌توان یافت که در یکی از این کلاسهای خصوصی انگلیسی ثبت نام نکرده باشند. اشتیاق به زبانهای اجنبی طوری دامنگیر عموم شده که حتی شنیده می‌شود از تهران و تبریز و خراسان بچه‌های خردسال را به مدرسه‌ای که توسط یک خانم انگلیسی سالهاست در اصفهان دایر می‌باشد می‌فرستند و پدر و مادر این بچه‌ها جگر گوشه‌های خود را در سنین طفولیت از آغوش محبت خود دور کرده و برای تربیت در اختیار اجانب می‌گذارند.

البته قصد ما این نیست که زحمات و فعالیت خارجیها را در ترویج علم و دانش تخطئه کنیم بلکه کمال احترام و سپاسگزاری را نیز از آنان داریم.

لکن با این رویه‌ای که پیش گرفته شده با این بی‌اعتنائی به زبان فارسی متأسفانه باید گفت به زودی زبان شیرین سعدی، حافظ، خیام و فردوسی که یکی از ارکان محکم ملیت ما به شمار می‌رود از بین خواهد رفت.

آری این ننگ و کفر است که شنیده شود و اسکانیان مأمورانچمن روابط ایران و شوروی تز خود را در زبان فارسی و راجع «به مسند و مسندالیه» بنویسد ولی دانشجویان ایرانی از تجزیه و ترکیب چند جمله ساده و یا از تعریف فعل متعددی و لازم اظهار عجز کنند.

این ننگ و کفر است که گفته شود که هنوز ما کتابی راجع به صرف و نحو زبان فارسی نداشته باشیم. این ننگ و کفر است که اعتراف کنیم در عرض سی سال اخیر، دستور و زبان فارسی منحصر به چند صفحه اوراقی است که از اسناد قریب در اختیار داریم.

این ننگ و کفر است که بگوئیم هنوز هزار یک از دانشجویان دانشگاه از تألیف نفیس فرخ در باره دستور زبان فارسی بی‌اطلاعند.

این ننگ و کفر است که برای ما در مسکو دستور زبان فارسی چاپ شود به نرخ نازلی در تهران به عرض فروش گذارده گردد.

این ننگ و کفر است که بگوئیم قریب سی سال است که در ایران، اثری که بتوان آنرا، در ردیف آثار نویسندگان برجسته قلمداد کرد نوشته و چاپ نرسیده است.

این ننگ و کفر است که متوجه شویم که از اینهمه اساتید دانشگاه و فارغ‌التحصیلان ایران، کسی دست به تألیف و تحریر کتابی نزده است در حالی که برتس دانشمند شوروی ۱۶۰ جلد کتاب درباره ادب و زبان ایرانی برشته تحریر در آورده است.

این ننگ و کفر است که هنوز در ایران مؤسسات خارجی، مکاتبات خود را با مؤسسات ایرانی به زبان اجنبی تنظیم می‌کنند.

این ننگ و کفر است که گرامر فارسی منطبعه روسی در ایران جلدی هشتاد ریال و دستور جامع زبان فارسی فرخ جلدی ۳۵۰ رساله فروخته شود.

تحمل اینها ننگ است، تحمل اینها کفر است.

چرا زبان ما به این سرنوشت دچار شده، بواسطه بی‌اعتنایی زعمای قوم، متصدیان فرهنگ و بالاخص مردم ایران در ژاپون کسی حق ندارد فرزند خود را قبل از ۲۱ سالگی به خارج اعزام دارد.

اما در اینجا؟

هنوز بچه را از شیر مادر نگرفته، عازم لندن و نیویورک می‌کنند و مثل این که ایرانی ننگ دارد و فرزند خود را در محیط ایران و بین برادران ایرانی خود تربیت کند.

هنوز بچه را از شیر مادر نگرفته، به وی کلمه «بای بای» یاد می‌دهند.

هنوز پا باز نکرده به وی رقص «راک اندرول» تعلیم می‌دهند.

هنوز دست راست و چپ خود را نشناخته با حروف لاتین آشنا می‌نمایند.

هنوز شعور شناسائی عمو و خاله خود را پیدا نکرده با اسماء «برژیت باردو» و «اندگرید برگمن» نرد عشق می‌بازند.

باید گفت که تقی‌زاده رسالت خود را وظیفه تاریخی خود را انجام داد و اینک در برابر این اعلام خطر، وظیفه یکایک مردم ایرانست که بیش از پیش در حفظ زبان فارسی نهایت کوشش را مبذول دارند.

شماره: ۳-د/۸۹۵

تاریخ: ۳۸/۴/۳۱

موضوع: تغییر جناب آقای نخست‌وزیر

در بعضی محافل از فعالیت افراد حزب عامیون برای برکناری جناب آقای نخست‌وزیر گفتگو می‌شود و در این مورد نام جناب آقای سناتور تقی‌زاده بیشتر زیانزد است.


به استحضار ریاست بخش می‌رسد.

سپس در پرونده سناتور تقی‌زاده

بایگانی شود. ۳۸/۵/۱۳

رویت شد

گیرندگان: بخش ۴

 وزارت درونی سازمان اطلاعات و ارتباطات تهران، روز دوشنبه گزارش اطلاعات داخلی	
موضوع: تغییر جناب آقای نخست‌وزیر	شماره: ۳-د/۸۹۵
محل: تهران	تاریخ: ۳۸/۴/۳۱
محل: تهران	تاریخ: ۳۸/۴/۳۱
محل: تهران	تاریخ: ۳۸/۴/۳۱
محل: تهران	تاریخ: ۳۸/۴/۳۱

در بعضی محافل از فعالیت افراد حزب عامیون برای برکناری جناب آقای نخست‌وزیر گفتگو می‌شود و در این مورد نام جناب آقای سناتور تقی‌زاده بیشتر زیانزد است.

سپس در پرونده سناتور تقی‌زاده بایگانی شود. ۳۸/۵/۱۳

رویت شد

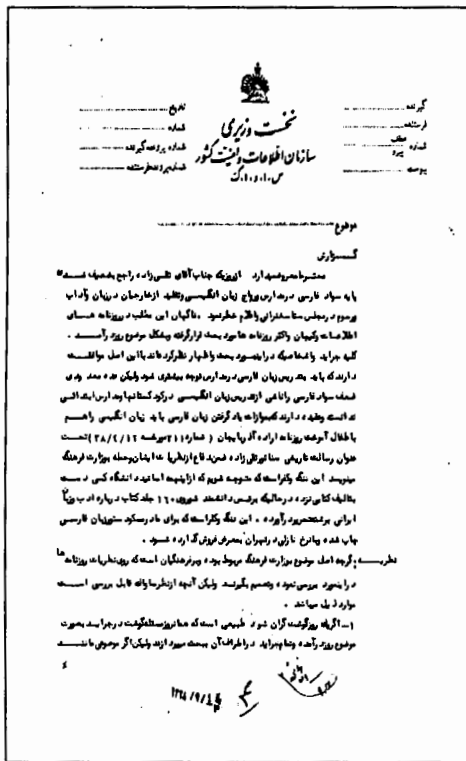
گیرندگان: بخش ۴

مهر و امضاء: _____
 تاریخ: ۳۸/۴/۳۱

گزارش

محترماً معروض می‌دارد از روزی که جناب آقای تقی‌زاده راجع به ضعیف شدن پایه سواد فارسی در مدارس و رواج زبان انگلیسی و تقلید از خارجی‌ان زبان و آداب و رسوم در مجلس سنا سخنرانی و اعلام خطر نمود. ناگهان این مطلب در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و اکثر روزنامه‌ها مورد بحث قرار گرفته و به شکل موضوع روز درآمد.

کلیه جراید و اشخاصی که در این مورد بحث و اظهار نظر کرده‌اند با این اصول موافقت دارند که باید به تدریس زبان فارسی در مدارس توجه بیشتری شود ولیکن عده معدودی ضعف سواد فارسی را ناشی از تدریس زبان انگلیسی در کودکستانها و مدارس ابتدائی ندانسته و عقیده دارند که به موازات یاد گرفتن زبان فارسی باید زبان انگلیسی را هم به اطفال آذربایجان^۱ (شماره ۳۱۱



مورخه ۳۸/۴/۱۲) تحت عنوان رسالت تاریخی سناتور تقی‌زاده ضمن دفاع از نظریات ایشان و حمله به وزارت فرهنگ می‌نویسد این ننگ و کفر است که متوجه شویم که از این همه اساتید دانشگاه کسی دست به تألیف کتابی نرزد در حالی که برتس دانشمند شوروی ۱۶۰ جلد کتاب درباره ادب و زبان ایرانی به رشته تحریر در آورده. این ننگ و کفر است که برای ما در مسکو دستور زبان فارسی چاپ شده و با نرخ نازلی در تهران به عرض فروش گذارده شود. که روی نظریات روزنامه‌ها در این مورد بررسی نموده و تصمیم بگیرند ولیکن

۱- روزنامه اراده آذربایجان : هفته‌نامه اراده آذربایجان سیاسی و در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۲۲ منتشر می‌شد. سر دبیر این هفته نامه شکوفه مهدی‌زاده (رفیعی) بوده است. کتاب چهره مطبوعات معاصر

آنچه از نظر ساواک قابل بررسی است موارد ذیل می باشد.

۱- اگر یک روز گوشت گران شود طبیعی است که همان روز مسئله گوشت در جراید به صورت موضوع روز در آمده و تمام جراید در اطراف آن به بحث می پردازند ولیکن اگر موضوعی مانند در خطر افتادن زبان فارسی (که طی سنوات متمادی و تدریجاً در جلو چشم استادان فن..... گرائیده) ناگهان مطرح و به صورت مسئله روز در آید تعجب آور است باید دید جراید و نویسندگان چرا در این مدت در حال نظاره به اضمحلال زبان فارسی ساکت بوده و اکنون که

دولت در مبارزات سیاسی کاملاً درگیری است این مسئله مطرح می شود.

۲- گرچه به قول روزنامه اراده آذربایجان برای دانشمندان پارسی زبان ننگ است که دستور زبان مادری ما در مسکو به چاپ رسیده و در ایران به فروش برسد ولی باید دید چطور شده که روزنامه اراده آذربایجان که معنا هم با پیمان ایران و آمریکا موافق نیست (این موضوع در خلال جملات مقاله که در همین شماره درج نموده مشهود است که

نخست وزیر
سازمان اطلاعات و ارتباطات

گرفته:
فرستنده:
شماره:
تاریخ:
موضوع:
محل:
موضوع:
محل:
موضوع:
محل:

در مطراندان زبان فارسی (که طی سنوات متمادی در جراید و مطبوعات استادان فن درینصفت گزیده) ناگهان مطرح میشود مسئله روزی که نسبت آواراست باید دید چرا به ویژه در مسکو گران خواهد آمد در حال نظاره با مسئولین فارسی ساواک بوده و اکنون که دولت در مبارزات سیاسی ساواک درگروست این مسئله مطرح میشود.

۱- گرچه به قول روزنامه اراده آذربایجان برای دانشمندان پارسی زبان ننگ است که دستور زبان مادری ما در مسکو چاپ رسیده و در ایران به فروش برسد ولی باید دید چگونه روزنامه اراده آذربایجان که معنا هم با پیمان ایران و آمریکا موافق نیست (این موضوع در خلال جملات مقاله که در همین شماره درج نموده مشهود است که طی گزارش جداگانه تقدیم می شود) با حرارت مخصوصی به آقای تقی زاده داده و کوشش های دانشمندان شوروی را در ادبیات فارسی به رخ مردم می کشد.

۲- تا اینکه رییس سیاسی ایران تا سوزناکیست شعله دور نموده و دستورهای باطنی وحدت ملی زننده نگه داشتن اصول فطرت و یکپارگی با عدم مسامحتت چراغی است آریض حارماً در نظرسد کورگزاره خود آرزای رسوم خارجیان بیچوری آزادانه اند که می توانست روزنامه ها را بنویسد. نظر برید باطل منطقی طوره میکند بخودتال در زمان حاکمیت اکثریتینا ماضی هادیرکتیبا به بعضی اشرافه ها عارضی است و اکثریت با عوارضت معانه ها آریضت عارضی و بخورد و عارضی مشغول هنرمندی و هیچ آوریول هستند زیرا می توانست آنگاه عارضی ما با ما می گاست نه در گذرنا خلال روزان ما مشکلی عارضی و چشم آنها عارضی رسوم آنها اشنا می نمود. با عرض مراتب به این گزارش بخنده عارضی است

طی گزارش جداگانه تقدیم می شود) با حرارت مخصوصی به آقای تقی زاده رسالت تاریخی داده و کوشش های دانشمندان شوروی را در ادبیات فارسی به رخ مردم می کشد.


۳- با اینکه روش سیاسی ایران ناسیونالیست مثبت بوده و هدف دولت و ملت بایستی وحدت ملی و زنده نگهداشتن اصول قومیت و ملیت باشد معلوم نیست چرا مقلدین از روش خارجیان در تقلید کورکورانه خود از آداب و رسوم خارجیان به جدی آزاد مانده اند که امروز انتقادات روزنامه ها در این مورد به نظر

مردم کاملاً منطقی جلوه می‌کند به طور مثال. در حال حاضر نام اکثر سینماها هتل‌ها و شرکتها و بعضی از مغازه‌ها خارجی است در اکثر بارها و رقصخانه‌ها آرتیست‌های و اخورده خارجی مشغول هنر نمائی و جمع‌آوری پول هستند روز به روز از قیمت آهنگ‌ها و رقص‌های ایرانی کاسته شده و گوش اطفال و جوانان با هنگهای خارجی و چشم آنها با آداب و رسوم آنها آشنا تر می‌شود. با عرض مراتب بالا این گزارش به منزله تفسیری است. از مندرجات جراید درباره طرح مسئله زبان فارسی، به نظر اداره سوم در صورت تصویب این جریان از نظر


اهمیتی که کسب نموده در کمیسیون عالیتری مطرح و تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد.

به عرض می‌رسد. ۴/۱۵

تاریخ	گیرنده
شماره	فرستنده
شماره برگشته گیرنده	شماره طبق
شماره برگشته فرستنده	شماره پیوست


نخست وزیر
 سازمان اطلاعات و ارتباطات
 س. ۱۰۱۰۰۱۰۱

موضوع: از مندرجات جراید درباره طرح مسئله زبان فارسی، بنظر اداره سوم در صورت تصویب این جریان از نظر اهمیت که کسب نموده در کمیسیون عالیتری مطرح و تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد.


 (۴/۱۵)

فعالاً پستیهای حساس به دست باند تقی زاده اداره می شود چه خود تقی زاده رئیس مجلس سنا و حکیم الملک وزیر دربار شاهنشاهی و آقای نجم الملک هم نخست وزیر خواهند بود زیرا به محض استعفای آقای ساعد آقای نجم مأمور تشکیل کابینه خواهد شد. همچنین یکی از حساس ترین پستها ریاست مجلس شورای ملی است که قرار بوده به دکتر طاهری داده شود ولی سردار فاخر پس از مذاکرات و قولهایی جلب رضایت خاطر آقای تقی زاده را فراهم کرده و به سمت ریاست مبعوث شده است مع ذلک ایجاب می نمود که قرار داد و قول واقعی در

لندن داده شود از این جهت آقای سردار به عنوان معالجه به فرانسه عزیمت تا در انگلستان تعهد سپرده و کسب دستور نمایند.

ولی هر دسته شهرتی راجع به این مسافرت به نفع خود می دهند مثلاً دارودسته احمد دهقان و ... می گویند سردار از طرف نمایندگان مأموریت دارد که با آقای سهیلی وارد مذاکره شود و ایشان را دعوت به نخست وزیری کنند. چه بین روس و انگلیس سازش محرمانه در مورد سیاست

تفصیلاً بهمان حال دست باند تقی زاده اداره می شود چه خود تقی زاده رئیس مجلس سنا و حکیم الملک وزیر دربار شاهنشاهی و آقای نجم الملک هم نخست وزیر خواهند بود زیرا به محض استعفای آقای ساعد آقای نجم مأمور تشکیل کابینه خواهد شد. همچنین یکی از حساس ترین پستها ریاست مجلس شورای ملی است که قرار داده بود به دکتر طاهری داده شود ولی سردار فاخر پس از مذاکرات و قولهایی جلب رضایت خاطر آقای تقی زاده را فراهم کرده و به سمت ریاست مبعوث شده است. مع ذلک ایجاب می نمود که قرار داد واقعی در لندن داده شود از این جهت - انگلیس و ایران میانجامد بنابراین در این مسافرت به نفع خود هیچکس مصلحتی ندارد و بعد از اینها هر چه میگویند سخنان بندگان ما - موهبتها به که با آقای سهیلی وارد مذاکره و با بیان را دعوت به نخست وزیری کنند.

چه بین روس و انگلیس سازش محرمانه در مورد سیاست در ایران منظور خنثی کردن نفوذ آمریکا حاصل شده است و در این موقع دورا بنوعی ایجاب می نماید که سهیلی زمام امور را در دست بگیرد. ولی دسته قوام السلطنه به خصوص امینی ها می گویند که روسیه در مورد ایران تصمیم خطرناکی گرفته اند زیرا مشاهده می نمایند که آمریکاییها روز به روز قدرت خود در ایران میازایند [می افزایند] لذا موقعیت ایجاب می کند که یک حکومت قوی روی کار بیاید یعنی حکومت قوام السلطنه تشکیل گردد و برای مذاکره به قوام السلطنه به فرانسه عزیمت نموده است.

در ایران به منظور خنثی کردن نفوذ آمریکا حاصل شده است و در این موقع ایجاب می نماید که سهیلی زمام امور را در دست بگیرد. ولی دسته قوام السلطنه به خصوص امینی ها می گویند که روسیه در مورد ایران تصمیم خطرناکی گرفته اند زیرا مشاهده می نمایند که آمریکاییها روز به روز قدرت خود در ایران میازایند [می افزایند] لذا موقعیت ایجاب می کند که یک حکومت قوی روی کار بیاید یعنی حکومت قوام السلطنه تشکیل گردد و برای مذاکره به قوام السلطنه به فرانسه عزیمت نموده است.

آقایان تقی‌زاده، نجم‌الملک نیز از طرف حزب عامیون ایران کاندید نمایندگی
مجلس سنا می‌باشند و در این مورد در حزب برای آنها فعالیت می‌شود.

در پرونده آقای تقی‌زاده

۴۳
۳

آقایان تقی‌زاده • نجم‌الملک نیز از طرف حزب عامیون ایران کاندید
نمایندگی مجلس سنا می‌باشند و در این مورد در حزب برای آنها فعالیت می‌شود.

سید حسن تقی‌زاده

۴
۳

آقای حکیم الملک هم از طرف جمعیت عامیون ایران کاندید مجلس سنا هستند ولی اخیراً شایع شد که ایشان از طرف اعلیحضرت همایونی انتخاب می‌شوند و مراتب هم از طرف اعلیحضرت همایونی به شخص ایشان تکلیف شده است و روی این اصل فعالیت جمعیت عامیون فقط برای انتخابات آقای تقی‌زاده و نجم‌الملک می‌شود.

در پرونده تقی‌زاده ۴۳/۳

آقای حکیم الملک هم از طرف جمعیت عامیون ایران کاندید مجلس سنا هستند ولی اخیراً شایع شد که ایشان از طرف اعلیحضرت همایونی انتخاب می‌شوند و مراتب هم از طرف اعلیحضرت همایونی به شخص ایشان تکلیف شده است و روی این اصل فعالیت جمعیت عامیون فقط برای انتخابات آقای تقی‌زاده و نجم‌الملک می‌شود.

در پرونده تقی‌زاده

۴۳/۳

خانم سید حسن فرزند شهرت تقی زاده باگذرنامه شماره سیاسی
آقای

در تاریخ ۳۸/۱/۱۶ به فرودگاه مهرآباد خارج شد.
وارد

مدرک فهرست مورخه ۳۸/۱/۱۶ گمرک مهرآباد کلاس ۷۹۹-الف
در پرونده مربوطه بایگانی شود. ۳۸/۵/۲

انک سید حسن فرزند شهرت تقی زاده باگذرنامه شماره سیاسی
خانم سید حسن فرزند شهرت تقی زاده باگذرنامه شماره سیاسی
در تاریخ ۳۸/۱/۱۶ به فرودگاه مهرآباد وارد شد.
مدرک فهرست مورخه ۳۸/۱/۱۶ گمرک مهرآباد کلاس ۷۹۹-الف
۷۷۹

در پرونده مربوطه بایگانی شود

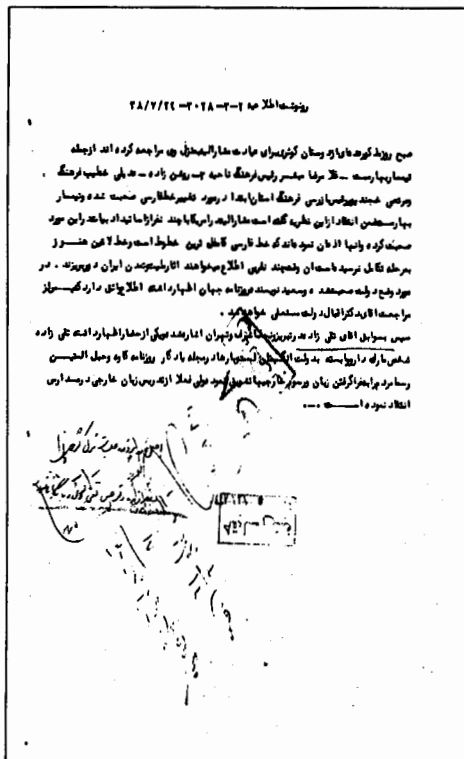
۳۸/۵/۲

فهرست مورخه ۳۸/۱/۱۶
گمرک مهرآباد

رونوشت اطلاعیه ۲-۳-۳۰۲۸-۳۸/۷/۲۴

صبح روز مذکور عده‌ای از دوستان کوثری برای عیادت مشارالیه به منزل وی مراجعه کرده‌اند از جمله تیمسار بهارمست - غلامرضا مبشر رئیس فرهنگ ناحیه ۳ - روشن‌زاده - عدیلی - خطیب فرهنگ و مرتضی خجندپور رئیس بازرسی فرهنگ استان ابتدا در مورد تغییر خط فارسی صحبت شده و تیمسار بهارمست ضمن انتقاد از این نظریه گفته است مشارالیه در آمریکا با چند نفر از

اساتید ادبیات در این مورد صحبت کرده و آنها اذعان نموده‌اند که خط فارسی کامل‌ترین خطوط است و خط لاتین هنوز به مرحله تکامل نرسیده است آن وقت چند نفر بی اطلاع می‌خواهند آثار ملیت و تمدن ایران دور بریزند. در مورد وضع دولت صحبت شده و سعید نویسنده روزنامه جهان اظهار داشته اطلاع واثق دارد که پس از مراجعت آقای دکتر اقبال دولت مستعفی خواهد شد. سپس به سوابق آقای



تقی‌زاده در تبریز و نجف اشرف و تهران اشاره شد و یکی از حضار اظهار داشته تقی‌زاده شخص مارک دار و وابسته به دولت انگلستان است و بارها در مجله یادگار^۱ روزنامه کاوه و حبل‌المتین^۲ رسماً مردم را به فراگرفتن زبان و رسوم خارجیها تشویق نموده ولی فعلاً از تدریس زبان خارجی در مدارس انتقاد نموده است.

اصل در پرونده جلسات منزل کوثری

در پرونده دکتر حسن تقی‌زاده بایگانی شود. ۸/۵

۱- مجله یادگار، ماهانه ادبی، علمی، تاریخی، مدیر مسئول و سردبیر عباس اقبال آشتیانی، تهران، تأسیس شهریور ۱۳۲۳ این مجله پنج سال متوالی منتشر می‌شد. آخرین شماره آن خرداد ۱۳۲۹ نشر یافت. عباس اقبال در این مجله سعی می‌نمود از مسحقان، مورخان، ادباء معاصرش جهت بالا بردن کیفیت مطالب بهره‌برداری نماید.

۲- روزنامه حبل‌المتین به وسیله سید حسن کاشانی برادر مؤیدالاسلام اداره می‌شد و در تهران و رشت منتشر می‌گردید. در هر یک از این دو شهر به صورت روزنامه به چاپ می‌رسید. روزنامه‌ای که در تهران انتشار می‌یافت. از ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ تا ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ دوام داشت و در شهر رشت از ۲۲ صفر ۱۳۲۷ تا رجب همین سال منتشر می‌گردید.

روزنامه مشکلات و بدبختی مردم - تجاوز روس و انگلیس و استبداد حکام را بیان می‌داشت. روزنامه حبل‌المتین به صورت هفتگی در کلکته هند منتشر می‌شد و در سال ۱۳۱۱ ق تأسیس گردید و مدیریت آن با جلال‌الدین‌العسینی مؤیدالاسلام بود.

شماره ۲-۳-۵۱۹۲

تاریخ: ۳۸/۱۲/۱۰

موضوع: وابسته‌های مطبوعاتی ایران در کشورهای خارجی

صبح روز گذشته نجفعلی پسیان سر دبیر روزنامه صبح امروز^۱ ضمن صحبت با دکتر مهنا اظهار داشته اخیراً یک مبارزه پنهانی بین سناتور حسن تقی‌زاده و جهانگیر تفضلی^۲ در مورد ۷۰ نفر وابسته‌های مطبوعاتی ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا شروع شده و هر یک از دو نفر مزبور سعی دارند

عوامل طرفدار خود را به سمت وابستگی‌ها بگمارند و تقی‌زاده نمی‌خواهد از وجود افراد باند خود که طرفدار سیاست انگلستان و هستند در این امر استفاده کند و جهانگیر تفضلی هم در نظر دارد دوستان نزدیکی از قبیل دکتر یارشاطر و دیگران به این سمت تعیین شوند.

پسیان همچنین درباره سخنرانیه‌های دکتر جهانشاهی و احمد طباطبائی نمایندگان مجلس شورای ملی پیرامون

مخبر روزی
سازمان اطلاعات و ارتباطات کشور
گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۳۰۳-۲۰۳
تاریخ: ۱۳۳۴/۱۲/۱۰
تاریخ: ۱۳۳۴/۱۲/۱۰
تاریخ: ۱۳۳۴/۱۲/۱۰

موضوع: وابسته‌های مطبوعاتی ایران در کشورهای خارجی

این روزنامه که تحت نظارت پسیان سر دبیر روزنامه صبح امروز است، در مورد وابسته‌های مطبوعاتی ایران در کشورهای خارجی، به ویژه در مورد وابسته‌های مطبوعاتی ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا، گزارش‌هایی منتشر کرده است. این گزارش‌ها حاکی از آنست که پسیان سعی دارد با گماردن افراد وابسته به خود، نفوذ خود را در این امر افزایش دهد. همچنین تفضلی نیز در این زمینه اقداماتی کرده است و سعی دارد با گماردن افراد وفادار به خود، نفوذ خود را در این امر افزایش دهد.

روزنامه: سرپرست: سید حسن تقی‌زاده
تاریخ: ۱۳۳۴/۱۲/۱۰
شماره: ۳۰۳-۲۰۳

۱- نشریه صبح امروز این نشریه به صورت روزنامه و هفتگی در قالب اجتماعی توسط خاتم عفت عمیدی نوری (الموتی) و مصطفی الموتی و به سردبیری نجفعلی پسیان و ناصر ملک محمدی طی سالهای ۱۳۳۳ لغایت ۱۳۵۳ انتشار یافت.

۲- جهانگیر تفضلی روزنامه‌نگار، سیاستمدار در سال ۱۲۹۳ در مشهد متولد شد. فعالیت سیاسی فرهنگی خود را از سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ آغاز و با فعالیت حزب پیکار به رهبری خسرو اقبال به عضویت آن حزب در آمد. از سال ۱۳۲۱ نشریه «ایران ما» را منتشر نمود. ابتدا به صورت روزنامه سپس هفته نامه شد.

وی بسا اشرف پهلوی - عبدالحسین هژیر درباریان ارتباط نزدیک داشت.

پس از کودتای امریکائی ۱۳۳۲ به حسین علاه نزدیک شد. در سال ۱۳۳۴ به عنوان سرپرست محصلین ایرانی در اروپا منصوب گردید. در سال ۱۳۴۱ وزیر مشاور و سرپرست کل تبلیغات و انتشارات شد. به سال ۱۳۵۰ سفیر کبیر ایران در افغانستان و در سال ۱۳۷۰ خودکشی کرد.

خاطرات جهانگیر تفضلی، تهران، دفتر ادبیات، انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶

مخالفت با لایحه بودجه بحث نموده گفته احمد طباطبائی وابسته به سازمان امنیت است و این کارها را می‌کند که در خارج بگویند در ایران آزادی وجود دارد و یا با دولت هم نمایندگان مخالفت می‌کنند و حتی جنگ احزاب نیز به همین ترتیب می‌باشند.

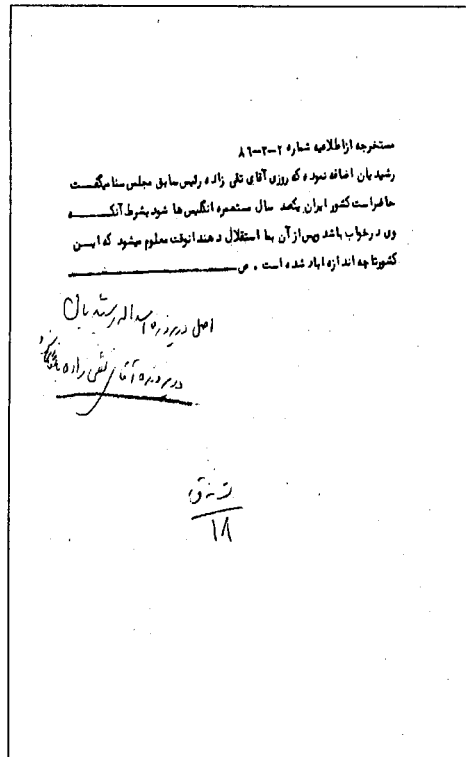
رونوشت برابر با اصل در پرونده کلاسه ۲۷/۳ جراید

افتخاری

مستخرجه از اطلاعیه شماره ۲-۳-۸۶

رشیدیان^۱ اضافه نموده که روزی آقای تقی زاده رئیس سابق مجلس سنا می گفت حاضر است کشور ایران یک صد سال مستعمره انگلیس ها شود به شرط آن که وی در خواب باشد و پس از آن به ما استقلال دهند آن وقت معلوم می شود که این کشور تا چه اندازه آباد شده است.

اصل در پرونده اسدالله رشیدیان
در پرونده آقای تقی زاده بایگانی
شود.



۱- پیرامون شخصیت، کارنامه
رشیدیان که از مدافعان سیاست
انگلیس در ایران بوده - و در
حقیقت خانواده رشیدیان رجوع
شود به: خاطرات ارتشبد
فردوست، ج ۲، تهران، مؤسسه
مطالعات و پژوهشهای سیاسی

شماره: ۲-۳-۳۴۷

تاریخ: ۲۸/۱/۳۹


موضوع: مجلس سنا

سناتور تقی‌زاده به یکی از دوستان نزدیک خود اظهار داشته با اینکه آقای صدرالاشراف از قبول ریاست مجلس سنا عذر خواسته و اکثر نمایندگان سنا نیز مایل بوده‌اند به من رای بدهند معهذا حسب الامر ملوکانه و تاکید و پافشاری سازمان اطلاعات و امنیت کشور مجدد آقای صدرالاشراف بر خلاف میل باطنی

به ریاست مجلس سنا انتخاب گردیدند در صورتی که صدرالاشراف حتی از حضور در مجلس سنا نیز عذر خواسته بوده است.

رونوشت برابر با اصل اصل در پرونده کلاسه $\frac{۹}{۱۶}$ افتخاری

بایگانی شود. ۳۹/۲/۲۷




مجلس سنا
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
م. ا. و. ا. ک.

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۳۴۷-۳-۲	موضوع: مجلس سنا
تاریخ: ۳۹/۱/۲۸	محل: تهران
تاریخ وصول: ۳۹/۱/۲۸	طبقه بندی: ---
تاریخ گزارش: ۳۹/۱/۲۸	منبع خبر: م. ا. و. ا. ک.
	تخمین: ۳ - ۳

سناتور تقی‌زاده همگرا از رسان نزد به خود اظهار داشته با اینکه آقای صدرالاشراف از قبول ریاست مجلس سنا عذر خواسته و اکثر نمایندگان سنا نیز مایل بوده‌اند به من رای بدهند معهذا حسب الامر ملوکانه و پافشاری سازمان اطلاعات و امنیت کشور مجدد آقای صدرالاشراف بر خلاف میل باطنی برآستان مجلس سنا انتخاب گردیدند در صورتی که صدرالاشراف حتی از حضور در مجلس سنا نیز عذر خواسته بوده است.

رونوشت برابر با اصل اصل در پرونده کلاسه $\frac{۹}{۱۶}$



۳۹/۱/۲۸

گیرنده: ک. ا. م. ا. و. ا. ک.

شماره: ۳۴۷-۳-۲

شماره: ۲-۳-۹۶۳

تاریخ: ۳۹/۲/۲۶

موضوع: افکار عمومی

امین ریاحی^۱ عضو جامعه آذربایجانیهای مقیم تهران می‌گفت در مذاکراتی که با سناتور سید حسن تقی‌زاده و دیگر سران جمعیت آذربایجان صورت گرفته اظهار عقیده شده خطری که فعلاً کشور ما را تهدید می‌کند خطر روسیه شوروی و یا سازش بین دو سیاست روس و آمریکا در ایران نیست زیرا سیاستهای خارجی

تا مدامی که در داخل ایران زمینه را برای پیشرفت مقاصد خود مساعد نیبینند هرگز تصمیمی علیه ما نخواهند گرفت و متأسفانه در موقعیت فعلی به علت تبلیغات منظمی که از طرف عمال بیگانه انجام شده در هیچ طبقه نمی‌توان افرادی را که از وضع زندگی و کار خود اظهار رضایت نمایند پیدا نمود و این عدم رضایتها هم بیشتر جنبه مصنوعی دارد و فقط تبلیغات گمراه کننده مردم را دچار این وضع نامطلوب نموده است و

این خطر فعلاً بیش از هر مطلب دیگری باید چاره‌جویی شود.

رونوشت برابر با اصل

اصل در پرونده کلاسه ۴۹۳-الف

افتخاری

۳۹/۳/۱۰

با یگانگی شود ۳۹/۳/۳۱

گزارش اطلاعات داخلی

تاریخ: ۳۹-۲-۲۶	موضوع: افکار عمومی
محل: تهران	محل: تهران
تاریخ ارسال: ۳۹/۲/۲۶	تاریخ دریافت: ۳۹/۲/۲۶
تاریخ گزارش: ۳۹/۲/۲۶	تاریخ تصویب: ۳۹/۲/۲۶
شماره: ۲-۳	شماره: ۲-۳

این بنا بر مصلحت است که با بیانیه‌های اعلام تهران مبحث در مذاکراتی که با سناتور سید حسن تقی‌زاده و دیگر سران جمعیت آذربایجان صورت گرفته اظهار عقیده شده خطری که فعلاً کشور ما را تهدید می‌کند خطر روسیه شوروی و یا سازش بین دو سیاست روس و آمریکا در ایران نیست زیرا سیاستهای خارجی تا مدامی که در داخل ایران زمینه را برای پیشرفت مقاصد خود مساعد نیبینند هرگز تصمیمی علیه ما نخواهند گرفت و متأسفانه در موقعیت فعلی به علت تبلیغات منظمی که از طرف عمال بیگانه انجام شده در هیچ طبقه نمی‌توان افرادی را که از وضع زندگی و کار خود اظهار رضایت نمایند پیدا نمود و این عدم رضایتها هم بیشتر جنبه مصنوعی دارد و فقط تبلیغات گمراه کننده مردم را دچار این وضع نامطلوب نموده است و این خطر فعلاً بیش از هر مطلب دیگری باید چاره‌جویی شود.

ریاست براساس اطلاع‌دهی پرونده کلاسه ۴۹۳

افغانی
۳۹/۲/۲۶

۳۹/۲/۲۶

تعداد: ۱
کپی: ۱

۳۹/۲/۲۶

۱- محمدامین ریاحی در سال ۱۳۰۲ در آذربایجان متولد. در رشته ادبیات تحصیلات را به پایان رساند. تدریس را از دبیرستان آغاز نمود. زمانی معاونت فرهنگ آذربایجان را عهده‌دار بود. مدتی مدیرکل اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر، سپس با عنوان وزیر مختار، رایزن فرهنگی ایران و ترکیه بود.

در جریان بنیاد شاهنامه، ریاحی از اعضای آن تشکیلات بود. پس از درگذشت مینوی، ریاست بنیاد شاهنامه را عهده دارند.

در کابینه شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر پهلوی به وزارت آموزش و پرورش و علوم انتخاب و با سقوط رژیم پهلوی برکنار گردید. دکتر ریاحی از نزدیکیان سیدحسن تقی‌زاده بشمار می‌رفت.

شماره: ۲-۳-۱۳۷۳

تاریخ: ۳۹/۳/۱۷

موضوع: سفارت آمریکا

یکی از اعضای دبیرخانه سفارت آمریکا در تهران اظهار داشته مدتی است که روابط مقامات آمریکائی در تهران با سید حسن تقی‌زاده رجل معروف سیاسی ایران بسیار حسنه گردیده و غالباً بین نامبرده و شخصیت‌های آمریکائی ملاقات‌هایی که جنه مشورت دارد صورت می‌گیرد و اصولاً این ارتباط‌ها از

زمانی که تقی‌زاده به دعوت وزارت امور خارجه آمریکا به واشنگتن مسافرت نموده بعضاً بر قرار می‌گردد.


اصل در پرونده برهه‌سی سیاست آمریکا در ایران بایگانی است.

این برگ به پرونده سید حسن

تقی‌زاده سمیمه شد. ثابتی

۳۹/۴/۱

بایگانی شود. ۳۹/۴/۵

 وزارت امور خارجه سازمان اطلاعات و رسانه‌های خارجی تهران، ایران گزارش اطلاعات داخلی	
شماره: ۳۰۴-۱۳۷۳	موضوع: سفارت آمریکا
تاریخ: ۳۹/۳/۱۷	محل: تهران
تاریخ وصول: ۳۹/۳/۱۷	محل شماره: ۳۰۴
تاریخ کتبی: ۳۹/۳/۱۷	تاریخ: ۳۰-۳

یکی از اعضاء دبیرخانه سفارت آمریکا در تهران اظهار داشته مدتی است که روابط مقامات آمریکائی در تهران با سید حسن تقی‌زاده رجل معروف سیاسی ایران بسیار حسنه گردیده و غالباً بین نامبرده و شخصیت‌های آمریکائی ملاقات‌هایی که جنه مشورت دارد صورت می‌گیرد و اصولاً این ارتباط‌ها از زمانی که تقی‌زاده به دعوت وزارت امور خارجه آمریکا به واشنگتن مسافرت نموده بعضاً بر قرار می‌گردد.

این برگ به پرونده سید حسن تقی‌زاده سمیمه شد. ثابتی

۳۹/۴/۱

بایگانی شود. ۳۹/۴/۵

کریک: ۳۹/۴/۵

۳۹/۴/۵

شماره: ۳/۲-۳۵۲۴

تاریخ: ۳۹/۷/۶

۱- این حزب در سال ۱۳۲۶ به رهبری دکتر منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت تشکیل شد طلوعی در کتاب خود در این خصوص می‌گوید:

در سال ۱۳۲۶ که اولین سال حکومت اقبال است دو حزب تازه در ایران پا به عرصه وجود نهاد و هر دو حزب با اشاره شاه تشکیل شد و هر دو مجری اوامر شاهانه بودند. منتهی برای حفظ ظاهر دموکراسی در ایران یکی نقش حزب مخالف و دیگری نقش حزب طرفدار دولت را بازی می‌کرد حزب به اصطلاح مخالف دولت به رهبری امیراسداله علم که ظاهراً برنامهای مترقی داشت و اصلاحاتی ارضی و سهم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها را در برنامه خود گنجانده بود حزب مردم نام گرفت و حزب دولتی که خود دکتر اقبال در رأس آن قرار گرفته بود به حزب ملیون معروف شد (ص ۴۲۳)

۲- حزب جمهوریخواه: یکی از دو حزب قدرتمند ایالات متحده آمریکا است. در سال ۱۸۲۸ پیروان نظریه تعریف زیاد گرگی به رهبری «هنری کلی» و «جان کوینس آدامز» از حزب دموکرات انشعاب پیدا کردند و به خود عنوان «جمهوریخواه ملی» دادند.

حزب جمهوریخواه در سال ۱۸۵۴ از ائتلاف جمهوریخواهان ملی و دموکراتهای شمالی که پیرو نظریه آزادی بردگان سیاهپوست بودند، ایجاد شد. در سال ۱۸۶۱ با انتخاب شدن «آبراهام لینکلن» نامزد جمهوریخواهان این حزب به قدرت رسید. حزب جمهوریخواه در فاصله ۱۸۶۱

موضوع: روابط ایران و شوروی

یکی از دوستان نزدیک آقای سناتور تقی‌زاده اظهار داشته که در اوایل تیر ماه آقای تقی‌زاده سناتور مأموریت سری پیدا کرد که از طریق اطریش به مسکو مسافرت نماید و نامبرده در این مأموریت موفق شده که کلیه گناهمانی را که روسها متوجه شخص اول مملکت می‌دانستند به گردن دکتر اقبال اندازد و با ارائه

اسنادی ثابت نماید که از سال ۱۳۲۱ تا به حال آنچه در ایران به ضرر شوروی انجام گرفته تقصیر دکتر اقبال بوده است و در نتیجه با کمک دولت انگلستان بین ایران و شوروی به این صورت التیام پذیرفته که آقای دکتر اقبال کنار بروند و بر اثر گزارشات تقی‌زاده شخص اول مملکت و دولت وقت در انتخابات ایران به افراد آزادی بیشتری داده و تحریکاتی به عمل آمده و به خصوص افراد ناشایسته به کرسی نمایندگی برگزیده

وزارت اطلاعات داخلی

شماره: ۳۵۲۴-۳/۲
تاریخ: ۳۹/۷/۶

موضوع: روابط ایران و شوروی
محل: مسکو
محل: تهران
شماره: ۳۵۲۴-۳/۲
تاریخ: ۳۹/۷/۶

موضوع: روابط ایران و شوروی
محل: مسکو
محل: تهران
شماره: ۳۵۲۴-۳/۲
تاریخ: ۳۹/۷/۶

این اسنادی که در تاریخ ۲۷/۷/۳۹ در تهران به دست ما رسید، حاکی از آنست که تقی‌زاده در مسکو با آقای سناتور مأموریت سری پیدا کرد که از طریق اطریش به مسکو مسافرت نماید و نامبرده در این مأموریت موفق شده که کلیه گناهمانی را که روسها متوجه شخص اول مملکت می‌دانستند به گردن دکتر اقبال اندازد و با ارائه اسنادی ثابت نماید که از سال ۱۳۲۱ تا به حال آنچه در ایران به ضرر شوروی انجام گرفته تقصیر دکتر اقبال بوده است و در نتیجه با کمک دولت انگلستان بین ایران و شوروی به این صورت التیام پذیرفته که آقای دکتر اقبال کنار بروند و بر اثر گزارشات تقی‌زاده شخص اول مملکت و دولت وقت در انتخابات ایران به افراد آزادی بیشتری داده و تحریکاتی به عمل آمده و به خصوص افراد ناشایسته به کرسی نمایندگی برگزیده شده‌اند که بیشتر باعث عدم رضایت عمومی گردد و در نتیجه همین سیاست با وجودی که احزاب ملیون^۱ و مردم در اکثر حوزه‌ها توافق کرده بودند انتخابات را به آن صورت باطل و کلیه نمایندگان مستعفی و دولت هم به همین دلیل از کار بر کنار شده و نامبرده اضافه می‌کرد که فعلاً مذاکراتی در حدود پیشنهادات قبلی دائر بر خاتمه خدمت افسران مستشاری امریکا و کناره‌گیری ایران از قرارداد سنتو و غیره ادامه دارد و این مذاکرات همچنان ادامه خواهد یافت تا انتخابات امریکا انجام شود اگر در امریکا حزب جمهوری خواه^۲ موفق گردد مجدداً ایران

شده‌اند که بیشتر باعث عدم رضایت عمومی گردد و در نتیجه همین سیاست با وجودی که احزاب ملیون^۱ و مردم در اکثر حوزه‌ها توافق کرده بودند انتخابات را به آن صورت باطل و کلیه نمایندگان مستعفی و دولت هم به همین دلیل از کار بر کنار شده و نامبرده اضافه می‌کرد که فعلاً مذاکراتی در حدود پیشنهادات قبلی دائر بر خاتمه خدمت افسران مستشاری امریکا و کناره‌گیری ایران از قرارداد سنتو و غیره ادامه دارد و این مذاکرات همچنان ادامه خواهد یافت تا انتخابات امریکا انجام شود اگر در امریکا حزب جمهوری خواه^۲ موفق گردد مجدداً ایران

سیاست سابق را دنبال خواهد کرد و اگر حزب دمکرات که نظر مساعدتری به شرق دارد سر کار آید دولت ایران ناگزیر در بعضی مسائل با روسها قراردادی خواهد بست و از جمله قرارداد عدم تجاوز و در آن صورت انتخابات در ایران انجام خواهد گرفت و حزب مردم اکثریت خواهد برد.

اصل در پرونده فعالیت شوروی و این برگ در پرونده سید حسن تقی‌زاده ضمیمه و بایگانی شود.

۳۹/۷/۷

سالهای ۱۸۶۱ - ۱۹۳۳ به غیر
از دوره‌های ۱۸۸۵ - ۱۸۸۹ و
۱۸۹۳ - ۱۸۹۷ و ۱۹۱۳ -
۱۹۲۱ بر سر کار بود. این حزب
خواستار اجرای اصلاحات
اجتماعی بود. در اواخر قرن
نوزدهم حزب خواستار تقویت
فدرالیسم آمریکا و برقراری
تعرفه‌های بالا بود. پس از پایان
جنگ جهانی اول، با پایان
گرفتن ریاست جمهوری
«وودرو»، ویلسن نامزد این
حزب در انتخابات پیروز گشت
و اجازه نداد که آمریکا به جامعه
مسائل بپیوندد. «هاردینگ»،
«کولیدج» و «هورر» سه رئیس
جمهور بعدی این دوره بودند.
در انتخابات ۱۹۳۲ فرانکلین
روزولت نامزد حزب دمکرات
به ریاست جمهوری رسید و
حزب دمکرات بیست سال
قدرت را در دست داشت. در
سال ۱۹۵۱ آیزنهاور از حزب
جمهوریخواه رئیس جمهور شد.
در انتخابات ۱۹۶۰ نیز کندی از
حزب دمکرات انتخاب شد. در
انتخابات ۱۹۶۴ «گولدواتر»
نامزد حزب جمهوریخواه از
جانسون نامزد حزب دمکرات
شکست خورد.

ARRIVAL CARD

1. Surname, (in Capital Letters) نام خانوادگی: تقی‌زاده
Nom
2. Christian Name نام: سید حسن
Prenom
3. Nationality تابعیت: ایرانی

ورود	
ARRIVAL CARD	
1 Surname, (in Capital Letters) Nom	نام خانوادگی: تقی‌زاده
2 Christian Name Prenom	نام: سید حسن
3 Nationality Nationalité	تابعیت: ایرانی
4 Place of Birth Lieu de Naissance	محل تولد: تهران
5 Passport Number No. de Passeport	Dip. - Serv. - Ordi. شماره و نوع گذرنامه: سیاسی ۵۷۶۳
6 Place and Date of Issue Lieu et Date de Délivrance	تاریخ و محل صدور: ۲۶ تیر ماه ۱۳۳۹ از طهران
7 No. of Visa No. de Visa	Multiple - Temporary - Transit شماره و نوع ویدیه: ۸۳۸
8 Place and Date of Visa Lieu et Date de Délivrance	محل و تاریخ صدور ویدیه: ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۹
9 Occupation Profession	شغل: _____
10 Accompanied by Accompagné Par	اشرف مردان
11 Address in Iran Adresse en Iran	تهران، میدان داریوش (شهرک ۵) - ۱۰
12 Signature Date	تاریخ ۷ مهر ۱۳۳۹ - امضاء: سید حسن تقی‌زاده

- Nationalite
4. Place of Birth
Lieu de Naissance
محل تولد: تبریز
5. Passport Number
Dip - Serv - Ordi
NO. de Passeport
شماره و نوع گذرنامه:
سیاسی ۵۷۶۳
6. Place and Date of Issue
Lieu et Date de Delivrance
تاریخ و محل صدور:
۲۶ تیر صادره از تهران
۱۳۳۹

7. No. of Visa
NO. de Visa
Multiple - Temporary - Transit شماره و نوع وروداد: ۸۳۸
8. place and Data of Vsia
lieu et Date de Delivrance
محل و تاریخ صدور: ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۹
9. Occupation
شغل: _____

Profession

10. Accompanied by

اسامی همراهان : —

Accompagne Par

11. Address in Iran

آدرس در ایران : دروس (شمیران) - طهران

Adresse en Iran

12. Signature

امضاء : سید حسن تقی‌زاده

Dete

تاریخ : ۷ مهر ۱۳۳۹

شماره: ۱۷/۷۱۷۹

تاریخ: ۳۹/۸/۱۷

اطلاعیه

آقای تقی زاده مایل نیست با عنوان سناتور انتصابی به مجلس سنا برود
ایشان می خواهند سناتور انتخابی باشند.

در پرونده نامبرده بایگانی شود ۴۹/۸/۲۱

بخش ۴

ارزیابی ب-۲	<u>اطلاعیه</u>	۳۹/۸/۱۷
		۱۷/۷/۱۷۹
<p>آقای تقی زاده مایل نیست با عنوان سناتور انتصابی به مجلس سنا برود ایشان می خواهند سناتور انتخابی باشند .</p>		
<p>مهر</p>		
<p>۴۹/۸/۲۱</p>		

شماره: ۴۰۴۳ ط س ت
 تاریخ: ۴۰/۷/۳۰
 موضوع: حضور آقای تقی زاده در دبیرستان جم

بعد از ظهر روز سه شنبه ۴۰/۷/۲۵ آقای تقی زاده سناتور سابق در دبیرستان جم (شمیرانات) حضور بهم رسانیده و پیرامون مبارزه با بیسوادی سخن گفتند و ضمن آن اظهار داشتند:

درس خواندن و درس دادن اینهمه فریاد و جار و جنجال لازم ندارد. در خیابان

پارچه آویزان می کنند با سوادها می خوانند ولی بیسوادها که برای آنهاست سواد ندارند بخوانند. پس طریق عمل این نیست نسیاستی چنین کرد. این کارها خوب نیست و از این قبیل جملات.

در پرونده سناتور تقی زاده
 بایگانی شود. ۴۰/۸/۳
 اداره سوم ۱۱/۲
 ۴۵۶۲-۴۰/۸/۱

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حضور آقای تقی زاده در دبیرستان جم
 محل: شمیرانات
 تاریخ: ۴۰/۷/۲۵
 تاریخ وصول: ۴۰/۷/۲۹
 تاریخ گزارش: ۴۰/۷/۳۰

خیلی محرمانه

بعد از ظهر روز سه شنبه ۴۰/۷/۲۵ آقای تقی زاده سناتور سابق در دبیرستان جم (شمیرانات) حضور بهم رسانیده و پیرامون مبارزه با بیسوادی سخن گفتند و ضمن آن اظهار داشتند: درس خواندن و درس دادن اینهمه فریاد و جار و جنجال لازم ندارد. در خیابان پارچه آویزان می کنند با سوادها می خوانند ولی بیسوادها که برای آنهاست سواد ندارند بخوانند. پس نسیاستی چنین کرد. این کارها خوب نیست و از این قبیل جملات.

خیلی محرمانه

۴۵۶۲
 ۴۰/۸/۱

تعداد نسخ: ۱
 گشتگان: اداره گف سوم

صورت کامل اعضای لژهای سه گانه تابعه لژ بزرگ ایران

بر حسب منصب و درجه و قدمت
لژ بزرگ ایران

برادران

عبدالله انتظام

استاد بزرگ

ابوالحسن حکیمی

مقام استاد بزرگ

نصرالله صبا^۱ - خطیب

بزرگ

تقی اسکندانی - دبیر بزرگ و

ناظر اول بزرگ

محمود عرفان - ناظر دوم

بزرگ

دکتر علی امیرحکمت -

استاد تشریفات بزرگ

غلامحسین بور بور - امین

خزانه بزرگ

دکتر ملک اصلانیان - مأمور

موسیقی سه لژ

کاظم نیامیر - دبیر کمیته های

صاحب منصبان و هم آهنگی

و مجمع عمومی

ادوارد ژوزف^۲ - کتابدار و بایگان سه لژ

لژ مهر - شرق تهران - شماره ۸۶۲

ابوالحسن حکیمی - استاد لژ - خیابان هدایت - کوچه مالک شماره ۲۴ - ۲۶ -

تلفن ۳۶۴۳۱

سید حسن تقی زاده - استاد سابق لژ - فیشرآباد - خیابان نیکو - شماره ۱۵ - تلفن

۶۸۳۹۹

صورت کامل اعضای لژهای سه گانه تابعه لژ بزرگ ایران
بر حسب منصب و درجه و قدمت

لژ بزرگ ایران
برایان

مدالله انتظام	استاد بزرگ
ابوالحسن حکیمی	تمام مقام استاد بزرگ
نصرالله صبا	خطیب بزرگ
تقی اسکندانی	دبیر بزرگ و ناظر اول بزرگ
محمود عرفان	ناظر دوم بزرگ
دکتر علی امیرحکمت	استاد تشریفات بزرگ
غلامحسین بور بور	امین خزانه بزرگ
دکتر علی امین	مأمور موسیقی سه لژ
کاظم نیامیر	دبیر کمیته های صاحب منصبان و هم آهنگی و مجمع عمومی
ادوارد ژوزف	کتابدار و بایگان سه لژ

لژ مهر - شرق تهران - شماره ۸۶۲

ابوالحسن حکیمی - استاد لژ - خیابان هدایت - کوچه مالک شماره ۲۴ - ۲۶ - تلفن ۳۶۴۳۱

سید حسن تقی زاده - استاد سابق لژ - فیشرآباد - خیابان نیکو شماره ۱۵ - تلفن ۶۸۳۹۹

مدالله انتظام - خیابان البیه - باغ شرکتساز - تلفن ۸۱۰۸۰

نصرالله صبا - تمام مقام استاد لژ - خیابان آغا شیخ هادی شماره ۱۱۱ - تلفن ۴۲۴۸

تقی اسکندانی - خیابان بهارستان - دروازه بهارستان - تلفن ۱۱۳

محمود عرفان - خیابان بهارستان - دروازه بهارستان - تلفن ۸۱۹۰۰

دکتر علی امیرحکمت - خیابان بهارستان - دروازه بهارستان - تلفن ۲۲

غلامحسین بور بور - خیابان بهارستان - دروازه بهارستان - تلفن ۸۱۰۸۰

۴۱۷۰۵۵

۱- نصرالله صبا [تاریخ]: ۱ اسفند ماه ۱۳۴۰

نصرالله صبا معروف به مختارالملک در سال ۱۲۶۵ در کاشان تولد یافت. دروس مقدماتی را در ایران و آمریکا به پایان رساند. در رشته اقتصاد تخصص یافت و به ایران عزیمت نمود. در وزارت مالیه مشغول کار شد. وی در دوران روزنامه نگاری سید ضیاءالدین طباطبائی با وی نزدیک شد و این رفاقت ادامه یافت. هنگامی که سید حسن تقی زاده وزیر دارائی شد، صبا را به معاونت خود برگزید. در سال ۱۳۲۸ با تأسیس مجلس سنا به سناتوری انتخاب گردید. پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جزو اصحاب خاص ابراهیم حکیم الملک، تقی زاده، مهدب الدوله شد. وی از پایه گذاران حزب عامیون بود. صبا از مریدان مطیع تقی زاده و وی را مراد و راهنمای خود می دانست. مدتی عضو انجمن ماسونی اخوت بود. و بعد از امین الملک ریاست انجمن را عهده دار شد. وی آثاری جمع آوری ولی در پایان عمر همه را سوزانده و اثری از خود بجای نگذاشت. صبا در سال ۱۳۵۶ در تهران در گذشت.

۲- ادوارد ژوزف:

مترجم، موسیقی دان عتیقه شناس. بانکدار. در سال ۱۲۸۲ شمسی در کرمانشاه متولد شد. در مدرسه آلیانس فرانسه تحصیل نمود. در سال ۱۳۰۴ شمسی به موسیقی روی آورد. پس از تحصیل به استخدام بانک ملی ایران در آمد. در دوران عبدالحسین هویز مدتی در وزارت دارایی بود. در سال ۱۳۳۱ مدیر

- ۱- نصرالله انتظام فرزند سید محمد انتظام السلطنه در سال ۱۲۷۷ شمسی متولد شد. ۷۱-ت ۳۵۵۸۸
- امیرحکمت - دکتر علی (س) قلهک - خیابان امیر حکمت - ت ۸۱۱۳۱ - اداره ۲۹-۳۹۰
- امیرحکمت - دکتر کیومرث (آ) در مسافرت
- امین - دکتر شفیع (م) در تبریز
- انتظام - عبدالله (م) الهیه - باغ شرکت ملی نفت ایران - ت ۸۱۰۸۰ - اداره ۴۲۰۸۵
- انتظام - نصرالله^۱ (م) - خیابان سزاوار - ت ۴۳۸۹۵
- بختیار - آقاخان^۲ (م) - خیابان شمیران - کوچه کاکوتی - ت ۷۰۳۴۷
- بوژوزف - (آ) Joseph caua خیابان شاهرضا ۱۵۲/۱۵۴ - ت ۴۰۶۸۱ - منزل ۹۹-۸۱۷
- بوربور - غلامحسین (س) - قلهک - خیابان امیر حکمت - کوچه بوربور ۶-ت ۲۲-۸۱۳
- بهادری - همایون (س) - خیابان زند - چهارراه خردمند - ساختمان شاهرخشاهی - ت ۴۶۸۵۸
- تقی زاده - سید حسن (م) فیشرآباد - خیابان نیکو - شماره ۱۵ - ت ۶۸۳۹۹
- تهرانی - دکتر اسکندر (س) در هامبورگ
- تهرانی - دکتر منوچهر (آ) خیابان نامجو - کوچه کیوان شماره ۴۲ - ت ۷۵۶۸۳۵
- وابسته به ل - های - آلمان در سال ۱۳۴۰ ۱/۱۲/۱۳۴۰
- ۲- آقا خان بختیار
- از رجال سیاسی معاصر، متخصص اقتصاد نفت. وکیل مجلس، وزیر، قائم مقام مدیر عامل شرکت نفت. در سال ۱۲۹۰ متولد شد. پدرش غلامحسین سردار محتشم

منبع اسماعیل همکار افتخاری

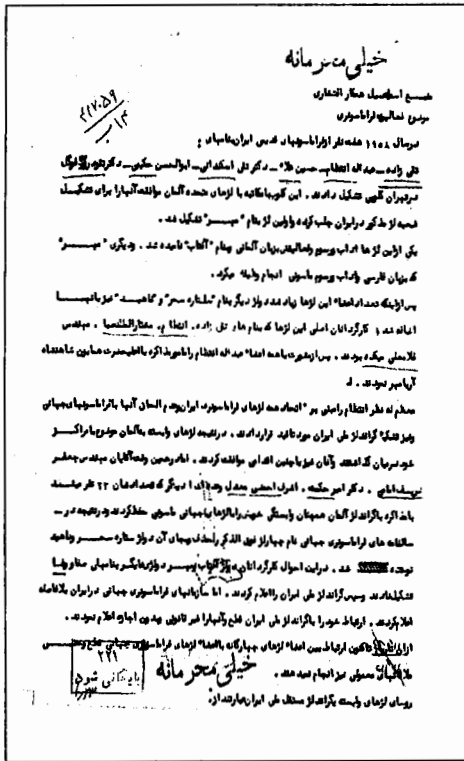
موضوع: فعالیت فراماسونری

در سال ۱۹۵۸ هفت نفر از فراماسونهای قدیمی ایران به نامهای:

تقی‌زاده- عبدالله انتظام- حسین علاء- دکتر تقی اسکندانی- ابوالحسن حکیمی- دکتر ثنودر فوگل در تهران کلوبی تشکیل دادند. این کلوب با مکاتبه با لژهای متحده آلمان موافقت آنها را برای تشکیل شعبه لژ مذکور در ایران جلب کرده و اولین لژ به نام «مهر» تشکیل شد.

یکی از این لژها آداب و رسوم و فعالیتش به زبان آلمانی و به نام «آفتاب» نامیده شد. و دیگری «مهر» که به زبان فارسی و آداب و رسوم ماسونی انجام وظیفه می‌کرد.

پس از اینکه تعداد اعضاء این لژها زیاد شد و لژ دیگر به نام «ستاره سحر» و «ناهید» نیز به آنها اضافه شد. کارگردانان اصلی این لژها که به نام‌های تقی‌زاده، انتظام، مختارالملک صبا،



بود. تحصیلات را در ایران و انگلیس به پایان برد. پس از بازگشت در شرکت نفت ایران و انگلیس مشغول کار شد. مدتی در بانک ملی و بانک ره‌نی فعالیت داشت. در دوره پانزدهم از شهر کرد به مجلس راه یافت. در سال ۱۳۳۰ به ریاست بانک کشاورزی منصوب شد. در کابینه منوچهر اقبال در سال ۱۳۳۶ به وزارت کار معرفی گردید. در سال ۱۳۴۰ به شرکت ملی نفت بازگشت. ۱- پس از انحلال لژ همایون، اسکندانی به همراهی حسین علاء، سیدحسن تقی‌زاده، مختارالملک صبا، عبدالله انتظام، ابوالحسن حکیمی، فوگل (تبعه آلمان) لژ مهر را زیر نظر سازمان فراماسونری آلمان (لژهای متحده آلمان) تأسیس کرد. که اولین لژ فراماسونری وابسته به تشکیلات فراماسونری آلمان در ایران بود و حسین علاء به مقام استاد اعظم انتخاب شد. پیرامون تاریخچه لژ مهر آمده است:

مهندس غلامعلی میکده بودند. پس از مشورت با همه اعضاء عبدالله انتظام را مأمور مذاکره با اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر نمودند. معظم‌له نظر انتظام را مبنی بر اتحاد همه لژهای فراماسونری ایران و عدم الحاق آنها با فراماسونهای جهانی و نیز تشکیل گراند لژ ملی ایران مورد تایید قرار دادند. در نتیجه لژهای وابسته به آلمان موضوع با مراکز خود در میان گذاشتند و آنان نیز با چنین اقدامی موافقت کردند. اما در همین وقت آقایان مهندس جعفر شریف امامی، دکتر امیر حکمت، اشرف احمدی معدل و عده‌ای دیگر که تعدادشان

۲۳ نفر می‌شد با مذاکره با گرانند لژ آلمان همچنان وابستگی خویش را با لژهای جهانی ماسونی حفظ کردند و در نتیجه در سالنامه‌های فراماسونری جهانی نام چهار لژ فوق‌الذکر را حذف و به جای آن دو لژ ستاره سحر و ناهید نوشته شد. در این احوال کارگردانان دو لژ آفتاب^۱ و مهر^۲ دو لژی دیگر به نامهای صفا^۳ و وفا^۴ تشکیل دادند و سپس گرانند لژ ملی ایران را اعلام کردند. اما سازمانهای فراماسونری جهانی در ایران بلافاصله اعلام کردند. ارتباط خود را با گرانند لژ ملی ایران قطع و آنها را غیر قانونی و بدون اجازه اعلام نمودند.

از آن تاریخ تا کنون ارتباط بین اعضاء لژهای چهارگانه با اعضاء لژهای فراماسونری جهانی قطع و حتی ملاقاتهای معمولی نیز انجام نمی‌دهند.

رؤسای لژهای وابسته به گرانند لژ مستقل ملی ایران عبارتند از:

- ۱- دکتر تقی اسکندانی دبیر کل
 - ۲- سید حسن تقی‌زاده
 - ۳- مختارالملک صبا
 - ۴- غلامعلی میکده
 - ۵- عبدالله انتظام
- شورای بزرگ این سازمان

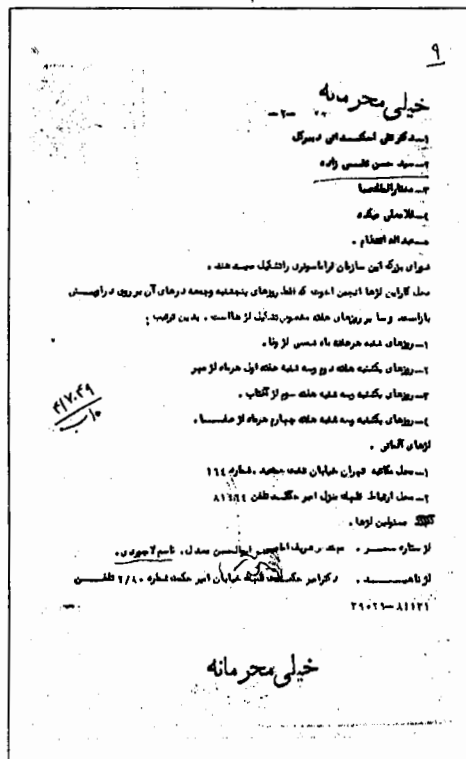
فراماسونری را تشکیل می‌دهند.

محل کار این لژها اخوت که فقط روزهای پنجشنبه و جمعه درهای آن بر روی درویش باز است. و سایر روزهای هفته مخصوص تشکیل لژها است. بدین ترتیب:

۱- روزهای شنبه هر هفته ماه شمسی لژ وفا

۲- روزهای یکشنبه هفته دوم و سه شنبه هفته اول هر ماه لژ مهر

۳- روزهای یکشنبه و سه شنبه هفته سوم لژ آفتاب



۱- اسناد فراماسونری ایران، جلد دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۶

۲- همان، ص ۲۰۸

۳- همان، ص ۲۱۳

۴- همان، ص ۲۱۱

۴- روزهای یکشنبه و سه‌شنبه هفته چهارم هر ماه لژ صفا.

لژهای آلمانی

۱- محل مکاتبه تهران خیابان تخت جمشید. شماره ۱۶۴

۲- محل ارتباط قلهک منزل امیر حکمت تلفن ۸۱۹۶۴

مسئولین لژها

لژها ستاره سحر،^۵ مهندس شریف امامی، ابوالحسن معدل، قاسم لاجوردی^۶

لژ ناهید. دکتر امیر حکمت قلهک - خیابان امیر حکمت - شماره ۲/۸۰ تلفن

۸۱۱۳۱ - ۳۹۰۲۹

۱۰ ب - ۴۹ - ۴۱۷۰

۶- ابوالقاسم لاجوردی

نام: ابوالقاسم

نام خانوادگی: لاجوردی

نام پدر: سید محمود

شماره شناسنامه: ۱۲۹

صادره: تهران تاریخ

تولد: ۱۳۰۰ آخرین مدرک

تحصیلی - لیسانس از

دانشسرای الهی - فوق لیسانس

در رشته اقتصاد و بازرگانی در

سال دوره عالی دانشگاه کلمبیا -

نیویورک - سیونیوسیتی. همسر

نامبرده زهره دلپاک و فرزندان

سعید، خلیل و یاسمن بودند.

عضو لژهای فراماسونری به

نام‌های: ناهید، ستاره سحر، لژ

بزرگ ایران، مزدا، حافظ، تهران

کوروش، استاد ارجمند لژ ناهید

در سال ۴۸. نشان‌ها و مدالهای

دریافتی: نشان درجه یک

آبادانی و پیشرفت (در سال ۵۴)

نشان درجه سه شیر و خورشید

گرفته است.

- فعالیتهای اجتماعی، علمی و

ادبی: یک دوره عضو اطاق

بازرگانی تهران - سه دوره

عضو اطاق صنایع و معادن

ایران رئیس اتحادیه بازرگانی

ایران مقیم ژاپن - دبیر شورای

مؤسسه اعتباری دانشگاه

تهران، مدیر عامل بنیاد

لاجوردی (برای کمک به امور

فرهنگی در تهران و کاشان)

نائب رئیس انجمن مدیریت

ایرانی - عضو حزب رستاخیز.

مشارالیه به اتفاق سه برادر و

پدرش سهامداران اصلی و

عهده دار مدیریت شرکتهای

آرمین، پانیز، پاکستان، بهکو،

گروه صنعتی بهشهر -

کارخانه‌های روغن نباتی

شاه‌پسند و نواز اصفهان و

کارخانه مخمل کاشان بوده است

که با اکثر مؤسسات شوروی

سابق (بیمه اینستراخ و بازرگانی) معامله و تماس داشته است. طبق نظریه ساواک منحل خانواده لاجوردی با ساواک تهران ارتباط داشته‌اند. نامبرده در سال ۵۴ سناتور تهران و نائب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بوده است که در این سال همسر وی در کلاسهای زبان روسی در سفارت شوروی شرکت می‌کرده است، بدین خاطر ساواک با ایشان مصاحبه‌ای انجام داده که ضمن تشریح موقعیت شغلی وی خواسته شده که از مراجعه همسرش به کلاسهای زبان جلوگیری نماید. در همین سال رئیس بازرگانی شوروی یک سبد گل خریداری کرده و به مناسبت انتخاب ایشان به سناتوری تهران، به گروه صنعتی بهشهر برده و انتخاب ایشان را تبریک گفته‌است. ضمناً در سال ۴۶ و ۵۳ به شوروی سابق مسافرت نموده است.

با انقلاب شکوهمند اسلامی نامبرده از ایران فراری و اموال او مصادره گردید.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲/۹۲۴۹ م سپاه

۳- درباره نحوه تشکیل و فعالیت لژ ستاره سحر، در مجموع سندی که مشخصاً به فعالیت و گزارشات ایل لژ اختصاص داشته باشد، در دسترس نیست، تنها فهرستی از اسامی موجود است که در کنار نام اعضای لژهای مهر و آفتاب، نام اعضای لژ ستاره سحر را هم دربردارد. این افراد از آن جا که عضو بعضی از لژهای دیگر

۱- خیابان سزاوار - آقای نصرالله انتظام

۲- پهلوی اول امیریه کوچه تهرانیان آقای احمد تهرانیان

۳- بهارکوچه نامه شماره ۱۶ آقای حسن آذین فر

۴- دزاشیب روبروی دبستان علاء آقای خانی بختیار

۵- سعدی مقابل ایراتور کوچه فاریا پلاک ۱ + ۲۱ آقای سیف‌الدین بهمین

۶- پهلوی جنب بوت کلاب سابق کوچه زمرد شماره ۵ آقای پرویز بیات

۷- بولوار الیزابت دوم خیابان میکده کوچه افشار ۱۴ سید ابوالحسن جلیلی

۸- کتابخانه مجلس شورای

ملی دکتر تقی تفضلی

۹- فیشرآباد خیابان نیکو

شماره ۱۵ آقای سید حسن

تقی زاده

۱۰- کوی یوسف‌آباد خیابان

مستوفی ۹۲ آقای دکتر

حسین پیرنیا

۱۱- خیابان امیر فتحی

شماره ۵۶ آقای محمدحسن

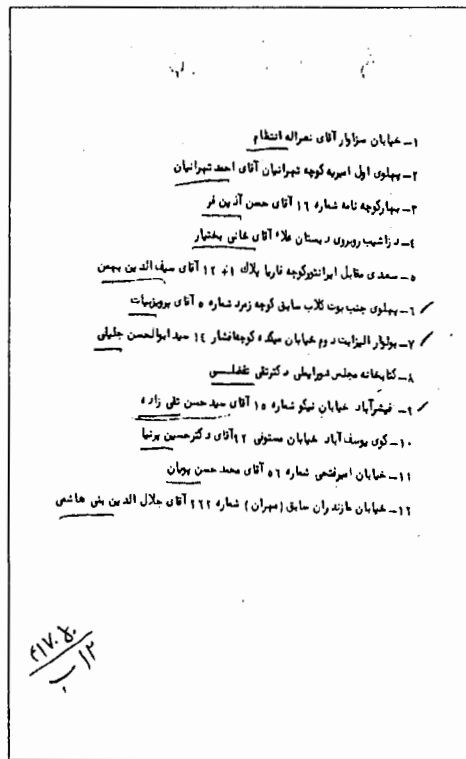
پویان

۱۲- خیابان مازندران سابق

(مهران) شماره ۲۶۲ آقای

جلال‌الدین بنی هاشمی

۱۲ ب - ۴۱۷۰۵۰



مشخصات فراماسونها

کانون مبارزه علیه فراماسونری. امپریالیسم. صهیونیسم

عکس

نام خانوادگی: تقی‌زاده نام: سید حسن تاریخ تولد: _____
 شماره شناسنامه: _____ نام پدر: _____
 تاریخ ورود به فراماسونری: _____ سمت: _____

لر: آفتاب

آیا عضو لاینز و روتاری و یا انجمنهای دیگر بوده است یا خیر؟

آدرس: _____

تلفن: _____

شغل: _____

سمت کشوری و یا لشگری: _____

اسناد و مدارک موجود:

کتاب

توضیحات:

۲-۴۱۴۵-۴۱۴۵/۲ م

حساب الصلوات مکتب	پنجشنبه، ۱۳ آذر ۱۳۲۸ کانون مبارزه علیه فراماسونری، امپریالیسم، صهیونیسم	شماره پرونده:
نام: تقی‌زاده، تقی‌زاده	نام: سید حسن	تاریخ تولد:
نام پدر:	تاریخ ورود به فراماسونری:	شماره شناسنامه:
آدرس:	تلفن:	سمت کشوری و یا لشگری:
تاریخ: _____	محل: _____	سمت کشوری و یا لشگری:
تاریخ: _____	محل: _____	اسناد و مدارک موجود:
تاریخ: _____	محل: _____	توضیحات:

- آلمانی هم بوده‌اند، درکنار
- اسامی اعضای لژهای مهر و
- آفتاب معرفی شده‌اند.
- غلامرضا آرین
- اشرف احمدی
- دکتر علی امیرحکمت
- نصیرالدین خواجهی
- مهندس جعفر شریف‌امامی
- دکتر حسینیعلی سلطان‌زاده
- پسیان
- حسین علاء
- حسین قدس نخعی
- ابوالحسن معدل
- مهدی نبوی
- دکتر محمدعلی هدایتی
- جمشید دولو قاجار
- غلامحسین بوربور
- دکتر محمدحسین گنجی
- اسناد فراماسونری، ج ۲،
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای
- سیاسی، ص ۲۱۶

نام: سید حسن شهرت: تقی زاده

نام پدر: سید تقی شماره شناسنامه: —

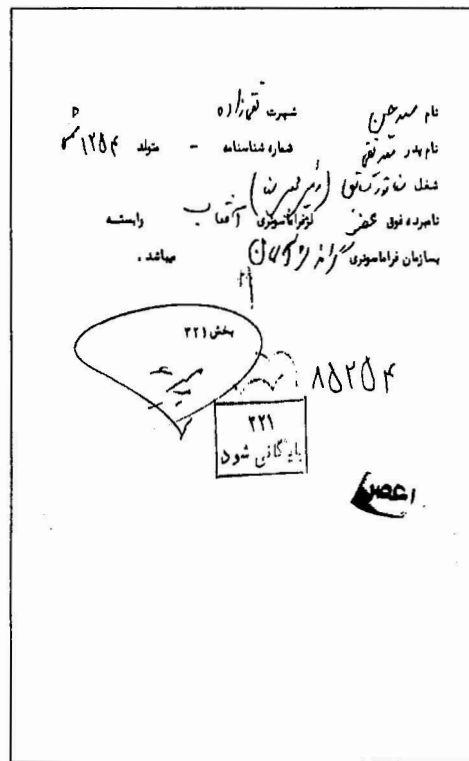
متولد: ۱۲۵۴ شمسی

شغل: سناتور سابق (رئیس مجلس سنا)

نامبرده فوق عضو لژ فراماسونری آفتاب وابسته به سازمان فراماسونری گراند لژ آلمان^۱ می باشد.

بخش ۳۲۱

۸۵۲۵۴



۱- رجوع شود به:

اسناد فراماسونری در ایران،

جلد اول، تهران، مؤسسه

مطالعات و پژوهشهای سیاسی،

ص ۲۰۱

لژ بزرگ ایران

دعوتنامه به مجمع عمومی لژهای وابسته

برادر بسیار ارجمند دکتر امیر حکمت

۱- دهه ۱۳۳۰ را بساید پررونق‌ترین دوره تاریخ فراماسونری در ایران به حساب آورد. در این دوره علاوه بر تشکیل لژهای متعدد و وابسته به شاخه‌های سه گانه فراماسونری جهانی، گراند لژهای محلی نیز در ایران تشکیل شد.

با انحلال لژ همایون، اولین حرکت در جهت تحکیم پایه‌های فراماسونری در ایران با تلاش برای استقلال لژهای مولوی از لژ بزرگ محلی قاهره و ارتباط مستقیم آن با گراند اوریان فرانسه آغاز شد. برای تأسیس لژ بزرگ ایران، قرار بود طی ماه‌های منتهی به اسفند ۱۳۴۷ در حدود ۲۰ نفر از نمایندگان گراند لژ آلمان، اسکاتلند و فرانسه بنا به دعوت آقای شریف‌امامی به منظور تشکیل مجمع عمومی و ادغام کلیه لژهای سه گانه فوق و در نتیجه تشکیل لژ بزرگ ایران به کشور ایران وارد گردند و در ظرف مدتی که در ایران اقامت خواهند داشت میهمان فراماسون‌های ایران باشند. در همین خصوص، و «به منظور قدردانی از نمایندگان لژهای بزرگ سه گانه جهان و بنا به دستور گردانندگان ماسون‌های ایران» علی‌مسرندی مأموریت یافت برای تهیه مدال‌های مناسب «به خارج از کشور عزیمت نماید و مشارالیه نیز مأموریت محوله را انجام داد و مدال‌هایی تهیه نمود» تا پس از ورود نمایندگان لژهای سه گانه طی مراسمی به سینه آنان نصب گردانند.

در مراسم تأسیس و افتتاح لژ بزرگ ایران ۴۷/۱۲/۱۰ با حضور ۱۱ میهمان خارجی از

به مناسبت انجام تشریفات استقرار استاد بزرگ جدید بسیار معزز برادر محبوب سید حسن تقی‌زاده و قائم مقامان لژ بزرگ^۱ و معرفی صاحب منصبان بزرگ با حضور همه برادران لژهای وابسته به لژ بزرگ ایران کار معبد در درجه^۲ شاگردی اجرا خواهد شد.

از آن برادر ارجمند دعوت می‌شود که ساعت ۱۶ بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۳ اسفند ماه سال جاری در مقر لژها (خیابان فردوسی) در این جلسه با شکوه حضور به هم‌رسانید.

با سلامهای قلبی و برادرانه

ب: تقی اسکندانی

دبیر لژ بزرگ

لباس تیره کروات سفید

برنامه جشن

۱- رسیدگی به حضور و غیاب

۲- تشکیل زنجیر برادری

۳- افتتاح جلسه و دعا

۴- سخنانی چند از استاد بزرگ پیشین

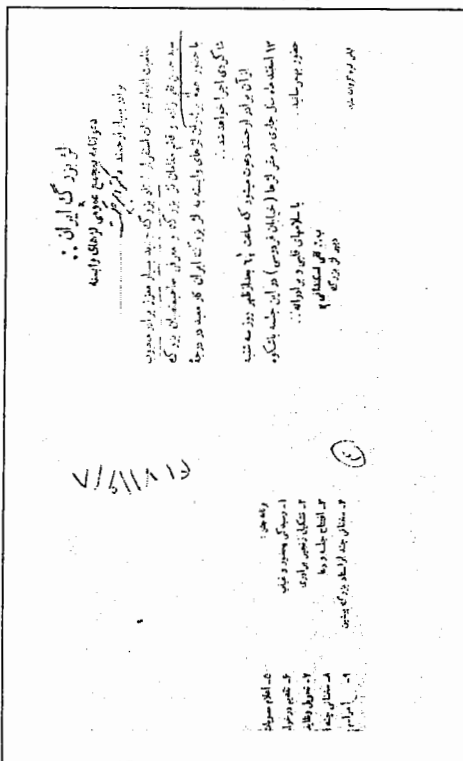
۵- اعلام مصوبات

۶- تقدیم درخواست

۷- تحویل وظایف

۸- سخنانی چند.....

۹- مراسم.....



پیشنهاد تشکیل لژ فراماسونری ملی ایران

فرانسه، انگلیس، آلمان و شخصیت‌های ایرانی تشکیل شد. در همان زمان ۳۰۰ نفر زن و مرد از فراماسون‌های ایران و سایر کشورهای در هتل ونک اجتماع کردند. این عده از استادان فراماسونی تهران و شهرستان‌های بودند و قرار بود همان روز یا روز بعد به اصفهان و شیراز مسافرت نمایند.

اسناد فراماسونری در ایران، ج اول، ص ۴۰۹

۱- شریف امامی

فرزند حاج محمدحسین نظام‌الاسلام، در ۲۷ خرداد ۱۲۹۱ ش در تهران متولد شد. پدر او، از روحانیون تهران در دوران متأخر قاجاریه بود که از ناصرالدین شاه لقب «مستعدالشریعه» و از مظفردالدینشاه لقب «نظام‌الاسلام» دریافت داشت. جعفر شریف امامی تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به سوئد و آلمان رفت و در این کشور آخرین مدرک تحصیلی خود را در رشته برق کسب نمود. او در ایران، در راه آهن دولتی شاغل بود و به معاونت این سازمان رسید. در سال ۱۳۲۴ به مدیرعاملی بنگاه آبیاری رسید. در تیر و اسفند ۱۳۲۹ در دولت رزم آرا به وزارت راه رسید، جعفر شریف امامی در دولت سید فضل‌الله زاهدی مدیریت عامل سازمان برنامه را به دست گرفت و در سال ۱۳۳۳ به ستاوری تهران انتخاب شد. شریف امامی در دولت دکتر منوچهر اقبال وزیر صنایع و معادن شد و در شهریور ۱۳۳۹ به نخست‌وزیری رسید. دولت مستعجل شریف امامی ۱۳۳۹

در لژهای فراماسونری وابسته به اسکاتلند و فرانسه پیشنهادی که از قول اعلیحضرت شاه عنوان شده مطرح گردیده است.

در این پیشنهادات گفته شده که همه لژهای فراماسونری ایران یکدیگر ادغام شده و تحت عنوان (لژ ملی ایران) فعالیت کنند. چنین لژهایی در خاورمیانه از جمله مصر و اردن و سایر کشورها وجود دارد.

پیشنهاد تشکیل لژ ملی فراماسونری ایران
 در این پیشنهادات گفته شده که همه لژهای فراماسونری ایران یکدیگر ادغام شده و تحت عنوان (لژ ملی ایران) فعالیت کنند. چنین لژهایی در خاورمیانه از جمله مصر و اردن و سایر کشورها وجود دارد.

در مذاکراتی که در درون لژها شد هنوز توافق کامل بین اعضاء لژها حاصل نشده است، به خصوص که لژهای آلمانی به نامه‌های (مهر - آفتاب تابان - صفا) که تا دو سال قبل وابسته به گراند لژ آلمان بوده و از آن تاریخ تا کنون مستقل شده است..... اعضاء لژهای فرانسوی و انگلیسی همکاری کرده و یا ادغام شود لژهای آلمانی که سید حسن تقی‌زاده - شریف امامی^۱ - دکتر اسکندانی - دکتر هدایتی کارگردان آنها

هستند با همکاری با فراماسونهای عضو لژهای فرانسوی و انگلیسی مخالفند و در این لژها عناصر نادرست از لحاظ اخلاقی و سیاسی فراوان می‌دانند.

۴۱۷۱۱۹/۳

فهرست عرض

نمره یک دوره تنشهای جدی در روابط ایران و آمریکا بود. تشدید فعالیت جناحهای وابسته به «حزب دمکرات» آمریکا در ایران به اعتصاب معلمین و شهادت دکتر ابوالحسن خاندلی و سرانجام سقوط دولت شریف امامی، در اردیبهشت ۱۳۴۰ انجامید. او در سال ۱۳۴۲ مقام شامخ ریاست مجلس سنا را به دست گرفت و تا آستانه انقلاب اسلامی ایران، به مدت ۱۵ سال، در این سمت بود.

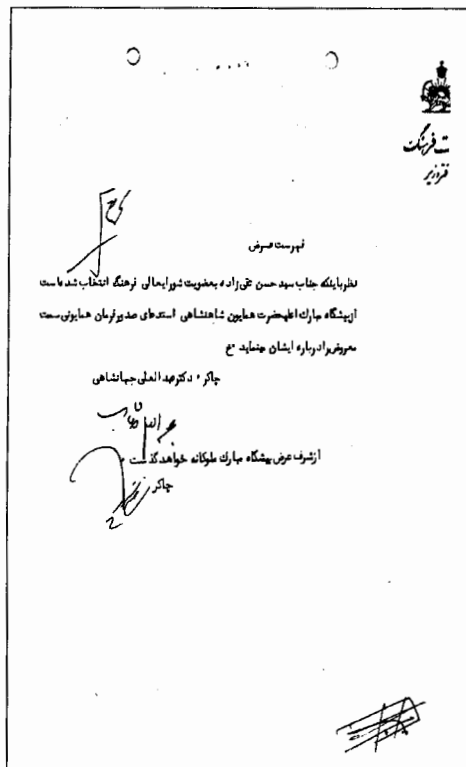
جعفر شریف‌امامی در مرداد ۱۳۴۶ به ریاست مجلس مؤسسان سوم رسید که وظیفه داشت نیابت سلطنت فرح پهلوی را تسجیل کند. با آغاز امواج انقلاب اسلامی ایران، محمدرضا پهلوی در یکی از واپسین تلاشهای خود به فراماسونری و استاد اعظم آن، جعفر شریف‌امامی متوسل شد و وی را در نقش دیرینش، به عنوان محور تفاهم و «آشتی» سیاستهای بیگانه مؤثر در ایران به صدارت رسانید. باید افزود که برخلاف تصور شاه، هر چند شریف‌امامی طی دوران «شیخوخت» خود، به عنوان سمبل «آشتی» و «تفاهم» کسانوهای قدرت بیگانه وجهه‌ای اندوخته بود و لذا می‌توانست نمادی از «آشتی بین‌المللی» به شمار رود، ولی او هیچ‌گاه نتوانست در سطح مردم به عنوان یک چهره «وجیه‌الملة» مطرح شود. جعفر شریف‌امامی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ از صدارت استعفا داد و جای خود را به دولت نظامی ارتشبد غلامرضا ازهاری سپرد.

از کتاب ظهور و سقوط

نظر به اینکه جناب سید حسن تقی‌زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ انتخاب شده است از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعای صدور فرمان همایونی سمت معروض را دربارہ ایشان می‌نماید.

چاکر. دکتر عبدالعلی جهانشاهی

از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه خواهد گذشت. چاکر



خلاصه پیشینه خدمت آقای سید حسن تقی زاده

ریاست هیئت اعزامی به مسکو - در سال ۱۳۰۱
 نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم و پنجم و ششم
 استاندار خراسان در سال ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸
 وزیر مختار شاهنشاهی در لندن - در سال ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹
 وزیر طرق و شوارع در سال ۱۳۰۹

وزیر دارائی در سال ۱۳۰۹ -

۱۳۱۲

وزیر مختار شاهنشاهی در

پاریس در سال ۱۳۱۲ -

۱۳۱۳

وزیر مختار و سفیر کبیر

شاهنشاهی در لندن در سال


۱۳۲۰

۱۳۲۶ نمایندگی مجلس

شورای ملی در دوره

پانزدهم ریاست مجلس

سنا

 <p>تاریخ _____ شماره _____ پیوست _____</p>	<p>خلاصه پیشینه خدمت آقای سید حسن تقی زاده</p> <p>ریاست هیئت اعزامی به مسکو در سال ۱۳۰۱ نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم و پنجم و ششم استاندار خراسان در سال ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ وزیر مختار شاهنشاهی در لندن - در سال ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ وزیر طرق و شوارع در سال ۱۳۰۹ وزیر دارائی در سال ۱۳۰۹ - ۱۳۱۲ وزیر مختار شاهنشاهی در پاریس در سال ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ وزیر مختار و سفیر کبیر شاهنشاهی در لندن در سال ۱۳۲۰ - ۱۳۲۶ نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره پانزدهم ریاست مجلس سنا</p>
--	--

سلطنت پهلوی، مؤسسه
 مطالعات و پژوهشهای سیاسی،
 جلد دوم، صص ۳۹۹ تا ۴۲۲

او ثروت زیادی در دوران
 حیات خویش آندوخت و احمد
 شیبانی از نزدیکانش به
 فر دوست اطلاع داده است که
 هنگام خروج از ایران زمان
 انقلاب ۱۷ میلیون دلار به
 حساب خود در خارج ریخته
 بود. شریف امامی از مهره‌های
 واسط و محلل به شمار می‌رفت
 که در شرایط بحرانی از او
 استفاده می‌شد.

یکبار پس از علاء و قبل از
 امینی و در سال ۱۳۴۹ و بار
 دیگر در اواخر عمر رژیم در
 سال ۵۷ به سمت نخست‌وزیری
 رسید که نهایتاً با وقوع حادثه
 ۱۷ شهریور در زمان صدارت
 وی، او نیز از صحنه کنار رفت.
 وی، از دوران جوانی عضو
 تشکیلات ماسونی بود و در
 تشکیلات ماسونی، به استاد
 اعظمی رسید و از چهره‌های
 وابسته به سیاست غرب بود.
 پس از پیروزی انقلاب اسلامی،
 به انگلیس پناهنده شد و در سال
 ۱۳۷۸، در آمریکا درگذشت.

کارت مشخصات ماسونها
کانون مبارزه علیه فراماسونری و امپریالیسم و صهیونیسم

شماره ردیف ۲-۴۱۴۵-۱/۶۲۵۰م

شهرت: تقی زاده نام: سید حسن نام پدر:

نام لژ: آفتاب

آدرس:

شماره تلفن:

ملاحظات: کتاب

کارت مشخصات ماسونها

کانون مبارزه علیه فراماسونری و امپریالیسم و صهیونیسم

شماره ردیف: ۱/۶۲۵۰

شهرت: تقی زاده نام: سید حسن نام پدر: ۴۱۴۵-۲

نام لژ: آفتاب

آدرس: _____

شماره تلفن: _____

ملاحظات: کتاب

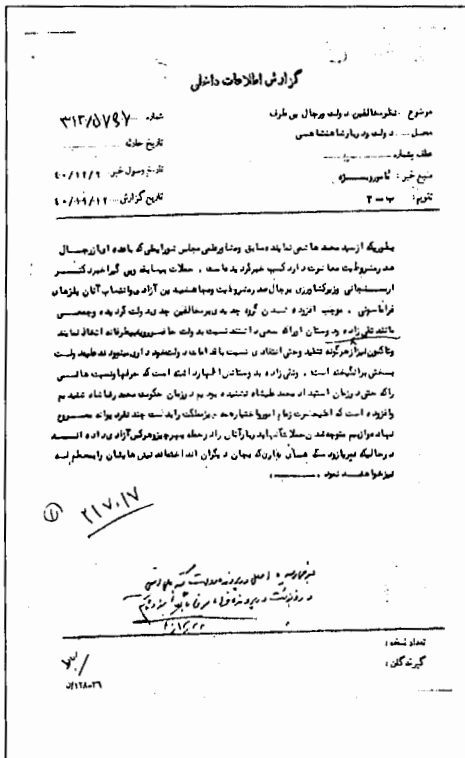
شماره: ۳۱۲/۵۷۶۷

تاریخ: ۴۰/۱۲/۱۲

موضوع: نظر مخالفین دولت و رجال بی طرف

فراماسونی موجب افزوده شدن گروه جدیدی بر مخالفین جدی دولت گردیده و جمعی مانند تقی زاده و دوستان او را که سعی داشتند نسبت به دولت حاضر رویه بیطرفانه اتخاذ نمایند و تا کنون نیز از هر گونه تنقید و حتی انتقادی نسبت به اقدامات دولت خودداری می نمودند علیه دولت به سختی برانگیخته است. و تقی زاده به دوستانش اظهار داشته است که حرفها و نسبت هایی را که حتی در زمان استبداد محمد

به طوری که از سید محمد هاشمی نماینده سابق و مشاور علمی مجلس شورای ملی که با عده ای از رجال صدر مشروطیت معاشرت دارد کسب خبر گردیده است. حملات بی سابقه و پی گیر اخیر دکتر ارسنجانلی^۱ وزیر کشاورزی به رجال صدر مشروطیت و مجاهدین آزادی و انتساب آنان به لژهای



۱- حسن ارسنجانلی فارغ التحصیل رشته حقوق از دانشگاه تهران و مدیر روزنامه چپگرای «داریا» بود. وی، در عین حال که تظاهر به چپگرایی می کرد، از نزدیکان قوام السلطنه و عملاً در عرصه سیاست، راستگرا و متمایل به امریکا و انگلیس بود. از جمله می توان به عضویت وی در کابینه سه روزه قوام السلطنه در تیرماه ۱۳۳۱ با عنوان معاون نخست وزیر، همکاری غیررسمی با امینی، در جریان مذاکرات نفت کنسرسیون پس از کودتای بیست و هشتم مرداد و وزارت کشاورزی در کابینه های علی امینی و اسدالله علم، طی سالهای ۴۰ و ۴۱ اشاره کرد. وی، در سال ۱۳۴۰، طرح امریکائی اصلاحات ارضی را، با هیاهوی فراوان اجرا کرد و هنگامی که مجبوریت قابل توجهی کسب نمود، با اشاره شاه، کنار گذاشته شد و به سفیر کبیری ایران در ایتالیا منصوب شد. ارسنجانلی، در سال ۱۳۴۸ درگذشت. وی، غوغاسالار و بلواچی معروفی بود که در جریان نهضت امام خمینی، به همراه شاه در چهارم بهمن ۱۳۴۱، به قم رفت و در برابر حرم حضرت معصومه، سخنرانی کرد و از شاه، به عنوان بت شکن بزرگ در ردیف حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) نام برد و مخالفان وی را، نمرود و فرعون نامید. (اطلاعات، بهمن ۱۳۴۱) و خاطرات علی امینی)

علیشاه نشینده بودیم در زمان حکومت محمدرضا شاه شنیدیم و افزوده است که اعلیحضرت زمام امور و اختیار همه چیز مملکت را به دست چند نفر دیوانه مصروع نهاده و از بیم متوجه شدن حملات آنها به دربار آنان را در حمله به هر چیز و هر کس آزادی داده اند. در حالی که دیر یا زود سنگ های هاری که به جان دیگران انداخته اند نیش هایشان را به معظم له نیز خواهند زد.

به عرض رسیده اصل در پرونده دولت دکتر علی امینی و رونوشت در پرونده فراماسون با یگانگی شود. ثابتی ۴۰/۱۲/۲۲

شماره: ۱۱۱۲۶ / س ت

موضوع: جلسه کانون آزمایشی حزب ملت ایران

تاریخ: ۴۱/۶/۲۴

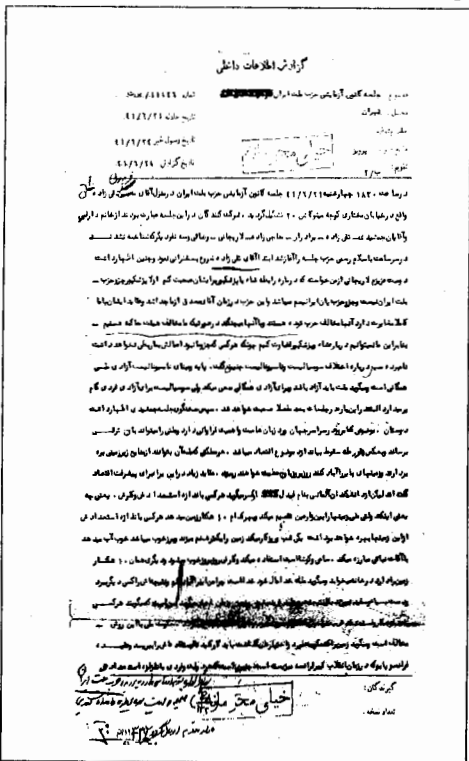
۱- محسن پزشکیور

متولد ۱۳۰۶ و دارای لیسانس رشته قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران است. فعالیت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۹ آغاز کرد و طی این مدت با نشریات ساسان، ندای پان ایرانیسم همکاری داشته و مدیر خاک و خون بوده است. در دوره پهلوی نشان اصلاحات ارضی را دریافت کرده است وی در دو دوره (۲۲ و ۲۴) عضو مجلس شورای ملی و عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری نیز بود.

وی از انفرادی است که به بنیانگذاری حزب پان ایرانیسم در سال ۱۹۴۸ کمک کرد. در ۱۹۷۴ زمانی که حکومت پهلوی، حزب رستاخیز ملت ایران را، تنها حزب قانونی شناخت، حزب پان ایرانیست منحل شد. پزشکیور به حزب رستاخیز پیوست، اما در سال ۱۹۷۷ به عضویت کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر درآمد و از دولت انتقاد می‌کرد. در ژوئن ۱۹۷۸ او با ادعا که حزب رستاخیز مسئول بسیاری از «بحرانهای جامعه ایرانی» است از حزب رستاخیز استعفا کرد و تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست را اعلام نمود. حزب پان ایرانیست به رهبری محسن پزشکیور پس از سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ به طور علنی جانب شاه را گرفت و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ با انتشار روزنامه «خاک و خون» همکاری با حکومت را گسترش داد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی نمایش‌های آزادی‌نخواهانه‌ای انجام داد ولی مورد توجه هیچ یک از جناحهای ملی و مذهبی قرار نگرفت. پزشکیور از

در ساعت ۱۸۳۰ چهارشنبه ۴۱/۶/۲۱ جلسه کانون آزمایشی حزب ملت ایران در منزل آقای فریدون تقی‌زاده مطلق واقع در خیابان مختاری کوچه مینو کاشی ۲۰ تشکیل گردید. شرکت کنندگان در این جلسه عبارت بودند از خانم دارابی و آقایان جمشیدی - تقی‌زاده - برادران - حاجی‌زاده - لاریجانی - رضائی

و سه نفر دیگر که شناخته نشدند در سر ساعت با سلام رسمی حزب جلسه را آغاز شد ابتدا آقای تقی‌زاده شروع به سخنرانی نمود و چنین اظهار داشت دوست عزیزم لاریجانی از من خواسته که درباره رابطه شاه با پزشکیور برایشان صحبت کنم اولاً پزشکیور جزو حزب ملت ایران نیست و جزو حزب پان ایرانیسم می‌باشد و این حزب در زمان آقای مصدق از ما جدا شد و عقاید ایشان با ما کاملاً مغایرت دارد آنها مخالف



حزب توده^۲ هستند و با آنها می‌جنگند در صورتی که ما مخالف هیئت حاکمه هستیم بنابراین ما نمی‌توانیم درباره شاه و پزشکیور قضاوت کنیم چون که هر کسی که جزو ما نبود اعمالش به ما ربطی نخواهد داشت نامبرده سپس درباره اختلاف سوسیالیست و ناسیونالیست چنین گفت. پایه و مبنای ناسیونالیست آزادی ملی همگانی است و می‌گوید ملت باید آزاد باشد و برای آزادی همگانی سعی می‌کند ولی سوسیالیست برای آزادی فردی گام بر می‌دارد البته در این باره در جلسات بعد مفضلاً صحبت خواهد شد. سپس سخنگوی جلسه جمشیدی اظهار

داشت دوستان. موضوعی که امروز در سراسر جهان ورد زبان هاست و اهمیت فراوانی دارد و ملتی را می‌تواند به اوج ترقی برساند و بر عکس به ورطه سقوط بیناندازد موضوع اقتصاد می‌باشد. هر مملکتی که ملت آن بتوانند از منابع زیرزمینی بهره بردارند و زمینهای بایر را آباد کنند روز به روز به اوج عظمت خواهند رسید. عقاید زیاد در این باره برای پیشرفت اقتصاد گفته‌اند لیکن از دانشمندان آلمانی به نام فیدل اوکس می‌گوید هر کسی به اندازه استعدادش و کارش. یعنی چه یعنی اینکه دولتی ملی زمینها را بین زارعین تقسیم می‌کند و به هر کدام ۱۰ هکتار زمین می‌دهد هر کسی به اندازه استعدادش از این زمینها بهره خواهد برداشت. یکی شب و روز کار می‌کند زمین را یک متر شخم می‌زند و بذر خوب می‌پاشد خوب آب می‌دهد با آفات نباتی مبارزه می‌کند. ساعی و کوشا است استفاده می‌کند و کارش روز به روز خوب می‌شود و دیگری همان ۱۰ هکتار زمین را دارد در خانه می‌خوابد و می‌گوید ملک خدا مال خود خدا است چرا من این را آباد کنم و نتیجه‌اش را کسی دیگر ببرد و دست به سیاه و سفید نمی‌زند بالنتیجه هیچ عایدش نمی‌شود به زمین و زمان فحش می‌گوید این است که می‌گویند هر کسی به اندازه کار و استعدادش یعنی اولی که کار کرد مزد می‌برد و دومی انگل اجتماع می‌گردد. حکومت ملی با این روش مخالف است و می‌گوید زمین را که حکومت ملی در اختیار تان گذاشت باید کار کنید تا استفاده‌اش را ببرید و عقیده فرانسویابو که در زمان انقلاب کبیر فرانسه می‌زیسته است چنین است که هر دولت و فردی به اندازه استعداد و کارش باید بهره بردارند یعنی همان عقیده دانشمند آلمانی است. حزب ما با چنین مسالکی



سال ۱۳۲۰ به دنبال تأسیس حزب پان ایرانیست که به قول او ناسیونالیسم ایرانی است بود. ساواک طی گزارش مورخه ۴۷/۹/۱۰ در این خصوص آورده است: «در ساعت ۱۷۰۰ روز ۴۷/۹/۱۰ آقای محسن پزشکیور در جلسه حزب پان ایرانیست اصفهان شرکت نمود... سپس پزشکیور درباره نهضت پان ایرانیست و سیاست مستقل ملی ایران به رهبری شاهنشاه... به تفصیل صحبت نمود... پان ایرانیسم، احساسات وطن پرستی و شاه دوستی در همه ما به نحوی بارز یافت می‌شود...»

سیاست مستقل ملی که پزشکیور درباره آن صحبت می‌کرد در واقع اشاره به تغییر روش استعمار از انتقال قدرت از انگلیس به آمریکا بود. در گزارش مورخه ۴۶/۱۰/۴ ساواک چنین آورده است: «کنسول آمریکا در خرمشهر ساعت ۹۰۰ روز ۴۶/۹/۲۸ تقاضای ملاقات اینجناب [رئیس ساواک خوزستان] را نمود در دفتر کار اینجناب حضور یافت... و سؤالاتی به شرح زیر مطرح نمود... تصور می‌کنم بعد از انتخاب محسن پزشکیور نمایندگی مجلس شورای ملی قدرت حزب پان ایرانیست در خوزستان بیشتر شده و تعداد اعضای آن حزب نیز دو برابر شده است.

چرا محسن پزشکیور به خرمشهر نمی‌آید؟ - از مطالب روزنامه چنین استنباط می‌شود که محسن پزشکیور معرفیت خاصی پیدا نکرده است.

پزشکیور در زمان انقلاب

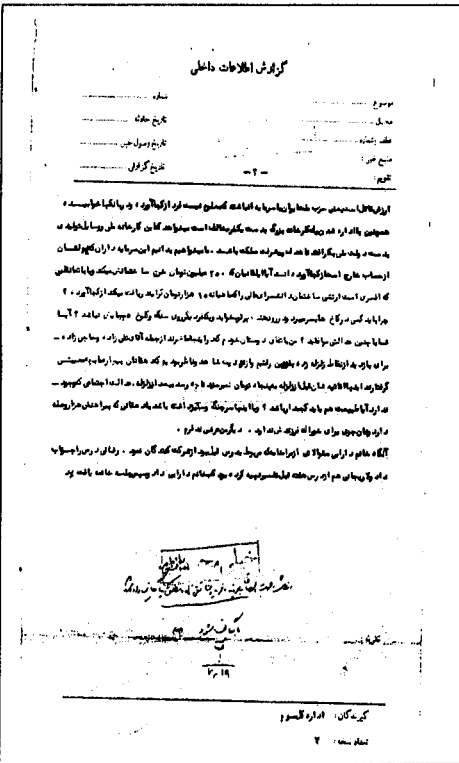
دست به سیاه و سفید نمی‌زند بالنتیجه هیچ عایدش نمی‌شود به زمین و زمان فحش می‌گوید این است که می‌گویند هر کسی به اندازه کار و استعدادش یعنی اولی که کار کرد مزد می‌برد و دومی انگل اجتماع می‌گردد. حکومت ملی با این روش مخالف است و می‌گوید زمین را که حکومت ملی در اختیار تان گذاشت باید کار کنید تا استفاده‌اش را ببرید و عقیده فرانسویابو که در زمان انقلاب کبیر فرانسه می‌زیسته است چنین است که هر دولت و فردی به اندازه استعداد و کارش باید بهره بردارند یعنی همان عقیده دانشمند آلمانی است. حزب ما با چنین مسالکی

اسلامی سود جستن از فضای باز سیاسی شاه - که به گروه‌ها و افرادی که نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و رکن سلطنت را باور داشتند - اجازه تلاشهای تازه‌ای می‌داد، آنها همه انتقادات را متوجه اشخاص رده سوم و چهارم رژیم شاه کرده بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ایران خارج شد و پس از چند سال اقامت در خارج از کشور با مراجعه مکرر به مسئولان برون مرزی تقاضای بازگشت کرد و در سال ۱۳۷۰ به ایران بازگشت و در حال حاضر نیز در ایران اقامت دارد.

۲- حزب توده در اوایل مهر ماه ۱۳۲۰، با فراخوان عناصر کمونیست و وابسته به استخبار شرق (شوروی سابق)، از جمله سلیمان محسن اسکندری، آغاز به کار کرد. جلسه اول، در بالاخانه منزل اسکندری - که در خیابان ژاله بود - تشکیل گردید. در جلسه مذکور، احسان طبری، رضا روستا، عباس اسکندری، ایرج اسکندری، نورالدین الموتی، عز‌الملک اردلان، فریدون کشاورز... حضور داشتند. هنگام آغاز فعالیت حزب توده، سلیمان محسن اسکندری البته بدون داشتن عنوان دبیر کلی - زیرا چنین عنوانی در آئین نامه حزب نبود - در حزب «حق امضا» داشت، و عملاً رهبر حزب توده به شمار می‌آمد.

پس از مرگ، او ظاهر آیرج اسکندری، حق امضا داشت. پس از کشته اول نورالدین الموتی، حق امضا داشت، ولی احدی او را به عنوان رهبر حزب نمی‌شناخت. در کنگره دوم حزب، اسانامه‌ای به

موافق می‌باشد و آرزویش چنین است ولی در کمونیست می‌گویند هر کس به اندازه استعدادش و احتیاجش یعنی اینکه هر کسی به اندازه قدرت و توانائیش کار کند و در عوض هر چقدر احتیاج دارد ببرد و زاید بر احتیاجش را نبرد مثلاً اگر یک نفر شب و روز تلاش کند کار و کوشش کند احتیاجش مبلغ کمی است همان اندک را ببرد در عوض یکی قدرت توانائیش کم و از نظر کار و کوشش سفر [صفر] ولی احتیاجش مبلغ گزافی است همان را ببرد. ما با چنین عقاید و عدالت مخالفیم ولی در مملکت ما اقتصاد استوار نیست نه اولی و نه دومی بلکه زورگویی



است. دهقانان بیچاره باید شب و روز کار و فعالیت کنند استفاده‌اش را اربابان ببرند دهقان شخم می‌زند. کار می‌کند. دلیستگی برای زمینی که ارباب به او داده به خرج می‌دهد در خاتمه موقع محصول باید آن را تمام و کمال به مالک بدهد اگر ارباب دلش خواست پنج یک یا شش یک از محصول را به دهقان بپردازد و این محصول کفاف یک فصل دهقان را نمی‌کند و مجبور است از مالک محصول قرض کند از درآمد سال

آینده‌اش مازاد بر سودش مالک از او کم بگذارد مثلاً ۱۰۰ من گندم ارباب به او قرض می‌دهد سال آینده از آن پنج یک یا شش یکی که قرار است بابت کشت به دهقانش بدهد بجای ۱۰۰ من ۱۲۰ من برمی‌دارد ۲۰ من برای سودش و بعد از چند سال که نمی‌تواند این قرضهای هنگفت را بپردازد ارباب او را مجبور به واگذاری جگر گوشگان خود می‌کند و آن بچه‌های خود را که هنوز به سن طفولیت نرسیده در اختیار اربابان می‌گذارند و آن بیرحمها مثل بردگان دوره قبل از اسلام با آنها رفتار می‌کنند چرا کشوری که به قول همه دنیا اگر یک سوم از خاک

آنها اختصاص به کشت و زرع دهند بیش از دویست میلیون نفر می‌توانند به آسانی در آن زندگی کنند. باید اینطور باشد اگر دولت ملی روی کار آید ایران بازار اقتصاد جهان خواهد شد. مصرف نیمی از مردم جهان در این سرزمین نهفته است باید دولت ملی روی کار آید معادن را استخراج نماید. به کشت و زرع بپردازد. تقسیم زمین بین دهقانان طبق اصول معینی و مشخصی صورت گیرد نه مثل تقسیم اراضی دولت کودتا باید زمین را با آب و شخم و بذر به دهقان داد و عقاید فرانسوبابو و فیدل ارکسر را از آنها انتظار داشت یعنی هر کس به اندازه استعدادش و به اندازه کارش منفعت ببرد. در بدو امر دولت به ترتیب آب و شخم و بذرش را بدهد که دهقان دیگر نتواند از دست زمین و زمان بنالد آنوقت که دیگر اعتراضی نداشت خودش می‌فهمد که باید کار کند برای آزادی خود و خانواده‌اش و برای آبادی و وطنش. بند ۱۱ و ۱۲ مرامنامه می‌گوید حزب ملت ایران برای همه مردم حق خواستن را می‌پذیرد و سپردن وسیله تولید به کارگران و زمین به کشاورزان وظیفه دولت می‌داند. بند ۱۲ می‌گوید مالکیت خصوصی که به وسائل زندگی خانوادگی و ابزار تولیدی فردی است می‌پذیرد و ثروتی را که خود شخص به دست می‌آورد برایش ارزش قائل است. یعنی حزب ملت ایران با سرمایه انباشته که معلوم نیست فرد از کجا آورده و در بانکها خوابیده همچنین با اداره شدن یک کارخانه بزرگ به دست یک نفر مخالف است می‌خواهد که این کارخانه ملی و وسایل تولیدی به دست دولت ملی به کار افتد تا هدف پیشرفت مملکت باشد. ما می‌خواهیم بدانیم این سرمایه داران که پولشان از حساب خارج است از کجا آورده‌اند آیا ایلقانیان که ۲۵۰ میلیون تومان خرج ساختمان‌ش می‌کند و یا باتماقلیچ که افسری است ارتشی ساختمان دانشسرای عالی را که ماهیانه ۶۵ هزار تومان کرایه دریافت می‌کند از کجا آورده؟ چرا باید کسی در کاخ‌ها بسر می‌برد و در روی تشک پر قو بخوابد و یک نفر دیگر روی سنگ و کلوخ هم جایش نباشد؟ آیا شما با چنین عدالتی موافقت می‌کنید؟ من به اتفاق دوستان خودم که در اینجا حاضرند از جمله آقای تقی‌زاده و حاجی‌زاده برای بازدید از نقاط زلزله زده به قزوین رفتیم و از نزدیک شاهد و ناظر بودیم که دهقانان بیچاره ما به چه مصیبتی گرفتارند اینها اثاثیه‌شان قبل از زلزله به پنجاه تومان نمی‌رسید تا چه رسد به بعد از زلزله. عدالت اجتماعی که وجود ندارد آیا طبیعت هم باید کجمدار باشد؟ و با اینها سر جنگ و ستیز داشته باشد با دهقانی که پیراهنش هزار وصله دارد و نان جوی برای خوراک فرزندش ندارد. دیگر من عرضی ندارم.

تصویب رسید که کنگره دوم تا پلنوم چهاردهم (یعنی مدت ۲۰ سال)، رادمنش، در خارجه دبیر کل بود. بعد از خلع رادمنش، ایرج اسکندری، به آرزوی قدیمی خود یعنی دبیر اول شدن نائل آمد (از پلنوم چهاردهم تا شانزدهم). پلنوم شانزدهم، کیانوری را به دبیر اولی انتخاب کرد و او، تا انحلال حزب توده، در این سمت باقی ماند. همکاری حزب توده با مصطفی فاتح، رئیس شرکت انگلیسی نفت، در روزنامه مردم در سال ۱۳۲۰، پس از سقوط رضا شاه، و پس از اشغال ایران توسط شوروی و انگلیس، شروع شد. تصمیم همکاری را، دولتهای شوروی و انگلیس، در اوآن ورود ارتش‌های خود به ایران گرفته بودند و اجرای این تصمیم را، شوروی، به حزب توده ابلاغ کرد و از جانب انگلستان، به مصطفی فاتح مراجعه شد. نتیجه منفی این عمل، خیلی زود آشکار شد. زیرا دیدن همکاری چاکران امپریالیسم انگلیس و نوکران فراماسون با کمونیستها - که دعوی بررسی «و» انقلابی بودن داشتند - بیش از اندازه در نظر مردم عجیب بود. حیات حزب توده را، می‌توان به ۸ دوره تقسیم نمود. دوره اول، زندگی حزب توده از تأسیس تا پیدایش فرقه دمکرات (یعنی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴). حزب توده، در دوران ابتدائی حیات خود، با به پای دیپلماسی شوروی پیش می‌رفت. بدین ترتیب، دوره اول زندگی حزب، دوران زایش و رشد تدریجی آن بود و در همین چهار سال، چهره وابسته آن، مشخص شد و معلوم شد که این حزب، ابزار قابل

آنگاه خانم دارابی سؤالاتی از مرامنامه که مربوط به درس قبل بود از شرکت کنندگان نمود. رضائی درس را جواب داد و لاریجانی هم از درس هفته قبل تفسیر تهیه کرده بود که به خانم دارابی داد و سپس جلسه خاتمه یافت. بایگانی شود. ۷/۱۹

رونوشت جهت الصاق به پرونده فریدون تقی‌زاده مطلق و نصرالله جمشیدی به بایگانی داده شد. شرکت وزیرانش در کابینه دوم قوام، خاتمه یافت.

(از آذر ۱۳۲۴ تا تابستان ۱۳۲۶). دوره سوم زندگی حزب توده، از آذر ۱۳۲۶ تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، یعنی تاریخ قصد جان کردن محمدرضا پهلوی، ممتد است. در این زمان، دوران «طلاتی» است و «هورائی» حزب پایان یافت و دوره حسیض و شکست آن، فرا رسید. دوره چهارم، از اعلام غیرقانونی شدن حزب تا رد قرارداد الحاقی نفت (قرارداد گس - گلشانیان) یعنی از بهمن ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ می‌باشد. دوره پنجم، از سال ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که در این دوره، حزب توده، به دو علت، توسعه یافت. علت اول آن است که سرنوشت دولت و مجلس به دست دکتر محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی بسرد و یک فضای نسبتاً باز اجتماعی وجود داشت. لذا حزب به تأسیس اتحادیه‌های کارگری، سازمان جوانان دمکرات، تشکیلات دمکراتیک زنان... به صورت علنی اقدام کرد. علت دوم، اوج جریان نهضت مردم، در راه ملی کردن صنعت نفت، در سراسر ایران بود که شکارچیان حزب، فرصت صیادی خوبی به دست آوردند هر چند نتوانستند از آن به خوبی استفاده کنند. دوره ششم، از کودتای ۲۸ مرداد تا کشف سازمان نظامی حزب و متعاقب آن، فروپاشی تلاش‌ها

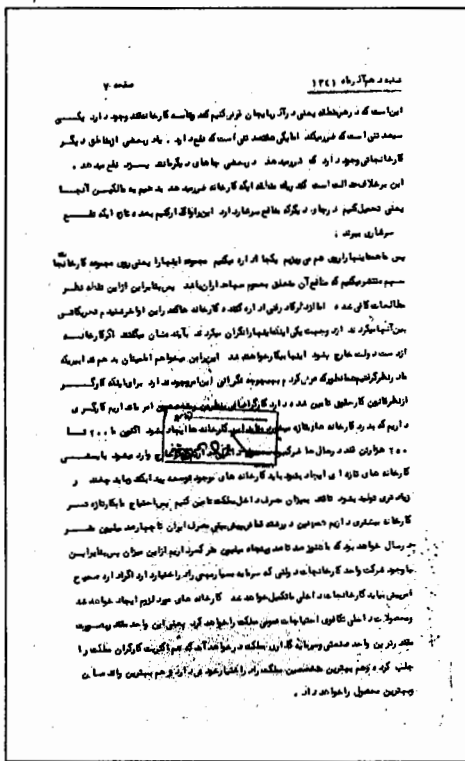
[تاریخ]: شنبه دهم آذرماه ۱۳۴۱

این است که در هر منطقه یعنی در آذربایجان فرض کنیم که دو تا سه کارخانه قند وجود دارد یکی سیصد تنی است که ضرر می‌کند اما یکی هفتصد تنی است که نفع دارد. یا در بعضی از مناطق دیگر کارخانجاتی وجود دارد که ضرر می‌دهد در بعضی جاهای دیگر مانند یزد نفع می‌دهد.

این برخلاف عدالت است که در یک منطقه‌ای که کارخانه ضرر می‌دهد بدهیم به

مالکین آنجا یعنی تحمیل کنیم در جای دیگر که منافع سرشار دارد این را واگذار کنیم به عده تازهای که نفع سرشاری ببرند.

پس ما همه اینها را روی هم می‌ریزیم یک جا اداره می‌کنیم مجموعه اینها را یعنی روی مجموعه کارخانجات سهم منتشر می‌کنیم که منافع آنها متعلق به عموم سهامداران باشد پس بنابراین از این نقطه نظر مطالعات کافی شده اما از نظر کادر فنی اداره کننده کارخانه‌ها که در این اواخر



تمام سازمانهای علنی و مخفی حزب یعنی تا سال ۱۳۳۴ ادامه داشت. دوره هفتم، فصل نهایی و حالتی بدتر از احتضار برای تنه حزبی بود که در حال تجزیه بود. دوره هشتم، زمان انهدام نهایی حزب توده، از آغاز سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ می‌باشد. در این زمان، کیانوری، زمام حزب را به دست داشت و با اطلاعاتی که از منابع شوروی و محافل سازمان مخفی «نویده» به دست می‌آورد، سمت و سوی حوادث را به خوبی حدس می‌زد. کیانوری - که در مکتب لنینیسم عقلی، درسهای خود را خوب آموخته بود - با در آمیختن کار مخفی با کار علنی، فرصت طلبانه برای ربودن پیروزی از چنگ فاتح - که جزو مرام اصلی حزب توده نیز بود - در ظاهر خود را حامی خط امام نشان می‌داد. ولی در باطن با خائنانی مانند ناخدا افضلی و سرهنگ عطاران و سرهنگ کیبیری و سرهنگ آذرفسر و دیگران، همکاری داشت و همکاری پرجوش جاسوس را به سود شوروی رهبری می‌کرد و تسدarak سرنگونی جمهوری اسلامی را می‌دید که با افشای ماهیت واقعی‌اش در سال ۱۳۶۱، عناصر وابسته به او دستگیر و حزب به طور کامل، منحل و از صفحه روزگار محو شد. (اسناد ساواک، پسروده موضوعی حزب توده)

حاضر کمبود محصول داخلی داریم که از خارج وارد می‌شود بایستی کارخانه‌های تازه‌ای ایجاد بشود باید کارخانه‌های موجود توسعه پیدا بکند و باید چغندر زیادتری تولید بشود تا قند به میزان مصرف داخل مملکت تأمین کنیم پس احتیاج ما به کار تازه‌تر کارخانه بیشتری داریم همچنین در رشته قماش پیش‌بینی مصرف ایران تا چهار صد میلیون متر در سال خواهد بود که ما هنوز صد تا صد و پنجاه میلیون متر کسر داریم از این میزان پس بنابراین با وجود شرکت واحد کارخانجات دولتی که سرمایه بسیار مهمی را در اختیار دارد اگر اداره صحیح امر پیش بیاید کارخانجات داخلی ما تکمیل خواهد شد. کارخانه‌های مورد لزوم ایجاد خواهد شد و محصولات داخلی تکافوی احتیاجات عمومی مملکت را خواهد کرد. یعنی این واحد مقتدر به صورت مقتدرترین واحد صنعتی و سرمایه‌گذاری مملکت در خواهد آمد که هم اکثریت کارگران مملکت را جلب کرده و هم بهترین متخصصین مملکت را در اختیار خودش دارد و هم بهترین راندمان و بهترین محصول را خواهد داد.

آقای تقی زاده پدر مشروطیت!!!

کجا تشریف می برید

یاللعجب بهره دلالت بر وجود بعیر و نعره علامت بر وجود شیر است

آیا این جناب عفریت جهل است یا الهه نجات؟

روزی نظیر این مرد را مادر دهر در خیانت نژائیده بود و امروز این مرد پدر مشروطیت و یکی از فرشتگان نجات به حساب آمده.

ولی باید کدام یک از این دو عنوان را قبول کرد آنرا یا این را مسلماً پاسخ این سوالات را عناصر...

۴۱/۱۰/۲

به پرونده حسن تقی زاده ضمیمه و

بایگانی شود. ۴۱/۱۰/۲۹



شماره: ۳۰۰-۱۳۶۳/ن

موضوع: سردار فاخر حکمت

تاریخ: ۴۲/۱۲/۸۱

۱- ایوب خان

بدنبال منزلت شدن اوضاع پاکستان در دوره اسکندر میرزا در سال ۱۹۵۸، وی مجبور به استعفاء شد و حکومت را بدست ژنرال ایوب خان سپرد و وی نیز حکومت نظامی در کشور برقرار نمود. ژنرال ایوب خان در پی ناآرامی‌های وسیع سیاسی در سال ۱۹۶۹ استعفاء داد. ایوب خان در تاریخ ۱۳۳۸ شمسی برای دیدار و مذاکره با شاه به ایران سفر کرد.

۲- گیتاشناسی کشورهای جهان

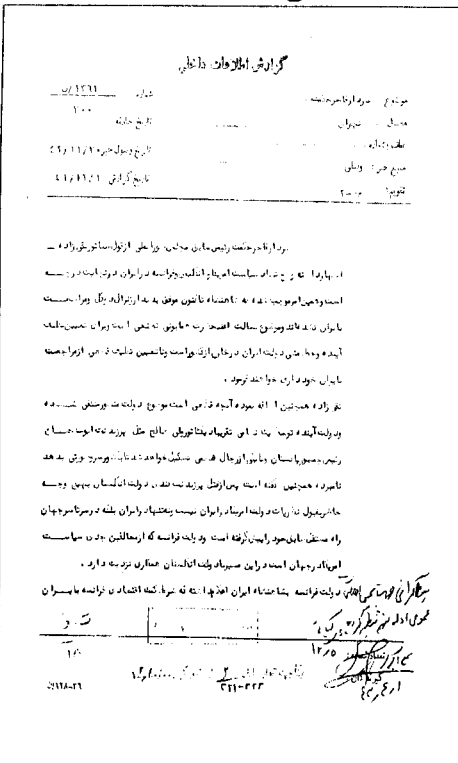
۳- جان کندی

فرزند جوزف کندی که در سال ۱۹۱۷ میلادی در شهر بوستن ایالت ماساچوست به دنیا آمد. پدرش یک بانکدار ثروتمند آمریکائی بود که همواره جهت انتخابات ریاست جمهوری کمک مالی به حزب دمکرات می‌کرد و او در سال ۱۹۴۰ از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شد و دو ماه پیش از حمله ژاپن به پول هاربر وارد نیروی دریائی امریکا شد و در حادثه‌ای که در نزدیکی جزایر سوهارن رخ داد موفق شد خودش را نجات دهد. پس از جنگ سه دوره نماینده کنگره امریکا بود. در انتخابات ریاست جمهوری با ریچارد نیکسون به رقابت پرداخت و با اختلاف

سردار فاخر حکمت رئیس سابق مجلس شورای ملی از قول سناتور تقی‌زاده اظهار داشته وضع تضاد سیاست آمریکا و انگلیس و فرانسه در ایران در نهایت درجه است و همین امر موجب شده که شاهنشاه تاکنون موفق به دیدار ژنرال دوگل و مراجعت به ایران نشده‌اند و موضوع کسالت اعلیحضرت همایونی

تصنعی است و برای تعیین تکلیف آینده و خط مشی دولت ایران در خارج از کشور است و تعیین تکلیف قطعی از مراجعت به ایران خودداری خواهند فرمود.

تقی‌زاده همچنین اضافه نموده آنچه قطعی است موضوع دولت منصور منتفی شده و دولت آینده توسط یک نظامی تقریباً دیکتاتور ولی صالح مثل پرزیدنت ایوب خان^۱ رئیس جمهور پاکستان و با یکی از رجال قدیمی تشکیل خواهد شد تا



به کشور سر و صورتی بدهد نامبرده همچنین گفته است پس از قتل پرزیدنت کندی^۲ دولت انگلستان به هیچ وجه حاضر به قبول نظریات دولت آمریکا در ایران نیست و نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان راه مستقل سابق خود را پیش گرفته است و دولت فرانسه که از مخالفین جدی سیاست امریکا در جهان است در این مسیر با دولت انگلستان همکاری نزدیک دارد.
 دولت فرانسه به شاهنشاه ایران اعلام داشته که شرط کمک اقتصادی فرانسه به ایران این است که دولت ایران خود را از تحت سلطه دولت آمریکا کنار بکشد و

جزئی او را شکست داد و به عنوان اولین رئیس جمهور از میان کاتولیک‌ها و در عین حال جوانترین آنان به عنوان سی و پنجمین رئیس جمهور امریکا در سال ۱۹۶۰ برگزیده شد. جاسون را به معاونت خود برگزید او به مدد دستگاههای تبلیغاتی امریکا محبوبترین رئیس جمهور امریکا درآمد.

نخست وزیر ایران کسی باشد که مورد اعتماد دولت فرانسه باشد و به منظور دولت انگلستان حاضر نیست دیگر میدانی به طرفداران دولت آمریکا در ایران بدهد. بدین جهت شاهنشاه منتظر رفع بحران و توافق با ژنرال دوگل هستند تا بتوانند به فرانسه رفته و با دوگل ملاقات نمایند تقی زاده ضمن سخنان خود اظهار داشته در حال حاضر به هیچ وجه نمی توان وضع آینده ایران را پیش بینی کرد زیرا دولتین آمریکا و انگلیس و فرانسه و شوروی در خفا بزرگترین فعالیت را شروع کرده اند و آمریکا در یک جهت و سایرین در جهت دیگر می باشند.

و سیاستهایی را در پیش گرفت که از نظر تجاوزگری نسبت به سیاست جمهوری خواهان که مورد انتقاد حزب او بود بدتر بود. سیاستهای او آمریکا را سالها در باتلاق جنگ ویتنام فرو برد اما در بحران موشکی کوبا که در زمان خروش چف که رویارویی دو ابر قدرت آمریکا و شوروی بود، باعث موفقیت آمریکا شد. سیاست کندی در ایران بر این بود که نخنگان جدید را وارد حکومت کند به همین دلیل با آشنائی که از امینی داشت از نسخت و زیری او حمایت کرد و با فشار زیاد بر شاه او را به نخست وزیری رساند شاه که می دید اوضاع از کنترلش خارج می شود اردشیر زاهدی را به آمریکا فرستاد تا نظر آنها را بخود جلب کند و خود شاه نیز در سال ۱۳۴۱ به آمریکا سفر کرد و قول انجام اصلاحات را بسه کندی داد و پس از بازگشت در ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ پس از موافقت مقامات آمریکا امینی را برکنار و علم را جهت انجام اصلاحات نخست وزیر کرد.

کندی در سال ۱۹۶۳ ضمن یک مسافرت تشریفاتی به شهر دالاس در ایالت تگزاس مورد اصابت گلوله های یک تیرانداز قرار گرفت و کشته شد. غلامرضا علی بابائی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۷۷

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع:
 مکان:
 طبقه بندی:
 منبع خبر:
 تاریخ:

اینست که در ماه ایران خود را گنبد شاه دولت آمریکا و انگلیس و فرانسه و سایرین با نده که مورد اعتماد دولت فرانسه باشد و به منظور دولت انگلستان حاضر نیست دیگر میدانی به طرفداران دولت آمریکا در ایران بدهد. بدین جهت شاهنشاه منتظر رفع بحران و توافق با ژنرال دوگل هستند تا بتوانند به فرانسه رفته و با دوگل ملاقات نمایند تقی زاده ضمن سخنان خود اظهار داشته در حال حاضر به هیچ وجه نمی توان وضع آینده ایران را پیش بینی کرد زیرا دولتین آمریکا و انگلیس و فرانسه و شوروی در خفا بزرگترین فعالیت را شروع کرده اند و آمریکا در یک جهت و سایرین در جهت دیگر می باشند.

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۲/۱
 امضاء:
 تاریخ: ۱۳۴۱/۱۲/۱

نامبرده همچنین ادامه داده حتی پرزیدنت ایوب خان به دولت ایران و سایر اعضا ستو اعلام داشته که در صورت عدم شناسائی چین کمونیست از پیمان ستو کناره گیری خواهد نمود و این اقدام ایوب خان نیز به دستور دولت انگلیس است. در بولتن اخبار ۴۲/۱۲/۱ درج شده است.

در پرونده سناتور سید حسن تقی زاده بایگانی شود. ۲۲/۳
 بیوگرافی جهت بخش اطلاعات عمومی اداره نهم تنظیم گردید.
 علی اکبری آقای کمپانی ۱۲/۵

۴۳/۴/۱


شماره: ۲۶۳۴

تاریخ: ۴۳/۲/۲۲

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی
فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتخاب جناب آقای سید حسن
تقی زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ به انضمام خلاصه پیشینه خدمت
نامبرده برای تقدیم به پیشگاه مبارک ملوکانه تلو آ ارسال می گردد.

نخست وزیر

توشیح فرمود ۴۳/۲/۲۴



نخست وزیر

تاریخ ۴۳/۲/۲۲

شماره ۲۶۳۴

پیوست

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتخاب جناب آقای سید حسن تقی زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ به انضمام خلاصه پیشینه خدمت نامبرده برای تقدیم به پیشگاه مبارک ملوکانه تلو آ ارسال میگردد.

نخست وزیر

توقی زاده

۴۳/۲/۲۴

شماره: ۱۵۵۵

تاریخ: ۴۳/۲/۲۸

جناب آقای نخست‌وزیر

تصویب فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن

تقی‌زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ

بدینوسیله در پاسخ شماره ۲۶۳۴ مورخ ۴۳/۲/۲۲ اعلام می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

شماره ثبت	شماره کتاب
یوست	جزوه دان
فهرست کنونی کتاب	پرودا
تاریخ	تاریخ

جناب آقای نخست‌وزیر
 تصویب فهرست عرض وزارت فرهنگ مبنی بر انتصاب
 سید حسن تقی‌زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ
 بدینوسیله در پاسخ شماره ۲۶۳۴ مورخ ۴۳/۲/۲۲
 اعلام می‌گردد.
 رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی


شماره: ۸۸۷۲

تاریخ: ۴۳/۶/۱۱

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی
عطف به نامه شماره ۱۵۵۵ مورخ ۴۳/۲/۲۸ فرمان انتصاب جناب آقای
سید حسن تقی زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ برای توشیح به صحنه
مبارک ملوکانه تلوا ارسال می گردد.

نخست وزیر

توشیح فرمود ۴۳/۶/۱۴


 تاریخ: ۴۳/۶/۱۴
 شماره: ۸۸۷۲
 پست: اول
 نخست وزیر

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی
 عطف بناه شماره ۱۵۵۵ مورخ ۴۳/۲/۲۸
 فرمان انتصاب جناب آقای سید حسن تقی زاده
 به عضویت شورای عالی فرهنگ برای توشیح به صحنه
 مبارک ملوکانه تلوا ارسال میگردد -
 نخست وزیر

توشیح فرمود
 ۴۳/۶/۱۴

شماره: ۱۵۵۶

تاریخ: ۴۳/۶/۱۸

۱- حسنعلی منصور

حسنعلی منصور فرزند رجیعی
(منصورالملک) در سال ۱۳۰۲
شمسی در تهران متولد شد.
پدرش از اعضای اولیه لژی
بیداری ایرانیان بود که در
دوران رضاشاه سالیان مدید

مشاغل حساسی را عهده‌دار بود
و در آخرین ماههای سلطنت او
به صدارت رسید و در دوران
محمد رضا شاه پهلوی نیز مجدداً
در رأس دولت قرار گرفت.

منصور، پس از گذراندن
تحصیلات ابتدایی و متوسطه در
مدرسه فیروز بهرام تهران،
تحصیلات خود را در رشته

حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد
در فرانسه به پایان برد. او یک
بار به جرم قاچاق مواد مخدر
تحت تعقیب پلیس فرانسه قرار

گرفت و موضوع در مطبوعات
ایران منعکس گردید. خدمات
دولتی را با اندیکاتورنویسی
در وزارت خارجه آغاز و سپس

در اکثر ادارات سیاسی
وزارتخانه مشغول کار شد. در
سال ۱۳۲۹ به ریاست کل دفتر
نخست‌وزیری و پس از آن در
سال ۱۳۳۶ در زمان حکومت

اقبال به سمت قائم‌مقام دبیرکل
شورای عالی اقتصاد منصوب
گردید. وی در سال ۱۳۳۷ به
معاونت نخست‌وزیر و دبیرکلی
شورای عالی اقتصاد رسید.

ساواک در تاریخ
۱۳۳۷/۴/۱۹ بیوگرافی او را
چنین ثبت کرده است: «... لیاقت
و شایستگی ندارد، حتی به علت
ترقی بی‌جهتی که نموده (به
علت نفوذ پدرش و اینکه دکتر

اقبال به پدر او مدیون بود، او را
به این سمت منصوب کرد) مورد
تفرقاطبه جوانان قرار گرفت.»
در سال ۱۳۳۸ مدتی وزیر

با تأییدات خداوند متعال

ما

محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به استدعای جناب دکتر عبدالعلی جهانشاهی وزیر فرهنگ که به وسیله
جناب حسنعلی منصور^۱ نخست‌وزیر معروض افتاده است به موجب این فرمان

جناب سید حسن تقی‌زاده را
به عضویت شورای عالی
فرهنگ منصوب فرمودیم.

به تاریخ

شماره قفس	شماره کتاب	۱۵۵۶
پوست	جزوه دان	۹
فهرآگزیس‌کننده	نظاره	
تاریخ: ۱۸/۶/۴۳		تاریخ: ۱۸/۶/۴۳

با تأییدات خداوند متعال

محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

تأییدات این جناب در ترتیب العمل جهانشاهی وزیر فرهنگ نه
بر میانه جناب حسنعلی منصور^۱ به وزیر فرهنگ است
پس از این قرار دادی سرگرسن قرار دادی راه معیشت
شورای عالی فرهنگ منصوب فرمودیم.

تاریخ

کار و سپس وزیر بازرگانی شد. او در سال ۱۳۴۰ «کانون مترقی» را تشکیل داد و خود ریاست آن را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۴۱ به سمت مدیرعامل شرکت بیمه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۲ در رأس یک گروه ۴۲ نفری از اعضای کانون مترقی به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در همان سال «حزب ایران نوین» را تأسیس کرد. در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ به دستور شاه به نخست‌وزیری ایران منصوب شد. منصور از مهره‌هایی بود که توسط انگلیسی‌ها به آمریکا معرفی گردید و بنابراین حمایت هر دو قدرت را پشت سر داشت و در

واقع روی کار آمدن او توسط «جانسون» رئیس جمهور وقت آمریکا و سازمان «سیا» صورت گرفت. او در دوره نخست‌وزیری خود اقدام به تصویب لایحه کسایتولاسیون در اعطای مسصونیت به مستشاران آمریکایی نمود و در پی اعتراض شدید و سخنان کوبنده حضرت امام خمینی (سلام‌الله‌علیه) در تشریح کسایتولاسیون، در آبان سال ۱۳۴۳ مبادرت به تبعید ایشان به ترکیه کرد. بر اساس گزارشات ساواک، وی از اعضای «ژ پهلوی» و «باشگاه بین‌المللی لاینز» بود. سرانجام حسنعلی منصور در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ در جلوی مجلس شورای

ملی به ضرب گلوله محمد بخارایی عضو هیأت مؤتلفه اسلامی ترور شد و در پنجم بهمن همان سال در بیمارستان درگذشت.

ر.ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید اندرزگو، صص ۴-۲

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۳۵۵، ۳۵۶

علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، صص ۲۳۳، ۲۳۴

اطلاعات هفتگی، شماره ۲۳۹۱، صص ۲۳۳، ۲۳۴

مجله خواندنیها، آبان ۱۳۴۳

شماره: ۶۶۶۴

تاریخ: ۴۳/۶/۱۹

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به نامه شماره ۸۸۷۲ مورخ ۴۳/۶/۱۱ فرمان انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به عضویت شورای عالی فرهنگ که به صحنه مبارک ملوکانه توشیح گردیده است... ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

شماره قفسه	شماره کتاب
شماره ثبت	جرزه خان
نامها کنوس کنند	پرونده
اداره	تاریخ

تاریخ: ۱۹/۶/۴۳

شماره: ۸۸۷۲

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

سید حسن تقی‌زاده

عضویت شورای عالی فرهنگ

ارسال می‌گردد

۱۹/۶/۴۳

شماره: ۳۱۲/۶۱۷۴

تاریخ: ۴۳/۷/۲۵

۱- احمد متین‌دفتری فرزند متین‌الدوله در بهمن ماه ۱۲۷۵ در تهران متولد شد بعد از انجام تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه جدیدالتاسیس آلمانی شد که به خرج دولتی ایران و آلمان اداره می‌شد. سپس وارد مدرسه علوم سیاسی و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۲۹۴ به استخدام وزارت خارجه درآمد و ضمن کار در وزارت خارجه وارد مدرسه عالی حقوق شد و در سال ۱۳۰۰ فارغ‌التحصیل گردید. زمانی که داور وزیر عدلیه شد، متین‌دفتری را به وزارت عدلیه برد و او کار ترجمه قوانین کشورهای اروپایی را انجام داد و به پاداش این خدمت جهت انجام مأموریتی از طرف دولت به دفتر جامعه ملل در ژنو رفت و ضمن خدمت دکترای خود را اخذ کرد. در سال ۱۳۱۰ به معاونت وزارت عدلیه معرفی شد. در همین زمان تیمورتاش وزیر دربار مقضوب رضا شاه شد و متین‌دفتری او را محاکمه کرد و رضایت رضا شاه را جلب کرد. در مهر ماه ۱۳۱۵ در کابینه محمود جم به وزارت دادگستری رسید و قریب سه سال تا احراز مقام نخست‌وزیری این سمت را به عهده داشت. از وقایع مهم این دوره وزارت او دستگیری و محاکمه ۵۳ نفر حزب کمونیست بود. در ۱۳ آبان ۱۳۱۸ با حکم رضاشاه احمد متین‌دفتری به نخست‌وزیری می‌رسد که همزمان بود با اوج قدرت نازیها در آلمان، به دستور رضا شاه در ایران یک کابینه جوان روی کار آمد و وظیفه این دولت نزدیک شدن به آلمان بود و عملاً

موضوع: جلسه منزل سناتور دکتر احمد متین‌دفتری^۱

در ساعت ۱۰۱۵ صبح روز جمعه ۴۳/۷/۲۴ جلسه منزل سناتور دکتر احمد متین‌دفتری با شرکت در حدود پانزده نفر از طبقات مختلف از جمله تابش (قاضی بازنشسته) سرهنگ شهربانی حاتمی - حاتمی (رئیس سابق فرهنگ ورامین) - بهزادی (قاضی دادگستری) صفانیا (مدیر کل شهرداری) - دکتر عباس ریاضی و دکتر بوذری^۲ (مدیر کل وزارت دارائی) تشکیل گردید.

کسور این اطلاعات را اعلی
موضوع: جلسه منزل سناتور گرامد ضین نفی
محل: تهران
تاریخ: ۲۳/۷/۲۴
تاریخ وصول: ۲۳/۷/۲۴
تاریخ گزارش: ۲۳/۷/۲۵

تاریخ: ۳۱/۱۱/۱۳۱۴

در ساعت ۱۰۱۵ صبح روز جمعه ۴۳/۷/۲۴ جلسه منزل سناتور گرامد ضین نفی با شرکت در حدود پانزده نفر از طبقات مختلف از جمله تابش (قاضی بازنشسته) - سرهنگ شهربانی حاتمی - حاتمی (رئیس سابق فرهنگ ورامین) - بهزادی (قاضی دادگستری) صفانیا (مدیر کل شهرداری) - دکتر عباس ریاضی و دکتر بوذری تشکیل گردید.

ابتدا دکتر احمد ضین نفی خطاب به یکی از حضار که گفته می‌شد از اعضای دادگستری است می‌گفت مطالبی که در مورد بیوگرافی اشخاص تهیه کرده‌اید بسیار جامع و بی‌طرفانه نوشته شده و شخص مورد خطاب اظهار داشت در نظر دارم به زودی بیوگرافی کاملی از سناتور سید حسن تقی‌زاده تهیه کنم.

سپس صفانیا در مورد لایحه جدید استخدام صحبت کرد و گفت کارمندان دولت می‌بایست کوشش نمایند تا وضع استخدام آن طور که در لایحه مزبور پیش بینی شده متزلزل نشود. جلسه مقارن ساعت ۱۱۰۰ پایان یافت.

بررسی گردید یک نسخه به بخش ۳۱۴ و یک نسخه به بخش ۳۲۲ ارسال گردید اقدام دیگری ندارد در پرونده بایگانی شود. احمدی ۴۳/۷/۲۷

رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی ۸/۶

ابتدا دکتر احمد متین‌دفتری خطاب به یکی از حضار که گفته می‌شد از اعضای دادگستری است می‌گفت مطالبی که در مورد بیوگرافی اشخاص تهیه کرده‌اید بسیار جامع و بی‌طرفانه نوشته شده و شخص مورد خطاب اظهار داشت در نظر دارم به زودی بیوگرافی کاملی از سناتور سید حسن تقی‌زاده تهیه کنم.

سپس صفانیا در مورد لایحه جدید استخدام صحبت کرد و گفت کارمندان دولت می‌بایست کوشش نمایند تا وضع استخدام آن طور که در لایحه مزبور پیش بینی شده متزلزل نشود. جلسه مقارن ساعت ۱۱۰۰ پایان یافت.

بررسی گردید یک نسخه به بخش ۳۱۴ و یک نسخه به بخش ۳۲۲ ارسال گردید اقدام دیگری ندارد در پرونده بایگانی شود. احمدی ۴۳/۷/۲۷

رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی ۸/۶

نیز روابط تجاری صنعتی بین ایران و آلمان توسعه یافت و تعداد زیادی از مهندسين و متخصصين آلماني در زمان جنگ دوم به ايران آمدند. انگليسيها اين وضعيت را كاملاً زير نظر داشتند. دوران نخست‌وزيري اوپش از ۸ ماه به طول انجاميد و در اوایل تير ماه ۱۳۱۹ ناگهان مفضوب و از کار برکنار شده که علت این برکناری طراحی یک کودتا با همکاری آلمانيا و حمايت دکتر مصدق (پدر زن و عمويش) بوده است. رضا شاه متوجه این مسائل می‌شود و در شب چهارم تير ماه ۱۳۱۹ متين دفتري را احضار و او را عزل و دستور بازداشت او را صادر می‌کند. آنگاه پس از ۱۵ روز به بيرجند تبعيد گرديد و سپس به منزل خود انتقال یافت و تحت نظر قرار گرفت و فقط به تدریس در دانشگاه مشغول بود. بعد از شهريور ۱۳۲۰ متين دفتري از طرف متفقين بازداشت شد و قریب دو سال ابتدا در

اردوگاه نظامی انگليسيها در اراک و سپس در زندان روسها در رشت محبوس بود بعد از رهائي از زندان و تخليه ايران از نيروهاي متفقين به نمايندگي مجلس پانزدهم انتخاب شد در انتخابات اولين دوره سنا. سناتور انتصابی بود. او در سال ۱۳۵۰ ش در سن ۷۵ سالگی در گذشت.

«بازیگران عصر پهلوی، محمود طلوعی، ج ۱، ص ۲۴۰»

۲- منوچهر بوذری

فرزند ابراهيم، متولد ۱۳۰۹ تهران نامبرده برادرزاده سناتور بوذری بوده است که در سال ۱۹۵۲ جهت ادامه تحصيل به آلمان غربی عزيمت نموده و در سال ۱۹۵۳ در دانشکده پزشکی هسایدلبرگ مشغول تحصيل می‌گردد. وی در همین سال به عضویت سازمان دانشجویان ایرانی در دانشگاه کلن وابسته به حزب توده درآمد و به جهت فعالیت شديد به سمت عضو هیئت دبیران سازمان مزبور انتخاب

می‌گردد.

وی متعاقباً درخواست عضویت رسمی در حزب توده را نموده که با درخواست او مخالفت شده و کماکان به صورت سمپات به فعالیت پرداخته و در سال ۱۹۵۷ در فستیوال مسکو شرکت می‌نماید.

مشارالیه در سال ۱۹۶۲ به اتهام حمل اوراق و نشریات کمونیستی به همراه هوشنگ حمزوی عابدی و ایرج ناظمی در مرز آلمان شرقی دستگیر و از سوی محاکم آلمانغربی به چهار ماه زندان محکوم گردید.

وی بعدها به سازمان انقلابی حزب توده پیوسته و متعاقباً فعالیت‌های سیاسی را کنار گذاشته و خواستار مراجعت به کشور شده است.

(اسناد ساواک - پرونده‌های انفرادی)

تاریخ: ۴۳/۸/۲۱

موضوع: احمد آرامش

طی مذاکراتی که پیش از ظهر روز ۴۳/۸/۱۹ بین احمد آرامش و آبتین به عمل آمده نامبرده در مورد آقایان سناتور تقی‌زاده و بوذری سؤالاتی از آبتین نموده و ایشان اظهار داشته‌اند که تقی‌زاده به شیراز رفته بود و بوذری هم از منزل بیرون رفته و قرار این هفته را به سه‌شنبه آینده موکول نمائیم.

مجلس شورای اسلامی
کمیته اطلاعات داخلی

شماره:	موضوع: احمد آرامش
تاریخ چاپ: ۴۳/۸/۱۹	محل: تهران
تاریخ وصول خبر: ۴۳/۸/۲۰	محل نشر:
تاریخ گزارش: ۴۳/۸/۲۱	منبع خبر: ایفسا
	تعمیر: الف

پی‌اف‌اچ‌اچ که به‌طور غیرمعمول در ۱۹/۸/۴۳ بین احمد آرامش و آبتین به عمل آمده نامبرده در مورد آقایان سناتور تقی‌زاده و بوذری سؤالاتی از آبتین نموده و ایشان اظهار داشته‌اند که تقی‌زاده به شیراز رفته بود و بوذری هم از منزل بیرون رفته و قرار این هفته را به سه‌شنبه آینده موکول نمائیم.

احمد آرامش در پاسخ می‌گوید که او دستور تهیه غذا به کلوب داده به هر وسیله‌ای هست با بوذری تماس حاصل نموده و سه ربع بعد از ظهر در کانون جهانگردی منتظر او باشند که به اتفاق برای صرف نهار به کلوب بروند ضمن این مذاکرات آرامش از آبتین تقاضا می‌نماید که قرارداد وین را هم برای ایشان بیاورد و آبتین قول مثبت می‌دهد.

بررسی گردید. در پرونده سناتور تقی‌زاده بایگانی شود. ۴۳/۸/۲۳

رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی
۴۳/۸/۲۱ - ۳۲۲/۴۶۹۹۲
بررسی شد. ۴۳/۹/۷

احمد آرامش در پاسخ می‌گوید که او دستور تهیه غذا به کلوب داده به هر وسیله‌ای هست با بوذری تماس حاصل نموده و سه ربع بعد از ظهر در کانون جهانگردی منتظر او باشند که به اتفاق برای صرف نهار به کلوب بروند ضمن این مذاکرات آرامش از آبتین تقاضا می‌نماید که قرارداد وین را هم برای ایشان بیاورد و آبتین قول مثبت می‌دهد.

بررسی گردید. در پرونده سناتور تقی‌زاده بایگانی شود. ۴۳/۸/۲۳

رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی

۴۳/۸/۲۱ - ۳۲۲/۴۶۹۹۲

بررسی شد. ۴۳/۹/۷

شماره: ۳۲۲/۵۰۱

تاریخ: ۴۴/۳/۲۰

موضوع: ورود و خروج شخصیتها

در ساعت ۰۷۳۰ روز ۴۴/۳/۲۰ آقای سید حسن تقی‌زاده سناتور با هوایمای هلندی تهران را به سوی اروپا ترک نمود.
در ساعت ۱۷/۵ روز ۴۴/۳/۱۹ آقای رومان لیسکی رئیس روابط عمومی و فرهنگی شوروی با هوایمای ارفلوت به طور ترانزیت از خاور دور وارد تهران شد.

بررسی گردید. خبر تهیه به دفتر ویژه اطلاع داده شد. اصل در پرونده ۱۵-ف بایگانی است در پرونده سناتور تقی‌زاده ۱۸-ت - ق بایگانی شود. ضمناً یک نسخه در پرونده روابط ایران و شوروی بایگانی شود.
رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: ورود و خروج شخصیتها	شماره: ۳۲۲/۵۰۱
محل: تهران، تهران	تاریخ: ۴۴/۳/۲۰
محل: تهران	تاریخ: ۴۴/۳/۲۰
موضوع: آقای	تاریخ: ۴۴/۳/۲۰
موضوع: آقای	تاریخ: ۴۴/۳/۲۰

در سامه ۲۲۰، بظ ۴۴/۳/۲۰ آقای سید حسن تقی‌زاده سناتور هوایمای هلندی در تهران
را به سوی اروپا ترک نمود.
در سامه ۱۶۷۵، بظ ۴۴/۳/۱۹ آقای رومان لیسکی رئیس روابط عمومی و فرهنگی شوروی با
هوایمای ارفلوت به طور ترانزیت از خاور دور وارد تهران نمود.

در روز ۱۹ خرداد ۱۳۲۳ خورشیدی، خبر ورود آقای سید حسن تقی‌زاده سناتور به تهران در ساعت ۷:۳۰ صبح به دفتر ویژه اطلاع داده شد. اصل در پرونده ۱۵-ف بایگانی است. در پرونده ۱۸-ت - ق بایگانی شود. ضمناً یک نسخه در پرونده روابط ایران و شوروی بایگانی شود.
رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی

ت-۱۱
۱۹

آخیلی محرم‌مانه

شماره: ۳۰۳/۶۵۲

تاریخ: ۴۴/۱۰/۱۱

موضوع: فعالیت‌های فراماسیونری

برنامه یک ماهه دیماه ۱۳۴۴ لژهای فراماسیونری آفتاب ۱ - صفا و مهر به شرح زیر برای ۱۲ نفر اعضای مؤثر و کارگردانان این جمعیت ارسال شده است که اسامی آنها در برگ پیوست به عرض می‌رسد.

یکشنبه ۴۴/۱۰/۱۲ لژ آفتاب جلسه اداری در کلیه درجات خواهد داشت

سه شنبه ۴۴/۱۰/۱۴ لژ صفا جلسه عمومی تشکیل می‌دهد و دکتر گودرزی سخنرانی خواهد نمود.

یکشنبه ۴۴/۱۰/۱۹ لژ آفتاب جلسه عمومی تشکیل می‌دهد و مهندس شیخ‌الاسلامی سخنرانی خواهد نمود.

سه شنبه ۴۴/۱۰/۲۱ لژ صفا جلسه عمومی تعلیماتی در کلیه درجات تشکیل خواهد داد.

یکشنبه ۴۴/۱۰/۲۶ لژ مهر جلسه اداره در کلیه درجات تشکیل خواهد داد.

مردم نمایندگان فراماسیونری	شماره	۳۰۳/۶۵۲
مسئول تهران	تاریخ حادثه	
شیخ بهبه	تاریخ وصول	۴۴/۱۰/۱۱
تعمیر الفبا	تاریخ گواهی	۴۴/۱۰/۱۱
مدت تهران	پوسته	دار
مخمس تهران	نرسیده	۴
	گزینه	اولی انتخاب

خیلی محرمانه

برنامه یکماهه دیماه ۱۳۴۴ لژهای فراماسیونری آفتاب ۱ - صفا و مهر به شرح زیر برای ۱۲ نفر اعضای مؤثر و کارگردانان این جمعیت ارسال شده است که اسامی آنان در برگ پیوست به عرض می‌رسد.

یکشنبه ۴۴/۱۰/۱۲ لژ آفتاب جلسه اداری در کلیه درجات خواهد داشت

سه شنبه ۴۴/۱۰/۱۴ لژ صفا جلسه عمومی تشکیل می‌دهد و دکتر گودرزی سخنرانی خواهد نمود.

یکشنبه ۴۴/۱۰/۱۹ لژ آفتاب جلسه عمومی تشکیل می‌دهد و مهندس شیخ‌الاسلامی سخنرانی خواهد نمود.

سه شنبه ۴۴/۱۰/۲۱ لژ صفا جلسه عمومی تعلیماتی در کلیه درجات تشکیل خواهد داد.

یکشنبه ۴۴/۱۰/۲۶ لژ مهر جلسه اداره در کلیه درجات تشکیل خواهد داد.

عیناً به پیوسته نام و نام خانوادگی افراد برگزیده جهت ارسال به دبیران و مراجع معتمدان ف.

۱- درباره چگونگی شکل‌گیری لژ آفتاب به همراه لژهای نامنظم دیگر، در کتاب «اسناد فراماسیونری» به تفصیل بحث شده است.

در یک گزارش ۴۳/۱۰/۸ مهندس شیخ‌الاسلامی دبیر لژ آفتاب وابسته به فراماسیونری ایران از ۲۵ نفر اعضای لژ و عده‌ای دیگر دعوت نموده برای استماع سخنرانی دکتر تقی اسکندانی دبیر بزرگ فراماسیونری مطالب جامعی ایراد خواهد شد، حضور به هم رسانند.

اسامی دعوت‌شدگان افزون از ۷۰ نفر بودند که مهمترین آنها:

- بوژوزف - مقیم سوریه
- دکتر منوچهر تهرانی
- عبدالوهاب خواجه نوری
- دکتر عباس زریاب خوبی
- دکتر امیرحسین زند
- شاهرخ زند
- غلامحسین فخر طباطبایی
- حسن کوروس
- حسین مفتاح
- غلامعلی میکده
- فرهاد نیکوخواه
- کیومرث وثوق

سه شنبه ۴۴/۱۰/۲۹ لژ آفتاب جلسه رسمی درجه ۱ تشکیل خواهد داد.

توضیح اینکه کلیه اعضاء در جلسات سخنرانی و عمومی حاضر خواهند شد. در جلسات عمومی همه اعضای مهر - آفتاب و صفا در کلیه درجات شرکت خواهند کرد.

ضمناً حضور در کلیه جلسات فوق به ویژه در جلسات رسمی برای اعضای لژهای مهر - آفتاب و صفا در درجه خود آزاد است ولی برای اعضای همان لژ اجباری است.

در جلسات رسمی اعضاء باید با لباس تیره حاضر شوند و این جلسات در ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر شروع خواهد شد. چون تماس دبیر با اعضاء لژها به آسانی میسر نیست لذا اعضاء شخصاً برای اطلاع از تغییرات برنامه‌ها و سایر مسائل به دبیر لژ خود مراجعه می‌نمایند.
عیناً جهت اقدام به اداره $\frac{۲}{۳۲۱}$ ارسال می‌گردد. شماره ۱۰/۱۲

شماره: ۳۶۱۰

تاریخ: ۱۳۴۵/۶/۸

جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی

در پاسخ نامه مورخه ۴۵/۶/۶ دو برگ دستخط شاهنشاه آریامهر مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به ریاست کنگره ایران شناسان و انتصاب جناب آقای شجاع‌الدین شفا^۱ به سمت دبیر کلی کنگره مزبور پذیرفته صدور یا..... به پیوست ایفاد می‌گردد و ضمن دستخط..... اعلام می‌نمایند.

رئیس دفتر مخصوص
شاهنشاهی

شماره ثبت	شماره ثبت
پوست	دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ	تاریخ

شماره ثبت: ۸۱۰۹
تاریخ: ۱۳۴۵/۶/۸

جناب وزیر دربار شاهنشاهی
در پاسخ نامه مورخه ۴۵/۶/۶ دو برگ دستخط شاهنشاه آریامهر مبنی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی‌زاده به ریاست کنگره ایران شناسان و انتصاب جناب آقای شجاع‌الدین شفا^۱ به سمت دبیر کلی کنگره مزبور پذیرفته صدور یا..... به پیوست ایفاد می‌گردد و ضمن دستخط..... اعلام می‌نمایند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

۱- شجاع‌الدین شفا نویسنده، مترجم، سیاستمدار، روزنامه‌نگار فرزند دکتر علیرضا شفا، الدوله در سال ۱۲۹۷ در قم متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه و تحصیلات متوسطه را در تهران، مدرسه علمیه به پایان رساند. پس از اتمام دوران دانشگاهی در تهران راهی فرانسه شد و در مورس فرانسه و سن ژوزف بیروت لیسانس ادبیات و دکترای افتخاری در رشته ادبی را از دانشگاه رم، علوم انسانی را از دانشگاه مسکو دریافت نمود.

وی کار دولتی را ابتدا در اداره کل تبلیغات و رادیو به عنوان مترجم آغاز، سپس به ریاست اداره کل تبلیغات رسید. زمانی مشاور مطبوعاتی فرهنگی دولت، مشاور عالی وزارت کار، و سپس رایزن فرهنگی و مطبوعاتی دربار شاهنشاهی شد. با توجه به روحیه تعلق‌گویی و چابک‌نویسی نسبت به شاه و درباریان، به سخن‌گویی دربار برگزید، زمانی معاون فرهنگی دربار و در سال ۱۳۴۳ سفیر کبیر و پس از آن مدیرعامل کتابخانه پهلوی. در سال ۱۳۴۹ دبیرکل شورای فرهنگی سلطنتی و در جریان جشن‌های دوهزار و پانصد ساله او را به عنوان معاون امور فرهنگی و مطبوعاتی دربار تعیین نمودند. روحیه باستان‌گرایی، سلطنت‌طلبی وی را عضوی فعال در تدوین تاریخ شاهنشاهی نمود. در سال ۱۳۴۵ به فرمان شاه دبیرکل کنگره ایران شناسان شد و در حالی که به دلیل ارتباط با کشورهای خارجی عضو

نظر به لزوم تعیین یک نفر شخص شایسته برای ریاست کنگره ایران شناسان علیهذا به موجب این دستخط جناب حسن تقی زاده را به این سمت منصوب و مقرر می‌داریم که در انجام وظایف محوله اقدام نماید.

کاخ سفید سعدآباد به تاریخ ششم شهریور ماه ۱۳۴۵

لا ینز در آمد.

او به زبان فرانسه مسلط و برخی زبان‌های لاتین را می‌دانست، بیش از ۵۰ اثر ادبی ترجمه نمود. برابر گزارشات ساواک وی فردی ضعیف‌النفس، عیاش، فاسد، ولخرج و زمانی در یک جریان جاسوسی به دام مصری‌ها افتاد (زمان جمال عبدالناصر) تا آنجا که اخبار سری دربار را به مقامات مصری گزارش می‌نمود.

در جریان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله موارد زیادی سوءاستفاده مالی از وی گزارش شد. و در سال‌های ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ در مطبوعات فرانسه، ایتالیا... با نام مستعار مقالاتی به دفاع از رژیم شاهنشاهی و علیه نهضت اسلامی می‌نوشت.

چندین بار بودجه قابل توجهی از شاه - دربار جهت تدوین «تاریخ جامع و کامل ایران» «دائرةالمعارف ایرانشناسی»، «مجموعه پیام‌ها و تألیفات» دریافت نمود ولی هیچگاه به آن عمل ننمود.

مشهور است کتاب «به سوی تمدن» و «انقلاب سفید» را شفا نوشته و به نام محمدرضا پهلوی منتشر نموده است.

در مورد مسافده اخلاقی، سوءاستفاده‌های مالی، و نشان‌های دریافتی از سوی شاه و کشورهای دیگر اسناد فراوانی در پرونده وی موجود است که خود در حد یک کتاب

شماره کتب	شماره قبل
جزوه دان	بیروت
پرونده	آپا کتوس کتله
تاریخ تحریر	تاریخ ترمیم
۱۲۱	۱۲۱

دائرةالمعارف شاهنشاهی

تاریخ تحریر: ۱۲۱

تاریخ ترمیم: ۱۲۱

نوروزی، بنیادین، کنگره، تاریخ، ایران، شناسان، کنگره، ایران، شناسان، کنگره، ایران، شناسان

بروز، تاریخ، جامع، کامل، ایران، تاریخ، جامع، کامل، ایران

۱۳۴۵

کاخ سفید سعدآباد

وجود این قبیل اشخاص که اغلب آنان فراماسون و وابستگان به آمریکا و دربارند، در مدیریت سازمان برادری جهانی نشان می‌دهد که گردانندگان آن در جهت توسعه امپراطوری بین‌المللی ماسونی در قالب یک سازمان نو با ادعاها و شعارهای جدید گرد آمده و چه بسا توانسته باشند اشخاص خوشنام و یا علاقه‌مند به فعالیت انسانی از نوع غربی را به دام انداخته با خود همتا و همگام نمایند. ر.ک: تشکیلات فراماسونری در ایران، حسین میر، تهران، علمی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۸

پس از هشت سال، در ۱۳۳۷ دکتر کینچی و کامپتون به تهران آمدند و مرکز سازمان را در خاورمیانه و نزدیک در تهران تأسیس کردند. ریاست جمعیت با حسین علا بود و شجاع‌الدین شفا و سلیمان شاملو به عنوان دبیرکل و مدیرعامل جمعیت انتخاب شدند. علاوه بر آنان اشخاص زیر به ریاست و عضویت کمیسیون‌های مختلف انتخاب شدند. دکتر فرهاد، فروزانفر، دکتر محمود مهران، جمشید آموزگار، دکتر محمود اعتمادیان، دکتر حسین بسائی، محمد یزدانفر، پرویز خوانساری، فتح‌اله معتمدی، جعفر بهبهانیان، خانم صفیه فیروز.

مستقل خواهد بود. با توجه به موقعیت، جایگاه، پایگاه، کارنامه شفا ضرورت دارد اسناد وی منتشر و در دسترس اهل تحقیق قرار بگیرد. عضویت در جمعیت برادری جهانی جمعیت برادری جهانی در سال ۱۳۲۹ شمسی توسط دکتر کلینچی و پرفسور کامپتون تأسیس شد. آنان همزمان با جنگ در کره، در کنگره، نمایندگان جهان در عمارت یونسکو تقاضای تشکیل سازمان برادری جهانی را کردند. این سازمان پس از تأسیس به زودی گسترش یافته و در پنج منطقه دنیا شعباتی پدید آورد.

شماره: ۲۶۱۱

تاریخ: ۱۳۴۵/۶/۸

جناب سید حسن تقی‌زاده

نظر به لزوم تعیین یک نفر شخص شایسته برای ریاست کنگره ایران شناسان به موجب این دستخط شما را به سمت مزبور منصوب و مقرر می‌داریم که در انجام وظایف محوله اقدام نمایند.

کاخ سفید سعدآباد به تاریخ ششم شهریور ماه ۱۳۴۵

نام و نام خانوادگی	سید حسن تقی‌زاده	شماره پرونده	۷۵
پست	ریاست کنگره ایران	تاریخ صدور	۱۳۴۵/۶/۸
نام کارکن گنجه		تاریخ ورود	۱۳۴۵/۶/۸

نام رئیس مرکز راه صحیفه

معاونت امور فرهنگی و اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رئیس مرکز راه صحیفه

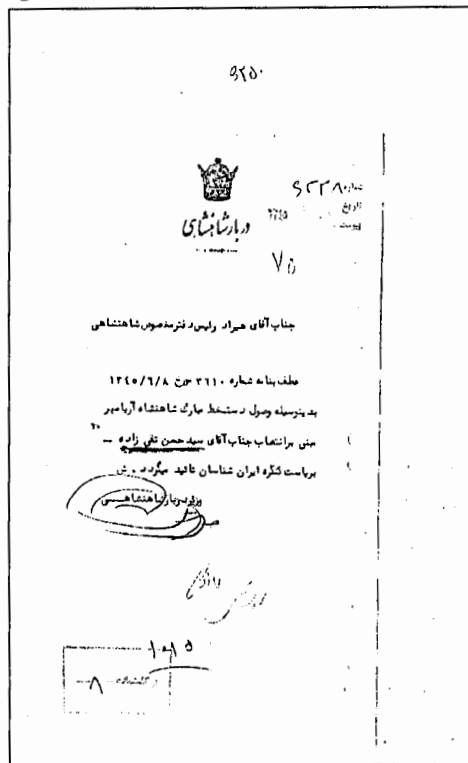
۱۳۴۵

شماره: ۶۲۲۸

جناب آقای هیراد رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۳۶۱۰ مورخ ۱۳۴۵/۶/۸ بدینوسیله وصول دستخط مبارک شاهنشاه آریامهر مینی بر انتصاب جناب آقای سید حسن تقی زاده به ریاست کنگره ایران شناسان تایید می گردد.

وزیر دربار شاهنشاهی



لژ آریا شماره ۱۷

استاد ارجمند برادر شکرالله نجفی

سرپرست اول برادر دکتر رحیم قادری نژاد

سرپرست دوم برادر حسن آخشبیچی

برادر عزیز و گرامی

بنا به دستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می شود در جلسه عادی لژ

محترم آریا شماره ۱۰۱۰ که ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۴ در محل انجمن رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل می گردد. حضور بهم رسانید.

لژ درجه یک کار می کند. دبیر لژ آریا لباس اسموکنیک یا تیره ناصر امیر مگری برنامه کارها

۱- افتتاح لژ
۲- قرائت دعوت نامه
۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ شانزدهم دی

ماه ۱۳۵۴

لژ آریا شماره ۱۷
++++

استاد ارجمند
سرپرست اول
سرپرست دوم

برادر عزیز و گرامی
بنابند حضور استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می شود در جلسه عادی لژ آریا شماره ۱۰۱۰ که ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۴ در محل انجمن رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل می گردد. حضور بهم رسانید.

لژ درجه یک کار می کند
لباس اسموکنیک یا تیره

برنامه کارها

۱- افتتاح لژ
۲- قرائت دعوت نامه
۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ شانزدهم دی ماه ۱۳۵۴
۴- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخ ۲۲ دی ماه ۱۳۵۴

۵- مراسم ورود آقای عبدالله فرح پور
۶- قرائت بار اول نام آقایان جهانگیر ممتازی، جمشید بصیری، جهانگیر مکاریان
۷- قرائت بار دوم و اخذ رای نسبت به ورود آقایان امیر فخری، جمشید شمس
موسی اسفندیار، احمد وکیل، میرزائی و پستند در بهروز سرابندی در لژ
۸- گرد آمدن کمیته خبریه
۹- انتخاب ساواکچی که مایل نظر می باشد
۱۰- بستن لژ به نحو مقرر و استانی

صورت تمام برادرانند

- نامه برادران نژاد در جلسه حضور پیدا نباید لفظ هم حضور خود را بوسله
نظرس شماره ۲۲۲۰۵۲ اطلاع فرمایند.

۲۱۷۰۲۴
۱۴

۱- لژ آریا وابسته به لژ اعظم اسکا تلند با شماره ۱۶۲۲ در مهر ماه ۱۳۴۵ تأسیس شد. مؤسسين این لژ نیز از اعضای لژ اعظم ایران بودند، اما به دلیل آن که در اسناد موجود اشاره صریحی بنام آنان نشده است، از جزئیات دقیق نام آنها اطلاعی نداریم. جلسات لژ آریا در محل انجمن رازی واقع در بن بست انوشیروان دادگسر تشکیل می شد. یکی از چهره های مؤثر نام داشت. نامبرده به لحاظ نقش مهمی که در اداره تشکیلات فراماسونری ایفا می نمود مورد توجه ساواک بود و مراقبت های ویژه ای بر روی وی به عمل می آمد. در میان اسناد ساواک و پرونده مجلسی به مسائل خاصی بر می خوریم. اسناد فراماسونری جلد ۳-ص ۶۰

۴- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخ ۲۳ دی ماه ۱۳۵۴
۵- مراسم ورود آقای عبدالله فرح پور
۶- قرائت بار اول نام آقایان : جهانگیر ممتازی، جمشید بصیری و عباس پیکاریان
۷- قرائت بار دوم و اخذ رای نسبت به ورود آقایان : ایرج فخریم، هوشنگ شمس، موسی اسفندیار، عمیدزاده، احمد وکیلی میرزمانی و مهندس بهروز سرابندی. و

یزدی طباطبائی

۸-گردانیدن کیسه خیریه

۹-انجام سایر اموری که طبق مقرر پیش آید

۱۰-بستن لژ به نحو مقرر و باستانی

صرف شام برادرانه

چنانچه برادری نتواند در جلسه حضور پیدا نماید لطفاً عدم حضور خود را به وسیله تلفن شماره

۳۹۲۰۵۷ اطلاع فرمایند.

۲۱۷۰۲۴ بایگانی شود.

رسید و مشخصات دفترچه عضویت

یک جلد دفترچه عضویت لژ مهر بنام اینجانب از طرف برادر دبیر واصل گردید.

تهران به تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۳۴۵
امضاء

نام: (به فارسی) برادر علی اصغر زرین کفش

(به لاتین) Brather Ali

Asghar Zarin Kafsh

تاریخ صدور از طرف لژ مهر
شماره یک

چهاردهم اسفند ۱۳۴۲ مطابق

چهارم مارس ۱۹۶۴

امضاء کنندگان

برادر محمود عرفان استاد
کرسی

برادر مهدی صدرزاده ناظر اول

برادر فتاح حریرفروش ناظر دوم

برادر حسن آذین فر دبیر

تصدیق لژ بزرگ ایران

مورخه بیستم اسفند ۱۳۴۲

مطابق دهم مارس ۱۹۶۴

امضای برادر سید حسن تقی زاده

استاد بزرگ

امضای برادر تقی اسکندانی دبیر بزرگ

۴۱۷۱۱۸/۶۱

کتابخانه اسناد ساواک

رسید و مشخصات دفترچه عضویت

یک جلد دفترچه عضویت لژ مهر بنام اینجانب از طرف برادر دبیر واصل گردید.

تهران به تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۳۴۵

امضاء

نام: (به فارسی) برادر علی اصغر زرین کفش
(به لاتین) Brather Ali Asghar Zarin Kafsh

تاریخ صدور از طرف لژ مهر: چهاردهم اسفند ۱۳۴۲ مطابق چهارم مارس ۱۹۶۴

امضاء کنندگان: برادر محمود عرفان استاد کرسی، برادر مهدی صدرزاده ناظر اول، برادر فتاح حریرفروش ناظر دوم، برادر حسن آذین فر دبیر

تصدیق لژ بزرگ ایران: مورخه بیستم اسفند ۱۳۴۲ مطابق دهم مارس ۱۹۶۴

امضای برادر سید حسن تقی زاده استاد بزرگ

امضای برادر تقی اسکندانی دبیر بزرگ

۴۱۷۱۱۸/۶۱

تاریخ: ۵ دیماه ۴۵

سفارت کبرای امریکا - تهران
ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

اداره امور تأمینیه سفارت کبرای ممالک متحده آمریکا مایل است از سوابق آقای حسن تقی زاده که مشخصات وی ذیلاً مندرج است اطلاعاتی بدست آورد. چنانچه از شخص مذکور در آن اداره سابقه ای موجود می باشد خواهشمند است

از پیشینه نامبرده این اداره را مطلع فرمایند که موجب نهایت امتنان خواهد بود. ضمناً اطمینان می دهد که کلیه اطلاعاتی که در اختیار این اداره گذاشته شود محرمانه تلقی خواهد شد.

تاریخ: ۵ دیماه ۱۳۴۵ - تهران

محل: تهران

نام خانوادگی: حسن تقی زاده

نام پدر: _____

تاریخ تولد: _____

محل تولد: تبریز

شماره شناسنامه: _____

آدرس فعلی: مجلس سنا

نام معرفین: _____

..... ۱

..... ۲

..... ۳

از طرف وابسته امور تأمینیه سفارت کبرای ممالک متحده آمریکا
وابسته امور تأمینیه سفارت کبرای ممالک متحده آمریکا به طوری که تقاضا
نموده اند به اطلاع آن اداره می رساند که

۱- تاکنون پیشینه سوئی در بایگانی این اداره از آقای..... دارای مشخصات
فوق بدست نیامده.

نام: حسن
نام خانوادگی: تقی زاده
نام پدر: _____
تاریخ تولد: _____
محل تولد: تبریز
شماره شناسنامه: _____
آدرس فعلی: مجلس سنا
نام معرفین: _____
..... ۱
..... ۲
..... ۳

۲- طبق گواهی بایگانی مربوطه مشارالیه دارای سوابقی به شرح ذیل می باشد.
رئیس شعبه ۷ رکن ۲ ستاد ارتش

[تاریخ]: ۵ مهر ماه ۱۳۴۶

تهران

برادر بسیار ارجمند

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه سال جاری ساعت ۶ بعدازظهر برای استقرار و شروع به کار هر چهار ل. تابعه ل. ب. ایران تعیین گردیده است.

لژ آن برادر بسیار ارجمند خواهشمند است قبل از ساعت ۶ بعدازظهر روز فوق در مقر ل. ب. ایران در محل انجمن اخوت واقع در خیابان فردوسی حضور بهم

رسانید که موجب کمال تشکر خواهد بود.

با سلامهای قلبی برادرانه
دبیر ل. بزرگ ایران
تقی اسکندانی^۱

دعوت شدگان ۱- دکتر مهدی

هوشنگ صفاری

۲- حسن کورس

۳- شاهرخ زند

۴- غلامحسین فخر طباطبائی

۵- دکتر امانوئل ملک اصلانیان

۶- مهندس رضا زند

۷- دکتر حسینیعلی سلطانزاده

پسیان

۸- مهندس غلامعلی میکده

۹- سرهنگ ارسلان نادری

۱۰- مهدی نبوی

۱۱- احمد آویر (دکتر)

۱۲- سید حسن تقی‌زاده

۱۳- پرویز ثابت

۱۴- علیرضا کمال هدایت

۱۵- کاظم نیامیر

۲۲- احمد تهرانیان

شماره و پستی‌آر آر سی

به توسعه با اطلاع می‌رساند که روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه سال جاری ساعت ۶ بعدازظهر برای استقرار و شروع به کار هر چهار ل. تابعه ل. ب. ایران تعیین گردیده است.

ل. ب. ایران تعیین گردیده است.

تهران برادر بسیار ارجمند: به اطلاع می‌رساند که روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه سال جاری ساعت ۶ بعدازظهر برای استقرار و شروع به کار هر چهار ل. تابعه ل. ب. ایران تعیین گردیده است.

واقع در خیابان فردوسی حقوق بیم رسانید که جهت کمال تشکر خواهد بود.

دکتر شادگان

دکتر امانوئل ملک اصلانیان

حسن کورس

شاهرخ زند

غلامحسین فخر طباطبائی

دکتر حسینیعلی سلطانزاده

مهندس رضا زند

پسیان

مهندس غلامعلی میکده

سرهنگ ارسلان نادری

مهدی نبوی

احمد آویر (دکتر)

سید حسن تقی‌زاده

پرویز ثابت

علیرضا کمال هدایت

کاظم نیامیر

احمد تهرانیان

۱- رجوع شود به: اسناد فراماسونری در ایران، جلد اول - دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۰

ساعی ۷/۱۳

قبلاً اقدام شده است.

۱۶- علی جمالپور

۱۷- سیف‌الدین بهمن

۱۸- دکتر تقی تفضلی

۱۹- دکتر سید ابوالحسن جلیلی

۲۰- مهدی صدرزاده

۲۱- ابوالحسن حکیمی

یک جلد دفترچه عضویت لژ صفا به نام اینجانب دکتر علی اصغر همایونفر
از طرف برادر دبیر واصل گردید.

امضاء کنندگان

ابوالحسن حکیمی استاد کرسی

دکتر شفیع امین ناظر اول

مهندس محدودلی مشکوتی ناظر دوم

دکتر جهانگیر امیر ابراهیمی دبیر

نام : علی اصغر همایونفر Ali

Asghar Homayon Far

تاریخ صدور از طرف لژ صفا

شماره ۴

۱۴ اسفند ۱۳۴۲ مطابق ۴

مارس ۱۹۶۴

تصدیق لژ بزرگ ایران

مورخه ۲۰ اسفند ۱۳۴۲

مطابق ۱۰ مارس ۱۹۶۴

سید حسن تقی زاده - استاد

بزرگ

تقی اسکندانی - دبیر بزرگ

این جلد دفترچه عضویت لژ صفا به نام اینجانب دکتر علی اصغر همایونفر
از طرف برادر دبیر واصل گردید.

امضاء کنندگان

۱. ابوالحسن حکیمی استاد کرسی

۲. دکتر شفیع امین ناظر اول

۳. مهندس محدودلی مشکوتی ناظر دوم

۴. دکتر جهانگیر امیر ابراهیمی دبیر

نام : علی اصغر همایونفر Ali Asghar Homayon Far

تاریخ صدور از طرف لژ صفا شماره ۴

۱۴ اسفند ۱۳۴۲ مطابق ۴ مارس ۱۹۶۴

تصدیق لژ بزرگ ایران

مورخه ۲۰ اسفند ۱۳۴۲ مطابق ۱۰ مارس ۱۹۶۴

۱. سید حسن تقی زاده - استاد بزرگ

۲. تقی اسکندانی - دبیر بزرگ

۲۱۷۱۱۲۷

رسید و مشخصات دفترچه عضویت

یک جلد دفترچه عضویت لژ آفتاب به نام اینجانب از طرف برادر دبیر واصل گردید.

تهران به تاریخ ۴۴/۱/۲۳

امضاء

نام : (به فارسی) شاهرخ زند

(به لاتین) SHahrokh

Zand

تاریخ صدور از طرف لژ
آفتاب شماره ۲

دوازدهم اردیبهشت ۱۳۴۴

مطابق دوم ماه مه ۱۹۶۵

امضاء کنندگان

ب - غلامحسین فخر طباطبائی -

استاد کرسی

ب - دکتر منوچهر تهرانی - ناظر

اول

ب - اسماعیل زند - ناظر دوم

ب - مهندس حسینیعلی

شیخ الاسلامی - دبیر

تصدیق لژ بزرگ ایران

مورخه دوازدهم اردیبهشت

۱۳۴۴ مطابق دوم ماه مه ۱۹۶۵

امضای استاد بزرگ بسیار معزز ب تقی‌زاده - استاد بزرگ

ب - دکتر تقی اسکندانی - دبیر بزرگ

از ۴۱۷۱۱۸/۳

رسید و مشخصات دفترچه عضویت

یک جلد دفترچه عضویت لژ آفتاب به نام اینجانب از طرف برادر دبیر واصل گردید.

تهران به تاریخ ۴۴/۱/۲۳

امضاء

نام : (به فارسی) شاهرخ زند
(به لاتین) SHahrokh
Zand

تاریخ صدور از طرف لژ
آفتاب شماره ۲

دوازدهم اردیبهشت ۱۳۴۴
مطابق دوم ماه مه ۱۹۶۵

امضاء کنندگان

ب - غلامحسین فخر طباطبائی -
استاد کرسی

ب - دکتر منوچهر تهرانی - ناظر
اول

ب - اسماعیل زند - ناظر دوم

ب - مهندس حسینیعلی

شیخ الاسلامی - دبیر

تصدیق لژ بزرگ ایران

مورخه دوازدهم اردیبهشت
۱۳۴۴ مطابق دوم ماه مه ۱۹۶۵

امضای استاد بزرگ بسیار معزز ب تقی‌زاده - استاد بزرگ

ب - دکتر تقی اسکندانی - دبیر بزرگ

از ۴۱۷۱۱۸/۳

به: ۳۲۲

تاریخ: ۴۶/۷/۶

از: ۳ هـ

شماره: ۵/۷۹۰۰ هـ

موضوع: مؤسسه فرانکلین در تبریز

از چندی پیش مؤسسه فرانکلین در تبریز ظاهراً به عنوان نگارش و نشر کتاب و باطناً برای پیش بردن مقاصد خاصی که مورد علاقه فراماسونها می باشد دست به جمع آوری و همکاری اشخاص خاصی زده و در صدد تهیه کتابهای

جدیدی است که از طرف این مؤسسه انتشار خواهد یافت.

در بین این عده آقای وحدت و چند نفر آخوند دیگر دیده

می شود از مدتها پیش این مؤسسه در مرکز برای اخذ

امتیاز روزنامه دوندگی می کرد و گویا اخیراً این

امتیاز صادر شده و به زودی روزنامه آیندگان^۱ از طرف

این مؤسسه انتشار خواهد یافت.

آقای عبدالعلی کارنگ که از افرادیست که سعی می کند با

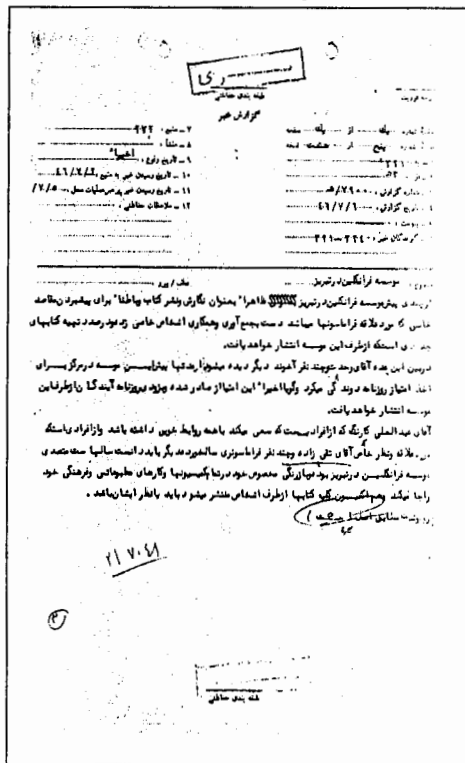
همه روابط خوبی داشته باشد و از افرادی است که مورد علاقه و نظر خاص آقای تقی زاده و چند نفر

فراماسونری سالخورده دیگر باید دانست سالهاست متصدی مؤسسه فرانکلین در تبریز بود و با زرنگی مخصوص خود در تمام کمیسیونها و کارهای مطبوعاتی

و فرهنگی خود را جا می کند و هم اکنون کلیه کتابها از طرف اشخاص منتشر می شود باید با نظر ایشان باشد.

رونوشت مطابق اصل است.

۲۱۷۰۴۱



۱- روزنامه آیندگان

روزنامه آیندگان در سال ۱۳۴۶ هـ ابتدا با صاحب امتیازی فریده کامکار شاهرودی منتشر شد و با استعفای نامبرده حسین اهری مسئولیت آن را برعهده گرفت. سردبیر روزنامه آیندگان مسعود بهنود و مدیر عامل و رئیس هیأت تحریریه این روزنامه داریوش همایون بود که به جاسوس اسرائیل و آمریکا معروف بود و روزنامه اش با روش سیاسی و خبری فعالیت داشت و روزنامه آیندگان طرفدار اسرائیل و سیاست هایش در ایران بود.

مطبوعات ایران - مسعود برزین - روزنامه آیندگان به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز.

بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۲

- داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز

بررسی اسناد تاریخی

شماره: ۴۵۳۷۸/۲۸۹۳/۶

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران اداره انتخابات و عضویت و آمار

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

عطف به مرقومه شماره ۳۲۱/۳۲۸۳۷ مورخ ۴۶/۷/۹ به ضمیمه این نامه
یک نسخه صورت اسامی اعضای مؤسس و هیئت مدیره و هیئت مرکزی کل

ایفاد می‌گردد چون ممکن
است عکس و مشخصات
آنان در آن سازمان محترم
وجود داشته باشد متمنی
است مقرر فرمائید در
صورتی که باز هم احتیاج به
تهیه بیوگرافی و عکس آنان
باشد لطفاً مرقوم فرمائید تا
اقدام شود.

مدیر عامل - دکتر خطیبی^۱
رونوشت برابر اصل است
اصل بایلیست کلی صورت
اسامی که هر کدام با ذکر
ردیف در ذیل نامه نوشته
شده است در پرونده
۲۱۳۳۱۲ جمعیت شیر و

خورشید سرخ ایران بایگانی می‌باشد.

اسم و شهرت حسن تقی‌زاده ردیف ۴۲

در پرونده کلاسه ۱۸ - ت - ق بایگانی شود.

جمعیت خورشید سرخ ایران
اداره انتخابات و عضویت و آمار

تاریخ: ۴۶/۷/۱۸
پوست دارد

شماره: ۴۵۳۷۸/۲۸۹۳/۶

مربایه

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

عطف مرقومه شماره ۳۲۱/۳۲۸۳۷ مورخ ۴۶/۷/۹ ضمیمه این نامه
به نسخه صورت اسامی اعضای مؤسس و هیئت مدیره و هیئت مرکزی کل ایفاد
می‌گردد چون ممکن است عکس و مشخصات آنان در آن سازمان محترم وجود
داشته باشد خواهشمند است بطرف فرمایید در صورتیکه بازهم احتیاج به تهیه بیوگرافی
و عکس آنان باشد لطفاً مرقوم فرمائید تا اقدام شود.

مدیر عامل - دکتر خطیبی

رونوشت برابر اصل است اصل بایلیست کلی صورت اسامی که هر کدام با ذکر
ردیف در ذیل نامه نوشته شده است در پرونده ۲۱۳۳۱۲ جمعیت خورشید
سرخ ایران بایگانی می‌باشد.

اسم و شهرت حسن تقی‌زاده ردیف ۴۲
در پرونده کلاسه ۱۸ - ت - ق بایگانی شود

بایگانی شود

۱- حسین خطیبی

حسین خطیبی در سال ۱۲۹۴ ش
در تهران متولد شد. تحصیلات
ابتدایی و متوسطه را در تهران
به پایان رسانید. وی لیسانس
خود را از دانشسرای عالی به
سال ۱۳۱۶ اخذ نمود و در سال
۱۳۲۱ از دانشگاه تهران به
درجه دکترای ادبیات فارسی
نائل آمد. به زبانهای فرانسه،
انگلیسی و عربی آشنایی داشت.
نوامبرده از سال ۱۳۱۶ وارد
خدمت دولتی شد و از دبیری
دبیرستانهای تهران شروع نمود
تا به درجه استادی دانشگاه
رسید. عضویت در جمعیت
فراماسونری (لژ دانش) و
همکاری و ارتباط نزدیکش با
ساواک و بخصوص ریاست آن
(نصیری) موجب شد که مورد
توجه رژیم پهلوی و شخص شاه
قرار گیرد و با نظر وی به
سمتهای مختلفی من جمله:
ریاست سازمان شیر و خورشید
سرخ ایران، نماینده مجلس و
نایب رئیس مجلس شورای
ملی، رئیس کل دفتر
نخست‌وزیری در سال ۱۳۳۲ و
عضو شورای مرکزی حزب
ایران نوین در سال ۱۳۴۵ دست
یابد. ساواک در سند بیوگرافی
او آورده است: "وی فردی
پرکار، فعال، عجول، عصبانی،
متظاهر، ملون‌المزاج، در مقابل
زن ضعیف، علاقمند به پول، و
مقام، صحت و درستی عمل
ندارد و بی قید است. گزارشات
دیگری در خصوص ارتباط او با
سفارت شوروی وجود دارد و
از سوی این وزارتخانه به
جلسات و مناسبتهای مختلفی
دعوت شده است.

خطیبی در سال ۱۳۴۵ از سوی
شاه مأمور می‌شود تا

ساواک آذربایجان شرقی تبریز
اداره کل سوم ۳۳۱

تاریخ: ۴۷/۳/۲۸
شماره: ۷/۷۱۱۸ هـ

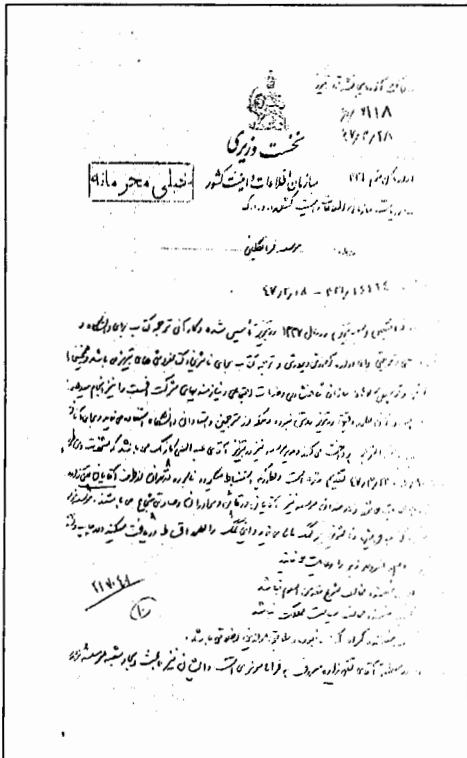
در باره: مؤسسه فرانکلین^۱

بازگشت ۴۷/۲/۱۸ - ۳۲۱/۱۶۴۹۴

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مؤسسه فرانکلین (شعبه تبریز) در سال ۱۳۳۷ در تبریز تأسیس شده و کار

آن ترجمه کتاب برای دانشگاه و کتابهای علمی و تربیتی برای اداره آموزش و پرورش و ترجمه کتاب برای ناشرین و کتابفروشی های تبریز می باشد و همچنین ... و ترخیص کالاهاى سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی و نیازمندیهای شرکت افست را نیز انجام می دهد تعداد اعضای آن به طور دقیق در تبریز روشن نبوده و بلکه از مترجمین و استادان استفاده می نماید و برای آنان حق تألیف و حق الترجمة پرداخت



می کنند و مدیر مؤسسه نیز در تبریز آقای عبدالعلی کارنگ می باشد که مشخصات وی طی ۴۷/۳/۲۳ هـ - ۶۸۶/۷ تقدیم شده است و به طوری که استنباط می گردد نامبرده در تهران از طرف آقایان تقی زاده... حمایت می شود و کارمندان مؤسسه نیز آقایان ورقائی و برادران و صادقی شجاع می باشند. مؤسسه مزبور برای کتابفروشیها و ناشرین نیز کمک مالی می نماید و این کمک را به طور اقساط دریافت می کند و در چاپ و نشر... سه اصل مشروحه زیر را رعایت می نماید.

نمایندگان مستقل و منفرد مجلس را به عضویت اجباری حزب ایران نوین و مردم دریابورد. مشارالیه به خاطر وفاداری به خاندان سلطنت و اطاعت پذیری محض و نظر خاص شاه نسبت به او به اخذ نشان درجه ۲ همایون مفتخر گردید. وی در جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی جزو میهمانان داخلی جشن حضور یافته و پس از آن نیز به رژیم شاهنشاهی وفادار مانده و تلگرافهای متعددی به مناسبتهای مختلف برای خانواده سلطنت ارسال می نماید.
- اسناد ساواک - پرونده های انفرادی

۱- مؤسسه فرانکلین

در سال ۱۳۳۷ مؤسسه فرانکلین در ایران شعبه ای در تبریز تأسیس نمود. که تنها شعبه مؤسسه در سراسر ایران بود. این مؤسسه هم چنین امور گمرکی و ترخیص کالای سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی و نیازمندی های شرکت افست را نیز انجام می داد. تعداد اعضای آن به طور دقیق معلوم نیست. غالباً از مترجمین و استادان دانشگاه استفاده می نمود و برای آنان حق التألیف و حق الترجمة پرداخت می کرد. عبدالعلی کارنگ مدیر این مؤسسه در تبریز به استنباط ساواک تبریز، در تهران از سوی سید حسن تقی زاده و دکتر پرویز خانلری حمایت می شد. و رقائی، برادران و صادقی شجاع هم جزو کارمندان مؤسسه محسوب می شدند.

در اسناد ساواک آمده است: در بدو تأسیس مؤسسه در تبریز به دلیل عضو تقی زاده در میان

کتاب منتشره مخالفت سیاست مملکت نباشد.

کتاب منتشره گمراه کننده نبوده و مطابق موازین اخلاقی باشد.

چون در منطقه آقای تقی‌زاده معروف به فراماسونری است و ایشان نیز باعث ایجاد شعبه مؤسسه مزبور در تبریز بوده‌اند لذا استنباط منیع چنین است که مؤسسه فرانکلین از طرف سازمان فراماسونری می‌گردد.

فرانکلین به جز تهران و تبریز در سایر شهرستانهای ایران شعبه‌ای ندارد.

در این مؤسسه در ایران قبلاً به عهده آقای تقی‌زاده بوده ولی حالیه ریاست آن به

عهده آقای علم می‌باشد ...

مؤثر آن آقایان تقی‌زاده -

محمود عرفان - علی ایزدی -

ابراهیم خواجه نوری^۱ و

آقای صنعتی را می‌برد.

مؤسسه مزبور تقریباً در سال

۱۳۳۱ در اثر قراردادی که با

مؤسسه بنیاد خورد منعقد

گردید به وجود آمد..... و

فقط کتابهای آمریکائی را در

سایر کشورها ترجمه و

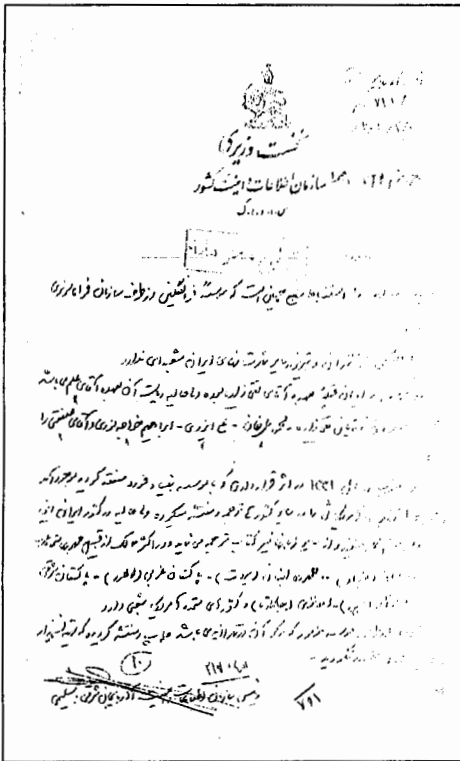
منتشر می‌کرده ولی حالیه در

کشور ایران این..... به طور

مستقل کار می‌کند و از سایر

زبانها نیز کتاب ترجمه

می‌نماید و در اکثر ممالک از



بائیان آن، همواره مظنون به ارتباط با فراماسونری بود. چون در منطقه آقای تقی‌زاده معروف به فراماسونری است و ایشان باعث ایجاد شعبه مؤسسه مزبور در تبریز بوده‌اند لذا استنباط منیع چنین است که مؤسسه فرانکلین از طرف سازمان فراماسونری تقویت می‌گردد. سرپرستی مؤسسه مدتی به عهده تقی‌زاده بود و سپس به علم واگذار گردید.

۱- ابراهیم خواجه نوری

در سال ۱۲۷۹ شمسی متولد گردیده و پس از اتمام تحصیلات در مدرسه سن‌لونی تهران در سال ۱۹۲۳ میلادی برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و مدت سه سال در آنجا مدرسه عالی پست و تلگراف فرانسه را تمام کرده و سپس در سال ۱۹۲۷ به بلژیک رفت و مدت پنج سال هم در آنجا مشغول تحصیل و مطالعات بوده و لیسانس اقتصاد و حقوق اداری را دریافت نمود و در سال ۱۹۳۲ مراجعت کرد.

خواجه نوری پس از ورود به تهران به مدیریت مدرسه عالی پست و تلگراف منصوب و در حدود یک سال و نیم در این پست انجام وظیفه می‌نمود و بعد از خدمت دولت کناره‌گیری کرده و به وکالت دادگستری پرداخت پس از چندی ریاست اداره بازرسی شرکت پشم و پنبه و پوست را عهده‌دار و بعد به ریاست انحصار اتومبیل منصوب و مشغول بود تا مرگ داور که خواجه نوری از کار کناره‌گیری نموده و به کار اصلی خود وکالت دادگستری پرداخته است.

در سال ۱۳۲۱ شمسی در کابینه

قبیل جمهوری متحده عرب - جمهوری عراق (بغداد) - جمهوری لبنان (بیروت)

- پاکستان غربی (لاهور) - پاکستان شرقی - مالزی (کوالا لامپور) - اندونزی

(جاکارتا) و کشورهای متحده آمریکا شعبی [شعبه] دارد.

..... از طرف مؤسسه مزبور که مرکز آن در تهران می‌باشد چاپ و منتشر گردیده

که تهیه نسخی از سازمان مقدور نگردید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی. سلیمی ۲۱۷۰۴۰۱

علی سهیلی به ریاست اداره کل تبلیغات و معاونت نخست‌وزیر منصوب و در حدود یک سال و نیم در این مقام انجام وظیفه می‌نمود و بعد مستعفی گردید. در زمان کابینه دوم قوام‌السلطنه مجدداً به ریاست اداره کل تبلیغات و معاونت نخست‌وزیر تعیین و مشغول شد و پس از چندی استعفا داده است. خواجه نوری مدتی سمت مستشار اطاق بازرگانی و مشاور هیئت عالی برنامه هفت‌ساله را و وکالت دادگستری را عهده‌دار بوده است. خواجه نوری در سال ۱۳۰۰ شمسی جمعیت جوانان را به منظور مبارزه با حجاب زنان

تشکیل داده و نامه جوانان را که ناشر افکار این جمعیت بوده است دایر نمود. خواجه نوری در تشکیل حزب عدالت با آقای علی دشتی و جمال امامی و دیگران همکار و هم قدم بوده و سمت منشی حزب مزبور را داشته و مدیریت روزنامه هدایت را که ارگان حزب عدالت بوده است نیز عهده‌دار و از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ این روزنامه تحت مدیریت وی اداره می‌شد ولی از سال مزبور چون خواجه نوری به طور غیر رسمی از حزب عدالت کناره‌گیری نمود این روزنامه نیز متوقف گردیده است. خواجه نوری از نزدیکان سپهد

زاهدی به شمار رفته و به همین دلیل به عضویت دوره دوم سنا نایل می‌گردد. از جمله مشاغل یاد شده عبارت بسوده از: روزنامه‌نگاری، نویسندگی، وکالت دادگستری، نمایندگی مجلس شورای ملی و سناتور انتخابی مجلس سنا و معاونت نخست‌وزیر. همچنین عضو مؤسس حزب عدالت، عضو هیأت مدیره شورای عالی جمعیت طرفداران حکومت متحده جهانی، عضو کلوپ روتاری و عضو فعال جمعیت جهانی فراماسونری و صاحب امتیاز، مجله روانشناسی «گره‌گشا» بوده است. پرونده‌های انفرادی ساواک

به: ۳۲۳

از: ۲۰ هـ ۶

تاریخ: ۴۷/۱۲/۲۰

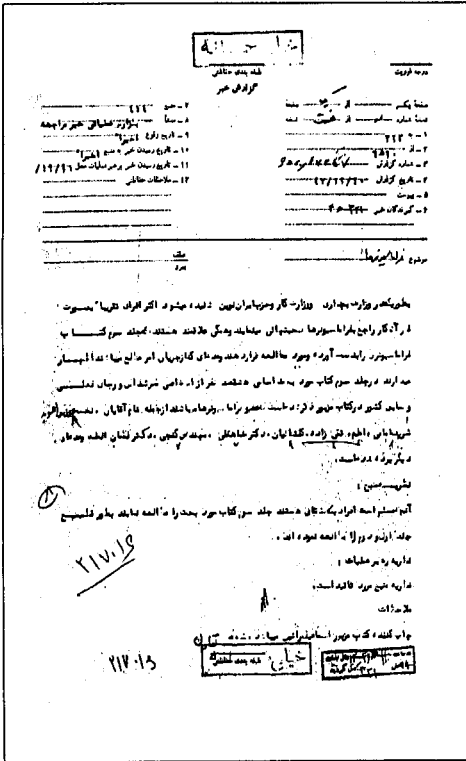
شماره: ۴۷۳۵۷/۲۰ هـ ۶

موضوع: فراماسیونرها

۱- امیرعباس هویدا: فرزند حبیب‌الله خان قتاد ملقب به عین‌الملک در سال ۱۲۹۸ ش متولد شد. تحصیلات متوسطه را در بیروت به اتمام رسانید و پس از آموختن زبانهای انگلیسی، فرانسه و عربی به بروکسل رفت و پس از سه سال موفق به اخذ لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه بروکسل شد و در سال ۱۳۲۲ به لحاظ سابقه پدرش (سفیر مختار ایران در دولت عربستان سعودی) به استخدام وزارت خارجه درآمد. در اول مرداد ماه ۱۳۲۴ به عنوان وابسته سفارت ایران در پاریس عازم فرانسه شد. و در سال ۱۳۲۵ کارمند اداره حفاظت منافع ایران در آلمان گردید. ظاهراً در همین سالهاست که وی با ایرج اسکندری آشنایی یافت و با حزب توده در پاریس سرورسی داشت. در مدت اقامتش در پاریس به همراه حسنعلی منصور در جریان قاچاق مواد مخدر توسط پلیس فرانسه دستگیر شد و تنها با وساطت دربار پهلوی بود که راهی یافت. این مطلب در مطبوعات داخلی انعکاس داشت و در پرونده امیرعباس هویدا درج گردید. لیکن در سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ این اسناد از پرونده وی به سرقت رفته است. در اسناد ساواک سرقت اسناد از سجایای بارز این نخست‌وزیر نمونه محمدرضا پهلوی بوده است. امیرعباس هویدا وابستگی و علاقه شدیدی به بهائیت داشت که بخشی از آن مربوط به ارتباطات و علاقه خاص پدر بزرگ او به عباس افندی و بهائیت می‌شود و قسمتی هم به خوداوقداماتی

به طوری که در وزارت بهداری و وزارت کار و حزب ایران نوین شنیده می‌شود اکثر افراد تقریباً به صورت غیر آشکار راجع به فراماسیونرها صحبت‌هایی می‌نمایند و همگی علاقمند هستند که جلد سوم کتاب فراماسونری را به دست

آورده و مورد مطالعه قرار دهند و عده‌ای که از جریان امر مطلع می‌باشند اظهار می‌دارند در جلد سوم کتاب مورد بحث اسامی هشتصد نفر از اشخاص سرشناس و رجال فعلی و سابق کشور در کتاب مزبور ذکر کرده است. عضو فراماسونرها می‌باشند از جمله نام آقایان: نخست‌وزیر (هویدا) ۱، شریف‌امامی، اعلم ۲، تقی‌زاده، گلشائیان ۳، دکتر شاهقلی، مهندس لقمان‌الملک و عده‌ای دیگر برده شده است.



نظریه منبع:

آنچه مسلم است افرادی که مشتاق هستند جلد سوم کتاب مورد بحث را مطالعه نمایند به طور قطع جلد اول و دوم را مطالعه نموده‌اند.

نظریه رهبر عملیات:

نظریه منبع مورد تأیید است.

ملاحظات: چاپ‌کننده کتب مزبور اسماعیل رائین^۴ می‌باشد.

که در راستای تقویت و کمکهای مالی به این فرقه نموده است. در سند ساواک مورخ ۱۳۵۰/۵/۱۹ چنین آمده است: جلسه‌ای با شرکت ۱۲ نفر از بهائیان ناحیه ۷ شیراز ... شخص هویدا بهایی زاده است. عده‌ای از مأمورین مخفی که در دربار شاهنشاهی می‌باشند می‌خواهند هویدا را محکوم کنند. ولی او یکی از بهترین خادمین امراالله است و امسال مبلغ ۱۵ هزار تومان به محفل ماکمک کرده است ... هویدا طی سالهای ۱۳۳۷-۱۳۴۲ از همکاران پنهان ساواک بختیار بود. وی در سال ۱۳۴۳ به نخست‌وزیری رسید و تا ۱۳۵۶/۵/۱۵ در این سمت باقی ماند. هویدا به عنوان یک «هم‌جنس‌گرا» نه تنها در میان خواص بلکه در جامعه نیز شهرت کافی داشت و محمدرضا پهلوی از این شهرت به خوبی مطلع بود. ابقاء چنین نخست‌وزیری عمق تباهی اخلاقی شاه و وابستگانش و اوج بی‌اعتنایی آنان را به کرامت انسانی و ارزشهای اخلاقی و فرهنگی جامعه را نشان می‌دهد.

- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، ص ۳۶۶-۳۹۷؛

- اسناد ساواک - پرونده‌های انفرادی

امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک، ۲ جلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی
۲- پروفیسور جمشید اعلم:

فرزند اسدالله در سال ۱۲۸۴ در تهران متولد شد. وی پس از طی دوره مقدماتی، مقطع متوسطه را در دبیرستانهای عسلیه و دارالفنون به پایان رسانید و جهت ادامه تحصیلات به فرانسه رفت و در شهر لیون (لیسه آمپر)

در دانشکده ادبیات، زبان فرانسه را تکمیل نمود و از دانشکده پزشکی متخصص گوش و حلق و بینی شد و با دختری فرانسوی ازدواج و به ایران مراجعت کرد. نامبرده ابتدا در بهداری ارتش خدمت کرد و بعد از آن در بیمارستان شماره یک شهرداری به کار پرداخت و در سال ۱۳۱۶ به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و از سال ۱۳۲۷ در دانشکده پزشکی به تدریس پرداخت. پروفیسور جمشید اعلم در مشاغل مهمی از جمله، پزشک مطب عمومی بیمارستان شماره ۱ و ۲ شهرداری تهران، تدریس تعلیمات سریری، تدریس در هنرهای عالی، پزشک و رئیس بیمارستان وزیرری با حق آموزش، رئیس بخش گوش و حلق و بینی بیمارستان فارابی، رئیس بیمارستان امیراعلم، عضو شورای مرکزی دانشگاهها، صاحب امتیاز مجله راه علم با روش علمی، نماینده مجلس شورای ملی و سنا از شهرستان قزوین به کار پرداخت.

نامبرده در سال ۱۳۳۹ به اسرائیل سفر کرد و ساواک وی را اهل مشروب، پول و مقام، خودخواه، شوخ و متکبر و ضعیف کش معرفی نموده است.

پروفیسور جمشید اعلم نشانهای ۲ و ۳ همایون، ۲ و ۳ و ۴ و ۵ تاج از طرف محمدرضا پهلوی و تعدادی نشان از کشورهای خارجی دریافت کرد.

نامبرده در تشکیلات فراماسونری عضویت داشت و در سال ۱۳۵۰ به دلیل سخنرانی بر علیه امام خمینی (ره) در مجلس سنا توسط مردم غیور و مسلمان تهدید شد و جهت حفظ جانش از ساواک درخواست

کمک کرد.

۳- عباسقلی گلشائیان،

فرزند رضا قلیخان محتشم‌الدوله به سال ۱۲۸۱ ش در تهران تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه دارالفنون سپری کرد و سپس علوم قضائی را در مدرسه عالی حقوق به پایان رساند. در ۱۳۰۰ ش کار خود را به عنوان مترجم زبان فرانسه در دفتر مسیو پرنی مستشار حقوقی وزارت عدلیه آغاز کرد و در ترجمه و تنظیم قانون مجازات عمومی همکاری کرد. از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ ش در مشاغل قضایی و دادگستری مشغول به کار شد و سپس به وزارت دارایی مستقل شد و تا ۱۳۲۰ ش در آن به خدمت پرداخت. او مدتها سمت‌های استانداری، سناتوری، ریاست شورای عالی بانک ملی ایران را عهده‌دار بوده است. در سال ۱۳۲۰ کفیل وزارت دارایی و پس از چسندی در کابینه مسیح‌علی فروغی وزیر بازرگانی و اقتصاد ملی شد. وزارت پیشه و هنر و بازرگانی را نیز در همان کابینه عهده‌دار بود. وزارت دادگستری را نیز در اختیار داشت. وی مدتی شهردار تهران و عضو شورای عالی اقتصاد بود و در کابینه صدرا لاشرف وزارت پیشه و هنر را داشت.

مدتی استاندار خراسان، وزیر دادگستری در کابینه هژیر، وزیر دارایی در کابینه ساعد شد و در دوره دوم و سوم مجلس سنا به نمایندگی از تهران رسید. او در کابینه علاء به سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ وزارت دادگستری را برعهده داشت. او عضو شورای عالی جمعیت ملی مبارزه با جذام و رئیس هیأت مدیره جمعیت

کمک به جذامیان و عضو هیأت مدیره انجمن طرفداران ابوعلی سینا بود. قرارداد نفتی معروف ایران و انگلیس به نام گس - گلشائیان - توسط او منعقد شده البته بعدها از اعتبار ساقط شد. سرانجام در ۱۹ مهر ۱۳۶۹ ش درگذشت. گلشائیان قائم مقام و استاد اعظم لژ بزرگ ایران و نایب رئیس هیأت رئیسه فراماسونهای ایران و عضو مؤسس لژ فراماسونری دانش و عضو لژهای کسری، مولوی، فروغی، سعدی، متبراه اهواز، فرانسه، فردا، نور، مشعل و خورشید بود. ۵۴۰۴۷ سوم (گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من ج ۲؛ گنجینه اسناد، شماره ۳، ۱۳۷۳ ش؛ پرونده عباسقلی گلشائیان در ساواک)

۴- اسماعیل رائسین، فرزند غلامحسین در سال ۱۲۹۸ در بوشهر متولد شد. در سال ۱۳۱۴ در اداره پست و تلگراف شهر استخدام و سپس به اردبیل و تهران منتقل شد. رائسین علاوه بر خدمت در اداره پست و تلگراف به شغل خبرنگاری مطبوعات نیز اشتغال داشت. و مقامات خود را با نام بهمن امضا کرد و دوره ۴ ساله روزنامه‌نگاری را در

دانشگاه تهران طی کرده است. اسماعیل رائسین از سال ۱۳۱۸ با نوشتن مقالاتی در روزنامه «خلیج ایران» در بوشهر کار مطبوعاتی را آغاز و از سال ۱۳۲۰ بیشتر اوقات خود را صرف مطبوعات نموده هنگام انتقال به تهران در سال ۱۳۲۳ اخبار تلگرافهای رسیده از آذربایجان را در اختیار روزنامه کیهان، مجله تهران مصور و آتش قرار می‌داد. علاوه بر نشریات یاد شده با مجله روشنفکر و تهران و... همکاری می‌نمود. وی در سال ۱۳۳۶ مؤسسه جمع‌آوری مؤسسه جمع‌آوری اخبار و تأمین اخبار جراید را با کمک بهرام بوشهری تأسیس نمود. به اعتقاد ساواک اسماعیل رائسین به منظور کسب اخبار با طبقات مختلف مردم از جمله شخصیت‌های داخلی و خارجی ارتباط پیدا نموده و با توجه به بصیرت و تیزهوشی ذاتی تحت پوشش مزبور اطلاعاتی نیز برای عوامل خارجی تهیه می‌نماید. با توجه به اشتغال برادرش پرویز [رائسین] در خبرنگاری آسوشیتدپرس مطمئناً آن خبرنگاری را نیز از اخبار جمع‌آوری شده بسی‌نصیب نمی‌گردانید.

بنا به گزارش سفارت ایران در کویت، روزنامه «الرأی العام» در مورخه ۱۰ شهریور ۱۳۴۴ فاش ساخت شش نفر از روزنامه نگاران ایرانی منجمله تهران مصور به اسرائیل سفر کرده که افراد مزبور خود را نمایندگان مطبوعات ایران معرفی نموده‌اند که این روزنامه به انجام این سفر شدیداً حمله کرده است.

اسماعیل رائسین یکی از وابستگان به رژیم پهلوی بود و به دستور آنها کتاب فراموشخانه و فراماسونری را نوشت. (پرونده اسماعیل رائسین در ساواک و کتاب چهره‌های مطبوعات معاصر، ص ۸۵).

نامبرده از اعضای پایه گذار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دور ریاست هیئت مدیره و عضویت هیئت اجرایی آن را به عهده داشت.

وی دارای تألیفات مختلفی چون فراموش خانه و فراماسونری در ایران می‌باشد که با همکاری ساواک آن را تدوین نمود. رائسین با شاپور جی بیورتر، برادران آرمیت و... رابطه حسنه داشت.

شهری

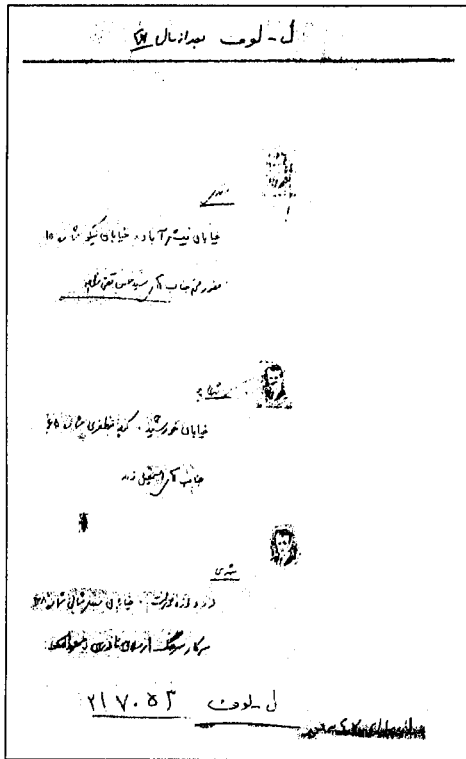
خیابان فیشرآباد. خیابان نیکو شماره ۱۵
حضور محترم جناب آقای سید حسن تقی زاده

شهری

خیابان خورشید. کوچه مظفری شماره ۶۵ جناب آقای اسماعیل زند

شهری

دروازه دولت. خیابان
سعدی شمالی شماره ۱۲۸
سرکار سرهنگ ارسلان
نادری (منصورالملک)
ل - لوف ۲۱۷۰۵۳



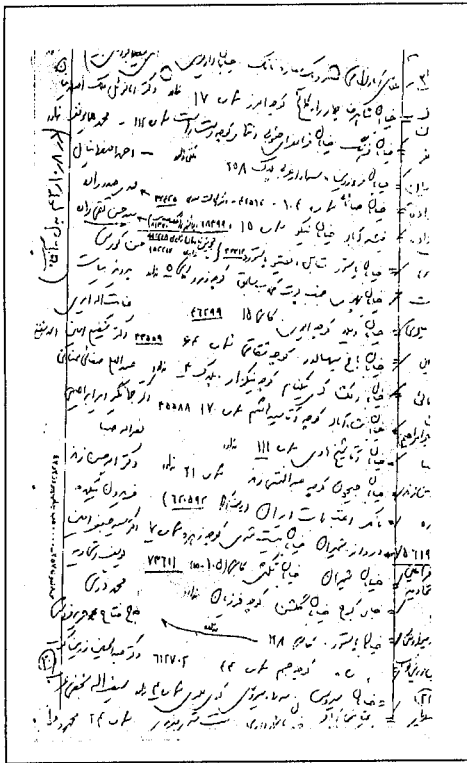
آذین فر - حسن - خیابان بهار - شماره ۱۶.....

آزیر - دکتر احمد - خیابان پهلوی - آزمایشگاه دکتر - ت ۴۰۷۴۳ منزل ۳۵۷۴۱
ابهری دکتر علی - خیابان اقبال - کوچه مسجد - کاشی ۹ ت ۷۵۷۸۴۶ اداره
۶۵۲۹۲

حکیمی ابراهیم - اصفهانیان

بختیار - آقاخان - دزاشیب - روبروی.....

بهم - سیف الله - خیابان سعدی - مقابل ایران تور - کوچه فاریاب - پلاک ۱+۱۲
ت ۳۱۶۹۷



بیات - پرویز - خیابان

پهلوی - جنب بوٹ کلاب

سابق - کوچه زمرد - شماره

۵ - ت ۵۳۹۹۱

پویانی - محمد حسن دروس

- خیابان امر صحنی - شماره

۵۶ - ت ۸۶۴۲۴

پیرنیا - دکتر حسین - کوی

یوسف آباد - خیابان

مستوفی - کاشی ۹۲ ت

۹۰ - ت ۶۲۳۰۹۰

تقی زاده - سید حسن -

فیشر آباد - خیابان نیکو -

شماره ۱۵ - ت ۶۸۳۹۹

تهرانیان - احمد - چهار راه

پهلوی - اول امیریه - کوچه تهرانیان - ت ۶۶۸۵۵

جلیلی - سید ابوالحسن - عباس آباد نظامی - نزدیک مغازه نانک خیابان

داریوش ساختمان دوم دست چپ - ت ۷۵۸۱۰۰

جمالپور - علی - جاده نیاوران - ایستگاه جویستان - کوچه جشن - شماره ۸ - ت

۸۸۰۲۸۶

حریر فروش - فتاح - خیابان پاستور - شماره ۱۲۸ - ت ۴۷۲۲۷ - دفتر ۲۰۹۷۰

حکیمی - ابوالحسن - خیابان هدایت - کوچه مالک - شماره ۲۶/۲۴ - ت

۷۵۷۰۰۸

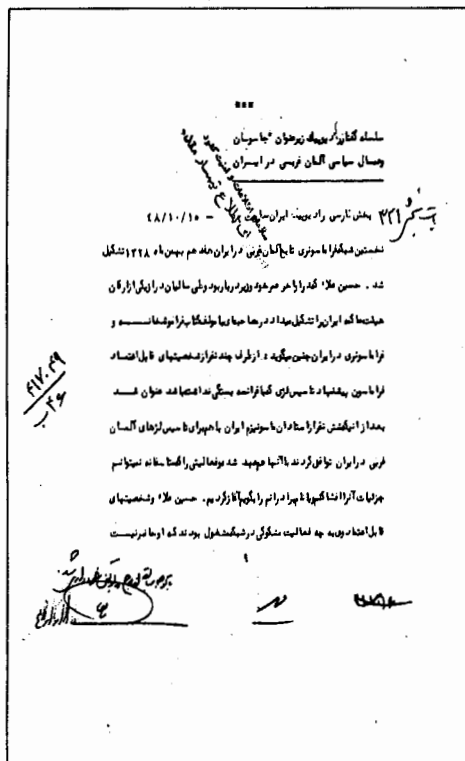
خسروانی - دکتر خسرو - کاوسیہ - خیابان قبادیان - خیابان پهلوی ت - ۸۲۵۰۶۸
 دری - محمد - جاده کرج - خیابان گلشن - کوچه فرزبان - ت ۴۳۷۹۳
 زرین کفش - علی اصغر - خیابان پهلوی - مقابان بیمارستان یوسف آباد - شماره ۶۱۳ - ت ۸۲۰۹۰۰
 زرین کوب - دکتر عبدالحسین - خیابان شاه - کوچه جم - شماره ۴۴ - ت ۶۲۷۰۲
 ژوزف - ادوارد - خیابان بهار - کوچه طبا - کوچه میراشرافی - ۳ - ت ۷۵۰۶۹ - اداره ۶۱۲۶۳۲
 صبا - نصرالله (مختارالملک) - خیابان آقا شیخ هادی - شماره ۱۱۱ - ت ۴۴۲۴۸
 صدرزاده - مهدی - خیابان صبا - شماره ۱۰۴ - ت ۴۲۵۶۲ - اداره ۳۲۴۲۵
 صفا - دکتر ذبیح الله - خیابان امیرآباد - فرصت غربی - چهار راه فرصت و جمشید - ت ۴۴۸۱۴
 عرفان - محمود - میدان تجریش - اول جاده دزاشیب - کوچه دوم بعد از کلانتری - کوی قزوین شماره
 ۸۵۲۱۴۰
 فرتاش - دکتر منوچهر - در مسافرت

سلسله گفتار رادیو پیک زیر عنوان
«جاسوسان و عمال سیاسی آلمان غربی در ایران»

بخش فارسی رادیو پیک ایران ساعت ۱۹-۱۵/۱۰/۴۸

نخستین شبکه فراماسونری تابع آلمان غربی در ایران هفدهم بهمن ماه ۱۳۲۸ تشکیل شد. حسین علاء که در اواخر عمر خود وزیر دربار بود و طی سالیان دراز یکی از ارکان هیئت حاکمه ایران را تشکیل می‌داد در مصاحبه‌ای با

مؤلف کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران چنین می‌گوید: از طرف چند نفر از شخصیت‌های قابل اعتماد فراماسون پیشنهاد تأسیس لژی که با فرانسه بستگی نداشته باشد عنوان شد بعد از اینکه شش نفر از استادان ماسونیزم ایران با هم برای تأسیس لژهای آلمان غربی در ایران توافق کردند با آنها هم عهد شده و فعالیتی راکه متأسفانه نمی‌توانیم جزئیات آنرا افشا کنیم و یا نام برادرانم را بگویم آغاز کردیم. حسین علاء و



شخصیت‌های قابل اعتماد وی به چه فعالیت مشکوکی در شبکه مشغول بودند که او حاضر نیست جزئیات آنرا افشا کند اگر بنا به ادعای این آقایان ماسونها جز نیکوکاری و تهذیب اخلاق مشغله‌ای نداشتند چرا حسین علاء یکی از استادان اعظم این چنین اصراری در پنهان کردن اعمال خود و برادرانش دارد. آیا باز هم جای تردیدی باقی می‌ماند که این آقایان عمال سیاسی امپریالیزم در شبکه‌های سر هم بندی شده به خیانت به مصالح ملی ما مشغول بوده‌اند.

نخستین شبکه جاسوسی آلمان غربی در ایران مه نام داشت و افراد زیر

مؤسسين آن بودند. حسين علاء - سيدحسن تقى زاده - مختارالملک صبا - عبدالله انتظام - تقى اسکندانی - ابوالحسن حکيم [حکيمی] - و در راس اين گروه فوگل جاسوس آلمان غربى قرار داشت و همه اين آقایان افراد وابسته به هيئت حاکمه هستند که ساليان دراز حساسترين پستهای مملکت را در دست داشتند اندکى پس از تشکيل شبکه مه گردانندگان اصلى شبکه ها در آلمان غربى در مقابل اين خدمت حسين علاء درجه استاد اعظم دادند و پس از تشکيل گرانڈ لژ مستقل ايران که همه شبکه ها را در ايران تحت نظارت داشت تقى اسکندانی نيز به پاداش

خدماتش به سمت دبیر بزرگ گرانڈ لژ تعيين شد.

۴۲ نفر از ایرانیانی که اکثر مشاغل عالیه در دولت و مؤسسات اقتصادی را داشته اند عضو لژ مه بوده و هستند. اعضای لژ مه عبارتند از حسن آذین فر - دکتر علی ابهری - دکتر علی اکبر اصفهانی - نصرالله انتظام - دکتر احمد آژیر - ابراهیم ادیبی - حمید اصفهانیان - آقاخان بختیار - پرویز بیات - محمدحسن پویانی - دکتر حسین پیرنیا - سید حسن تقی زاده - احمد

جزئیات آنرا مشاهده فرمایید. این اسنادها جزئیات بیشتری را
 اطلاع دهند. در این اسنادها نامها و اطلاعاتی در مورد
 در این اسنادها نامها و اطلاعاتی در مورد
 که این اسنادها نامها و اطلاعاتی در مورد
 می باشد.
 نامها و اطلاعاتی در مورد
 بود. - حسین علاء - سید حسن تقی زاده - مختارالملک صبا - عبدالله انتظام
 تقی اسکندانی - ابوالحسن حکیم - پرویز بیات - آقاخان بختیار - پرویز بیات - محمد حسن پویانی -
 وزیر اقتصاد - آقاخان بختیار - پرویز بیات - محمد حسن پویانی -
 حاکمترین پستهای مملکت را در دست داشتند اندکى پس از تشکيل شبکه مه گردانندگان اصلى شبکه ها در آلمان غربى در مقابل اين خدمت حسين علاء درجه استاد اعظم دادند و پس از تشکيل گرانڈ لژ مستقل ايران که همه شبکه ها را در ايران تحت نظارت داشت تقى اسکندانی نيز به پاداش خدماتش به سمت دبیر بزرگ گرانڈ لژ تعيين شد.
 ۴۲ نفر از ایرانیانی که اکثر مشاغل عالیه در دولت و مؤسسات اقتصادی را داشته اند عضو لژ مه بوده و هستند. اعضای لژ مه عبارتند از حسن آذین فر - دکتر علی ابهری - دکتر علی اکبر اصفهانی - نصرالله انتظام - دکتر احمد آژیر - ابراهیم ادیبی - حمید اصفهانیان - آقاخان بختیار - پرویز بیات - محمدحسن پویانی - دکتر حسین پیرنیا - سید حسن تقی زاده - احمد

۴۹/۴۱۷
 ۸۸

تهرانیان - سید ابوالحسن جلیلی - علی جهانپور - فتح حریر فروش - ابوالحسن حکیمى - دکتر خسرو خسروانی - محمد درى - علی اصغر زرین کفش - ادوارد ژوزف.

با توجه به سابقه از درج در بولتن خودداری شد. ۴۸/۱۰/۱۸

۴۶ ب ۴۹-۴۱۷

به: ۳۱۶

از: ۲۵۲۰

تاریخ: ۴۸/۱۱/۱۱

شماره: ۲۰/۳۲۷۴۰ هـ

موضوع: دیدار تعدادی از عناصر حزب زحمتکشان با دکتر مظفر بقایی^۱ در منزل وی

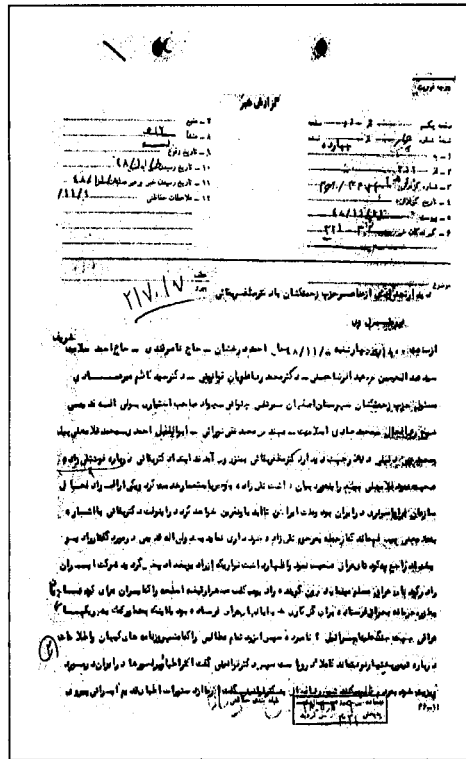
۱- مظفر بقایی کرمانی فرزند میرزا شهاب الدوله کرمانی است. وی در کرمان متولد شده و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آن شهر برای شرکت در مسابقه اعزام محصل به خارج به تهران آمد و

جزء اولین دسته محصلین بود که در زمان رضا شاه برای تحصیل در اروپا اعزام شد. وی مدت پنج سال در دانشگاه پاریس به تحصیل رشته فلسفه و ادبیات مشغول بود. مدرک وی را دکترای عنوان کرده‌اند. اما در کتاب «ایران و تاریخ» نوشته بهرام افراسیابی در پاسورقی صفحه ۱۲۶ نوشته شده: «مظفر بقایی برای تحصیلات به فرانسه رفته بود و به علت عیاشی و ولگردی موفق به درس خواندن نگشته و بدون گرفتن عنوان از فرانسه باز می‌گردد. اولین دغلكاری او این بود که برای خودش عنوان دکترای جعل کرده بود...»

از سال ۱۳۲۴ وارد فعالیتهای سیاسی شد و در تشکیل حزب دمکرات ایران با قوام السلطنه همکاری کرد. برای اولین بار در همین سال به مجلس راه یافت و از کرمان به نمایندگی انتخاب شد. بقایی آنگاه به یاری خلیل ملکی حزب زحمتکشان را که بعداً نام جامعه سوسیالیست‌ها را بر خود نهاد تأسیس نمود.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ظاهراً ادعای طرفداری از انقلاب را داشت اما انتشار وصیت نامه سیاسی او مطالب را به گونه دیگری نشان می‌داد. وی همچنین متهم به شرکت در قتل «افشار طوس» رئیس شهربانی دوران حکومت دکتر مصدق بود. وی کودتای ۲۸ خرداد

از ساعت ۱۸۰۰ روز چهارشنبه ۴۸/۱۱/۸ حاج احمد درخشان - حاج ناصر قندی - حاج احمد سلامت شریف - سید عبدالحسین و عبدالرضا حسینی -



دکتر محمد رضا علویان قوانینی - دکتر سید کاظم میرعمادی - مسئول حزب زحمتکشان^۲ شهرستان اصفهان مرتضی ... - جواد صاحب اختیاری - ولی الله قدیمی - شیخ رضا فعال - محمدهادی اسلامیت - مهندس محمدتقی نورائی - ابوالفضل احمدی - محمد غلامعلی بیگ و محمد علی دلیلی دیدار جهت دیدار دکتر مظفر بقایی به منزل وی آمدند ابتدا دکتر بقایی در باره فوت تقی زاده صحبت نمود غلامعلی بیگ

در این مورد بیان داشت تقی زاده یک عمر به استعمار خدمت کرد و یکی از افراد فعال سازمان فراماسونری در ایران بود و ملت ایران تا ابد به او نفرین خواهند کرد در این وقت دکتر بقایی با اشاره به غلامعلی بیگ فهماند که از حمله به مرحوم تقی زاده خودداری نماید بعد ولی الله قدیمی در مورد گفتار رادیو بغداد راجع به کودتای عراق صحبت نمود و اظهار داشت نواری که از رادیو بغداد پخش گردید شرکت ایران را در کودتای عراق مسلم می‌نماید و چون گوینده رادیو می‌گفت سه هزار قبضه اسلحه را که ایران برای کودتاچیان به طور محرمانه به عراق فرستاده

برای گل کاری خیابانهای عراق فرستاده بود یا اینکه به منظور کمک به چریکهای عراقی جهت جنگ علیه اسرائیل؟ نامبرده سپس افزود تمام مطالبی را که امشب روزنامه‌های کیهان و اطلاعات درباره تیمور بختیار نوشته‌اند کاملاً دروغ است سپس دکتر قوانینی گفت اکثر اطباء و پروفیسورها در ایران در مورد ویزیت خود به مردم ظلم می‌کنند شیخ رضا فعال به دکتر قوانینی گفت اگر ما از دستورات طبای قدیم ایرانی پیروی کنیم خیلی بهتر است تا موقعی که مریض می‌شویم خود را به دست این دکترهای بی انصاف بسپاریم اگر از همین دستورات بوعلی سینا که در ایران برای او جشن می‌گیرند ولی استفاده از دستورات علمی او را خارجیان می‌برند پیروی کنیم خیلی بهتر است دکتر بقایی بیان داشت در خیابان نادری تا سه راه شاه ۵۲ مطب دکتر وجود دارد این شمار را خودم کرده‌ام شیخ رضا فعال بیان نمود اگر در ایران دو میلیون دکتر و پروفیسور هم وجود داشته باشد هیچ ارزشی ندارد چون تمام آنها بی انصاف هستند بعد نامبرده به مرتضی جوانی یکی از افراد حزب زحمتکشان شهرستان اصفهان اظهار داشت قرار

است همین روزها مهندس نورائی تعدادی درخت کاج برای جنگل مصنوعی قائم شهرستان کرمان بخرد و من آنها را به این شهرستان حمل نمایم و در سر راه

موقع مراجعت چند روزی هم در اصفهان خواهم ماند مرتضی جوانی به شیخ رضا گفت تمام رفقا در اصفهان منتظر شما هستند در این وقت دکتر بقایی به محمد غلامعلی بیک اظهار نمود در دانشگاه تهران به دانشکده ادبیات نزد من تشریف بیاورید با شما کار لازمی دارم دکتر بقایی سپس یک چک به مبلغ ۱۰۸۰ ریال بابت خرید پارچه چلوار سفید به حاج احمد سلامت شریف داد در ساعت ۱۹۴۰ جلسه مزبور خاتمه پذیرفت و افراد به تدریج منزل دکتر بقایی را ترک نمودند.

نظریه رهبر عملیات - با توجه به دستنویس منبع م. د. ف به صحت اظهارات وی می‌توان اعتماد نمود. آرش

نظریه ۲۰ هـ ۲: نظریه رهبر عملیات مورد تأیید می‌باشد.

مرداد را تأیید کرد. وی در سال ۱۳۵۹ دستگیر شد و ضمن سپردن تعهد به این که از کشور خارج نشود آزاد گردید ولی در شهریور ماه همان سال سفری به آمریکا انجام داد... بقایی در فروردین ماه سال ۶۶ پس از بازگشت از آمریکا، در کرمان دستگیر شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در همان تاریخ در بازرسی از منزل وی مقادیر زیادی اسناد مربوط به حزب زحمتکشان و اشیاء و نشریات غیر مشروع که حاکی از انحراف اخلاقی وی بود بدست آمد. سرانجام بقایی در آبان ماه ۱۳۶۶ بسر اثر عود بیماری سفلیس در بیمارستان مهر تهران جان سپرد.

زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی کرمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی،

۱۳۸۰
- دکتر مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک، ۲ جلد، تهران،

مرکز بررسی اسناد تاریخی
۲- حزب زحمتکشان ملت ایران در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ دو

هفته پس از نخست‌وزیری مصدق و مقارن کار مجلس شانزدهم از ائتلاف بقایی و خلیل

ملکی به وجود آمد. رهبری این حزب را دکتر مظفر بقایی کرمانی که پس از مصدق نماینده دوم

تهران در مجلس بود، به عهده داشت. بقایی پیش از آن عضویت حزب دمکرات ایران

قوام را داشت و در دوره قبل - مجلس پانزدهم - از سوی این

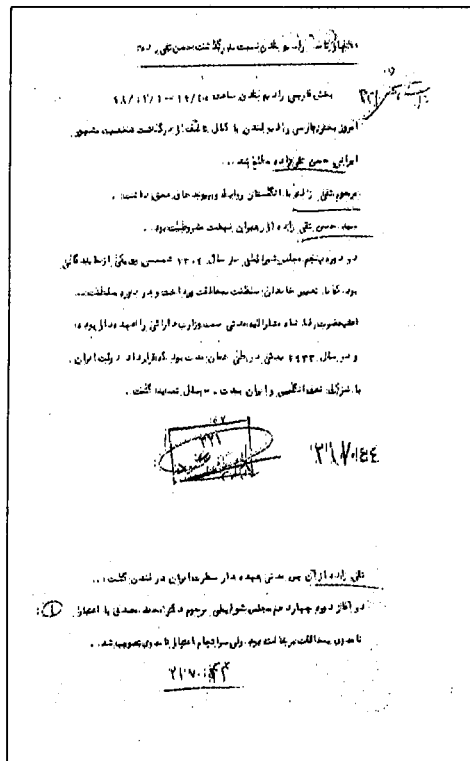
حزب از کرمان به نمایندگی رسیده بود.... حزب زحمتکشان یکی از احزاب تشکیل دهنده

این جبهه (جبهه ملی) محسوب می‌شد. این حزب که با هدف

اظهار تأسف رادیو لندن نسبت به درگذشت حسن تقی‌زاده
بخش فارسی رادیو لندن ساعت ۱۹/۴۵ - ۴۸/۱۱/۹

امروز بخش فارسی رادیو لندن با کمال تأسف از درگذشت شخصیت مشهور ایرانی حسن تقی‌زاده مطلع شد. مرحوم تقی‌زاده با انگلستان روابط و پیوندهای عمیق داشت. سید حسن تقی‌زاده از رهبران نهضت مشروطیت بود.

در دوره پنجم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۴ شمسی وی یکی از نمایندگان بود که با تغییر خاندان سلطنت به مخالفت پرداخت و در دوره سلطنت اعلیحضرت رضا شاه مشارالیه مدتی سمت وزارت دارایی را عهده دار بوده و در سال ۱۹۳۳ یعنی در طی همان مدت بود که قرارداد دولت ایران با شرکت نفت انگلیس و ایران به مدت ۳۰ سال تمدید گشت. تقی‌زاده از آن پس مدتی عهده دار سفارت ایران در لندن گشت.



حمایت از نهضت نفت و گرد آوردن نیروهای پراکنده مدافع نهضت و ایجاد تشکیلی در برابر حزب توده به وجود آمد، از همان آغاز به دو جناح تقسیم شد که هر یک وظیفه و نقشی را در این حزب به عهده گرفتند. جناح بقایی به فعالیت‌های سیاسی و پارلمانی مشغول شد و جناح مسلکی به امور تشکیلات، آموزش و انتشارات حزب پرداخت. سران حزب زحمتکشان - صرف نظر از جناح مسلکی - عبارت بودند از بقایی، عیسی سپهبدی و علی زهری. ارگان حزب زحمتکشان روزنامه شاهد بود که چند سال پیش از تشکیل حزب زحمتکشان، با امتیاز هوشنگ فرزاد و سردبیری سید اسماعیل زهری منتشر می‌شد و به هنگام پیدایش حزب، امتیاز و مدیریت آن به علی زهری تعلق داشت.... این حزب در برخی شهرها نیز فعال بود؛ از جمله در دزفول که روزنامه‌ای به نام فرید دزفول به صاحب امتیازی دکتر گوشه گیر منتشر می‌کرد. جناح بقایی که در مثلث بقایی - زهری - سپهبدی شکل گرفته بود و در عمل در شخص بقایی خلاصه می‌شد، به تدریج به مخالفت با حکومت مصدق برخاست و اختلافات دو جناح که روز به روز شدت می‌گرفت، سرانجام پس از حدود یک سال و نیم در مهر ۱۳۳۱ به جدایی مسلکی و یاران او از حزب زحمتکشان ملت ایران و تشکیل حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) انجامید. حزب زحمتکشان بقایی در مجلس و خارج از آن به مخالفت با مصدق ادامه داد و در زمینه سازی

گفتار رادیو کلن درباره سناتور تقی زاده
بخش فارسی رادیو کلن ساعت ۱۹/۵۰-۴۸/۱۱/۱۵

آئینه سیاسی جهان - به مناسبت درگذشت تقی زاده رجل سیاسی و فرهنگی ایران آقای باکووید یکی از همکاران آلمانی رادیو صدای آلمان که سوابق آشنایی با آن مرحوم داشته است با شما صحبت می کند.
شنوندگان ارجمند در ایران خبر درگذشت تقی زاده قلب بسیاری از آلمانی ها را نیز جریحه دار کرد.

در پرونده کلاسه ۲۱۷۰۴۴

بایگانی شود.

ریاست بخش ۳۲۱

تقاضای ردپوش آرا در ستاد تقی زاده
در کلن آلمان

ریاست بخش ۳۲۱ بخد فارسی رادیو کلن ساعت ۱۹/۵۰-۴۸/۱۱/۱۵

* آئینه سیاسی جهان - به مناسبت درگذشت تقی زاده رجل سیاسی و فرهنگی ایران آقای باکووید یکی از همکاران آلمانی رادیو صدای آلمان که سوابق آشنایی با آن مرحوم داشته است با شما صحبت می کند.

شنوندگان ارجمند در ایران خبر درگذشت تقی زاده قلب بسیاری از آلمانی ها را نیز جریحه دار کرد.

۲۱۷۰۴۴
در پرونده کلاسه

۲۱۷۰۴۴

کودتای ۲۸ مرداد با سایر مخالفان مصدق هماهنگ شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد، حزب زحمتکشان در دوره های مختلف چند بار دیگر با همین نام یا با نام جمعیت پاسداران آزادی به فعالیت پرداخت.

فهرست اعلام

- آ-الف
- آبادان / ۱۶، ۱۷، ۲۵، ۶۷، ۱۰۴
- آبتین / ۱۶۱
- آخشيجی، حسن / ۱۷۰
- آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم / یازده، ۹، ۱۵
- آدامز، جان کونیس / ۱۲۲
- آدمیت، فریدون / چهارده، بیست و یک، سی
- آذربایجان / هشت، نه، بیست و یک، ۹، ۱۲، ۴۲، ۵۵، ۵۶، ۷۴، ۷۵، ۹۱، ۹۵، ۱۰۲، ۱۲۰، ۱۴۸
- ۱۸۵
- آذرفر / ۱۴۸
- آذرنگ، عبدالحسین / بیست و هفت، سی
- آذین فر، حسن / ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۰
- آرامش، احمد / ۳۰، ۳۱، ۱۶۱
- آرش (ساواک) / ۱۹۲
- آرمیت / ۱۸۵
- آریانا، بهرام / ۲۷
- آرین پور، یحیی / ۵۸
- آرین، غلامرضا / ۱۲۹، ۱۳۵
- آزیر، احمد / ۱۲۹، ۱۹۰، ۱۷۵، ۱۸۷
- آشتیان / ۲۷
- آشتیانی، یوسف / ۵۶
- آلمان / دوازده، سیزده، پانزده، شانزده، هفده، ۲۳، ۲۹، ۵۶، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۶۰، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۴
- آمریکا / دوازده، سیزده، چهارده، بیست و یک، بیست و چهار، ۱۴، ۱۵، ۳۱، ۳۲، ۴۲، ۵۶، ۵۷
- ۸۷، ۸۴، ۷۹، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۶۵، ۵۸
- ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۶
- ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۹
- ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۸۱
- ۱۹۲
- آموزگار، جمشید / ۱۶۷
- آنکارا / ۲۲
- آیزنهاور / ۷۶، ۱۲۳
- ابتهاج، ابوالحسن / ۳۱
- ابراهیمی، (سرگرد) / ۳۳
- ابوالفقراء اصفهانی / ۲۷
- ابهری، علی / ۱۲۹، ۱۸۷، ۱۹۰
- اتابک / نه، بیست و هفت
- اتحادیه، منصوره / بیست و شش، بیست و هفت، بیست و هشت
- اتحادیه، یوسف / ۱۲۹
- اتریش / چهارده، ۱۶۶
- احمدشاه قاجار / ۷۸، ۲۶
- احمدی، ابوالفضل / ۱۹۱
- احمدی، محمود طاهر / سی
- ادیب السلطنه، حسن خان / ۲۷
- ادیبی، ابراهیم / ۱۲۹، ۱۹۰
- اراده آذربایجان (روزنامه) / ۱۰۹، ۱۱۰
- اراک / ۱۵، ۲۵، ۱۶۰
- اردبیل / ۱۸۵
- اردلان، عز الملک / ۱۴۵
- اردن / ۱۳۸

- اردوبادی، سیدتقی / هفت
اعلم، جمشید / ۱۸۳، ۱۸۴
- ارسنجانی، حسن / ۷، ۱۴۲
افتخاری (ساواک) / ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰
- ارسنجانی، محمود / ۷
افراسیابی، بهرام / ۱۹۱
- ازهارى، غلامرضا / ۱۳۹
افراشته، هاشم / ۷
- اسپانیا / ۲۷، ۸۱، ۱۶۶
افشارطوس / ۱۹۱
- استامبول / یازده، دوازده، ۹، ۲۸، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۸۰
افضلی / ۱۴۸
- ۸۴
افغانستان / ۱۱۷
- اسدی / ۳۱
افندی، عباس / دوازده، ۱۸۳
- اسرائیل / ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۲
اقبال، احمد / ۹۰
- اسعد، علیقلی خان / ۵۶
اقبال / بیست و چهار، ۲۲
- اسکاتلند / ۸۱، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۷۰
اقبال، خسرو / ۹۰، ۱۱۷
- اسکندانی، تقی / ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۳۱، ۱۳۸
اقبال، عباس / ۲۶، ۲۷، ۱۱۶
- ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۰
اقبال، عبدالوهاب / ۹۰
- اسکندر میرزا / ۱۵۱
اقبال، علی / ۹۰
- اسکندری / ۴۰
اقبال، محمد / ۹۰
- اسکندری، ایرج / ۹۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۳
اقبال، مریم / ۹۱
- اسکندری، سلیمان محسن / ۱۴۵
اقبال، منوچهر / ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۶
- اسکندری، سلیمان میرزا / ۳۶
اقبال، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۵۶
- اسکندری، عباس / بیست و دو، بیست و سه
اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا سقوط شاه
(کتاب) / بیست و نه
- اسلامیت، محمد هادی / ۱۹۱
- اسناد احزاب سیاسی ایران (کتاب) / ۷
اکبر، فتح الله / ۲۷
- اشرف احمدی، علی / ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۵
اکبری، علی / ۱۵۲
- اصفهان / ۱۶، ۴۲، ۱۰۶، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۹۱، ۱۹۲
الموتی، مصطفی / ۱۱۷
- اصفهانیان / ۱۸۷، ۱۹۰
الموتی، نورالدین / ۱۴۵
- اصفهانى، علی اکبر / ۱۹۰
الهیاری، صالح / ۳۲، ۸۸
- اعتصام الملک، یوسف خان / ۵۵، ۵۶
امام خمینی / ۲، ۹۵، ۱۴۲، ۱۵۷، ۱۸۴
- اعتمادیان، محمود / ۱۶۷
امامی، جمال / ۵۰، ۱۸۲

- ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶،
 ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۹۳
 انوری پور / ۱۳
 اوکس، فیدل / ۱۴۴، ۱۴۶
 اهری، حسین / ۱۷۸
 اهواز / ۱۷
 اپیکچی / ۴۰
 ایتالیا / ۲۷، ۸۰، ۱۴۲، ۱۵۶
 ایران از صدر اسلام تا استیلای مغول (کتاب) / ۲۷
 ایران در فاصله دو کودتا ۱۳۳۲-۱۲۹۹ (کتاب) /
 بیست و نه
 ایزدی، علی / ۱۸۱
 ایلقانیان / ۱۴۶
 ایل قشقای / ۲۶، ۲۷
 ایوب خان / ۱۵۱، ۱۵۲
 ب
 باتمانقلیج / ۱۴۶
 بادکوبه / ۲۲
 بازرگان / ۵۳
 باکوویه / ۱۹۴
 باکو / هشت
 بامداد، مهدی / سیزده، نوزده، بیست و هشت،
 بیست و نه
 بحرین / ۴۳
 بخارانی، محمد / ۱۵۷
 بختیار / ۸۹، ۱۸۴
 امیر ابراهیم، جهانگیر / ۱۳۰، ۱۷۶
 امیر احمدی، احمد / ۹۱
 امیر حکمت، علی / ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵
 امیر حکمت، کیومرث / ۱۳۰
 امیر خیزی، اسماعیل / بیست و هفت
 امیر کبیر، میرزا تقی خان / ۹۴
 امیر مکرری، ناصر / ۱۷۰
 امین الدوله، علی خان / ۸۸
 امین الدوله، محسن خان / ۸۸
 امین السلطان / هشت
 امین الملک / ۱۲۸
 امینی، ابوالقاسم / ۷
 امینی، علی / ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۴۰، ۱۴۲،
 ۱۵۲
 انتظام السلطنه، سید محمد / ۱۳۰
 انتظام، عبدالله / ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۹۰
 انجمن اخوت / ۱۳۰
 انجمن ایران آمریکا / ۲۹
 اندرزگو / ۱۵۷
 اندونزی / ۱۸۱
 انقلاب سفید (کتاب) / ۱۶۶
 انقلاب مشروطیت / ۴۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۸۰
 انگلیس / هشت، نه، ده، یازده، دوازده، سیزده،
 هفده، هجده، نوزده، بیست، بیست و یک،
 بیست و دو، بیست و سه، بیست و چهار، ۳، ۷، ۱۴،
 ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۳۴، ۴۲، ۵۰، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۴، ۷۳، ۷۹،
 ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۶،

- بختیار، آقاخان / ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 بختیار، تیمور / ۱۹۲
 بختیاری، اسعد / ده، یازده، سیزده
 برادران / ۱۳۴، ۱۸۰، ۱۸۵
 برازجانی، محمدرضا / ۵۶
 برزین، مسعود / ۱۷۸
 برلین / دوازده، بیست، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۹، ۸۰، ۸۴
 بروجردی، سیدحسین (آیت‌الله) / ۱۵
 بروجردی، غلامحسین / ۵۷
 برون، ادوارد / ۵۵
 بزرگمهر، اسفندیار / چهارده
 بصیری، جمشید / ۱۷۰
 بغداد / ۶۵، ۱۸۱، ۱۹۱
 بقایی کرمانی، مظفر / ۲۵، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳
 بلژیک / هشت، ۱۸۱
 بنائی، حسین / ۱۶۷
 بندر انزلی / هشت
 بندر بوشهر / ۱۴
 بنیاد شاهنامه / ۱۲۰
 بنی‌هاشمی، جلال‌الدین / ۱۳۴
 بوذری، منوچهر / ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱
 بوربور، غلامحسین / ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵
 بوژوزف / ۱۳۰
 بوشهر / ۴۳، ۷۸، ۱۸۵
 بوشهری، بهرام / ۱۸۵
 بوعلی سینا / ۱۹۲
 بهادری، احمد / ۸۶
 بهادری، همایون / ۱۳۰
 بهارمست / ۱۱۶
 بهار، ملک الشعرا / ۱۸۱
 بهبودی، مسعود / ۱۷۸، ۷۷
 بهبهانی، سیدعبدالله / ده
 بهزادی / ۱۵۹
 بهزادی، علی / ۸۰
 به سوی تمدن (کتاب) / ۱۶۶
 بهمن، سیف‌الله / ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۷۵
 بیات بوشهری، شهاب‌السلطان / ۳۳، ۳۴، ۳۵
 بیات، پرویز / ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 بیات، مرتضی قلی / ۳۵
 بیرجند / ۴۱، ۱۶۰
 بیرجندی، محمدتقی / ۴۱
 بیروت / ۱۸۱، ۱۸۳
 پ
 پاریس / یازده، دوازده، سیزده، چهارده، بیست، ۱۲،
 ۲۳، ۳۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۸۸، ۹۰
 ۱۴۰، ۱۸۳، ۱۹۱
 پاشاخان، حسین / ۲۷
 پاکستان / ۱۵۱، ۱۸۱
 پرتقال / ۹۴
 پزشکپور، محسن / ۱۴۳، ۱۴۴
 پسیان، نجفقلی / ۱۱۷
 پویان، محمدحسن / ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 پهلوی، اشرف / ۹۰، ۹۱، ۱۱۷

- پهلوی، عبدالرضا / ۸۹
 پهلوی، فرح / ۱۳۹
 پهلوی، محمدرضا / ۲۶، ۲۷، ۶۴، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۴
 پیام من به فرهنگستان (مقاله) / سی، بیست
 پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطه (کتاب) /
 بیست و شش
 پیرنیا، حسین / ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 پیروز (سرتیپ) / ۶۷
 پیشه‌وری / ۹۱
- ت**
 تابش / ۱۵۹
 تاریخ آغازین فراماسونری در ایران (کتاب) /
 بیست و هفت
 تاریخ احوال کنونی ایران - محاکمه تاریخی (کتاب) /
 هفت، ۷۸، ۸۳
 تاریخ علوم در قرون معاصر (کتاب) / ۲۷
 تاریخ عمومی ایران (کتاب) / ۲۷
 تاریخ مختصر عالم (کتاب) / ۲۷
 تاریخ مشروطه ایران (کتاب) / بیست و شش،
 بیست و هفت
 تاریخ مفصل ایران (کتاب) / ۲۷
 تاریخ هجده ساله آذربایجان (کتاب) /
 بیست و هشت
 تبریز / هفت، هشت، ده، دوازده، شانزده،
 بیست و یک، ۹، ۱۲، ۱۳، ۴۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۷۸،
- ۸۳، ۸۴، ۹۱، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱
 تدین، سید محمد / ۴۱
 تربیت، محمد علیخان / ۵۵
 ترکیه / ۵۸، ۹۴، ۱۲۰، ۱۵۷
 تفرشی، مجید / سی
 تفضلی، تقی / ۱۳۴، ۱۷۵
 تفضلی، جهانگیر / ۱۱۷
 تفلیس / ۲۲، ۶۴
 تقی‌زاده، عطیه / ۱۶
 تقی‌زاده مطلق، فریدون / ۱۴۳، ۱۴۷
 تنکابنی، محمدولی خان / ده، سیزده
 تهرانچی / ۳۳
 تهرانی، اسکندر / ۱۳۰
 تهرانیان، احمد / ۱۳۴، ۱۷۵، ۱۸۷، ۱۹۰
 تهرانی، منوچهر / ۱۳۰، ۱۷۷
 تیمورتاش / ۱۵۹
- ث**
 ثابتی، پرویز / ۱۷۵
 ثابتی (ساواکی) / ۱۲۱
 ثقة‌الاسلام تبریزی / دوازده
 ثقة‌الاسلام، عبدالله / ۴۰
- ج**
 جامعه آذربایجانی‌ها / ۱۲۰
 جانسون / ۳۱، ۸۹، ۱۲۳، ۱۵۷
 جبهه ملی / ۳۲، ۴۲

- جعفریان، حجة الاسلام رسول / ۹
 جلیلی، ابوالحسن / ۱۳۴، ۱۷۵، ۱۸۷، ۱۹۰
 جلیلی یزدی، سید کاظم / ۵۰
 جمال پور، علی / ۱۹۰
 جمالزاده / ۴۳
 جمشیدی، نصرالله / ۱۴۳، ۱۴۷
 جمعیت برادری جهانی / ۱۶۷
 جمعیت فراماسیون / ۸۰، ۸۵، ۹۲، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۸۱، ۱۸۲
 جم، فریدون / ۲۶، ۲۷، ۶۵
 جم، محمود (مدیر الملک) / ۲۶، ۱۵۹
 جهانشاهی / ۱۱۷
 جهانشاهی، عبدالعلی / ۱۳۹، ۱۵۶
- ج**
 چاکر / ۶۰، ۹۷، ۱۳۹
 چین / ۹۴، ۹۵
- ح**
 حائری زاده، ابوالحسن / ۲۵
 حاتمی / ۱۵۹
 حاتمی (سرهنک) / ۱۵۹
 حاجی زاده / ۱۴۳، ۱۴۶
 حافظ / ۱۰۶
 حبیب الله خان / ۱۸۳
 حبیبی / ۳۲
- حریر فروش، فتاح / ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۰
 حزب اتحاد ملی / ۲۶، ۳۹
 حزب اراده ملی / ۳۲
 حزب ایران نوین / ۲۹، ۳۱، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۰
 ۱۸۳
 حزب پاسداران آزادی / ۱۹۴
 حزب پان ایرانیسم / ۱۴۳، ۱۴۴
 حزب پیکار / ۸۷
 حزب توده / بیست و چهار، ۲، ۳، ۷، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۹۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۸۳
 ۱۹۳
 حزب جمهوری خواه آمریکا / ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۵۲
 حزب جمهوری خواهان / ۳۱
 حزب دمکرات آمریکا / ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۵۱
 حزب دمکرات / دوازده، ۷، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۴۱، ۵۶، ۸۰، ۱۲۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳
 حزب رستاخیز / ۱۳۳، ۱۴۳
 حزب زحمتکش / ۲۵، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴
 حزب سوسیالیست / ۳۶
 حزب عامیون / ۱، ۳۰، ۳۲، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۷۸، ۸۰
 ۸۴، ۸۵، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۸
 حزب عدالت / ۵۰، ۱۸۲
 حزب کارگر / ۵۷
 حزب مردم / ۳۶، ۱۲۰
 حزب ملت ایران / ۱۴۳، ۱۴۶
 حزب ملیون / ۲۹، ۳۰، ۳۷
 حزب میهن / ۱۶۶

- حزب همراهان / ۱۶
 حسنی، عبدالحسین / ۱۹۱
 حسنی، عبدالرضا / ۱۹۱
 حضرت ابراهیم (س) / ۱۴۲
 حضرت عیسی (س) / ۱۴۲
 حضرت معصومه (س) / ۱۴۲
 حضرت موسی (س) / ۱۴۲
 حکمت، سردار فاخر / ۷، ۱۵۱
 حکیم‌باشی، میرزا ابوالحسن / ۱۲
 حکیمی، ابراهیم حکیم‌الملک / سیزده، بیست‌ودو،
 ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۱،
 ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۵۹، ۷۲، ۷۸، ۸۲، ۸۸، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۴،
 ۱۲۸
 حکیمی، ابوالحسن / ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۷۵، ۱۸۷، ۱۸۹،
 ۱۹۰
 حلب / ۲۷
 حمزوی، هوشنگ / ۱۶۰
 حمیدیه / ۷۱
 حیات یحیی (کتاب) / بیست‌وهشت
 حیدرزاده، محمدعلی / ۵۸
 حیدرعمواغلی / چهارده
- خ**
 خاطرات فردوست (کتاب) / ۲۷، ۳۵، ۵۸، ۶۵
 خانباهاخان / ۵۷
 خانعلی، ابوالحسن / ۱۳۹
 خانلری، پرویز / ۱۸۰
- خجندپور، مرتضی / ۱۱۶
 خرمشهر / ۱۶، ۱۷، ۵۹، ۶۷، ۱۴۴
 خروشجف، نیکیتا / ۱۵۲
 خسروانی، خسرو / ۱۸۸، ۱۹۰
 خطیبی، حسین / ۱۷۹
 خلخال / ۵۶
 خلخالی، سید عبدالرحیم / ۵۵، ۵۶، ۵۷
 خلیلی تهرانی، میرزا حسن / ۱۴۰
 خواجوی، نصرالدین / ۱۳۵
 خواجه‌نوری، ابراهیم / ۵۰، ۱۸۱، ۱۸۲
 خواجه‌نوری (سرهنگ) / ۵۹
 خواجه‌نوری، عبدالوهاب / ۱۲۹، ۱۶۳
 خوانساری، پرویز / ۱۶۷
 خوزستان / ۱۴۴
 خیابانی، شیخ محمد / دوازده
 خیام / ۱۰۶
- د**
 دادگر / ۱۰۴
 دارابی / ۱۴۳، ۱۴۷
 داستان واقعی لغو امتیاز دادرسی (کتاب) /
 بیست‌ونه
 دانشگاه کامبریج [کمبریج] / ۲۳، ۵۵، ۵۸
 دانشگاه هاروارد / ۷۵، ۷۶، ۱۵۱
 داور، علی‌اکبر / نوزده، ۸۸، ۱۵۹، ۱۸۱
 درخشان، احمد / ۱۹۱
 دری، محمد / ۱۸۸، ۱۹۰

رامسر / ۴۷	دزفول / ۱۹۳
رزم‌آرا / ۱۳۸، ۹۱، ۶۵، ۵۱	دشتی، علی / بیست‌ویک، ۵۰، ۷۸، ۷۹، ۸۲، ۸۲
رشت / ۱۶۰، ۱۱۶، ۵۷، ۵۶، ۲۷	دلپاک، زهره / ۱۳۳
رشتی، سپهدار / ۶۵	دلواری، علی / پانزده
رشیدیان، اسدالله / ۱۱۸	دمکرات آذربایجان / ۱۴۷
رشیدی (ساواک) / ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۵۹	دمکرات زنان / ۱۴۷
رضائی / ۱۴۷، ۱۴۳	دمکرات کردستان / ۱۴۷
رضائیه / ۲۲	دوانی، علی / ۱۵۷
رضاخان / چهارده، پانزده، شانزده، هفده، هجده،	دوگل، ژنرال / ۱۵۱، ۱۵۲
نوزده، بیست، بیست‌ویک، بیست‌وسه، بیست و	دولت‌آبادی، حسام / ۵۰
شش، بیست و هفت، سی، ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۳۶، ۴۱،	دولت‌آبادی / شانزده، بیست‌وهشت
۴۲، ۷۸، ۷۹، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۱۳۰، ۱۴۶، ۱۵۶،	دولت‌آبادی، یحیی / بیست‌وهشت
۱۹۳، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۵۹	دولت‌شاهی، ابوالفتح میرزا / ۸۷
رم / ۱۶۵، ۷۹، ۵۸، ۲۲	دولت‌شاهی، بهرام میرزا / ۸۷
روحانی، حمید / ۹۵	دولو قاجار، جمشید / ۱۳۵
روزنامه آیندگان / ۱۷۸	دهخدا / نه، بیست‌وهفت، ۵۵، ۵۷، ۵۸
روزنامه آینده ایران / ۴۳	دهقان، احمد / ۱۱۲
روزنامه اطلاعات / ۱۰۹، ۱۰۶، ۷۴، ۷۳، ۵۰، ۳۲	
۱۹۲	ذ
روزنامه اقدام / ۳۲	ذکاءالدوله، سهام‌الدین / ۹۱
روزنامه الرأی العام / ۱۸۵	ذوقی، ایرج / بیست‌ونه
روزنامه ایران / ۳۲	
روزنامه برق / ۱۰	ر
روزنامه بهمن / ۱۴	رائین، اسماعیل / چهارده، بیست‌وشش،
روزنامه جهان / ۱۱۶	بیست‌وهفت، سی، ۱۸۳، ۱۸۴
روزنامه جبل‌المتین / ۱۱۶	رائین، پرویز / ۱۸۵
روزنامه خاک و خون / ۱۴۳	رادمنش / ۱۴۶

- روزنامه خاور / ۴۳
- روزنامه خلیج ایران / ۱۸۵
- روزنامه داریا / ۱۴۲
- روزنامه دمکرات ایران / ۷
- روزنامه دیپلمات / ۳۱
- روزنامه رهبر / ۱۶
- روزنامه ستاره ایران / ۷۸
- روزنامه سعادت بشر / ۱۴
- روزنامه سلام / ۱۰
- روزنامه شاهد / ۱۹۳
- روزنامه شاهین / ۲
- روزنامه شرق / ۱۰
- روزنامه شفق / ۳۲
- روزنامه شفق سرخ / ۷۸
- روزنامه صبح امروز / ۱۱۷
- روزنامه صور اسرافیل / ۵۸، ۵۷
- روزنامه عدالت / ۵۰
- روزنامه فرید دزفول / ۱۹۳
- روزنامه کاوه / پانزده، بیست و هشت، ۲، ۲۳، ۵۶، ۷۹، ۱۱۶
- روزنامه کوشش / ۳۲
- روزنامه کیهان / ۷۳، ۱۰۹، ۱۸۵، ۱۹۲
- روزنامه مجلس / ۳۶
- روزنامه مردم / ۱۶
- روزنامه مظفر / ۱۴
- روزنامه مهر ایران / ۲۵
- روزولت، فرانکلین / ۱۲۳
- روستا، رضا / ۱۴۵
- روسیه / نه، ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، شانزده، ۱۰، ۲۷، ۲۸، ۷۴، ۷۹، ۸۴، ۹۴، ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۶۰
- روشن زاده / ۱۱۶
- ریاحی، امین / ۱۰۲، ۱۲۰
- ریاحی، تقی / ۵۳
- ریاضی، عباس / ۱۵۹
- ز
- زاهدی / ۱۵، ۲۰، ۶۵
- زاهدی، اردشیر / ۱۵۲
- زاهدی، سپهبد فضل الله / ۸۹، ۱۳۸، ۱۸۲
- زریاب خوئی، عباس / بیست و هشت، ۱۶۳
- زرین کنش، علی اصغر / ۱۲۹، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۹۰
- زرین کوب، عبدالحسین / ۱۸۸
- زند اسماعیل / ۱۷۷، ۱۸۶
- زند، امیر حسین / ۱۶۳
- زند، رضا / ۱۷۵
- زند، شاهرخ / ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۷۷
- زندگی طوفان (کتاب) / بیست و شش، بیست و هشت، بیست و نه
- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (کتاب) / بیست و نه
- زهری، اسماعیل / ۱۹۳
- زهری، علی / ۱۹۳

سلیمی، علی اکبر / ۳۲	ژ
سمیعی، حسین / ۲۸، ۲۷، ۲۶	ژاپن / ۱۵۱، ۱۳۳، ۱۰۷، ۹۴
سوند / ۱۳۸، ۵۳	ژنو / ۱۵۹
سوئیس / ۴۲، ۲۲	ژوزف، ادوارد / ۱۹۰، ۱۸۸، ۱۲۹، ۱۲۸
سهیلی / ۱۸۲، ۱۳۰، ۱۱۲، ۲۲	
	س
ش	سازمان جوانان دمکرات / ۱۴۷
شاملو، سلیمان / ۱۶۷	سازمان سیا / ۱۵۷، ۳۱
شاهقلی / ۱۸۳	سازمان مخفی نوید / ۱۴۸
شایگان / ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۱۹	ساعد / ۱۸۴، ۱۳۰، ۱۱۲، ۹۱، ۵۸، ۲۳، ۲۲، ۱۵
شرح حال رجال سیاسی ایران قرن ۱۲-۱۳-۱۴	ساعی (ساواک) / ۱۷۵
(کتاب) / بیست و هشت	سامره / ۳۶
شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران	سپهبدی، انوشیروان / چهارده
(کتاب) / بیست و هفت، سی	سپهبدی، عیسی / ۱۹۳
شریف امامی / ۲۰، ۳۱، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷	سپهر، احمد علی (مورخ الدوله) / سیزده، ۴۹، ۲۹
۱۸۳، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸	سپهر، میرزاتقی خان / ۲۹
شعله اشتری / ۳۰	ستارخان / ده
شفاللدوله، علی رضا / ۱۶۵	سجادی، محمد / ۹۱
شفا، شجاع الدین / ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷	سرابندی، بهروز / ۱۷۰
شفق / ۲۶	سردار سپه / ۹۰، ۷۹، ۷۸، ۴۱، ۲۸
شفیع، امین / ۱۷۶، ۱۳۰	سردارنیا، صمد / ۵۴
شفیق، شهریار / ۹۱	سعدالدوله، جوادخان / هشت
شمس / ۲۶	سعدی / ۱۰۶
شمس، هوشنگ / ۱۷۵	سلامت شریف، احمد / ۱۹۱، ۱۹۲
شورای عالی فرهنگ / ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۹۶	سلطان برزو / ۹۳
۱۵۴، ۱۵۳، ۱۳۹، ۱۰۵، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۸، ۹۷	سلطانزاده پسیان، حسینعلی / ۱۷۵، ۱۳۵
۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۵	سلیمی (ساواک) / ۱۸۱

- شوروی / چهارده، پانزده، بیست و یک، ۲، ۱۴، ۳۲،
 ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۰،
 ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۲،
 ۱۶۲
- ض
- ضربانی، عبدالله / ۸۲
 شهرکرد / ۱۳۰
 شیانی، احمد / ۱۴۰
 شیخ الاسلام، حسینعلی / ۱۶۳، ۱۷۷
 شیخ الاسلامی، جواد / هجده
 شیراز / ۱۰، ۳۱، ۴۳، ۱۳۸، ۱۶۱، ۱۸۴
 شیرازی، علی / ۱۴
 شیرازی، محمدتقی / پانزده
- ط
- طالوف، عبدالکریم / هفت، ۵۷
 طاهرزاده بهزاد، کریم / سی
 طاهری / ۳۶، ۴۲، ۱۱۲
 طاهری، هادی / ۹۱
 طباطبایی، احمد / ۱۱۷
 طباطبایی، سیدضیاءالدین / ۲، ۳، ۱۰، ۵۰، ۱۲۸
 طباطبایی، سیدمحمد (آیت الله) / ۳۶
 طباطبایی، محمدصادق / ۲۶، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۷۸، ۸۲
 طبری، احسان / ۱۴۵
 طلوعی، محمود / ۱۲۲، ۱۶۰
 طیرانی، بهروز / ۷
- ظ
- ظاهری / ۳۶، ۴۲، ۱۱۲
 ظهیرالاسلام، سیدجواد / ۸۸، ۹۰، ۱۰۴
 ظهیرالاسلام، سیدزین العابدین / ۹۰
 ظهیرالدوله / بیست و چهار
- ع
- عاصمی، محمد / ۲
- ص
- صاحب اختیاری، جواد / ۱۹۱
 صاحب الزمانی / ۴۵
 صادقی، شجاع / ۱۸۰
 صبا / ۷۸
 صبا، ذبیح الله / ۱۸۸
 صبا، مختارالملک / ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۸۹
 صبا، نصرالله / ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۸۸
 صدرزاده، مهدی / ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۸
 صدر، محسن (صدرالاشراف) / ۳۵، ۶۹، ۱۱۹
 صدیقی / ۳۲
 صفانیا / ۱۵۹
 صفایی، ابراهیم / ۶۵
 صنعتی / ۱۸۱

- عاقلی، باقر / بیست و هفت، سی
عباس میرزا، ولیعهد / ۹۴
عبدالبهاء / بیست و هشت
عبدالناصر، جمال / ۱۶۶
عثمانی / هفت، یازده، دوازده، ۹۴
عدالت، حسین خان / ۵۵
عدیلی / ۱۱۶
عراق / ۲، ۱۴، ۱۵، ۵۸، ۵۹، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۲
عربستان / ۹۰، ۱۸۳
عرفان، محمود / ۱۲۸، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۸
عشق آباد / ۵۷
عطاران (سرهنگ) / ۱۴۸
علا، حسین / شانزده، نوزده، بیست، بیست و هشت،
۲۶، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰
علاء السلطنه، محمدعلیخان / ۶۴
علم، اسدالله / ۸۹، ۹۱، ۹۵، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۸۱
علویان قوانینی، محمدرضا / ۱۹۱، ۱۹۲
علی بابایی، غلامرضا / ۱۵۲
عمان / ۹۴
عمر / ۱۰۵
عمیدزاده / ۱۷۰
عمیدی نوری، عفت (الموتی) / ۱۱۷
عهدنامه ترکمن چای / ۹۵
عین الدوله / ده
- غلامعلی بیگ، محمد / ۱۹۱، ۱۹۲
- ف
- فاتح الملک، احمدخان / ۱۶
فاتح، مصطفی / هجده، بیست و نه، ۱۶، ۱۷، ۱۴۶
فاخر (سردار) / ۱۱۲
فارس / ۴۲
فاطمی / ۳۲
فتحعلی شاه / ۹۴
فخر طباطبایی، غلامحسین / ۱۲۹، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۷۷
فخیم، ایرج / ۱۷۰
فرامرزی، احمد / ۴۳
فراموشخانه و فراماسونری در ایران (کتاب) /
بیست و شش، ۱۸۵، ۱۸۹
فرانسه / هشت، نه، ده، بیست، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۹،
۲۶، ۲۷، ۴۲، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۱۱۲،
۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۶۶
۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴
فرتاش، منوچهر / ۱۸۸
فرخ پور، عبدالله / ۱۷۰
فردوست، حسین / ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۶۵، ۸۹، ۱۱۸، ۱۴۰
فردوسی / ۷۸، ۸۳، ۱۰۶
فرزین، میرزا محمدعلی خان / ۵۷، ۶۵
فرعون / ۱۴۲
فرمانفرما، محمدولی / ۷، ۴۲
فرمند، ضیاء الملک / ۲۵، ۲۶
فروزانفر / ۱۶۷
- غ
- غفاری، معاون الدوله / چهارده

- قوام، احمد / ۲۵، ۳۰، ۵۰، ۵۱، ۸۸، ۹۱، ۱۴۷
 قوام السلطنه / ۷، ۱۱، ۱۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۷۸، ۹۰، ۱۱۲،
 ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۸۲، ۱۹۱
 قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران (کتاب)
 / سی
 قیام آذربایجان و ستارخان (کتاب) / بیست و هفت
 قیام ۳۰ تیر / ۵۱
- ک**
- کاپیتولاسیون / ۹۴، ۹۵، ۱۵۷
 کاتوزیان، محمدعلی / بیست و نه، سی
 کارتر، جیمی / ۸۹
 کارنگ، عبدالعلی / ۱۷۸، ۱۸۰
 کاشان / ۱۲۸، ۱۳۳
- ق**
- قادرى نژاد، رحيم / ۱۷۰
 قاسم زاده / ۳۰
 قاسمی، سیدفرید / ۴۳
 قاهره / ۱۳۷
 قدس نخعی، حسین / ۱۳۵
 قدیمی، ولی الله / ۱۹۱
 قرارداد سنتو / ۱۲۲، ۱۵۲
 قرارداد گس - گلشانیان / بیست و دو، ۱۴۷، ۱۸۵
 قره‌نی (سرلشگر) / ۸۸، ۱۰۴
 قزوین / ۱۵، ۵۷، ۱۴۶، ۱۸۴
 قفقاز / هفت، چهارده، ۵۶، ۸۰
 قم / ۱۵، ۱۶۵
 قندی، ناصر / ۱۹۱
- قوام، احمد / ۲۵، ۳۰، ۵۰، ۵۱، ۸۸، ۹۱، ۱۴۷
 قوام السلطنه / ۷، ۱۱، ۱۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۷۸، ۹۰، ۱۱۲،
 ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۸۲، ۱۹۱
 قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران (کتاب)
 / سی
 قیام آذربایجان و ستارخان (کتاب) / بیست و هفت
 قیام ۳۰ تیر / ۵۱
- ک**
- کاپیتولاسیون / ۹۴، ۹۵، ۱۵۷
 کاتوزیان، محمدعلی / بیست و نه، سی
 کارتر، جیمی / ۸۹
 کارنگ، عبدالعلی / ۱۷۸، ۱۸۰
 کاشان / ۱۲۸، ۱۳۳
- ق**
- قادرى نژاد، رحيم / ۱۷۰
 قاسم زاده / ۳۰
 قاسمی، سیدفرید / ۴۳
 قاهره / ۱۳۷
 قدس نخعی، حسین / ۱۳۵
 قدیمی، ولی الله / ۱۹۱
 قرارداد سنتو / ۱۲۲، ۱۵۲
 قرارداد گس - گلشانیان / بیست و دو، ۱۴۷، ۱۸۵
 قره‌نی (سرلشگر) / ۸۸، ۱۰۴
 قزوین / ۱۵، ۵۷، ۱۴۶، ۱۸۴
 قفقاز / هفت، چهارده، ۵۶، ۸۰
 قم / ۱۵، ۱۶۵
 قندی، ناصر / ۱۹۱

- کرمانشاه / ۲۷، ۳۶، ۵۷، ۱۲۸
 کرمانی، شهاب‌الدوله / ۱۹۱
 کره / ۱۶۷
 کریمی / ۱۶، ۱۷
 کسروی، احمد / هشت، نه، چهارده، بیست‌وشش،
 بیست‌وهفت، بیست‌وهشت
 کشاورز، فریدون / ۹۱، ۱۴۵
 کلکته / ۱۱۶
 کلمبیا / ۱۳۳
 کلینجی / ۱۶۷
 کلی، هنری / ۱۲۲
 کمپانی (ساواک) / ۱۵۲
 کمیته ملیون ایران / پانزده
 کندی، جان‌اف / ۸۹، ۱۲۳، ۱۵۱، ۱۵۲
 کندی، ژوزف / ۱۵۱
 کوبا / ۱۵۲
 کوثری / ۱۱۶
 کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ / شانزده، ۲۸
 کودتای ۱۳۳۲ / بیست‌وچهار، ۱۵، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۷،
 ۴۲، ۵۱، ۵۳، ۸۹، ۹۲، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۹۱، ۱۹۴
 کورس، حسن / ۱۶۳، ۱۷۵
 کولیج / ۱۲۳
 کویت / ۶۷، ۱۸۵
 کیانوری / ۱۴۶، ۱۴۸
 گ
 گاه‌شماری در ایران قدیم (کتاب) / ۵۸، ۷۸
 گذشته چراغ راه آینده است (کتاب) / بیست‌ونه، سی
 گراندلز آلمان / ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸
 گراندلز ملی ایران / ۱۳۱، ۱۳۲
 گروه ترقیخواهان / ۳۱
 گزارش محرمانه شهربانی (کتاب) / سی
 گلپایگان / ۱۹
 گلشانیان / ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵
 گنجه‌ای / ۴۰
 گنجی، محمدحسین / ۱۳۵
 گودرزی / ۱۶۳
 گوشه‌گیر / ۱۹۳
 گولدواتر / ۱۲۳
 ل
 لاجوردی، قاسم / ۱۳۳، ۱۳۴
 لاریجانی / ۱۴۳، ۱۴۷
 لاری، عبدالواحد / ۴۳
 لانیسک / ۷۵
 لبنان / ۱۵، ۱۸۱
 لژ آریا / ۱۷۰
 لژ آفتاب / ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۶۳،
 ۱۷۷
 لژ آفتاب تابان / ۱۳۸
 لژ اعظم / ۸۱
 لژ بزرگ ایران / ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶،
 ۱۸۴
 لژ بیداری ایران / هشت، نه، سیزده، بیست‌ودو،

- بیست و هفت، ۱۳، ۲۳، ۳۲، ۸۱، ۱۵۶
 لژ پهلوی / ۱۵۷
 لژ تهران / ۱۳۳
 لژ حافظ / ۱۳۳
 لژ خورشید تابان / ۱۸۵، ۹۲
 لژ دانش / ۱۸۵، ۱۷۹
 لژ ستاره سحر / ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۱
 لژ سعدی / ۱۸۵، ۲۹
 لژ صفا / ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۶۳، ۱۷۶
 لژ فارابی / ۲۹
 لژ فراماسونی / هشت، نه، ۱۸۵
 لژ فرانسه / ۱۸۵
 لژ فروغی / ۱۸۵
 لژ کسروی / ۱۸۵
 لژ کورش / ۱۳۳
 لژ گرانداوریان / ۱۳، ۸۱
 لژ مزدا / ۱۸۵، ۱۳۳، ۲۹
 لژ مشعل / ۱۸۵
 لژ مولوی / ۱۳، ۱۳۷، ۱۸۵
 لژ مه / ۱۹۰
 لژ مهر / ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۶۳، ۱۷۲
 لژ میترا / ۱۸۵
 لژ ناهید / ۱۳۳، ۱۳۱
 لژ نور / ۱۸۵
 لژ همایون / ۱۳۷، ۱۳۱
 لقمان الملک / ۱۸۳
- لندن / یازده، سیزده، هفده، بیست، بیست و یک، ۶
 ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۴، ۷۹، ۸۰، ۸۱
 ۸۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۹۳
 لیاخوف / ۸۴
 لیسکی، رومان / ۱۶۲
 لینکلن، آبراهام / ۱۲۲
- م
 مازندران، عبدالله / یازده
 مانوی / ۱۸۱
 مبشر، غلامرضا / ۱۱۶
 متین الدوله / ۱۵۹
 متین السلطنه، میرزا عبدالحمیدخان / ۱۴
 متین دفتری / ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۵۹، ۱۶۰
 مجلس سنا / بیست و چهار، ۹، ۱۳، ۱۹، ۳۴، ۳۷، ۴۰،
 ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱،
 ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰،
 ۸۴، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹،
 ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۶۰، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۴
 مجلس شورای ملی / هشت، ده، یازده، شانزده،
 نوزده، بیست و یک، بیست و دو، بیست و سه، ۱۲،
 ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۳۶، ۴۲، ۴۸، ۵۰، ۵۱،
 ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۱۰۲،
 ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۷۹، ۱۸۲،
 ۱۸۴، ۱۹۳
 مجله آتش / ۱۸۵
 مجله تقدم / ۴۳

- مجله تهران مصور / ۱۸۵، ۷۷
- مجله راه علم / ۱۸۴
- مجله روشنفکر / ۱۸۵
- مجله شورای ملی / ۳۶
- مجله گره گشا / ۱۸۱
- مجله گنجینه فنون / هفت، ۵۵، ۸۳
- مجله یادگار / ۲۷، ۱۱۶
- محتشم / ۱۳۰
- محتشم الدوله، رضاقلیخان / ۱۸۴
- محمدرضا شاه / بیست و دو، ۱۴۲
- محمدعلی شاه / هشت، نه، ده، سیزده، بیست و دو، بیست و سه، ۱۰، ۵۶، ۵۷، ۷۸، ۱۴۲
- محمدعلی میرزا، ولیعهد / ۵۵، ۹۵
- محمودی، عباس / ۳۵
- محوری (سرهنگ) / ۳۸
- محبی (سردار) / سیزده
- مخبر السلطنه / بیست و هشت، بیست و نه، ۵۷
- مدرس، حسن / شانزده، هفده، ۴۱، ۷۸
- مدرسه آلیانس / ۱۹، ۱۲۸
- مدرسه اسلامیة / ۳۶
- مدرسه السنه الشرقيه / ۵۸، ۷۹، ۸۰
- مدرسه تربیت / هفت، ۵۴
- مدرسه دارالفنون / ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۸۸، ۹۴، ۱۸۴
- مدرسه رشديه / ۸۸
- مدرسه سن لوئی / ۱۸۱
- مدرسه عالی سپهسالار / ۹۰
- مدرسه علمیه / ۱۶۵، ۱۸۴
- مدرسه قزاقخانه / ۲۷
- مدرسه نظام / ۲۷
- مدرسه نعمانیه / ۵۵
- مراغه / ۲۲
- مرسلوند، حسن / بیست و نه، سی، ۹۰
- مرنندی، علی / ۱۳۷
- مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران (کتاب) / بیست و نه
- مساوات، سیدمحمد رضا / ۵۶
- مستوفی / سیزده، بیست و هشت، ۱۲، ۲۸، ۵۷
- مسجد سلیمان / ۱۷
- مسجد شاه / بیست و یک، ۶۵
- مسعودی، عباس / ۳۰، ۳۲، ۵۰
- مسعودیها / ۵۰
- مسکو / ۲۲، ۵۶، ۸۰، ۸۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۶۵
- مشکوتی، محمدولی / ۱۷۶
- مشهد / ۳۶، ۴۱، ۹۰، ۱۱۷
- مشیرالدوله / بیست و سه، بیست و چهار، بیست و هشت، ۲۸، ۶۵
- مصدق / چهارده، شانزده، نوزده، بیست و یک، بیست و دو، بیست و سه، بیست و چهار، بیست و هشت، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۴۲، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۶۵، ۸۹، ۹۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴
- مصر / هفت، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۸۰، ۹۴، ۱۳۸، ۱۶۶
- مظفرالدین شاه / سیزده، ۱۲، ۱۳۸

- معاضد السلطنه / بیست و هفت، ۵۵
 معتمد الشریعه / ۱۳۸
 معتمدی، فتح الله / ۱۶۷
 معدل، ابوالحسن / ۱۳۳، ۱۳۵
 معظم السلطان، محمد / ۱۹
 معظمی، عبدالله / ۱۹، ۲۰
 مفتاح، حسین / ۱۶۳
 مقبل السلطنه خراسانی، اقبال التولیه / ۹۰
 مکه / ۱۴
 مکی، حسین / ۲۵
 ملک اصلانیان، امانوئل / ۱۲۸، ۱۷۵
 ملک زاده / ۲۹، ۳۰، ۳۷
 ملک محمدی / ۱۱۷
 ملکی، خلیل / ۱۹۱، ۱۹۲
 ممتازی، جهانگیر / ۱۷۰
 ممقانی، اسدالله / ۷، ۴۰
 منصورالملک / ۱۵۶
 منصور، حسنعلی / ۳۱، ۹۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۳
 منصور، رجبعلی / ۹۱
 منصور، علی / ۶۵، ۸۹
 مورخ الدوله / ۳۰
 مورگان شوستر / یازده، ۷۵
 مورل / بیست و هفت
 موقر، مجید / ۵۰
 مولی، سیدهاشم / ۳۱
 مویدالاسلام / ۱۱۶
 مهاباد / ۲۷
 مهدی زاده، شکوفه / ۱۰۹
 مهذب الدوله / ک / ۱۲۸
 مهران، محمد / ۶۳، ۶۴، ۱۰۰
 مهناز (دکتر) / ۱۱۷
 میامی / ۷۵
 میراشرافی، سید مهدی / ۲۵
 میر، حسین / ۱۶۷
 میرزا سالک / ۲۷
 میرزا هدایت / ۴۲
 میر عمادی، سید کاظم / ۱۹۱
 میکده، غلامعلی / ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۶۳، ۱۷۵
 مینوی / ۱۲۰
 مؤسسه فرانکلین / ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱
 ن
 ناپلئون و اسلام (کتاب) / ۲۷
 نادری، ارسلان / ۱۷۵، ۱۸۶
 ناصرالدین شاه / ۵۵، ۶۴، ۹۰، ۱۳۸
 ناصر خسرو / ۷۸، ۸۳
 ناظم الدوله، میرزا ملکم خان / هفت، ۸۸
 ناظمی، ایرج / ۱۶۰
 نامور، رحیم / ۲
 ناهیدی آذر، عبدالحسین / بیست و هشت
 نبوی، مهدی / ۱۳۵، ۱۷۵
 نجف / ده، یازده، ۹، ۱۴، ۳۶، ۴۱، ۷۸، ۱۱۶
 نجفی، شکرالله / ۱۷۰
 نجم آبادی / ۲۳، ۵۷

- نجم السلطنه / ۴۲
نجم الملک / ۳۰، ۷۸، ۸۲، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
نخجوانی / ۵۳، ۵۸
نراقی، محمدتقی / ۱۴
نراقیها / ۳۷
نشریه ایران ما / ۱۱۷
نشریه دنیا / ۲
نشریه ساسان / ۱۴۳
نشریه ندای پان ایرانیسم / ۱۴۳
نصرت الحکما / ۱۲
نصیری / ۱۷۹
نظام الاسلام، محمدحسین / ۱۳۸
نقیسی، محمدرضا / بیست و نه
نقوی / ۵۰
نمرود / ۱۴۲
نواب، حسینقلی خان / سیزده
نواب / سیزده
نواب صفوی / ۶۵
نوبری، میرزا اسماعیل خان / ۵۶
نورانی، محمدتقی / ۱۹۱، ۱۹۲
نوری، فضل الله / هشت، ده، ۹۰
نولند، ویلیام / ۷۶
نهضت آزادی خواهان / ۹۴
نهضت امام خمینی / ۱۴۲
نهضت ملی / بیست و چهار، ۳۲، ۴۲، ۵۱
نیامیر، کاظم / ۱۲۸، ۱۷۵
نیکپور / ۳۳، ۳۵، ۴۱
نیک خواه، فرهاد / ۱۶۳
نیکلسون، ریچارد / بیست و چهار، ۷۶، ۸۹، ۱۵۱
نیویورک / ۵۷، ۷۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۳
و
واتیکان / ۲۲
واسکانیان / ۱۰۶۶
واشنگتن / ۶۵، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۱۲۱
والا، عبدالله / ۷۷
والا، فتح الله / ۷۷
وثوق الدوله / یازده، سیزده، ۴۱، ۶۵، ۸۸
وثوق، بتول / ۸۸
وثوق، کیومرث / ۱۶۳
وحدت / ۱۷۸
وحیدالملک / ۲۳
وخشوری / ۵۸
ورقائی / ۱۸۰
وکیل / ۱۰۲
وکیلی میرزمانی، احمد / ۱۷۰
وودرو / ۱۲۳
ویتنام / ۷۶، ۱۵۳
ه
هاردنیک / ۱۲۳
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر / ۹۴
هاشمی، سید محمد / ۷۸، ۸۲، ۱۴۲
هدایت، نصرالملک / ۲۶

- هدایتی، محمدعلی / ۱۳۵، ۱۳۸
 هژیر، عبدالحسین / ۱۵، ۹۱، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۸۴
 هلند / ۸۰، ۹۴
 همایون، داریوش / ۱۷۸
 همایونفر، علی اصغر / ۱۷۶
 همدان / ۱۴، ۲۶، ۳۸
 هندوستان / ۹۵
 هوشنگ صفاری، مهدی / ۱۷۵
 هومن / ۵۰
 هومن، احمد / ۱۳۰
 هومن، محمود / ۱۳۰
 هوور / ۱۲۳
 هویدا، امیرعباس / ۳۱، ۱۸۳، ۱۸۴
 هیئت مؤتلفه / ۱۵۷
- هیراد / ۱۶۹
- ی
- یادنامه تقی زاده (کتاب) / بیست و شش،
 بیست و هشت
 یارشاطر، احسان / ۱۱۷
 یالمان سن / یازده
 پیریم خان / ده
 یزد / ۳۰، ۳۶، ۴۲، ۵۰
 یزدانفر، محمد / ۱۶۷
 یزدی، سیدعلی / ۱۰
 یزدی، مرتضی / ۹۱
 یزید / ۱۰۵

ضمائم

۱۳۰۵
۱۳۰۵

مجلس ۱۰

درخواست ارتقاء رتبه از سوی تقی زاده

سردسته اول - رتبه رزقانی

تقی زاده

-درخواست ارتقاء رتبه از سوی تقی زاده

بدرت تقی زاده

ترتیب اول - میزان تاریخ ۱۳۱۵ هجری

اسم آقا سید حسن تقی زاده

عنوان اولین مرتبه رتبه اول

اولین پیشخدمت پادشاه

تاریخ ورود به خدمت پادشاه ۱۹۰۷

برگ مشخصات فردی تقی زاده

نخست عزیز من! بعد از تقدیم سلام و اظهار محبت و سعادت برادرانه عرض میدارم
 رنجی عالی که از طرف سید محترم بر من عاید و چه قوس غمناکی کشید و دریافته بودی با
 گردید در جواب منصرف از آن هستم که فلصحت است اما آنست که تا در بادای تو منی خود
 نبوده و خیلی سعادت از این تصور شصتاری خود خواسته با وجود زحمت و غلایک
 و در راه برآوردن برادران کشیده و می کشم و همه وقت با ابرینی نطمت
 استعجاب در برابر رزق طاعت ترا کرده اگر یک بنای فقیر بوده و فقیر عیب است
 که از طمی مدارج اخوت و انس در سلک برادران محفل مانع است تسلیم و
 منقاد و حکم محفل مقدس هستم و همواره تا هستم از هم جزو برادران نباشم محبت
 برادران و طریقت فاضله هستم و اگر بنای نتوانم به فعلگی و خاک و گلگشتی از
 سالکان راه حقیقت و عاشقان تعالی آن که اسس مقدس که خیلی از
 برادران با استادی در زدن باطری در خارج دیوار محفل قدس برخلاف آن
 قولاً و فعلی گویند تو در ای شمارم بهر حال با آرزوی وسعت دائره بیدار
 ایران و شرمساری از فقدان شرط ضروری و بیضا مختصر را بدعای خالصه
 سلامت و توفیقات وجود مبارک و برادران ارجمند ختم کنم و همواره
 طالب سعادت کارگران از چه مالیش مطرود است می باشم ^{صمیمی} _{سب} ^{تقی} _{تقی}

— نامه تقی زاده به لژ در گلایه از رفتاری که با او می شود

گزارش اطلاعات داخلی

شماره ۳۱۲/۱۱۷۹

موضوع: جلسه منزل سناتور دکتر احمد متین دفتری

تاریخ حادثه ۴۳/۷/۲۴

محل: تهران

تاریخ وصول خبر ۴۳/۷/۲۵

خیلی محرمانه

منبع خبر:

تاریخ گزارش ۴۳/۷/۲۵

تقریب: ب ۲

در ساعت ۱۰:۱۵ (صبح روز جمعه ۴۳/۷/۲۴) جلسه منزل سناتور دکتر احمد متین

دفتری با شرکت در حدود پانزده نفر از طبقات مختلف از جمله تابش (قاضی بازنشسته) - سرهنگ شهربانی حاتمی - حاتمی (رئیس سابق فرهنگ ورامین) - بهزادی (قاضی دادگستری) صفانیا (مدیرکل شهرداری) - دکتر عباس ریاضی و دکتر جزایری (مدیرکل وزارت دارائی) - تشکیل گردید.

ابتدا دکتر احمد متین دفتری خطاب به یکی از حضار که گفته میشد از اعضای دادگستری است میگفت مطالبی که در مورد بیوگرافی اشخاص تهیه کرده اید بسیار جامع و بیطرفانه نوشته شد، و شخص مورد خطاب اظهار داشت در نظر دارم بزودی بیوگرافی کاملی از سناتور سید حسن تقی زاده تهیه کنم.

سپس صفانیا در مورد لایحه جدید استخدام صحبت کرد و گفت کارمندان دولت میبایست کوشش نمایند تا وضع استخدام آنطور که در لایحه مزبور پیش بینی شده متزلزل نشود. جلسه مقارن ساعت ۱۱:۰۰ پایان یافت.

بازرسی در خصوص...
بازرسی در خصوص...
بازرسی در خصوص...

خیلی محرمانه

ت-ق
۱۸

بازرسی در خصوص...
بازرسی در خصوص...

حکم به فساد مسلک سیاسی قهی زاده

در مجلس دوم تقی زاده با تشکیل حزب دموکرات و ایجاد هیجانهای شدید سیاسی مخالفتهای زیادی را علیه خود برانگیخت . از جمله تلگرافی از آیات عظام مازندرانی (عبدالله) و خراسانی (محمد کاظم) دائر بر تبعید تقی زاده انتشار یافت . این تلگراف موجب شد بر این که عموم تصور کنند تقی زاده تکفیر شده است . متن آن حکم تلگرافی چنین است .

-۱-

تلگراف آیات عظام

از قصر [شیرین] به طهران

مقام منبع نیابت سلطنت عظمی ، حضرات حجج اسلام دامت برکاتهم ، مجلس محترم ملی ، کابینه وزارت ، سرداران اعظم .
چون ضدیت مسلک سید حسن تقی زاده که جداً تعقیب نموده است با اسلامیت مملکت و قوانین شریعت مقدسه بر خود داعیان ثابت و از مکنونات فاسده اش علناً پرده برداشته است لذا از عضویت مجلس مقدس ملی و قابلیت امانت نوعیه لازمه آن مقام منبع بالکلیه خارج و قانوناً و شرعاً منعزل است .
منعش از دخول در مجلس ملی و مداخله در امور مملکت و ملت بر عموم آقایان علماء اعلام و اولیاء امور و امناء دارالشورای کبزی و قاطبه امرا و سرداران عظام و آحاد عسا کر معظمه ملیه و طبقات ملت ایران ایدهم الله بنصره العزیز واجب و تبعیدش از مملکت ایران فوراً

لازم و اندک مسامحه و همان حرام و دشمنی با صاحب شریعت (ع).
 بجای او امین دین پرست وطن پرور و ملک خوار صحیح السلک انتخاب
 فرموده او را سفند و قائم و ملوک متناهی و به ملت شیور آذین بایجان و
 سایر اجنبیهای ایالتی و ولایتی هم این حکم الهی عزیمت را اختیار
 فرمایند و هر کس از این امر ای کنته در زمین حکم است و لا حول ولا
 قوة الا بالله العلی العظیم و بیست و نهم، قد سفند الیکم من الاشر
 عبد الله الامان و قدرانی، قد سفند الیکم من الاشر الجنان محمد کاظم
 الخراسانی، بذلک

مکتوب آیه الله مازندرانی

پس از انتشار این حکم تلگرافی، مطبوعه خراسانی ملکی در تبریز
 تقی زاده را به منظور خروج او از طهران قانع پیش تقی زاده به تبریز آمد و
 مدتی در آنجا اقامت کرد و نهایت (اولی صبح) با استانبول و متعلقاً به او وارد
 تبریز شد. در روزنامه «خل النج» مورخ ۲۸ شعبان ۱۳۰۶ (مصادره ۱۵) مکتوب
 از آقاالله مازندرانی در جواب استغاثه مرحوم حاجی محمدعلی بادامچی (ناشر
 تبریزی) و جامع به فهرست فنیبا تکثیر تقی زاده انتشار یافته است، بدین شرح:
 رقیبه مورخه ۲۹ ج ۲ که منقشه آخر آن جناب مستطاب سید
 السیاه المطام آقای آقا میر محمود سلیمانیه تالی می هم نوشته بودند
 رسید. همان طوری که جناب عالی برای بیان مطلب خودتان مقدماتی
 رسید. تلگراف مذکور از روی صورتی از آن است که در یکی از اجزای بد طبع
 شده بوده است و عکس آن در اوراق تقی زاده به دست آمده است. آورده شد.
 ۲- حاجی محمدعلی بادامچی از شرطه طلبان نامی تبریز بود. آثار
 دلیرها و انگیزش در کتب تاریخ مربوط به انقلاب تبریز دیده می شود. از
 جمله در «لیام اذربایجان و ستارخان».

نوشته بودند. خبیر هم لازم دانستم که مقدمه بنویسم.
 اول اینکه در قلع شجره خبیثه استبداد و استوار داشتن اساس
 قوی مشروطیت یک دسته مواد فاسده مملکت هم به اغراض دیگر
 داخل و با ما مساعد بودند. ماها به عرض حفظ بیعت اسلام و بیعت
 منزهت جناب ابواب تمدنی و فعال ما میانه و حاکم ما برید. بودن ظالمین در
 نفوس و اجرائش و اموال مسلمین و اجراء احکام مذهب و حفظ نظامین در
 دینیه و آنها به اغراض فاسده دیگر و... پیش مقصدین خیالی انقضای از
 مشروطیت هم بواسطه دخول همین مواد فساد در مشروطه خواجهان و از
 روی عدم تمیز این دوازم از همدیگر به وادی مضائق افتادند.
 علی کل حال، ما میانی که اداره استبدادیه سابقه طرف بود این
 اختلاف مقصد بروزی نداشت. پس از انهدام آن اداره مملوره بنامین
 مقصد علی شد. ماها استنادیم که اساس و صحیح و شالوده را بر قوام
 مذهبی که ایضاً در خلال ناپیداست استوار داریم. آنها هم در مقام
 تحصیل مرادوات خودشان به تمام قوا بر آمدند. هر چه التماس کردیم
 که دانیم یکن دین و کتیم لایحه قانونالمنادیه، برای حفظ دینهای خودشان
 هم اگر واقعاً مشروطه خواه و وطن خواه، مشروطیت ایران جز بر
 اساس قوی مذهبی ممکن نیست استوار و پایدار بنیاد به خرج رفت.
 وجود قوتون همسایه را هم در مملکت اساس کار خود دانسته اساس بنا
 را فراهم و به کمال سرعت و فعالیت در مقام اجراء مقاصد خود بر آمدند
 دوم اینکه چون مانع از پیش رفت مقاصدشان را فی الحقیقه ما
 ۱- یک کلمه به طاعت پارگی اصل روزنامه (مخالف به مسیوعه برارده
 در دانشگاه کسریج) در عکس آن بنامه و نشر اندیشه نمی شود.

که بر جانان هم خائف و چرا ابتلاها داریم. از یک طرف تکلیفات بلاد از صدمات و تعدیات و اشاعه منکران و خسارهای ادارات، شب و روزی بر ایمان گذارده. از طرف دیگر متحمل به اصلاح خرابی‌های مردمکشور و یک ناله را اگر صد کنیم هزار خرابی از جاهای دیگر پدید و واقفاناً خسته و دردمانده شده بر جان خودمان هم خائفیم .

پس از بیان این مقدمه عرض می‌شود حکمی که در باب تقوی زاده از ماها در دفتر صادر شده که متفقاً حکم کردیم. اولاً تکلیف بود که هر کس نسبت تکلیف داده کذب نمض است. بلکه حکم به هتاهد مسلمان سیاسی و منافات مسلک با اسلامیت مملکت بود. این هم به مطلبی بود که به ماها به گفتن یا نوشتن یکی دو نفر باشد، بلکه انحصاری که ... به ماها نوشته از اعضاء تشیبه مجلس و غیر هم کسانی هستند که ملت خرابی و عالم بودن آنها به مقتضای ضرورت می‌نرخس و مسلمانان آنها قطعی در نزد

تست و ما و مقوم ملت مسلم است. متابعاً هم مثل شما به اذیت و دولت حالا عدول کرده مطالب و خلافهای صادر از او که کاشف از قیام مسلک است همه باشند و اساس دارد. قطعاً و مستحقاً اصل ایمین سری طهران را با خود منقذ کرده و با رکن عدالت.

بازنده فصل از مقامات آنها که روی کاغذ زرد طبع شده بود چون جلوه گیری کردیم جمع کردند، اگر دیده بودید خیلی از این دو رفتی که مرقوم فرموده با بد نام و انگشت عبرت به دندان می‌گفتند اجناسی از خیانتهای او در این بدنت در جواب تلکراف آقایان علمای و ایمین دکر شد. ان شاء الله تعالی ملاحظه فرموده به اشتباه خودتان و مقوم ملت

در دفتر یعنی حضرت حجة الاسلام آقای آبه الله خراسانی دام تله و حقیر منحصراً دانستند از ایمین سری طهران بعض مطالب طبع و نشر شد و جلوه گیری کردیم. لهذا ایمین سری مذکور که منکر و به هتاهد بلاد شمه دارد و بهایه لشتم الله هم محققاً در آن ایمین عنونت دارد و حکماً ارامنه و یک نسخه دیگر مسلمان سوزان غیر مقید به احکام اسلام که از مسلک فاسد فرنگیان تقلید کرده اند هم داخل هستند.

از ایمین سری مذکور به شعبه‌های که در دفتر اشرف و غیر مدارد رای در آمده که فوزه ما در دفتر تا حالا که اشتداد در مقابل بود نافع و ازین به بند مضر است. باید در سلب این فوزه بگویند و میانی سری و غیر داریم در نصف اشرف منقذ می‌دید. اشخاص عوامی که به صورت طلبه محسوب می‌شوند در این شعبه داخل و به همین اغراض در نصف اشرف اقامت دارند. این گونه اشخاص طریق سلب فوزه را به نشر انگلیب حالت به کلنگه بی نهایت اوقات گرفته و در نشر اصلاح کرده است.

ظاهر این شعبه در همه جا مشغول است. تمام آنجا اشاره کرده بودیم عمل قضیه میرزا ابوالقاسم طهرانی و غیره و غیره و مکاتبه فوزه و مسئله شیروانی و غیر دلگه همه از فروع این اصل و نشر این انگلیب به دستور السل منکر و بر این مقدمات و امثال جنبامالی هم که می‌خیزد نمی‌داید زیر کسه چه نیم کسه است تلقی به قول می‌فرمائید. یکی هم نیست که ببرد که چگونه اشتداد به این نو کشفها از اشتداد بر خود ماها بیشتر شد؟

حالا که مطلب بالا گرفت مکاتبی به غیر اسباب عادی به بدست آمده

تبعیت نفوذ خودخواهندگی کنید...

دهجدهم خا ۱۳۲۶

دردبار برای من عرب ساخن ملت چاره را مشخص بر این دین
 که بعضی وسیله امکان پذیر باشد و بعضی اسم که بتواند قشون روس را
 وارد آذربایجان بیاورد، ولی نه سه روز آذربایجان بدو برسد باشد،
 بلکه بتواند کفره بخ استیضاد خود سوار سازد. و راه چاره مشخص به
 حکم کت آیات الله تعالی بفرستد بر خلاف دربار استیضاد به ایران است و
 هرگاه تاخیر درین امر شود قشون روس وارد بایرکستان میشود
 پس دشوار خواهد بود. در این باره در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۲۸
 گویا بعضی آیات الله تعالی بفرستد که در راه خود نفوذ نمایند
 حال آنکه آیات الله تعالی کار هر روز است. چه گفتن کمال اکثر مومنان
 را حافظ کرده و در میان بعضی از آنها که می دانند در کار انداختن
 انقلاباند و گفته آنان این است که آیات الله تعالی بفرستد بر خلاف با
 مجلس نموده انقلاب در مسلک اندازند و بگویند جمعی هم مسلک فتنه
 هم بیستادند که بفرستد و در میان اکثر آنها که می دانند در کار انداختن
 وسیله ممکن نبود آیات الله تعالی باید از حقیقت باور واقف ساخت.
 روسها در هفت و دوازدهم قشون خود همگی آن کار می کنند. اگر غفلت شود
 کار از کار خواهد گذشت...
 باین مراسلات پیش و منتهی نمی توانم بنام تمام منی امداد و دست
 کلمه روحانیته قائل شوم. لذا ناچارم گویم که میان رویان خود بر نشان
 تربیتان شبیهات عقیده نمودارند و ما با کمال ادب از تمام شیخ بااعت روحانی

مخبر زاده یعنی درباری نمی باشد با این همه بنسبت به عقیده مدارای چند
 قسم هست: بول بلنگ طبعی، شی کسی را پایه، دست خود تهراند دید
 دورباری بازی، سوم حرارت سر بهانه که باقی از جوانی و طبع تجربه نکل
 است.
 در این نظام قطب موعود بهمت ما بگردد است که عبارت از انداز و
 مردانگی روحانیت، این عامه بصورت استیضاد را در حق هر چه قائل تراند
 بگردد. در ای ایات الله تعالی مراسلات حدیثه می رود که به چهار درستان
 خود نفوذ شخصی نگاریم:

خلاصه مراسلات ققی زاده
 (خبره ماه به ۱۳۲۶)

بیش آمد ایران مدلل خواهد که جز به نفوذ کلمه روحانیت
 مشروطیت در اسلام پیش رفتن خواهد کرد. در ایران نظامیان توپخانه
 آیات الله تعالی را که پیشوا آزادخواهان هستند مشغول کرده و
 سایر ایات الله تعالی را در شش ماه سه روز در غایت روح و طبع تمام کنند.
 چنانچه در این مراسلات روحیه سه ساله در قیام بهر قسم می توانند
 در حق آیات الله تعالی بنمایند.

خبره ماه به ۱۳۲۶

بشخصیه بازی روسها در جهت دربار را غرضی الیرام ساختن و کار ما
 را غرض انداختن و قشون دربار آنچه، به تحقیق نوشته این است که بنظر
 وسیله بتوانند قایل بیعت را مشتبه ساخته بفرستند های غیر قومی از کار
 باز دارند و بیعت ایران در مخالفت است با دربار استیضاد. آنچه
 ممکن خواهد بود منت گشاست که عسایر بیعت با تمام اتمام اولیه خود را
 بفرستند هر چه به سلطنت استیضاد می فرستد که اگر چند سلطنت استیضاد
 با این دربار باقی ماند بخیر است. روسها تا ایران را بهمانند پتار

و از دم خردوش بوده لایغر . البته زاید برمدلول حکم آری مترتب نشود .

۴-

استفتاء از آخوند خراسانی
میچنین در شماره ۱۶ حواله شین صورت استاده از ایاله خراسانی و جواب بدان در همین موضع آمده است . بدین صورت :

حضور مقدس بندگمان حضرت مستطاب آیه الله خراسانی ارواحنا فداه

بدر عرض می رساند ، مشهورست که درباره جناب آقا سید حسن غفر زاده تبریزی حکم تکفیر صدور یافته است : آیا صحیح است یا غیره ؟ استندمای عاجز ایه آنکه حقیقت امر را مرقوم فرمائید ، امر کم مطاع .

بسم الله الرحمن الرحیم
تسبب حکم به تکفیر موقوف الیه باحقر کتف است . حرره الاشراف الجالی محمد کاظم خراسانی

اسلام استماع می نمایند که درین موضوع خاص تحقیقات ثانویه فرموده بقیین دارم و در خصوص آراء عالی سعادت گردید .

ما خود مسلک نمی زناده را بستید . هفتصد و در هیچ موع نیز مؤید از نبوده ایم . ولی چون هر مسلک تفرقه کلیه روحانیست که تکلیف به اداره دله قائل نیست و از خدایه سادگانای هم که در این مدت نموده بر حسب مسلک خود که قدرانی است چشم بر تواتر کرد بدین مختصر استخراج نامی از عقیده خرمندان در حق او خویش را ناچار دیدیم و بقیح دلام دیر بازرد همین مطالب به تمام شیخ ریاست روحانی اسلام نیز ثابت و مدلل می رسد .

لنگراف آخوند خراسانی به انگلیسی

عزای بد خط از لنگراف دیگری که آیات الله خراسانی در همین سال مدبرین کنگر مسیحیستیزان غی زاده دیده ام . این لنگراف ضمه تعلیف و در حق بر می کند . شیخ لنگراف که از قسریین به تبریز مهاجر شده بود چنین است :

از قسری (خبرین) به تبریز
نمبر ۱ - عدد کلمات ۹۸ تاریخ اصل مطلب ۱۲ میزان به تاریخ ۵ شهرشال ۱۳۲۸

جناب مستطاب شریعتدار کفایت امام تقه الاسلام آقای حاجی میرزا ابوالحسن انگلیسی دام فایده

در خصوص حکمتی که از این خادمان شرح آورده باره آقا سید حسن غفر زاده صادر شده بود مکاتبه و سؤالاتی از تبریز رسیده لازم است جناب مستطاب عالی به عموم علماء و قائله مسلمان اعلام فرمائید حکم مزبور تکفیر نبوده نسبت بر اصل است . فقط حکم به عدم جواز مداخله در امور نوعیه سلطنت و عدم یافتن عضویت مجلس مشتم علی

فناً میگردان او در تبریز، بنی اهلای فرقه و مکتوبات ابراه، نیز در تبریز
خروج اودا صورتی و تأیید و نظر لریه را علی مکتوبی که جناب الاغ و حکم
داشت به او اعلام کردند. متن این شرح که در اداره آذربایجان از تالیفات
آمد بدین صورت است :

از طرف کمیته مرکزی فرقه مذکور است :

به موجب مرقوم مشترک که در چندین پیش اقامت و سخن گفت
خود را بشود و رقبا و اگداشته بودند و در جواب اظهار شده بود که چون
مرکز فوقانی می خواهد تبدیل با تعاضلی شود، لهذا تعیین این تکالیف
را به نحو کز چندین و امی گذارید و ...
اینکه که مرکز مزبوره تشکیل و در مجلس جلسه ششم و پنجم
خود مسئله را در وقت بیعت و مینا کرده در آورده خاطر مهن ملاحظ آن
رفیق مشرک را از خلاصه و نتیجه آن جلسات مستشرق ساختند و درخواست
اجابت نیز می نمایند ...
در موقتی که این مسئله مطرح مفاخره شده نظر بدلائل چندین
که در دست بود و همچنین بوانسطة اطلاعی که از مدارل مکتوب آن
رفیق مشرک استنباط شده بود که در تبریز قواعی را تعاضلیه جای آورد
مانند آن دوست مشرک با آن حال که نمی توان اطمینان حاصل نمود
از نظر فی چنانچه در مظهر آن دیدیم محسوس کن و مقصدین روز به روز بر
شفاق و فساد خود می افزایند. حتماً و ضرورتاً چنانچه از تبریز باید
بیرون بروید که وقتش بنشین دستاورد دیگری پیدا نمائید.
رضا منتقاً در این رأی ولوم سخن گفت که منتهی به ملاحظات
عبدیه رفیقین به اسلامبول را درین موقع لازم مشوره و زیاده از حد و

خروج از ایران

پس از اینکه حکم برضاد سلک سیاستی از شاه منتشر شد، مشرک از
مجلس تقاضای سه ماه برخصی کرد و حکم مجلس بدین صورت صادر الاغ شد.
مجلس شورای ملی
مورخه ۲۸ جمادی الثانی
لیره ۱۶۷۶

جناب آقای حتی زاده دام اقباله
مشرک آن جناب که اجازه سمه ساقوت برای اصلاح مزاج
خواسته بودند به کمیسیون عرض من و شخصی رجوع کردید. کمیسیون
مزبور این اجازه را بنا کثرت تصدیق و نیز مجلس در جلسه شنبه ۲۴
شهر جمادی الاخری تصویب نمود، ولیکن مجلس شورای ملی (مجلس
امنای حسین مؤمن الملک).

● ● ●
مشرک پس از اینکه به تبریز وارد شد، باید قصد داشت در میانها بماند
تا آنها از آسیا بیایند و بظهر آن باز گردد. ولی پس از چند ماه توقف، وقتی که
جناب استغاثای حاجی محمد علی بادامچی و حاجی میرزا ابوالحسن انگلی
از طرف آفات نظام واصل گردید، در باب که دیگر راهی جز خروج از سلک
نداده. پس در تاریخ اول ذی الحجه پسوی استانبول حرکت کرد.

۱- پشت این نامه مهر خروج تأیید باقی تاریخ ۲۸ شهر جمادی الثانی
۱۳۲۸ زده شده است. عکس این سند را در جلد نهم مقالات و مقالات تالیف به چاپ
رسانیدم.

۲- این تاریخ را خود من در تاریخ کمالی ذکر کرده ام.
مشرک و من در تاریخ ۱۳۲۸ یاد کرده است.

درست نیست آنکه روحانی اسلامی در زندانی باشد که تحت امر و نظارت یک آدمی است، و فشار می آوردند که شیخ را آزاد کنند. موضوع به مجلس کشیده شد و هقی زاده پانشاری می کرد که اجرای میثاق واجب است. در این باب بین او و عطایی که فدای مجلس بودند منصرفاً شیخ حسین بزرگی مجاهد و مصعب بودگرفت. همین جریان موجب شد که عطای عضو مجلس نورانی ملی از صاحبان قشوا و طبسای مقیم نینف خواستند که نظر خود را نسبت به هقی زاده اعلام کنند. نتیجه مندر حکمی شد که پیش ازین متن آن را دیدیم.

توضیح دیگر می دهد به سید عبدالزاق (صفحه ۲۷۵) باید گفته شود این سید عبدالزاق منسکر می مشروطه طلب و آزاد فکر بود و در موفقی که هقی زاده و دهخدا و مناسکه السلطنه به حکم محمد علی شاه تبعید شده و به باکو رسیده بودند، سید عبدالزاق مذکور به همراهی علی محمد خان تربیت به آنها برخورد کرد. (خطرات هقی زاده مندرج در مجله ینسا، جلد ۲۵، صفحه ۳ و نقل شده از آلبا به مقالات هقی زاده جلد یادهم). همچنین به صفحه ۳۷۸ کتاب حاضر مراجعه شود.

۱- کسروی از این واقعه به شرح مختصر ذیل آکتها کسره است و همین القاب نامی از ملازمان مشهد به هفتی یک ملا می دیگر در دیو های ینسا بورد که را از اسامعیان یکصد ۱۰ تاریخ هفتم ساله آذر پانچان، ص ۱۲۷.

دو توضیح

در باره علت صدور حکم بر همدان مسلک سیاسی هقی زاده اطلاع دیگری که باید داده شود می آید که سالها قبل د کتر عباس زریاب خوئی از محفوظات خاطر هقی زاده ضبط کرده است و آن مربوط است به این خورد هقی زاده بافتنی گفته شد که ای اسامعیان مقیم یکی از دیو های ینسا بود که چندی قبل از بروز واقعه قتل سید عبدالله بهمانی اتفاق افتاد و شرح آن بطوری که هقی زاده گفته بوده است ازین قرار است که دو نفر از مردم اسامعیلی آن ده پس از بازگشتش از سفر حج، توسط شیخ باقر روحانی آن محل تکبیر کردند. این حکم شرعی از طرف علمای مشهد تأیید شد و قوی بر قتل آنها صادر گشت. پس شیخ باقر از خازن الملک حاکم ینسا بورد تقاضای میر هفتب کرد. اما خازن الملک پذیرفت و شیخ خود اتمام به قتل آید کرد.

این واقعه موجب شد که کسروی انگلیس در مشهد به حمایت از اسامعیان بپردازد و هقی زاده هم در مجلس موضوع را عنوان کرد و از سردار اسعد وزیر داخله خواست که شیخ باقر را مجازات کند. پس شیخ باقر را به طهران آوردند و به حسن بناختند. ولی چون رئیس نظریه در آن وقت بفرم خان بود، عطای وقت اعتراض کرد و هیچ

۲۵
۲۵

روزنامه اطلاعات

F. Joghji jorok

تقریر

تقریر
روزنامه اطلاعات
روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۵

۱۳۲۵
۲۵
۲۵

En date du 3 janvier 1910

Letter au P. Joghji
Ayed Mohamed Moafahed.
lui annonçant qu'il a été
elu garde des steam et la
seance du 27 Decembre 1909.

Raf.

یادداشت مهمی بر انتخاب سید محمد طباطبائی به عنوان مقرران لو

برونده شماره ۲۵-تقریر

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

طبقه بندی حفاظتی
مقرارش خیر

درجه فوریت

صفحه یکم	از	۲	منبع	۲ - منبع
نسخه شماره	از	۱	منشأ	۸ - منشأ
۱ - ۴	چهارم		تاریخ وقوع	۹ - تاریخ وقوع
۲ - ۳			تاریخ رسیدن خبر	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر
۳ - شماره گزارش			تاریخ رسیدن خبر برحسب منابع	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر برحسب منابع
۴ - تاریخ گزارش			ملاحظات حفاظتی	۱۲ - ملاحظات حفاظتی
۵ - پیوست				
۶ - گمرندگان خبر				

طبق

بیرد

موضوع: یاد ارتداد و ازطاص حزب زحمتکشان با دکتور نفیسی

در مشرک وی

از ساعت ۱۸۰۰ روز چهارشنبه ۸/۱۱/۸۰ حاج احمد درخشان - حاج ناصرندی - حاج احمد سلامت شریف
سید عبدالحسین زاهد الرضا حسینی - دکتور محمد رفیعیان توانینی - دکتور سید آقام میرمستاد
مسئول حزب زحمتکشان شهرستان اصفهان سرافقی جلوانی - جواد صاحب اختاری سولی الهه قدوسی
شیخ رضا جمال محمد صادق اسلامیت - مهدی محمد تقی نورانی - ابوالفضل احمدی - محمد غلامعلی بیگ
محمد علی دلیلی دینار رحمتی و بداند دکتور نفیسی بنظر وی آمدند ابتدا دکتور نفیسی در باره فوتنی زاده
صحبت نمود غلامعلی بیگند را بنحوی بیان داشت تنی زاده که بر ما استعمار خدمت کرد و بی از آنرا در فعال
سازمان فراماستری در ایران بود ولت ایران تا بد با و تفریق خواهد کرد و اینوقت دکتور نفیسی با اشاره
به غلامعلی بیگ فرمود که از جمله بحریم تنی زاده خود داری نباید بدی ولی الهه قدوسی در مورد گفتار او سو
بغداد راجع به کرد تا عراق صحبت نمود و اظهار داشت نواریکه از او بیگند او بد کرد بد شرکت ایس - ران
واد رکود نای عراق مسلم مینا بد چون گویند و داد بویگفت - هزار و پنجاه اسلحه و کتا پسران برای کودتا چقا
بضرب حرماتنه بمراق فرستاد و بران گر کاری خ با اهل عراق فرستاد و بد با اینکه بنظر او که به ریگس
عراقی جهت خدمت با اسرائیل ظاهره و سپس از بد تمام مطالبی را که از بنویز نامه دان کیهان و اطلاعات
در باره دکتور نفیسی و ارتداد او از اسلام و اسلام و ریگس سپرد دکتور نفیسی گفت اکثر اخباری که در ایران در مورد
و ولت خود بمورد بنویز گفتد شیخ رضا جمال

این سند در تاریخ ۱۳۰۶/۱۱/۸۰ در دفتر اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ثبت گردید.

در سامانه اسناد و کتابخانه ملی
شماره ثبت: ۱۳۰۶/۱۱/۸۰
تاریخ ثبت: ۱۳۰۶/۱۱/۸۰

۱۳۰-۶۶

دو اردو
از چهارده

کمیته ملی بهتراست تا موقعیکه مرخص میشوم خود را بدست این دکترها در این انصاف بسیار بشم
اگر همین دستورات بطری سیناکند را بران برای او بخش میفرماید ولی استفاده از دستورات طبسی
او را خارج از این میزند پیروی کمیته ملی بهتراست در کتباتی بیان داشت در عهد امان نادرگتسا سه
راه شاه ۲۰۰ طلب در کتروید در ارد این شمار ترا خودم کرد نام شیخ رضا فعال بیان نمود اگر در پسران
در همین دکتر پرسوهم وجود داشته باشد پس ارزش ندارند چون تمام آنها بی انصاف هستند
بعد نامورده بر نفس جنوایی یکی از افراد حزب جمعکنان شهرستان اصفهان اظهار داشت تسرار
است همین روز ها میبند میروای تعدادی درخت گان برای جنگل معنوی لایم شهرستان کسران
بفرود وین آنها را باین شهرستان حمل تمام در سرواه مویع مراجعت چند روزی هم در اصفهان خواهم
ماند مرخصی جنوایی به شیخ رضا گفت تمام رفتار اهل امان متکثر نگاه ستند در این وقت در کتباتی
بمحمد ظالمی بیک اظهار نمودند در دانشگاه تهران بدانشکاد باطیات نزد من تشریف بیاورند
با عساکر لاری دارم در کتباتی سپس یک جلد بملغ ۸۰۰۰۰ ریال بابت خرید پارچه بیاورند
حاج احمد سلامت تشریف داد در ساعت ۱۴ جلسه میروخا تهر بد برقت و افراد بت رین منزل در کتباتی
و اثره نمودند .

نشریه در عملیات ... با توجه بدستویس منبعی بدف بصحنه اشعارات و در میزان اعتماد نمود .
نشریه ۲۰ ه ۲ : نشریه در عملیات مورد تأیید می باشد بح

به
استاد عالی

سخت گیری
سازمان اطلاعات اینست کشور
س.د.د.ک

شماره
تاریخ ۴۷/۴/۳۰

از ۳۲۱

پیوست

گزارش :

درباره

محترماً * بولتن ویژه در مورد تشکیلات فراماسونری
در ایران تهیه و از عرض میگذرد تا در صورت تصویب
بدفتر ویژه اطلاعات ارسال شود .

ارسال شود

پرونده شماره ۴۷/۴/۳۰

در امر اقدامات ویژه فدراسیون تشکیلات
فراماسونری در ایران (۴۷/۴/۳۰) بدفتر ویژه
ارسال گردید

ریس
۵/۱۰

سری

-۱-



سخت وزیری
سازمان اطلاعات امنیت کشور
م. ۱۰۰۰۱۰۰۰۰

امنیت داخلی

تاریخ

شماره ۱۰۲۳۰

بولتن : —————

درباره : فهرست اسامی و تشکلات آن در ایران

این بولتن شامل ۱۲ برگ است

سری



سری

- ۲ -

فہرست مندرجات

ردیف	شرح	صفحہ
۱	سازمان	۲ الی ۹
۲	کردت و امکانات	۱۰ الی ۱۰
۳	روایت ، تبلیغات و انتشارات	۱۱ الی ۱۰
۴	میزان سود	۱۱
۵	تحولات اخیر	۱۱ الی ۱۲

... / ...

سری

سری

- ۲ -

هدف: بموجب قانون اساسی لژیون اعظم "گرانده ایران" فرانسه هدف تشکیلات فراماسونری برعالموده نوع روشی . فیلسوفی وطلب تفرس بنامده مقصودش جمجموی حقیقت . تهذیب اخلاقی وکارکردن "مستغنی کارش اصلاح امورمادی و معنوی و تکمیل توان طلبیه و مدنی عالم انسانیت شمه اش بردباری نسبت بهیکدیگر . حفظ شرف خود و سایرین . آزادی مطلق وجدان و عقیده بوده و شعارش آزادی . برابری و برادری میباشد . بدین لحاظ است که اهداف این تشکیلات بهیکدیگر برادر خطاب و خود را ملزم به حمایت و جانبداری ازهم سلکان همین میدانند .

و جمعیت گنونی تشکیلات فراماسونری در ایران:

۱- سازمان

در حال حاضر پنج طریقت فراماسونری در ایران بشن زیرملا فعالیت میکنند:
الف - لژهای وابسته به لژ بزرگ اسکاتلند (انگستان) :

(۱) - لژ اعظم ناحیه ایران (ل . ا . ن . ا) . پس از افزایش لژهای وابسته به گرانده لژ اسکاتلند در ایران و مسافرت لژده پروس (یکی از لژدها) در تمام انگستان و استاد لژ بزرگ اسکاتلند (در سال ۱۹۰۴) با ایران موضوع تشکیل لژ اعظم ناحیه ایران مورد تصویب مقامات گرانده لژ اسکاتلند واقع و جلسات این لژ که تحت عنوان ((جلسه ارتباطیه ل . ا . ن . ا)) نامیده میشود در هر سال چهار مرتبه / ...

سری

تاریخ احوال ...
در مورد ...
...
...
...

...
...
...
...
...

سری

- ۱ -

مرفوعه (خرداد - شهرزور - آذربایجان - اسفند) تشکیل میگردد. و طبقه زمین‌ساز
اداره و نظارت بر کلیه لزهای وابسته به گراندها اسکاقلند در ایران بوده و هرگونه
تصمیمی که درباره فعالیت و طرز کار لزها لازم باشد توسط نامبردگان مشروحه زیر
که اعضاء شورای این لزهاست اتخاذ میگردد:

- | | |
|-----------------------------|--|
| (الف) رئیس و نماینده ایرانی | استاد و ناظر اعظم لزها ناحیه ایران |
| (ب) مهندس حسین فتالی | تأمین مقام و استاد لزها اعظم ناحیه ایران |
| (پ) ژولیانوف | استاد و ناظر لزها اعظم ناحیه ایران در جمهوریستان |
| (ت) صالح جغتای | سرپرست و رئیس لزها اعظم ناحیه ایران |
| (ث) فتح اله خسروی | رئیس و ناظر لزها اعظم ناحیه ایران |
| (ج) مهندس طیفی اصغر مختار | نگهبان داخلی و مشیر و ناظر لزها اعظم ناحیه ایران |

ایران .

(۱) - لزهای این ایران (روشنایی در ایران که بزبان انگلیسی کار میکند)
شماره ۱۱۹۱ اس. سی، تاسیس در به ۱۹۱۹ - در بیرجان و گهرن . تعداد
تقریب اعضاء ۱۲۰ نفر. محل تشکیل جلسات کلیتاً در مسجدان و انبساط در
خیابان توام السلطنه .

(۲) - لزهای ایران . شماره ۱۰۴۱ ق. اس - تاسیس در به ۱۹۰۸
استاد مصطفی حامی . تعداد تقریب اعضاء ۲۳۰ نفر. محل تشکیل جلسات
انجمن رازی واقع در خیابان شاهراهن بخت انوشیروان داد گریهان ۶۶ .

(۳) - (۲) / ۰۰۰

سری

سری

— ۵ —

(۴) — لاکوروش . شماره ۱۵۲۴ ق . اس . اسکاٹلند . تاسیس دسامبر ۱۹۶۰ . استاد سید حسن مصطفوی نائینی . تعداد تقریبی اعضا ۱۶۰ نفر . محل تشکیل جلسات انجمن رازی .

(۵) — لزغهام . شماره ۱۵۸۵ ق . اس . اسکاٹلند . تاسیس ۱۹۶۱ صقل در کتیرتقی رسا . تعداد اعضا ۵۰ بطور تقریب ۷۰ نفر . محل تشکیل جلسات انجمن رازی .

(۶) — لژآریسا . شماره ۱۶۲۲ ق . اس . تهران . تاسیس اکتبر ۱۹۶۶ . استاد محمد مجلسی . تعداد تقریبی اعضا ۶۰ نفر . محل تشکیل جلسات انجمن رازی .

(۷) — لژواندازک . شماره ۱۶۰۸ ق . اس . اسکاٹلند . تاسیس مه ۱۹۶۷ . استاد کترمهیدی میرزا حسینی . تعداد تقریبی اعضا ۳۰ نفر . محل تشکیل جلسات انجمن رازی .

(۸) — لژسور . شماره ۱۶۲۱ ق . اس . اسکاٹلند . تاسیس ژوئن ۱۹۶۷ . استاد کترسید حسن امامی . تعداد تقریبی اعضا ۳۰ نفر . محل تشکیل جلسات انجمن رازی .

(۹) — لژاهواز . شماره ۱۶۲۷ ق . اس . تهران . تاسیس ژوئن ۱۹۶۷ . استاد علی امیرادیب محمدی . تعداد تقریبی اعضا ۲۰ نفر . محل تشکیل جلسات انجمن رازی .

(۱۰) — /۰۰۰

سری

سری

- ۶ -

- (۱۰) - لاجوردستان . شماره ۱۶۲۳ سفول نصراله آذری . تعداد تقریبی
اعضا ۲۰ نفر - محل تشکیل جلسات اهواز .
- (۱۱) - لاجوردستان . شماره ۱۶۱۰ - سفول دکتر محمد رضا پرویند . تعداد
تقریبی اعضا ۱۵ نفر - محل تشکیل جلسات اصفهان .
- محل جلسات لژیون لژیون دانشجوین انجمن طرفداران حکیم نیکبختی رازی
تشکیل و اخیراً به هیئت امین انجمن تحت همین نام جهت پوشش جلسات لژیون
خوردستان در اهواز تاسیس و آغاز کار نموده است .
- ۴ - لژیون وابسته به گزانه اهریان (سری اعظم) فرانسه :

- (۱) - لژیون ناحیه ایران . سفول دکتر سعید مالک - تعداد تقریبی اعضا
۴۵ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن اهلوی سینا (واقع در خیابان بهارستان
شماره ۴۱۰) .
- (۲) - لژیون . شماره ۴۹ - سفول سید ابوالحسن شاهی - تعداد تقریبی
اعضا ۱۲۰ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن اهلوی سینا .
- (۳) - لژیون سینا (امین سینا) - سفول دایمید و انبال کارمند سفارت
انگلیس - تعداد تقریبی اعضا ۶۰ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن اهلوی
سینا .
- (۴) - لژیون . شماره ۶۶ - دبیران ابراهیم امامی غوثی - تعداد تقریبی
اعضا ۴۰ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن اهلوی سینا .

۰۰۰ / - (۵)

سری

سری

- ۲ -

- (۵) - لژکری ، شماره ۱۰۲ - استاد غلامحسین امیری نره گزولو . تعداد تقریبی اعضا ۳۰ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن ابوظبی سینا .
- (۶) - لژمردا ، شماره ۷۹ - استاد رشاد زرم آزا - تعداد تقریبی اعضا ۳۰ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن ابوظبی سینا .
- (۷) - لژفرونی ، شماره ۶۷ - مسئول دکتر رفیعا فلاح - تعداد تقریبی اعضا ۱۵ نفر - محل تشکیل جلسات انجمن ابوظبی سینا .
- (۸) - لژالفرانس - مسئول مهتاب سرحانی مومنی - محل تشکیل جلسات انجمن ابوظبی سینا .
- (۹) - لژشخص تبریزی . مسئول اصطفیانی زاده - تعداد تقریبی اعضا ۳۵ نفر - محل تشکیل جلسات تبریز .
- (۱۰) - لژحافظ . مسئول محمد نادری - تعداد تقریبی اعضا ۱۵ نفر - محل تشکیل جلسات تبریز .
- شماره تاریخ ۲۵/۶/۷۷ جلسه ای با شرکت حدود ۴ نفر در منزل سرانشگر بازنشسته محمود میرجلالی (سناتور) تشکیل که در این جلسه اساسنامه انجمن طرفداران خواجه نصیرطوسی ، فزائی ، امیر بهمان بیرونی و سنائی (پوششکی است برای لژهای فرانسوی در جای بالا) تدوین که تاکنون فکال انجمن طرفداران خواجه نصیرطوسی به ثبت رسیده و ادعای هیئت مدیره آن بشرح زیر انتخاب گردیده اند :

(۱) سرانشگر بازنشسته محمود میرجلالی (سناتور) رئیس انجمن

(۲) دکتر / ۰۰۰

سری

سری

- ۸ -

- | | |
|-------------|---|
| مخزنانه دار | (۲) دکتر محمود ضیائی نماینده مجلس شورای ملی |
| دبیر | (۳) دکتر محمود هومن استاد دانشسرای عالی |
| عضو | (۴) دکتر ناصر گامسه وزیر معارف |
| عضو | (۵) دکتر منوچهر تسلیمی معاون وزارت اطلاعات |

ب - لژیوران چاپتر شماره ۱۰ وابسته به فراماسونری امریکا :

اولین جلسه این لژ در سال ۱۹۶۲ در محل کلوب امریکاییان تشکیل گردیده و تعداد نفرین این لژ حدود ۲۰ نفر بوده و بموجب دستور مقامات امنست سفارت امریکا اعضا این لژ از شرکت و عضویت در لژهای فراماسونری فرانسه ، آلمان و انگلستان محروم میباشند .

ت - لژهای وابسته به گراند لژ آلمان :

لژهای فراماسونری وابسته به گراند لژ آلمان که به علت رعایت حد اکثر احتیاطات حفاظتی به لژهای بسته معروف میباشند عبارتند از :

- (۱) - لژ ستاره سحر - مسئول مهندس جعفر شریف امامی .
- (۲) - لژ تاج همسند - مسئول دکتر علی امیر حکمت .
- (۳) - لژ تابان سنده - مسئول دکتر علی امیر حکمت .

ضمناً محل تشکیل جلسات لژهای موصوف در منزل دکتر علی امیر حکمت میباشد .

ث - لژهای مستقل ایران (مهر - آفتاب - صفا - وفا) :

این لژها / . . .

سری

سری

- ۶ -

این نژاد برید با همه گزارد لژاگان وابستگی داشته و سه سال قبل استقلال خود را اعلام می‌کند این استقلال ابتدا مورد موافقت گزارد لژاگان بود که در آن وقت لیکنس باید اکرانی که معتمدین جمهر شریف امانی - دکتر علی اهر حکمت - اشرف احمدی و ابوالحسن محمد با گزارد لژاگان بحمل آوردند کماکان وابستگی خود را بگزارد لژاگان اعلام نمود و نتیجه باین دلیل که موافقتنامه مذکور خلاف قوانین فرمانداری جهانی تعیین شده داد و معتمد لژاهای چهارگانه فوق الذکر از نظر نظرات ماسونین غیر لژاگونی اعلام بود لژاهای غیر نظام مشهور گردیدند . با اینگونه علاوه بر قطع ارتباطات معمولی و حذف نام این چهار لژا از اساسنامه ماسونین فرمانداری جهانی ملاقاتهای مخصوص ماسونهای جهانی نیز با اعضای لژاهای چهارگانه قطع گردید .

مناظرهای مورد بحث که در حال حاضر جلسات خود را در محل انجمن اخوت واقع در خیابان فردوسی تشکیل می‌دهند دارای مولفین بشرح زیر میباشند :

- (۱) - لژاگوس - دبیر محمد حسن تقی زاده - تعداد تقریبی اعضا ۴۲ نفر
- (۲) - لژاگتاب - دبیر محمد تقی اسکندانی - تعداد تقریبی اعضا ۳۰ نفر
- (۳) - لژاگلسا - دبیر عبداله انصاری - تعداد تقریبی اعضا ۱۵ نفر
- (۴) - لژاگوسا - دبیر نصراله (مدقارالطمان) صبا تعداد تقریبی اعضا ۳۵ نفر

۲- قدرت و امکانات

الف / ...

سری

سری

- ۱۰ -

الف - قدرت نسبی :

تعداد اعضاء و نژادهای مختلفه تشکیلات فراماسونری در ایران حدود ۱۲۰۰ نفر میباشد که از این عدد در حال حاضر ۲۲ نفر نامیده مجلس شورای ملی ۱۲ نفر سفارت ۷ نفر از هیئت وزراء شرح بیوست وبقیه از شخصیتهای مشهور و متنفذ ملکی بوده که برخی از آنان بدرجه استاد اعظم که از سطحهای متناظرین تشکیلات میباشد ارتقا یافته و سایرین در درجات : ۱ (کارآموز) درجه ۲ (کارساز) درجه ۳ (استاد) انجام وظیفه مینمایند .
ضمناً هر استاد مدت یکسال استاد اکتیو و بوده پس از یکسال بنا بر تعالیقی که از خود نشان دهد بجهت استاد پیشین که دارای درجه متنازی میباشد برگزیده میگردد .

ب - قدرت مالی :

وضع مالی تشکیلات فراماسونری در ایران که بودجه آن از طریق اخذ حق عضویت اعضاء (مبلغ پرداختی هر عضو اول پنج هزار ریال در سال میباشد) صورت میگردد بسیار خوب بوده و در برخی از جلسات متعدد بنظر ویرایش احتیاجات مسعود مالی هنگفتی جمع آوری میگردد بطوریکه اخیراً بنظر دعوت آمده ای از ماسونهای جهانی فریب پنج میلیون ریال از اعضاء اخذ گردیده است .

۳- روابط . تبلیغات و انتشارات

ماسونهای ایرانی و ماسونهای جهانی (انگلستان . فرانسه . آلمان) با یکدیگر ارتباط / ...

سری

مجلس شورای ملی
دانشگاه تهران
دفتر نشر و انتشارات
مجلس شورای ملی

سری

۳۴ واپس، تبلیغات و انتشارات

- ۱۱ -

موضوع: همکاری با سازمان های علمی (انجمن های علمی، انجمن های تخصصی و غیره)

ارضا و اعانه و اخبار و لزوم تابعه طی بولتنهای مخصوص که با علامت **X** (برگه روزگاری) مربوط به بناها مشخص میباشد جهت لزوم اطلاع (گزارشگر) اسکاگند - گزارش تهران فرانسه - گزارش لوزان (ارسال میگردد).

۱- میزان نفوذ

وجود ماسونهای مطلق و مشروطیست که برخی از جمعیتها مانند: کلوب روتاری - باشگاه لایزر و انبرکوب پراگ ماسونها موجب گردیده تا ماسون فعالیت از بنود قابل توجهی در ضمن مطلق مطلق برخوردار باشد.

۲- ماسونها

گفته میشود که پس از انجمنهای فرانکوفونی آلمان و استقلال چهارم (مهر - آنتاب - صفا - ونا) جهت عنوان مستقل طی ایران عدالت نظام و میرزا صفا بنایندگی از طرف لزوم چهارگانه به بهنگاه مارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا صهر فریب و اسکاگند ماسونها موجود در ایران که وابستگی پراگ ماسونی جهانی دارند از این اقدام جمعیت نموده و بدون هیچگونه وابستگی خارجی لژی صحت عنوان "لژی بزرگ" طی ایران "تاسیس گردید که بناها پراگ ماسونی از ماسونهای مطلق این قلمرو را تأیید معظم له واقع امور ماسونها تا این حد بنایندگان لزوم مادر که به بهنگاه مارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا صهر معرفی گردیده اند بهندس جعفر شریف امامی سرپرستی لژی بزرگ طی اسکاگند برگزیده شود.

بهار / ۰۰۰

سری

کتابخانه ماسونیه
تاریخچه ماسونها
موضوع: همکاری با سازمان های علمی (انجمن های علمی، انجمن های تخصصی و غیره)
موضوع: همکاری با سازمان های علمی (انجمن های علمی، انجمن های تخصصی و غیره)
موضوع: همکاری با سازمان های علمی (انجمن های علمی، انجمن های تخصصی و غیره)

سری

- ۱۶ -

پس از مدتی و با مرجعین مطامع اطمینان حاصل نمودند شاهنشاه آریا مهر جلالتی
مربک از کتر سمیت مالک - کریستوفر ایسوک فری و مپلند س جعفری و پد اما سی
(پترتیب نمایندگان لژهای وابسته به فرانسه . اسکا تلند و آلمان)
تشکیل و از آنجا که این لژها از نظر فواید و فواید فرا ماسونی جهانی
نیستند بدین نظر مراکز جهانی خویش هیچگونه سهمی افسان نمایندند
بدین لحاظ تصمیم گرفته می شود تا هر یک از آنها جداگانه در این مورد با مراکز
ماسونی مربوط می شود ملاحظه نمایند لیکن با توجه به قرارداد منعقد شده
در سال ۱۹۶۹ بین لژهای فرانسه . انگلیس و آلمان (بموجب
این قرارداد لژها نمی توانند به فرا ماسونی جهانی وابسته باشند که بر ماسونی
و سعادت آنها قبول داشته و از گرانده لژهای موصوف فرمان تاسیس گرفته باشند)
تاکنون استقلال این لژها را بران مورد موافقت مراکز ماسونی جهانی
قرار نگرفته است .

از طرفی چون او را اطمینان حاصل نمودند شاهنشاه آریا مهری نظر بر استقلال لژهای
ایرانی و عدم وابستگی های خارجی شرفمند و بیایته بود لذت آراگردانان لژهای
موجود را بران بین خود توافق نمودند که بجای جدا شدن از لژهای جهانی لژی
صحت عنوان " گرانده لژ ایران " تشکیل یکن از استادان اعظم ماسونی ایرانی را
بسمت استاد اعظم این گرانده لژ انتخاب نمایند که تاکنون نیز این موضوع مورد موافقت
مراکز ماسونی جهانی قرار نگرفته و این سه گرانده لژها کان کریستوفر ایسوک فری صمیم
انگلستان / . . .

سری

سری

- ۱۲ -

انگستان ریاست مقام (استاد اعظم) که از طرف سازمان فراماسونری اسکاتلند تعیین گردیده برسمیت شناخته و همچگونه قلمبری در این انتصاب نداده اند از طرف دیگر اکنون که مسئله تشکیل لژ بزرگ ملی ایران پیش آمده موضوع الحاق لژهای چهارگانه (مهر - آنتاب - صفا - وفا) به لژ ملی برخطی نمیباشد زیرا از نظر فراماسونری جهانی پذیرفتن اعضاء لژهای غیر قانونی غیر ممکن بوده مگر آنکه اعضاء این چهار لژ مستعملی شده وارد بگروه لژهای موجود در ایران پذیرفته شوند که آنهم از نظر مقررات ماسونی جهانی حداقل چهار سال وقت لازم دارد زیرا طبق این مقررات لژهای وابسته فقط به میزان سهمیه ای که برای آنها تعیین شده میتواند عضو جدید بپذیرند که با این ترتیب الحاق همه اعضاء لژهای چهارگانه بلژی بر ریاست وطن نمیباشد .

به حال این موضوع باعث شده تا بار دیگر مسئله اتحاد لژهای فراماسونری در ایران بتعمیق افتد و تا سال فعالیت ماسونی جدید (۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ مطابق سال اول مهرماه ۱۳۴۷ الی خردادماه ۱۳۴۸) لژهای فراماسونری انگلیسی ، آلمانی و فرانسوی کماکان زیر نظر لژهای جهانی خود به فعالیت ادامه دهند .

سری



اسم کشف کننده.....

تاریخ وصول..... ۱۳۳۰

تاریخ کشف..... ماه ۱۳۳۰

کشف تلگراف.....

از.....

شماره وارده.....

وزارت جنگ

ستاد ارتش

دائرة مرعوزان

Handwritten text in Persian script, including a signature and date.

Handwritten signature and date: ۱۶/۱۱/۳۰

Handwritten numbers: ۲۵۲ / ۱۶

Large handwritten flourish or signature.



گشت افکار

اسم کشته نشده

تاریخ وصول ۱۳۳۲

تاریخ کشف ۱۳۳۲

وزارت جنگ

شماره وارده ۹۵۲۹

سناد ارتش

دفتره مرمرات

بسم الله الرحمن الرحيم
 این سند در باره پیش گشته های سابق چندین است
 و در منزل آقای محمد علی محمدی گنده لند ملاقاتی شخصی ریدر افسر
 زندان کاسرین عمل می آید و در کتب حساست بیکی ریدر گنده لند
 ۱۳۳۲

۲۳۳۹
 ۳۲۴۳۱

۱۸
 ۲۵۹

۲۵۲
 ۱/۵۱

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

درجه فوریت

گزارش ممبر

- ۱ - شماره سند از به صفحه
- ۲ - از به صفحه
- ۳ - شماره گزارش هـ/۷۹/۵
- ۴ - تاریخ گزارش ۶/۴/۶۷
- ۵ - پیوست
- ۶ - گردگان خبر ۳۶۴-۳۶۱
- ۷ - منبع ۲۷۴
- ۸ - منشأ
- ۹ - تاریخ وقوع "الغیر"
- ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع ۶/۴/۶۷
- ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبرر صلیان محل ۶/۴/۶۷
- ۱۲ - ملاحظات حفاظتی

موضوع فرانگسین در تبریز حاکم / برید

از چندین پیش موسسه فرانگسین در تبریز ~~کتابخانه~~ "ظاهرا" بعنوان نگارش و نشر کتاب و اطفا "برای پیشبرد مقاصد خاص که مورد علاقه فراماسونها میباشد دست به جمع آوری و همکاری اشخاص خاص زد و در رصد تهیه کتابهای جدیدی است که از طرف این موسسه انتشار خواهد یافت.

در این عده آقای محمد چوچند نفر آخوند دیگر دیده میشوند از مدتها پیش با مسن موسسه در مرکز برای اخذ امتیاز روزنامه دوندگی میکرد و گویا اخیراً این امتیاز صادر شده و روزنامه آیندگان از طرف این موسسه انتشار خواهد یافت.

آقای هدالعلی کارنگ که از افراد مسن است که سعی میکند با همه روابط عینی داشته باشد و از افرادی است که مورد علاقه و نظر خاص آقای تقی زاده و چند نفر فراماسونری سالخورده دیگر باید دانست سالهاست متصدی موسسه فرانگسین در تبریز بوده و بازرنگی مخصوص خود در تمام کمیسیونها و کارهای مطبوعاتی و فرهنگی خود راجا میکند و هم اکنون کلیه کتابها از طرف اشخاص منتشر میشود باید بانظر ایشان باشد.

(رونوشت مطابق اصل است)

۶۴

۴۱۷-۴۱
۳

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۹

شماره ۱۴۸۴۹۹۱

پیوست ۱

نخست وزیر

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

مطف بنامه شماره ۲۰۵۵ - ۳۵/۷/۸ فرمان انتصاب جناب
آقای سید حسن تقی زاده رئیس مجلس سنا بعنوان دانشمند
عالی مقام بعضویت رسمی نورای عالی فرهنگ برای توشیح بصره
مبارک ملوکانه تلوا ارسال میگردد.

نخست وزیر

ترشح وقت

۱۳۸۷/۷/۲۹

۱۳۸۷/۷/۲۹
۱۴۸۴۹۹۱

حسین تفتی زار

سلسله گفتار آدیوبیک زیر عنوان "چا سوسان
وعمال سیاسی آلمان غربی در ایران
۲۲۱ بخش نارس زادیونیت ایران سازمان
۴۸/۱۰/۱۵ -

نخستین شبکه فرا ما سونری تابع آلمان غربی در ایران هفدهم بهمن ماه ۱۳۲۸ تشکیل
شد. حسین علاء که در اواخر عمر خود وزیر دربار بود و طی سالها در آزیمی ازارگان
هیئت‌ها که ایران را تشکیل میداد در مصاحبه‌های با مولف کتاب "فرا نوشخانه" و
فرا ما سونری در ایران چنین میگوید: از طرف چند نفر از شخصیت‌های قابل اعتماد
فرا ما سون پیشنهادهای تاسیس لری که با فرانسه بستگی نداشته باشد عنوان شد
بعد از انیکه شش نفر از استادان ما سونیزم ایران با هم برای تاسیس لریهای آلمان
غربی در ایران توافق کردند با آنها هم عهد شد و فعالیتش را که متسافانه نمیتوانم
جزئیات آنرا افشا کنم و یا نامها در آنم را بگویم آغاز کردیم. حسین علاء و شخصیت‌های
قابل اعتماد وی به چه فعالیت مشکوکی در شبکه مشغول بودند که اوجا ضرر نیست

۴۱۷۰۴۹
۴۹

بزرگم تقی زار
۴

۲

۴

نامهای از سید حسن شهزاده، به حسن مکی، او در این نامه از خود دفاع کرده.

بیچینی کرده، خدمت خباثینگی مشرف خواهر کردید

۷ مرداد سنه ۱۳۲۸ هجری قمری

دکتر عزیزم
بهر از نطق خدا حافظی روز دوشنبه در آن
از عیبی شورای ملی ایران که خباثینگی کشیدند و لانه قدیم من بود
و در آن قدم قصود نه چشم دیگر لب یعنی گنجشک و معاصران که در آن
مکتب کفن حله سجا و غیر حرف آقا که شایان بمن و نسبتها من
اسکن داشتند و نه طقت اهل آن مسلک شمر را ناچار کرد که در خانه
عبد بار چند کلاه و فرنگ و در آن فرقی در قافای خمر کشی خود در
مقابل خدا و بهر آن ملت حقیقی را که بنا ظاهر کردید
با کوهنفت تمام فقرات عالم کرم در ایم بهر آن آن سال ضعیفی
بر نفا لاری شده و ک نیت مزاج مجال نداد که در مکتب روز به روز
حاضر نشوم از آنرا که در مکتب بر جمع بود که نیت کشی ناید
فقط ۳ ساعت بهر بودگیله روز نماند و کلاً حالت کار آید
ستم و کوشید ساعت ۶ به کوچه دور افتاد در موسی که کوشید

انزوانی است که سید سلطع میزند و شب می کشید میوه روز ناز
یکدم که در آن ناز که در مکتب عصر روز که کشید (نیمه بهار نزدیک)
سلطع ششم در قرأت بیانات خباثینگی و دفاع که به شرافت
چو انزوی از مکتب مکتب غار غروب خورمان از همین با نجات
عوض کش که خالصه قلبی نتوانستم فرود آید کم و راست مکتبم باطل
نمود از دولت تا جو انزوان بنام کار کم خداوند خوارا یا انوار
ما در بهر توفیقها بنویس من مستحکم بودم و نه تنها درین مورد بخوش
عنه مکتب در تمام عزم بودم فردی سالی که کشید از مقام عصبی که مار
حق او نیاید درین قاطع کاصحی که برای مکتب شریفان مکتب است حیثی
بودم ام و اگر کشیدای که کشم خیر اختیار می و غیر مکتبی و بهر دن میرم
و بهر دن مکتب هیچ نفع مادی یا معنوی نمی بود است لذا با نیت
منا سالی که معنی دفاع از حقیقت و حالصانه و توجیه الی بود آن
بر دل بر ملا کشید من پاشیده و در مقابل حلالی که کشید آنرا
صاحب نظر آن بایم اند است استیجاری مکتبی بود خود کشید
خالصه مکتبی را در چند کلاه هر چند زود تر که خواست فرست آن
دکتر گرامی که از وی فقط خاطر مای خوب و از انصاف و بهر وقت
و حقیقت جونی بهر معنی که آن یادگار مکتبی دارم بر کلام
سید حسن مکی را

عكس ها



سیدحسین تقی‌زاده در دوران مشروطیت



تقی زاده در جمع همفکرانش



تقی زاده در دوران جوانی



تقی زاده در لباس طلبگی



تقی زاده در یک بازدید تفریحی به اتفاق دوستان



تقی زاده در کنار دوستان و همفکرانش



سیدحسین تقی‌زاده در حضور مهندس عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی



سیدحسین تقی‌زاده در حضور شاه



سیدحسن تقی‌زاده



سیدحسن تقی‌زاده



تقی زاده به اتفاق دوستان و همکاران



سیدحسین تقی زاده در حضور شاه



تقی زاده در یک مهمانی رسمی



سیدحسن تقی‌زاده



سیدحسن تقی‌زاده در دوران کهنولت



سید حسن تقی‌زاده به اتفاق همسر آلمانش



تقی‌زاده در یک مراسم رسمی



تقی‌زاده در یک مهمانی رسمی



تقی‌زاده در حال صحبت با محسن صدر (صدرالاشرف)



تقی‌زاده در یک جلسه رسمی



سید حسن تقی زاده در مکه مکرمه



تشییع جنازه تقی زاده



تشییع جنازه تقی زاده